

معرفت اقتصاد اسلام

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

اعضای هیئت تحریریه	نمایه در ISC
حمید ابریشمی	
استاد اقتصاد دانشگاه تهران	
پرویز دودی	
استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی و مدیر گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	
مسعود درخشان	
دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی	
فرهاد رهبر	
دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران	
حسن سبحانی	
استاد اقتصاد دانشگاه تهران	
غلامرضا مصباحی مقدم	
دانشیار اقتصاد اسلامی دانشگاه امام صادق	
الیاس نادران	
دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران	
حسن آقا نظری	
استاد اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و عضو شورای علمی گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	
سیدمحمدکاظم رجایی	
دانشیار اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	
محمدجمال خلیلیان اشکنری	
دانشیار اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	
نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - اداره کل نشریات تخصصی تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۶ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵) پیامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳ صندوق پستی ۳۷۱۶۵-۱۸۶	
www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir	
فروشگاه اینترنتی: http://eshop.iki.ac.ir	

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوی که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.

۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

- الف - ارائه کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود..

مدیر مسئول

محمدجواد توکلی

سردبیر

حسن آقا نظری

مدیر اجرایی

امیرحسین نیک‌پور

صفحه آرا

محمد ایلاقی حسینی

ناظر چاپ

حمید خانی

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

تعامل نرخ بهره پولی و رشد اقتصادی / ۵

رحیم دلالی اصفهانی / کچه اسماعیل محمدی

جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی / ۲۹

نصرالله خلیلی تیرتاشی

نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی / ۴۹

محمدتقی نظربور / کچه یحیی لطفی نیا

شاخص بانکداری اسلامی / ۷۱

محمدجواد توکلی / کچه عبدالخالق کریمی

روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛ از نگاهی دیگر / ۹۵

عبدالحمید معرفی محمدی

تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی / ۱۱۹

سیدعلی حسینی

حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی راهکاری بهینه برای هدایت و ... / ۱۴۳

سیدعباس موسویان / کچه علی راه‌نشین

الملخص / ۱۶۵

۱۷۸ / Abstract

۱. مقدمه

مسائل مربوط به نرخ بهره، همواره یکی از بحث انگیزترین مسائل اقتصادی مربوط به جوامع بشری بوده است. در این زمینه مباحث بسیار زیادی وجود دارد که اقتصاددانان را بر آن داشته تا علاوه بر انجام تحقیقات بسیار وسیع و عمیق، به بحث و جدل در پی اثبات نتایج به دست آمده از تحقیقات خود بپردازند. در این مطالعه، تلاش شده است، بررسی جامع‌تری نسبت به نقش نرخ بهره در اقتصاد انجام شود.

از آنجاکه نرخ بهره و تغییرات آن، تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی دارد، به‌عنوان یکی از متغیرهای سیاست‌گذاری در اقتصاد کلان مطرح بوده و توجه بسیاری از کارگزاران اقتصادی را به خود جلب نموده است. از سوی دیگر، عوامل بسیاری در تغییرات نرخ بهره تأثیرگذار است. از این رو، نرخ بهره به‌عنوان یکی از عوامل ثبات و رشد اقتصادی کشورها تبدیل شده است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری به طور مستقیم و غیرمستقیم، در ارتباط با نرخ بهره انجام شده است.

در این پژوهش‌ها، در اکثر موارد به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش نرخ بهره، می‌تواند آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی در پی داشته باشد و کمتر کسی با اصل کاهش نرخ بهره و همگرایی آن به صفر و یا نزدیک صفر مخالفت کرده است. امروزه، بی‌ثباتی اقتصادی و مالی نقش مهمی در روند توسعه کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. یکی از جالب‌ترین منشأ بی‌ثباتی مالی در اقتصاد، نوسانات شدید متغیرهای قیمتی و پولی در حوزه اقتصاد کلان است. از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در مجموعه متغیرهای اقتصادی، نرخ بهره است و بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی مانند کینز معتقدند: نظام بهره منبع و عامل اساسی بی‌ثباتی مالی در یک اقتصاد محسوب می‌شود (ر.ک: کینز، ۱۳۴۸).

از آنجاکه نرخ بهره در جهت‌دهی متغیرهای کلان اقتصادی نقش برجسته دارد، از ابتدای شکل‌گیری علم اقتصاد، مباحث گسترده‌ای میان اقتصاددانان مطرح شده است. اهمیت نرخ بهره از این جهت که در رفتار بازار پولی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و نرخ رشد اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد. در این مقاله مفهوم بهره را بررسی، سپس از طریق مدل ریاضی و تخمین آن، تأثیر بهره بر رشد اقتصادی مورد بازکاوی قرار خواهیم داد.

۲. مفهوم بهره

درباره بهره و نرخ آن، اختلاف نظر بسیاری میان اقتصاددانان وجود دارد. گاهی، بهره را هزینه استفاده از پول تعریف کرده‌اند، زمانی آن را درآمد حاصل از سرمایه دانسته‌اند. بعضی نیز آن را پاداش امساک تلقی کرده، عده‌ای آن را مزد انتظار. از این رو، پیش از بررسی نظریات تاریخی مختلف در باب بهره، توضیحی مختصر در مفهوم «بهره» از نظر اقتصاددانان ضروری است.

تعامل نرخ بهره پولی و رشد اقتصادی

dallali@ase.ui.ac.ir
es.mohammady@yahoo.com

رحیم دلالی اصفهانی / دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان
اسماعیل محمدی / مربی دانشگاه المهدی - اصفهان
دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۶

چکیده

در تاریخ اندیشه اقتصادی، مسائل مربوط به نرخ بهره، از جمله بحث انگیزترین مسائل اقتصادی بوده است. اقتصاددانان در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ در این میان، بررسی تعامل نرخ بهره و رشد اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فرضیه مقاله این است که بین نرخ ترجیح زمانی و نرخ رشد اقتصادی و به تبع، بین نرخ بهره پولی و نرخ رشد رابطه منفی وجود دارد. برای آزمون این فرضیه، ابتدا مدلی ریاضی جهت سنجش رابطه این دو متغیر ارائه شده است. در ادامه، رابطه نرخ بهره پولی و نرخ رشد در اقتصاد ایران، طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۱، با استفاده از نرم‌افزار لیزرل بررسی شده است. در این بررسی، نرخ سود تسهیلات به عنوان جایگزین نرخ بهره پولی بین سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۲ در نظر گرفته شده است. یافته‌های تحقیق ضمن تایید فرضیه تحقیق، نشان می‌دهد که نرخ ترجیح زمانی و به تبع، نرخ بهره پولی طی دوره مورد بررسی تأثیری منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

کلیدواژه‌ها: نرخ بهره پولی، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، نرخ ترجیح زمانی، لیزرل.

طبقه‌بندی JEL: P4, E43, O42.

دسترنج کارگران است و باید به آنها تعلق گیرد. از این رو، بهره چیزی جز چپاول دسترنج کارگران نیست. در تئوری بهره فیشر (۱۹۳۰)، مفهوم نسبتاً کاملی از بهره ارائه شده است. فیشر بیان می‌کند، بهره ارزشی است که ارزیابی جامعه در مورد یک واحد درآمد حاضر، در مقابل درآمد آتی، معمولاً یک سال بعد، ایجاد می‌شود.

در اوائل قرن بیستم، *آلفرد مارشال* (۱۹۳۲) معتقد بود که بهره پاداش مصرف نکردن است؛ زیرا بهره در مقابل پس انداز مطرح می‌شود. و پس انداز آنگاه بوجود می‌آید که از مصرف چشم پوشی شود. هر وقت که پول قرض داده می‌شود، مصرف به تعویق می‌افتد و بهره پاداش انتظار است. تئوری *مارشال*، بهره را برای یک اقتصاد ضروری می‌داند؛ زیرا معتقد بود که بوسیله بهره می‌توان مردم را به عدم مصرف حال و پس انداز بیشتر تشویق کرد و انتظار برای مصرف آینده را گسترش داد (ر.ک: تواناییان فرد، ۱۳۵۷).

بنابراین، نرخ بهره وجود دارد؛ زیرا سرمایه کالای کمیاب است، لازم است اشخاص اقتصادی این کمبایی را در تصمیمات در نظر بگیرند، و از حیف و میل این عامل اجتناب ورزند.

۳. پیشینه بحث نرخ بهره

تاکنون پژوهش‌های بسیاری به طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با نرخ بهره انجام شده است. ارتباط بین نرخ بهره و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله رشد و توسعه اقتصادی، تورم، سرمایه‌گذاری، و پس‌انداز، در بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعاتی که در زمینه رابطه نرخ بهره و متغیرهای کلان اقتصادی، صورت گرفته، بسیار است، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

مطالعات داخلی

کهزادی و نوفرستی (۱۳۸۴)، در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی اثر تغییرات نرخ سود بر تورم»، کشش سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به نرخ سود تسهیلات بانکی را توسط الگوی بلندمدت و الگوی تصحیح خطا در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۲ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل، حاکی از آن است که هرچند نرخ سود تسهیلات بانکی در بلندمدت و کوتاه مدت، تورم را به نحو معنی‌داری تحت تاثیر قرار می‌دهد، ولی مقدار تأثیرگذاری آن بسیار اندک است. از این رو، علی‌رغم وجود ارتباط معنی‌دار بین نرخ سود و تورم، کاهش نرخ سود به عنوان یک ابزار سیاستی، برای کنترل و کاهش تورم پیشنهاد نمی‌گردد.

پژویان و دوانی (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای آثار تغییر نرخ بهره بر متغیرهای واقعی اقتصاد و حساسیت

«بهره» پدیده‌ای است اقتصادی که از دوران پیش از میلاد مسیح در زندگی اقتصادی بشر وجود داشته و عقاید فلسفی و مذهبی بسیاری در ذم آن مطرح شده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که حتی پیش از پدید آمدن پول به‌عنوان وسیله مبادله، نوعی نظام اعتبار و وام در جامعه بشری وجود داشته است. برای نرخ بهره تعاریف متعددی ارائه شده است. در جامعه کشاورزی آن زمان، هرگاه کسی به کالایی مانند بذر نیاز داشت، از کشاورز دیگری که بذر مازاد داشت، وام می‌گرفت و در زمان باز پرداخت، با افزودن مقداری بر آن باز پس می‌داد. تعبیری که برای درآمد بهره در ادبیات نخستین به کار می‌رفته، این بود که بهره نزول خواری نیز نوع خاصی از بهره قراردادی است؛ یعنی بهره بیشتر از حداکثر میزانی است که قوانین مربوط به انواع مختلف قرض معین کرده است. به تدریج، در مقابل مفهوم بهره قراردادی، مفهوم جدیدی معرفی شد که بر درآمد حاصل از سرمایه و از جمله پول، مادامی که سرمایه در دست صاحب خود است، دلالت دارد. این درآمد، «بهره طبیعی» نام می‌گیرد (ر.ک: بوم باورک، ۱۸۸۸). بدین ترتیب، قرن‌ها طول کشید که مفهوم «بهره طبیعی»، جای تصور قبلی یعنی بهره قراردادی را در ذهن اندیشمندان باز کند. برای نمونه، در نظریات فیزیوکرات‌ها، علت وجودی بهره، نرخ بازده زمین و سایر منابع طبیعی است. در نظریه‌های مولدیت، علت وجودی بهره، نیروی مولدی است که در سرمایه وجود دارد. از این رو، بهره را قیمت خدمات مولد سرمایه معرفی می‌کنند.

اما کسانی که به اقتصاددانان کلاسیک شهرت یافتند، همه این گونه نظرات را نادیده انگاشتند و بهره را پدیده‌ای چنان واقعی در نظر گرفتند که بدون وجود آن، زندگی اقتصادی بشر استمرار نمی‌یابد. در این خصوص سرمشقی ارائه کردند که بیشتر اقتصاددانان پیرو آنها، یعنی نئوکلاسیک‌ها و حتی اقتصاددانان جدید موسوم به پولیون و نیز نئوکلاسیک‌های جدید، بدون بحث و گفتگوی زیادی آن را پذیرفتند و آن را مبنای نظرات اقتصادی خود قرار دادند. به نظر این مکتب، بهره، پاداش صرف‌نظر کردن از پول نقد برای مدت زمانی معین و به تأخیر انداختن مصرف یا پس‌انداز است. نرخ بهره، عکس رابطه موجود بین یک مبلغ پول و آن چیزی است که در مقابل واگذاری تصرف آزادانه این مبلغ برای مدتی معین، به عنوان یک طلب می‌توان به دست آورد.

کینز بهره را پاداش صرف‌نظر کردن از نقدینگی، یا به تأخیر انداختن قدرت خرید تلقی می‌کند. نرخ بهره، میزان اکراه دارندگان پول را از صرف‌نظر کردن از قدرت بی‌قید و شرط تصرف آن، نشان می‌دهد، یعنی قیمتی است که بیانگر میزان میل به داشتن ثروت به صورت پول نقد است (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶). در نظریه امساک، علت وجودی بهره، خودداری و امساک صاحب سرمایه است. در نظریه سوسیالیست‌ها، سرمایه ابزار تولید است. هر محصولی که به کمک آن ایجاد می‌شود، حاصل کار و

سرمایه‌گذاری را در واکنش به نرخ سود بانکی تحلیل کرده‌اند. در این مقاله، از یک مدل سیستم همزمان استفاده شده که با الهام از مدل پولی سنت لوئیس و مدل فرای، آثار تغییرات نرخ سود سپرده را بر سرمایه‌گذاری و آثار متغیرهایی نظیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بدهی خارجی و نرخ ارز را بر متغیرهای واقعی اقتصاد مورد آزمون قرار می‌دهد. در این الگو، نرخ سود سپرده بر سرمایه‌گذاری و سایر متغیرهای واقعی اقتصاد از دو طریق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در روش اول، نرخ سود سپرده با تغییر در نرخ بهره بازار، سبب تغییر سرمایه‌گذاری و سایر متغیرهای واقعی اقتصاد می‌گردد. در روش دوم، در اثر تغییر نرخ سود سپرده، حجم سرمایه‌گذاری مردم در نظام بانکی دستخوش تغییر می‌گردد. با توجه به این که سقف اعتبارات پرداختی نظام بانکی و سهمیه‌بندی آن، مطابق حجم منابع بانکی تعیین می‌گردد، گسترش اعتبارات و افزایش سرمایه‌گذاری را به همراه خواهد داشت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد چنان‌که دولت با رعایت توالی آزادسازی اقدام به افزایش نرخ بهره بازار رسمی نماید، نرخ بهره به سمت تعادل حرکت می‌کند و ضمن کاهش شکاف، زمینه گسترش اعتبارات نظام بانکی و افزایش سرمایه‌گذاری از محل این اعتبارات را فراهم می‌آورد. در نتیجه، شکاف بین دو نرخ بهره بازار رسمی و غیررسمی کاهش یافته، موجبات افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید نیز فراهم می‌گردد.

باصری (۱۳۸۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تاثیر تغییر نرخ سود سپرده‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی»، بر اساس رویکردی تجربی، اصلاحات مالی مورد نیاز برای گسترش و تعمیق سرمایه‌گذاری و کارآمد کردن بازارهای مالی را مورد تأکید قرار می‌دهد. فرضیه اساسی این مطالعه این است که تنها تغییر نرخ سود سپرده‌ها در اقتصاد ایران، بدون انجام اصلاحات وسیع در بازارهای مالی و افزایش کارایی نظام بانکی ناممکن است؛ زیرا انعطاف‌پذیری بازار مالی موجب می‌شود، واکنش متغیرهای کلان اقتصادی در برابر چنین تغییراتی ضعیف باشد. برای اثبات این موضوع، ارتباط میان نرخ سود بانکی به عنوان یکی از متغیرهای بازار مالی با متغیرهای تولید، سرمایه‌گذاری، تورم و حجم سپرده‌ها، با استفاده از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL: Auto Regressive Distributed Lag) بررسی و تحلیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری در بلندمدت، نسبت به واکنش نرخ سود سپرده‌های واقعی در دوره زمانی ۱۳۵۲-۷۹، تغییرات ضعیف، اما معنی داری از خود بروز می‌دهد. افزایش در نرخ این متغیر در اقتصاد ایران، موجب بی‌ثباتی اقتصادی در قالب ایجاد تورم، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش میزان رشد اقتصادی می‌شود.

کميجانی (۱۳۷۴)، معتقد است: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تابع نرخ تورم و نرخ سود تسهیلات بانکی به شکل وزنی است. در الگوی وی، ارتباط میان نرخ بهره و سرمایه‌گذاری بخش

خصوصی منفی است، اما ضریب این متغیر از نظر آماری در دوره ۷۰-۱۳۵۳، تفاوت معنی داری از صفر ندارد. کميجانی متذکر می‌شود، در ایران حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره پایین بوده، و این مسئله بیشتر ناشی از بالا بودن ریسک و ناطمینانی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است.

مطالعات خارجی

بابا و همکارانش (۲۰۰۵)، در مقاله خود آثار سیاست پولی بانک ژاپن را، که در سال‌های اخیر سیاست‌های نرخ بهره صفر (ZIRP) و سیاست تسهیل مقداری پول (QMEP) بوده است، بر پاداش ریسک تقاضا شده از سوی بانک‌های ژاپنی در بازار پولی را مطالعه کرده است. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۴ بوده است. بر اساس یافته‌های آنها، با در پیش گرفتن این دو سیاست، نه تنها نرخ بهره پولی بازار، بلکه پراکندگی نرخ‌های بهره بین بانک‌ها نیز به صفر نزدیک می‌شود.

اودا و ناگاتا (۲۰۰۵)، درباره اثرگذاری سیاست پولی ژاپن و کران پایین نرخ بهره اسمی صفر، تحقیق کردند. آنها یک مدل ساختاری را که ترکیبی از منحنی‌های IS و AS است، با در نظر گرفتن هر دو نوع بنگاه‌های آینده نگر و گذشته نگر، تخمین زدند. نتایج نشان می‌دهد، وقتی سیاست پولی (به منظور حداقل کردن هزینه اجتماعی) بهترین باشد، صفر بودن نرخ بهره محدودیتی برای این سیاست خواهد بود. از این رو، برای حذف این محدودیت، باید یک الزام سیاستی به سیاست پولی اضافه شود. این الزام، اگر سیاست ضد تورمی در پیش گرفته شد، سیاست نرخ بهره صفر، تا زمانی که نرخ تورم بیشتر از سطح تعادلی شود، ادامه یابد. اما اگر اجرای این الزام، متناسب با شرایط اقتصادی باشد، آنگاه چنین سیاستی تأثیرگذار خواهد بود.

اودا و یودا (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای به بررسی آثار سیاست پولی نرخ بهره اسمی صفر (ZIRP) و سیاست تسهیل مقداری پول (QMEP) در ژاپن، بر نرخ بهره بلندمدت و میان‌مدت در طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۵، با استفاده از رویکرد کلان مالی و ترکیب تخمین‌های یک مدل کلان ساختاری و از طریق عوامل تغییر زمانی برای منحنی بازده، که در بازار مشاهده می‌شود، پرداختند. نتایج حاکی از این بود که سیاست پولی بانک ژاپن، که از سال ۱۹۹۹ بر پایه نرخ بهره صفر عمل کرده است، موجب کاهش نرخ بهره بلندمدت و میان‌مدت شده است.

اوانز و لویس (۱۹۹۵)، آثار نرخ بهره را بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار داده‌اند و نشان داده‌اند که در بلندمدت، نرخ بهره از تورم انتظاری متأثر می‌شود، اما این تأثیر رابطه‌ای متناسب و یک به یک نیست، بلکه تغییرات نرخ بهره کمتر از تغییرات نرخ تورم انتظاری است.

۴. آثار نرخ بهره پولی در اقتصاد

بحث‌های بسیاری در مورد نرخ بهره، فلسفه وجودی و ارتباط با متغیرهای اقتصادی مطرح شده است. نرخ بهره، همواره به عنوان عاملی تأثیرگذار در اقتصاد مطرح بوده و مسائل مرتبط با آن، دغدغه ذهنی بسیاری از اقتصاددانان به شمار می‌آید. بررسی‌ها و تحقیقات پرشماری منجر به نظریه‌های مختلف راجع به این عامل تأثیرگذار در اقتصاد شده است. نرخ بهره از طریق محدود کردن سطح اشتغال، ایجاد تورم و تأثیر منفی بر بهینه بودن تخصیص منابع، ایجاد نااطمینانی و بی‌ثباتی و جلوگیری از رسیدن اقتصاد به وضعیت تعادل پایدار بر اقتصاد اثر گذار است. کینز معتقد است: نرخ بهره پولی نقش ویژه‌ای در محدود کردن سطح اشتغال ایفا می‌کند (کینز، ۱۳۴۸، ص ۲۵۹).

کینز می‌گوید:

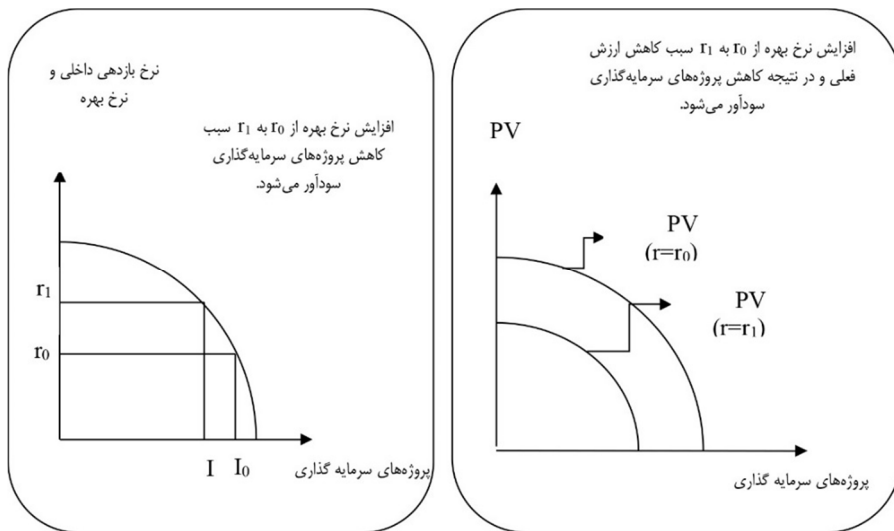
توضیح این امر که دنیا پس از چندین هزار سال پس‌انداز مداوم و انفرادی، آنقدر در دارایی‌های سرمایه‌ای متراکم فقیر است، به عقیده ما، نه مربوط به تمایلات محتاطانه بشر و نه مربوط به انهدام حاصل از جنگ بوده، بلکه ناشی از جواز نقدینه زیادی است که قبلاً برای مالکیت زمین و اکنون برای پول قابل می‌باشند (همان، ص ۲۸۰).

توین (۱۹۶۷)، در نظریه رشد پولی خود بیان می‌کند، تا زمانی که نرخ بهره پولی بزرگتر از صفر است، تمام آنچه در نظام اقتصادی پس‌انداز می‌شود، به سرمایه‌گذاری تبدیل نخواهد شد. فریدمن (۱۹۶۹)، لازمه به کار گرفتن یک قاعده رشد پولی که منجر به تورم نشود، را شرایطی می‌داند که در آن، نرخ بهره پولی درست برابر صفر باشد. موریس آله معتقد است: برای این‌که تخصیص بهینه منابع به بهینه‌بودن نائل شود، باید نرخ بهره پولی صفر باشد (بخشی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

برای بررسی اثر نرخ بهره پولی بر سرمایه‌گذاری، می‌توان از دو معیار انتخاب پروژه‌های اقتصادی، ارزش فعلی و کارایی نهایی سرمایه استفاده کرد. معیار ارزش فعلی در انتخاب پروژه سرمایه‌گذاری، حداکثر کردن سودها، معادل با حداکثر کردن ارزش فعلی تمامی دریافتی‌های خالص، از انجام یک پروژه در سال‌های آتی است. حال هرچه نرخ بهره بیشتر باشد، ارزش فعلی دریافتی‌های خالص کاهش یافته، در نتیجه بخشی از پروژه‌ها سودآوری و امکان اقتصادی سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهند. معیار کارایی نهایی سرمایه‌گذاری نیز سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که نرخ بهره پولی، بیش از بهره کارایی نهایی آنها باشد، اقتصادی نیست (شکل ۱). از این‌رو، کینز معتقد است: «نرخ بهره پولی مبنایی می‌گذارد که کارایی نهایی سرمایه‌ای فقط تا آن حد می‌تواند کاهش یابد (کینز، ۱۳۴۸، ص ۲۵۹) و آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی که بازدهی مورد انتظار پایین‌تری نسبت به نرخ بهره دارند، انجام نخواهند

شد. بنابراین، بخشی از سرمایه‌گذاری که موجب جذب نیروی کار بیشتری می‌شود، هرگز انجام نمی‌شود. در نتیجه، سطح اشتغال محدود می‌شود. همچنین هنگامی که نرخ بهره پولی بزرگتر از صفر است، همه آنچه در سیستم پس‌انداز می‌شود، سرمایه‌گذاری نخواهد شد؛ زیرا بخشی از پس‌اندازها به مانده‌های پولی اختصاص خواهد یافت. نتیجه حاصل از این پدیده، انباشت طلایی کمتر و به دنبال آن نرخ رشد پایین‌تر است. همچنین با افزایش نرخ بهره، فریبندگی کاهش مصرف حال افزون شده، منابع بیشتری به امید آینده‌ای بهتر، به سوی فعالیت‌های سفته‌بازی کانالیزه و شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری سوق داده می‌شود (بخشی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

شکل (۱): تأثیر نرخ بهره پولی بر ارزش فعلی نرخ بهره کارایی نهایی سرمایه و سرمایه‌گذاری



نرخ بهره پولی از این جهت هم اهمیت دارد که پول استاندارد و واحد سنجش اکثر کالاها و متغیرهای اقتصادی است. به هم خوردن ارزش پول، ارزش کالاها و متغیرهای اقتصادی را به هم می‌زند. برای نمونه، اگر اندازه یک استاندارد (واحد سنجش)، مانند متر (مثلاً اندازه یک متر از ۱/۴۵۰۰۰ خط استوا به ۱/۲۰۰۰۰ خط استوا افزایش یابد)، یا ساعت (مثلاً یک ساعت از ۱/۲۴ طول شبانه روز، به ۱/۵۰ طول شبانه روز کاهش یابد)، تغییر یابد، اندازه همه چیز تغییر می‌یابد. حال اگر این استانداردها بطور مداوم در حال تغییر باشند، رعایت هیچ اصل و قاعده‌ای امکان ندارد و همه چیز به هم می‌ریزد. وجود نرخ بهره پولی به طور کامل چنین حالتی دارد؛ زیرا وجود نرخ بهره پولی، به معنای به هم خوردن ارزش پول است.

$$h = h_y + h_p$$

فناوری (P)، می‌تواند به وسیله سرمایه انسانی، که در زمینه تحقیق و توسعه اشتغال دارد، ایجاد شود.

$$\frac{dP}{P} = \theta h p$$

در اینجا ضریب (θ)، احتمال موفقیت در تحقیقات است. فناوری در این مدل از مجموعه نامحدودی طرح‌های سرمایه‌گذاری تشکیل شده است. $\{x_1, x_2, \dots\}$

$$Y = h_Y^\alpha L^\beta (x_1^{1-\alpha-\beta} + x_2^{1-\alpha-\beta} + \dots)$$

در مدل L، نیروی کار غیر ماهر است. برای سادگی، رومر فرض می‌کند که طرح‌های سرمایه‌گذاری xi جمع پذیر بوده و شاخص طرح i یک متغیر پیوسته باشد. در این صورت، تابع تولید به صورتی که در صفحه بعد آمده می‌باشد.

$$Y = h_Y^\alpha L^\beta \int_0^P x(i)^{1-\alpha-\beta} di$$

از آنجا که همه $x(i)$ ها، به طور قرینه در تابع انتگرال وارد شده‌اند، می‌توان یک سطح مشترک مانند \bar{X} برای همه $x(i)$ ها در نظر گرفت. بنابراین،

$$\int_0^P x(i)^{1-\alpha-\beta} di = \int_0^P (\bar{X})^{1-\alpha-\beta} di = (\bar{X})^{1-\alpha-\beta} \int_0^P di = P(\bar{X})^{1-\alpha-\beta}$$

و تابع تولید به صورت زیر در می‌آید:

$$Y = h_Y^\alpha L^\beta P (\bar{X})^{1-\alpha-\beta}$$

با فرض اینکه کالاهای سرمایه‌ای، همان کالاهای مصرفی صرف نظر شده هستند، و هر دو نوع کالا تابع تولید یکسانی دارند، از طرفی برای تولید یک واحد از هر طرح، به اندازه λ واحد کالای سرمایه‌ای نیاز است:

$$K = \lambda (P \bar{X}) \Rightarrow \bar{X} = \frac{K}{\lambda P}$$

با جایگذاری در تابع تولید، به دست می‌آید:

$$Y = (h_Y P)^\alpha (LP)^\beta K^{1-\alpha-\beta} \lambda^{\alpha+\beta-1}$$

در این تابع، تولید، هر چهار نوع نهاد شامل: سرمایه انسانی، فناوری، نیروی کار و سرمایه‌فیزیکی وارد شده‌اند. در این مدل، سرمایه‌گذاری خالص برابر تولید منهای مصرف است. بنابراین، با توجه به $h_Y = h$ نتیجه می‌شود:

اثر مهم دیگر بهره، در کاهش سرمایه انسانی است. وجود بهره پولی و درآمد، بدون نیاز به کار، انگیزه کسب و کار سرمایه‌گذاری در آموزش، تحقیقات و فناوری و انگیزه کارآفرینی را کاهش می‌دهد. وجود درآمد بهره‌ای و بدون نیاز به کار، در بازار کار سبب کاهش عرضه، افزایش دستمزدها، افزایش هزینه تولید و در نتیجه، کاهش تولید و رشد اقتصادی می‌شود.

از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در آموزش، تحقیقات و فناوری نیز با توجه به این تحلیل‌ها، محدود می‌شود. همچنین انگیزه کارآفرینان اقتصادی نیز در سطح نرخ بهره موجود محدود می‌شود و کارآفرینی در همه پروژه‌های با درآمد، انتظاری کمتر از نرخ بهره موجود متوقف می‌شود.

۵. رجحان زمانی، نرخ بهره پولی و رشد اقتصادی

در اینجا به کمک مدل رشد فناوری درونزای رومر (۱۹۹۰)، در سه حالت خالص رمزی (فقدان رجحان زمانی)، فضای رمزی - کینز و حالتی که سرمایه انسانی تابعی منفی از نرخ بهره پولی است، تلاش می‌شود، تا اثر رجحان زمانی و اثرگذاری نرخ بهره پولی، بر سرمایه انسانی، فناوری، و رشد اقتصادی تبیین شود. برای بررسی این اهداف، از روش کنترل بهینه با برقراری تابع هم‌میلتونی استفاده می‌شود.

تابع هدف

هدف نیل به نرخ رشدی است که از حداکثر کردن رفاه به دست می‌آید. در مدل‌های رشد، شاخصی که برای رفاه استفاده می‌شود، مطلوبیت ناشی از مصرف درآمد است. تابع مطلوبیتی که در الگوهای بهینه‌یابی زمانی زیاد استفاده می‌شود، تابع مطلوبیت با ریسک‌گریزی نسبی ثابت (CRRA) به صورت زیر است (بلانچارد و فیشر، ۱۳۷۶، ص ۸۶):

$$\begin{cases} u(c) = \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} & \text{for } \sigma > 0, \sigma \neq 1 \\ u(c) = \ln c & \text{for } \sigma = 1 \end{cases}$$

در این تابع، c نشانگر مصرف خانوار است که تابع مطلوبیت آن، به دو شکل فوق قابل بررسی است.

محدودیت فناوری و منابع

رومر (۱۹۹۰)، دانش را به دو جزء سرمایه انسانی (کالای رقابتی) و فناوری (کالای غیر رقابتی) تقسیم می‌کند. سرمایه انسانی (h)، برای تولید کالای نهایی (hy) و بهبود فناوری (hp) به کار می‌رود.

نتیجه مسأله بهینه یابی عبارتست از:

$$\frac{dY}{Y} = \frac{dK}{K} = \frac{dC}{C} = \frac{dA}{A} = \frac{\theta(\alpha + \beta)h - \alpha\rho}{\alpha\sigma + \beta}$$

براساس رابطه فوق، وجود ترجیحات زمانی اثر منفی بر رشد اقتصادی بلندمدت دارد. همان‌طور که اشاره شد، ترجیحات زمانی یکی از ریشه‌های ذهنی نرخ بهره است. وجود رجحان زمانی در تخصیص منابع، میان مصرف و سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاری، به معنای ارزش‌گذاری بیشتر به مصرف حال بوده که نتیجه آن، کاهش مستمر سرمایه‌گذاری و در نهایت، رشد پایدار کمتر است.

سرمایه‌انسانی تابع نرخ بهره

این حالت، با توجه به اینکه وجود بهره پولی و درآمد بدون نیاز به کار، انگیزه کار و کسب تجربه، سرمایه‌گذاری در آموزش، تحقیقات و فناوری و انگیزه کارآفرینی را کاهش می‌دهد، سرمایه‌انسانی (h)، تابعی از نرخ بهره لحاظ شده است.

$$h = h(r) \quad h' < 0$$

بنابراین، مسئله بهینه‌یابی عبارت است از:

$$\text{Max } W = \int_0^{\infty} \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} e^{-\rho t} dt$$

$$\text{St. } \dot{P} = \theta h_p(r)P$$

$$\dot{K} = \lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h(r) - h_p(r))^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C$$

$$P(0) = P^0, \quad K(0) = K^0$$

تابع هامیلتونی مربوط عبارت است از:

$$H = \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} e^{-\rho t} + \theta_1(\theta h_p(r)P) + \theta_2(\lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h(r) - h_p(r))^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C)$$

نتیجه مسأله بهینه یابی در این حالت عبارتست از:

$$\frac{dY}{Y} = \frac{dK}{K} = \frac{dC}{C} = \frac{dA}{A} = \frac{\theta(\alpha + \beta)h(r) - \alpha\rho}{\alpha\sigma + \beta}$$

این نتیجه نشان می‌دهد، نرخ بهره از طریق اثر گذاری منفی بر سرمایه‌انسانی، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از مدل ریاضی، معلوم می‌شود که نرخ بهره تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. این موضوع در سه فضا بررسی و رابطه معکوس بهره و رشد در هر سه

$$\dot{K} = Y - C = \lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h - h_p)^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C$$

حال، با توجه به تابع هدف و محدودیت‌های فناوری و منابع مدل، اثر رجحان زمانی و نرخ بهره پولی بر رشد اقتصادی، در سه حالت خالص رمزی (فقدان رجحان زمانی)، فضای رمزی-کینز و حالتی که در آن سرمایه‌انسانی تابعی منفی از نرخ بهره پولی است، بررسی می‌شود.

فضای خالص رمزی

در این حالت، نرخ ترجیحات زمانی صفر فرض می‌شود. که در آن، $\sigma > 0, \sigma \neq 1$ با فرض اینکه رجحان زمانی برابر صفر، مسئله حداکثر سازی به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\text{Max } W = \int_0^{\infty} \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} dt$$

$$\text{St. } \dot{P} = \theta h_p P$$

$$\dot{K} = \lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h - h_p)^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C$$

$$P(0) = P^0, \quad K(0) = K^0$$

تابع هامیلتونی مربوط عبارت است از:

$$H = \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} e^{-\rho t} + \theta_1(\theta h_p P) + \theta_2(\lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h - h_p)^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C)$$

از حل این مسئله بهینه‌یابی به دست می‌آید:

$$\frac{dY}{Y} = \frac{dK}{K} = \frac{dC}{C} = \frac{dA}{A} = \frac{\theta(\alpha + \beta)h}{\alpha\sigma + \beta}$$

با توجه به نتیجه به دست آمده، احتمال موفقیت تحقیقات و سرمایه‌انسانی اثر مثبت و کشش جایگزینی مصرف، بین دو نقطه از زمان (نرخ هموار کننده مصرف)، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

فضای رمزی-کینز

در این حالت نرخ ترجیحات زمانی غیر صفر فرض می‌شود. بنابراین مسأله بهینه‌یابی عبارتست از:

$$\text{Max } \int_0^{\infty} \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} e^{-\rho t} dt$$

قیدها در این حالت، همان قیدهای قبل هستند. از حل این مسأله بهینه یابی به دست می‌آید: تابع هامیلتونی مربوط عبارت است از:

$$H = \frac{c^{1-\sigma}}{1-\sigma} e^{-\rho t} + \theta_1(\theta h_p P) + \theta_2(\lambda^{\alpha+\beta-1} P^{\alpha+\beta} (h - h_p)^{\alpha} L^{\beta} K^{1-\alpha-\beta} - C)$$

الف. متغیرهای اثرگذار بر نرخ ترجیح زمانی

۱. افراد بسیاری از جمله پیگو و رمزی، یکی از مهم‌ترین دلایل وجود ترجیح زمانی را نقص قوه ذهنی افراد برای تصور آینده می‌دانند. یعنی ذهن آدمی چون به لحاظ موقعیت از آینده دور است، دچار خطا می‌شود و آینده را کوچک‌تر از مقدار واقعی خود می‌بیند. جلوه این موضوع در قسمت بصری ملموس‌تر می‌باشد، به طوری که به لحاظ مکانی موقعیت‌هایی که از ما دورند، به خاطر فاصله‌ایی که از ما دارند، کوچک‌تر به نظر می‌رسند. از این مسئله به عنوان، چشم‌انداز یاد می‌کنند. اما در بعد زمانی، موضوع کمی پیچیده‌تر به نظر می‌رسد، به طوری که افراد هر قدر از آینده دور باشند، اهمیت و اعتبار کمتری برای آن قائل هستند. از آن‌جاکه به همان اندازه‌ایی که افراد فرهیخته‌تر باشند، دارای ذهنی متکامل‌تر و نسبت به این نقص آگاه‌تر خواهند بود، بینش واقعی‌تری نسبت به نیازهای آینده خواهند داشت (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۶). در نتیجه، دارای ترجیح کمتری برای زمان حال خواهند شد. بنابراین، هرچه نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در جامعه‌ایی بیشتر باشد، ترجیح برای زمان کمتر خواهد بود. بنابراین، در اینجا ما از نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به عنوان یک متغیر نماینده برای عقلانیت (قوای عقلی و ذهنی کامل‌تر)، در جامعه استفاده می‌کنیم.

۲. تأکید فیشر در نظریه بهره‌اش، بیشتر بر درآمد است. فیشر تأکید زیادی بر ریشه‌یابی روانشناسی ترجیح حال نسبت به آینده دارد. در این مسیر، برای بیان اندیشه‌اش از مفهوم «بی‌صبری» مدد می‌جوید. از نظر وی، هرچه درآمد پایین‌تر باشد، تمایل افراد برای جابجایی آینده با حال - ترجیح زمانی - افزایش خواهد یافت. بنابراین، در این مسیر برای نشان دادن اثر درآمدی بر ترجیح زمانی، از متغیر درآمد سرانه استفاده می‌کنیم.

۳. علاوه بر درآمد، فیشر یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر ترجیح زمانی افراد را متغیر امید به زندگی می‌داند. بیشایی (۲۰۰۱)، به این مسئله اشاره می‌کند که هر قدر افراد دارای امید به زندگی بالاتر، بدن سالم‌تر و رفتارهای کم‌خطرتری باشند، سلامت خویش را یک سرمایه و پس‌انداز برای باقی عمر، که معمولاً در بین این افراد بیشتر نیز می‌باشد، می‌دانند. بنابراین، این‌گونه افراد سلامت آینده را به لذت حال ترجیح می‌دهند و از مصرف غیرصحیح مواد غذایی و پرخوری دوری می‌کنند حتی ذائقه خویش را متناسب با خواص مواد غذایی تنظیم می‌کند. در جامعه‌ایی که امید به زندگی بالاتر است، تصور روشن‌تری از آینده در ذهن افراد وجود دارد و افراد با روحیه و اعتماد به نفس بیشتر به استقبال آینده می‌روند. بنابراین، در شرایطی که افراد افق طولانی مدت‌تری برای آینده خود متصور باشند، دارای امید به زندگی بالاتری باشند، ترجیح زمانی کمتری برای حال خواهند داشت.

فضا، به خوبی مشاهده گردید تا با واکاوی معایب و مزایای آنها، بتوان بهتر درباره آنها تصمیم‌گیری کرد.

در ادامه موضوع نرخ بهره و رشد، با توجه به اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی و همچنین WDI، برای ایران مورد آزمون قرار می‌گیرد تا تأثیر نرخ بهره بر رشد اقتصادی در ایران نیز مشاهده شود. با توجه به اینکه در ایران، نرخ‌های بهره دستکاری شده و به صورت دستوری تعیین می‌شوند، به کار بردن داده‌های موجود برای نرخ بهره و تعیین مستقیم رابطه این نرخ‌ها، با رشد اقتصادی، ما را به نتایج گمراه‌کننده خواهد رساند. بنابراین، در این پژوهش نرخ ترجیح زمانی که یکی از مهم‌ترین ریشه‌های نرخ بهره می‌باشد، در اقتصاد ایران برآورد کرده و رابطه آن را با رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ع. برآورد الگو

تجزیه و تحلیل مدل‌های ساختاری برای تحلیل «تأثیرات همزمان» متغیرها برهم در یک ساختار مبتنی بر تئوری مورد استفاده می‌باشد. برای شناخت و به دست آوردن تأثیر نرخ بهره بر رشد اقتصادی، با توجه به مدل ریاضی، ابتدا باید تأثیرات نرخ ترجیح زمانی بر رشد اقتصادی به دست آید. سپس، با توجه به اینکه نرخ ترجیح زمانی از مهم‌ترین ریشه‌های نرخ بهره می‌باشد، نتیجه آن در مورد نرخ بهره نیز می‌تواند به کار برود. برای شناخت نرخ ترجیح زمانی در این تحقیق، از مدل‌های ساختاری تعبیه شده در نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. مدل مورد استفاده در این مطالعه، مدل شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC) می‌باشد. لازم به یادآوری است که روش مورد استفاده برای برآورد مدل در این مطالعه، روش حداکثر درست‌نمایی (ML) می‌باشد.

معادلات الگوی پیشنهادی برای نرخ ترجیح زمانی

با توجه به اینکه در مدل لیزرل، متغیرهای اثرگذار (سمت چپ)، به مراتب دارای درجه اهمیت بالایی هستند، طراحی مدل بر اساس تأثیر متغیرهای اثرگذار مختلف صورت می‌پذیرد. در چارچوب الگوی پیشنهادی، متغیر پنهان مدل؛ ρ ، نرخ ترجیح زمانی می‌باشد. متغیرهای امید به زندگی افراد، درآمد سرانه، سطح بیکاری موجود در جامعه، تورم بر اساس قیمت کالاهای مصرفی، نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به جمعیت و نسبت هزینه‌های بخش خصوصی به درآمد، به عنوان عوامل تأثیرگذار بر نرخ ترجیح زمانی در نظر گرفته شده است.

در ادامه نظریه‌های دربردارنده اثر متقابل متغیر ترجیح زمانی و برخی از متغیرهای اقتصادی را مرور می‌کنیم:

۴. یکی دیگر از عواملی که فیشر بر آن تاکید دارد، به عنوان عامل تأثیرگذار بر ترجیح زمانی، عادت مصرفی افراد است. از آن جایی که یکی از عواملی که تولیدکنندگان بر آن تمرکز دارند، سرمایه‌گذاری در بخش تغییر عادات مصرفی مصرف کنندگان می‌باشد، تغییر پیوسته در عادات مصرفی موجب می‌شود سهم مصرفی از درآمد افراد افزایش یابد. در نتیجه این تغییر، ترجیح زمانی افراد افزایش خواهد یافت. پس هرچه سهم مصرفی از درآمد افراد افزایش یابد، ترجیح زمانی افزایش خواهد یافت. برای بررسی این مورد، از نسبت هزینه بخش خصوصی به درآمد استفاده شده است (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۶).

۵. بر اساس استدلال‌های فیشر و بوم باروک، افراد حال را بر آینده ترجیح می‌دهند؛ زیرا آینده در نظر آنها به دلیل دوربودن، کوچک است و انسان بی‌صبر است. بنابراین، هرچند غیر عقلانی، حال بر آینده ترجیح دارد، ولی سازوکاری هم وجود دارد که بر خلاف این فرایند و به نفع ترجیح آینده بر حال فعالیت می‌کند. این سازوکار خود را در چگونگی فناوری نشان می‌دهد. با این سازوکار، هرچه فناوری رشد بیشتری داشته باشد، موجب می‌شود که کالاهای آینده بر کالاهای حال ارجحیت بیشتری یابند؛ زیرا کالاهای آینده از فناوری جدیدتری برخوردار و کارایی بالاتری هم دارند.

بنابراین، طبیعی است که کالا با کارایی بالاتر، بر کالای با کارایی کمتر ترجیح داده شود و برای رسیدن به کالای کاراتر، باید کمی صبر کرد. متناسب با توضیحات فیشر، انسان بی‌صبر است. از این‌رو، حال را بر آینده ترجیح می‌دهد. این امر بدان معنا است که دو سازگار مورد بحث در جهت معکوس هم عمل می‌کنند. بنابراین، در یک اقتصاد در حال رشد، که در آن تحول و نوآوری مداوم در عرصه تولید کالاها صورت می‌گیرد، ترجیح حال بر آینده کمتر و کمتر می‌شود. اما چنانچه نوآوری و ابداع در تولید انجام نشود، کالاهای حال به لحاظ کارایی تفاوت معناداری با کالاهای آینده نخواهند داشت. بنابراین، افراد کالاهای حال را بر کالاهای آتی - به دلیل بی‌صبری - ترجیح می‌دهند. یکی از دلایل روشن اینکه در یک اقتصاد، نوآوری و ابداع بسیار اندک است و تحولی در کالاها ایجاد نمی‌شود، این است که در آن اقتصاد، اشتغال ناقص است و تولید زیر حد ظرفیت کامل است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: بین بیکاری و ترجیح زمانی ارتباط محکمی وجود دارد. بیکاری گسترده‌تر و پایدارتر، به معنای رشد و تحول کمتر و در نتیجه، ترجیح زمانی بالاتر می‌باشد.

۶. تورم به انتظارات افزایش قیمت در آینده قوت می‌بخشد. این تصور تا حد امکان، بخشی از خریدهای زمان آینده را به خرید زمان حال تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، هرچه نرخ تورم بالاتر باشد، نسبت بیشتر درآمد افراد صرف تهیه کالاهای حال می‌شود؛ زیرا قیمت آنها همواره در حال افزایش است. بنابراین، برای ثابت نگه‌داشتن سطح مصرف، باید سهم بیشتری از درآمد را به کالاهای ضروری

اختصاص داد. پس فرصت تجهیز برای آینده، به دلیل اندک بودن سهم باقی مانده از درآمد، کمتر خواهد بود. بنابراین، در شرایط تورمی عوامل مختلف موجب خواهند شد سهم درآمدی بالایی به مصرف زمان حال تخصیص داده شود. در این شرایط، تمایل به جابجایی درآمد آینده به زمان حال بیشتر خواهد بود.

ب. متغیرهای اثرپذیر از نرخ ترجیح زمانی

۱. اثربخشی ترجیح زمانی بر مصرف، دارای یک رابطه قابل توجه است؛ چراکه در برخورد اولیه به نظر می‌رسد ترجیح زمانی بالا، موجب افزایش در مصرف خواهد شد. البته این رابطه، برای دوره‌های اولیه صحیح می‌باشد، اما در یک دوره بلندمدت، به دلیل اینکه تهیه و تدارک برای مصرف دوره‌های اولیه، متناسب صورت نگرفته است، مصرف در دوره‌های بعد کاهش خواهد یافت. هر قدر افراد، خود را برای آینده کمتر تجهیز کنند، در آینده تهیه و تدارک مصرف با محدودیت بیشتری مواجه می‌شود. بنابراین، رابطه میان نرخ ترجیح و مصرف شاید در کوتاه‌مدت مقدار مثبتی باشد، اما این رابطه در بلندمدت منفی خواهد شد.

۲. ترجیح زمانی بر تولید اثر منفی خواهد گذاشت. تولید یک فرایند زمان‌بر است که همراه با یک برنامه‌ریزی مناسب برای آینده، محقق می‌شود. اگر افراد درک صحیحی از نیازهای آینده خود نداشته باشند، تدارک برای پاسخگویی به آن نیازها ضعیف‌تر خواهد شد. بنابراین، تولید از این ویژگی افراد آسیب می‌پذیرد. به طوری که در جوامعی که نرخ ترجیح زمانی بالا است، زمان حال هدف قرار می‌گیرد و غفلت از آینده، امکان تولید را به سمت زمان حال سوق می‌دهد. از آن‌جاکه تولید یک فرایند زمان‌بر است، در بلندمدت مقدار آن کاهش می‌یابد.

۳. ترجیح زمانی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر منفی داد. سرمایه‌گذاری از جمله فعالیت‌هایی است که در واقع سرمایه‌گذار در انتخاب بین حال و آینده به آن اقدام می‌کند. هرچه ترجیحات برای زمان حال بالاتر باشد، آینده در مقایسه با زمان حال، کم اهمیت‌تر و کوچک‌تر ارزیابی می‌شود. در این شرایط، سرمایه‌گذار تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

۴. مهمترین قسمت این پژوهش، ارزیابی ارتباط میان نرخ بهره و رشد اقتصادی می‌باشد. همان‌گونه که گفتیم نرخ بهره می‌تواند تاثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

بنابراین، باید رابطه این متغیر مهم را با نرخ رشد اقتصادی در اقتصاد ایران ارزیابی کنیم. ترجیح زمانی، مهم‌ترین ریشه بهره بازار می‌باشد. از این‌رو، همانطور که در مدل ریاضی تأثیر منفی نرخ ترجیح زمانی

بر رشد اقتصادی را معادل تاثیر منفی نرخ بهره بر رشد در نظر گرفتیم، در اینجا نیز ابتدا نرخ ترجیح زمانی، در طی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۸۶، در اقتصاد ایران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سپس، رابطه آن با رشد اقتصادی ارزیابی خواهد شد.

با توجه به اینکه نرخ ترجیح زمانی، یکی از متغیرهای ذهنی می‌باشد؛ با توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن و عواملی که این نرخ بر آنها تأثیر می‌گذارد، می‌توان نرخ ترجیح زمانی را با استفاده از نرم‌افزار لیزرل در اقتصاد ایران محاسبه و نتایج به دست آمده را در مورد نرخ بهره نیز به کار برد. افزون بر این، با توجه به اینکه ترجیح زمانی یک متغیر کلیدی و با اهمیت است، متغیرهای بسیاری با آن در ارتباط می‌باشند. متغیر ترجیح زمانی، یک متغیر خودافزا می‌باشد. به طوری که اگر در شرایط اولیه، ترجیحات برای زمان وجود داشته باشد، در مراحل بعدی، افزایش ترجیح زمانی، سبب افزایش اثر متغیرهای تأثیرگذار و همچنین اثرپذیر از آن خواهد بود. به عبارت دیگر، در این مسیر، می‌توان یک سیکل را مشاهده نمود.

پس از برآورد، مدل طراحی شده مورد آزمون قرار خواهد گرفت؛ زیرا ممکن است به واسطه برآورد صورت گرفته شده، واقعیت‌ها پوشش داده نشود. ارزیابی مدل و برازش صورت گرفته، صرفاً از زاویه آماری بررسی نمی‌شود، بلکه مدل و روابط به دست آمده، باید مطابق با مبانی نظری و تئوری از قبل معرفی شده باشد. در نهایت، مدلی انتخاب می‌شود که هم به لحاظ معیارهای آماری به خوبی برازش شده و هم نشانی پارامترها و معنادار بودنشان نیز با پیش‌بینی نظری انطباق داشته باشد. بنابراین، معادلات الگوی پیشنهادی به صورت زیر خواهد بود:

$$Y_1 = \lambda_1 \cdot \rho + \varepsilon_1$$

$$Y_2 = \lambda_2 \cdot \rho + \varepsilon_2$$

$$Y_3 = \lambda_3 \cdot \rho + \varepsilon_3$$

$$Y_4 = \lambda_4 \cdot \rho + \varepsilon_4$$

$$\rho = \sigma_1 X_1 + \sigma_2 X_2 + \sigma_3 X_3 + \sigma_4 X_4 + \sigma_5 X_5 + \sigma_6 X_6 + \zeta$$

X_i ها متغیرهای اثرپذیر از نرخ ترجیح زمانی و Y_i ها متغیرهای اثرگذار می‌باشند.

داده‌ها و خصوصیات آنها

به اجمال، داده‌های مورد استفاده دارای خصوصیات زیر می‌باشند:

- داده‌های مورد نیاز تحقیق از سالنامه آماری جمهوری اسلامی ایران و بانک اطلاعاتی WDI اقتباس شده است.

۲. درآمد سرانه به واحد میلیون ریال در نظر گرفته شده است.

۳. کلیه متغیرهای پولی، بر اساس قیمت پایه سال ۱۳۷۶ تعدیل شده‌اند.

بررسی نتایج تخمین مدل

پیش از بررسی نتایج تخمین، یادآوری این نکته ضروری است که مدل مورد نظر در این مطالعه، بر اساس مدل متغیرهای چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)، طراحی شده است. این مدل، حالت خاصی از مدل‌های کامل لیزرل می‌باشد. نرم‌افزار لیزرل، به منظور تخمین چنین مدل‌هایی، ارتباط یکی از متغیرهای موجود در بردار متغیرهای Y را با متغیر پنهانی ثابت در نظر می‌گیرد. در مدل برگزیده نهایی، متغیر مورد نظر، تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

ویژگی مدل‌های برآورد شده

جدول (۱): نتایج تخمین سیستم معادلات ساختاری

برای تعیین متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر از نرخ ترجیح زمانی در اقتصاد ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۱)

شماره مدل / متغیرهای تأثیرگذار	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم
درآمد سرانه (x1)	-۰/۶۴ (-۳/۵۳)	-۰/۹۴ (-۴/۱۸)	-۰/۰۶۷ (-۳/۵۰)
تورم (x2)	۰/۰۶۹ (۴/۲۰)	۰/۲۷ (۳/۴)	۰/۷۶ (۲/۸۰)
نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به جمعیت (x3)	-۰/۰۷ (-۱/۱۴)	-۰/۰۷ (-۲/۴۸)	-۰/۷۹ (-۴/۵)
نسبت هزینه‌های بخش خصوصی به درآمد (x4)	۰/۶۳ (۴/۱۶)	۰/۵۳ (۴/۴)	-۰/۵۵ (-۵/۴۵)
بیکاری (x5)	-۰/۳۷ (-۲/۵)	-۰/۰۳ (-۳/۲۵)
امید به زندگی هنگام تولد (x6)	-۰/۰۹ (-۰/۲۹)
متغیرهای تأثیرپذیر	××××××××××	××××××××××	××××××××××
تولید ناخالص داخلی	۱/۲۲	۱/۴۹	۱/۲۰
رشد اقتصادی	-۰/۲۴ (-۴/۱۳)	-۰/۳۰ (-۴/۱۱)	-۰/۲۶ (-۴/۱۲)
مصرف کل	-۰/۵۲ (-۳/۹۴)	-۰/۵۹ (-۳/۸۸)	-۰/۶۶ (-۳/۸۶)
سرمايه گذاري بخش خصوصي	-۱/۰۹ (-۲/۹۵)	-۰/۸۴ (-۳/۵۱)	-۱/۰۵ (-۲/۹۸)

اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t را نشان می‌دهند.

یک نزدیک می‌باشد. شاخص RMR، در هر سه مدل کوچک و معیار RMSEA، که بیانگر خطای تقریب در مدل‌ها می‌باشد، صفر و یا نزدیک به صفر است. در مجموع، نتایج فوق به خوبی بر برازش مدل‌ها دلالت دارد.

جدول (۳): نتایج معیارهای برازش فزاینده مدل‌های برازش شده

مدل	AGFI	NFI	NNFI	CFI	IFI	RFI
مدل ۱	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۷۷
مدل ۲	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۷۵
مدل ۳	۰/۷۳	۰/۷۴	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۷۲

ماخذ: محاسبات تحقیق

جدول فوق، معیارهای برازش فزاینده مدل‌های برازش شده را نشان می‌دهد که این معیارها، مدل برازش شده را با مدل‌های مستقل مقایسه می‌کنند. همان‌طور که گفته شد، هر قدر مقدار این شاخص‌ها به یک نزدیک‌تر باشد، مدل برازش شده نسبت به مدل مستقل مربوط، بهتر برازش شده است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت: هر یک از برازش‌های انجام‌شده، مناسب می‌باشند.

جدول (۴): نتایج معیارهای برازش تعدیلی مدل‌های برازش شده

مدل	PNFI	PGFI
مدل ۱	0/78	0/7
مدل ۲	0/79	0/7
مدل ۳	0/77	0/6

ماخذ: محاسبات تحقیق

نتایج موجود در جدول (۴-۴)، شامل معیارهای برازش تعدیلی مدل‌های برازش شده است که غالباً این معیارها برای مقایسه در حالتی که برازش‌های انجام‌شده از درجه آزادی متفاوتی برخوردار باشند، دارای مزیت می‌باشند. البته هر چه نتایج به یک نزدیک‌تر باشد، بر خوبی برازش مدل دلالت دارد که بر اساس این معیارها نیز نتایج مورد قبول می‌باشند.

نتایج مربوط به معیارهای مقایسه‌ای در جدول (۵)، نشان داده شده است. در این جدول، از مقادیر مربوط به مدل‌های اشباع شده و مستقل معیار اطلاعات آکائیکی (AIC)، معیار اطلاعات آکائیکی مقایسه‌ای (CAIC) و شاخص اعتبار مورد انتظار (ECVI)، تشکیل شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقادیر این معیارها در مقایسه با مقادیر اشباع شده و مستقل برای هر یک از معیارها کمتر می‌باشد و بیانگر هماهنگی داده‌ها با مدل می‌باشد.

۱. در مدل‌های برآورد شده، سه راهکار مورد توجه قرار گرفته است. در مدل اول، متغیر امید به زندگی در نظر گرفته نشده است. در مدل سوم، متغیرهای امید به زندگی و بیکاری، در مدل دوم نیز تمامی متغیرهای معرفی شده در نظر گرفته شده‌اند.
۲. در هر سه مدل، برازش شده علائم ضرایب متغیرهای مختلف با پیش‌بینی نظری مطابقت دارد.
۳. تمامی پارامترهای برآورد شده مربوط به متغیرهای تأثیرپذیر از نرخ ترجیح زمانی، از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند.
۴. در مدل‌های برآورد شده در سمت مربوط به متغیرهای اثرگذار، همه پارامترها به استثنای امید به زندگی در مدل دوم و ضریب مربوط به نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مدل اول و سوم و سایر ضرایب به لحاظ آماری معنادار می‌باشند.
۵. در بین متغیرهای اثرگذار، بزرگ‌ترین ضریب مربوط به اثر درآمد سرانه، بر روی نرخ ترجیح زمانی می‌باشد.
۶. در بین متغیرهای اثرپذیر، بالاترین ضریب مربوط به اثر نرخ ترجیح زمانی، بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دوره مطرح شده می‌باشد.

تحلیل نتایج با استفاده از معیارهای معرفی شده

در اینجا از معیارهای مطرح شده، برای یافتن الگوی مناسب استفاده می‌کنیم. جدول (۲) نتیجه محاسبه معیار برازش عمومی مدل، جدول (۳) نتیجه محاسبه برازش فزاینده، جدول (۴) نتیجه محاسبه معیار برازش تعدیلی و جدول (۵) نتیجه محاسبه معیارهایی برای مقایسه مدل‌ها را دربر دارد.

جدول (۲): نتایج معیارهای برازش عمومی مدل‌های برازش شده

مدل	Chi-square	d.f	p-value	GFI	RMR	RMSEA
مدل ۱	۳۲/۲۸	۳۸	۰/۶۶۲۱۷	۰/۸۵	۰/۱۰	۰
مدل ۲	۳۵/۱۸	۴۰	۰/۵۹۸۱۹	۰/۸۱	۰/۱۱	۰
مدل ۳	۴۴/۶۶	۳۶	۰/۵۴۵۸۷	۰/۷۸	۰/۱۳	۰/۱۲

ماخذ: محاسبات تحقیق

مقدار آماره (ChiSquare)، در مدل‌های اول و دوم، به هم نزدیک و در مدل سوم، مقداری افزایش یافته است. درجه آزادی در بین هر سه مدل، از نوسانی محدود برخوردار است. مقدار p-value، در هر سه مدل از مقدار قابل توجهی برخوردار می‌باشد و مقدار GFI، در هر سه مدل، با اختلاف کم به

$$Y1 = 1/49 \rho + \varepsilon_1$$

$$Y2 = -0/30 \rho + \varepsilon_2$$

$$Y3 = -0/59 \rho + \varepsilon_3$$

$$Y4 = -0/84 \rho + \varepsilon_4$$

$$\rho = -0/94 X1 + 0/27 X2 + 0/07 X3 + 0/53 X4 + 0/03 X5 + 0/29 X6 + \zeta$$

که در آن، $Y1$ تا $Y4$ به ترتیب عبارت‌اند از: تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، مصرف کل و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی. و X ها نیز متغیرهای تأثیرپذیرند که در جدول (۶-۱)، آورده شده‌اند. علائم ضرایب به دست آمده، با پیشینه نظری هماهنگ است. با توجه به رابطه منفی، که نرخ ترجیح زمانی با رشد اقتصادی دارد، مدل به کار گرفته شده در بحث قبل، که حاکی از رابطه منفی بین این دو متغیر بود، در اقتصاد ایران نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به معرفی مدل معادلات ساختاری ناظر به رابطه نرخ ترجیح زمانی (و به تبع نرخ بهره) و رشد اقتصادی، به عنوان یک روش مهم برای تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و بررسی تأثیرات همزمان متغیرها برهم پرداختیم. سپس، سه مدل برای نرخ ترجیح زمانی برآورد گردید و نتایج با استفاده از معیارهای معرفی شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که معیارها نتایج را به طور قابل قبولی تأیید نمود. در نهایت، در بین مدل‌های برآورد شده بر اساس معیارهای برازش مقایسه‌ای، الگوی برتر انتخاب و نتایج آن تحلیل شد.

در مدل منتخب، امید به زندگی، درآمد سرانه، سطح بیکاری موجود در جامعه، تورم، نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به جمعیت و نسبت هزینه‌های بخش خصوصی، به درآمد از جمله عوامل تأثیرگذار بر نرخ ترجیح زمانی می‌باشند. تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، مصرف کل و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز از عوامل تأثیرپذیر از نرخ ترجیح زمانی می‌باشند.

نتایج برازش مدل در مورد اقتصاد ایران، طی دوره ۱۳۵۱-۱۳۸۶، حاکی از وجود رابطه منفی بین نرخ ترجیح زمانی با رشد اقتصادی و در نتیجه، نرخ بهره و نرخ رشد اقتصادی است.

جدول (۵): معیارهای مقایسه‌ای مدل‌های برازش شده

مدل	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	معیار
	۶۸/۳۸	۷۰/۱۸	۷۵/۸۹	MODEL AIC
	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۸	SATURATED AIC
	۲۶۵/۸۸	۲۳۸/۹۹	۲۶۸/۱۶	INDEPENDENC AIC
	۱۱۰/۸۵	۱۰۲/۶	۱۲۰	MODEL CAIC
	۲۶۵/۸۸	۲۵۸/۴۴	۳۰۹/۱۸	SATURATED CAIC
	۲۷۹/۱۳	۲۶۹/۶	۳۱۸/۹۸	INDEPENDENCE CAIC
	۲/۳۲	۲/۱۸	۲/۶۵	MODEL ECVI
	۴/۱	۳/۶۵	۴/۸۰	SATURATED ECVI
	۹/۱۴	۷/۹۸	۹/۸۸	INDEPENDENCE ECVI

ماخذ: محاسبات تحقیق

انتخاب الگوی برتر و تحلیل نتیجه آن

حال، پس از بیان نتایج در قالب معیارهای معرفی شده، برای انتخاب الگوی برتر، از معیارهای برازش مقایسه‌ای استفاده می‌شود. بدین منظور، ابتدا برازش‌های انجام شده بر اساس معیار AIC یا CAIC، در جدول زیر مرتب می‌شوند:

جدول (۶): ترتیب مدل‌ها بر اساس معیار CAIC از کوچک به بزرگ

مدل	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	معیار
	110/85	102/6	120	MODEL CAIC

ماخذ: محاسبات تحقیق

در جدول (۶)، کوچکترین مقدار، معیار CAIC مربوط به مدل شماره ۲ و بزرگ‌ترین مقدار، مربوط به مدل شماره ۳ می‌باشد. بنابر ویژگی این معیار، در مقایسه بین مدل‌ها، مدلی برتر است که از مقدار CAIC کوچک‌تری برخوردار باشد. بنابراین، مدل منتخب این مطالعه مدل شماره ۲ می‌باشد.

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، در مدل برگزیده، تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، مصرف کل و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، از جمله عوامل تأثیرپذیر از نرخ ترجیح زمانی هستند. همچنین امید به زندگی، درآمد سرانه، سطح بیکاری موجود در جامعه، تورم، نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به جمعیت و نسبت هزینه‌های بخش خصوصی به درآمد، از جمله عوامل تأثیرگذار بر نرخ ترجیح زمانی می‌باشند. از این‌رو، مدل برازش شده در این روش، به صورت زیر قابل ارائه است:

منابع

- Fisher, I, 1930, The Theory Of Interest: As determined by impatience to spend income and opportunity to invest it, New York. Kelley and Millman.
- Friedman, Milton, 1960, *A Program for Monetary Stability*, New York, Fordham University.
- _____, 1969, *The Optimum Quantity of Money and the other Essays*, Adline press.
- Friedman, Milton. and Anna, J. Schwartz, 1982, *Monetary Trends in the United States and the United Kingdom, the Relation to Income, Price and Interest Rate, 1887-1975*, The University of Chicago Press.
- Oda, Nobuyuki and Takashi Nagahata, 2005, "On the Function of the Zero Interest Rate Commitment: Monetary Policy Rules in the Presence of the Zero Lower Bound on Interest Rates", *Bank of Japan Working Paper Series*, No. 05 – E - 1.
- Ramsey, F.P, 1928, "A Mathematical Theory of Saving, *Economic journal*, Vol. 38, P. 59 – 543.
- Romer, P. M, 1990, "Endogenous Technological change", *Journal of Political Economy*, No. 98, P. 71 - 102.
- Tobin, j, 1965, "Money and Economic GROWTH", *Econometrica*, Vol. 33 , NO. 4, P. 671 - 684.
- Ueda, Kazuo, 2000, "Causes of Japan's Banking Problems in the 1990s", in Takeo Hoshi and Hugh T. Patrick, eds. *Crisis and Change in the Japanese Financial System*, Boston, Kluwer Academic Publishers.
- باصری، بیژن، ۱۳۸۲، «بررسی تأثیر تغییر نرخ سود سپرده‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۲۷، ص ۲۹ – ۵۱.
- برانسون، ویلیام. اچ، ۱۳۸۲، *تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
- بخشی دستجردی، رسول، ۱۳۸۳، *بررسی آثار و ریشه‌های بهره با تأکید بر نظریه بهره حیاتی سامونلسون در چارچوب الگوی نسل‌های تداخلی*. پایان‌نامه دکترای اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- بلانچارد، اولیور. جین و استنلی فیشر، ۱۳۷۶، *درسهایی در اقتصاد کلان*. ترجمه محمود ختائی و تیمور محمدی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- پژویان، جمشید و عبدالله دوانی، ۱۳۸۳، «حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی»، پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳، ص ۱۳ – ۵۴.
- توانائیان فرد، حسن، ۱۳۵۷، *پول و نظریات پیشرفته*، بی‌جا، مروارید.
- توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۵، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی، جعفر، ۱۳۸۶، *بررسی نظری و تجربی نرخ ترجیح زمانی مطالعه موردی اقتصاد ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- حقیقت، جعفر، ۱۳۸۴، «اثرات شرایط مالی بر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی»، پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳، ص ۳۷ – ۶۶.
- دلالی اصفهانی، رحیم و روح‌الله شهنازی، ۱۳۸۷، «نرخ بهره منطبق با ربا (بهره پولی)، عامل یا مانع رشد اقتصادی»، در: *مجموعه مقالات همایش ملی اقتصاد اسلامی*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۶، «تفاوت ربا و بهره بانکی»، *نقد و نظر*، ش ۱۲، ص ۱۰ – ۱۳.
- کمیجانی، اکبر، ۱۳۷۴، «مکانیزم اثرگذاری سیاست پولی در قالب الگوی اقتصاد باز – مورد ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱ و ۲، ص ۳۰ – ۷۱.
- کهزادی، نوروز و ابوالفضل نوفرستی، ۱۳۸۴، *بررسی اثر تغییرات نرخ بهره بر تورم*، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۳۱۴ / هـ.
- کینز، جان مینارد، ۱۳۴۸، *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، دانشگاه تهران.
- Baba, Naohiko, Shinichi Nishioka, Nobuyuki Oda, Masaaki Shirakawa, Kazuo Ueda, and Hiroshi Ugai, 2005, "Japan's Deflation, Problems in the Financial System and Monetary Policy", *Monetary and Economic Studies*, Vol. 23, No. 1, Bank of Japan, P. 47 - 111.
- Bohm Bawerk, E. V, 1888, *The positive Theory of Interest*, Landon, Macmillan and Co.
- Evans, M. D. D., & Lewis, K. K, 1995, "Do expected shifts in inflation affect estimates of the long-run Fisher relation?", *Journal of Finance*, No. 50, P. 225 – 253.

مقدمه

یکی از راه‌های کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های عمومی در اقتصاد متعارف، افزایش بدون پشتوانه انتشار پول کاغذی توسط دولت‌هاست. دولت با افزایش پایه پولی، مقادیری از منابع حقیقی را در اختیار خود می‌گیرد و ضمن ایجاد درآمد برای خود، موجب تورم می‌شود. تورم، ارزش پولی را که مردم در اختیار دارند، کاهش می‌دهد. در چنین حالتی گرچه مردم به‌طور شفاف پولی بابت مالیات به دولت نمی‌پردازند و دولت صرفاً برای تأمین منابع مورد نیاز خود، پول چاپ کرده است، اما به دلیل کاهش ارزش پول در دست مردم، آنها به‌طور ضمنی بابت نگهداری پول، مالیات می‌پردازند. از این‌رو، تأمین مالی دولت به روش فوق را «مالیات تورمی» می‌نامند.

گرچه هم‌اکنون از مالیات تورمی استفاده می‌شود، ولی هنوز جایگاه آن در اقتصاد اسلامی به دقت بررسی نشده است. منظور از «جایگاه» میزان سازگاری با احکام و ارزش‌های اسلامی و برخورداری از تأییدات اسلام است. عدالت اقتصادی، احترام به مالکیت خصوصی، وفای به تعهدات، رعایت مصالح عمومی، حرمت اکل مال به باطل از جمله ارزش‌های اسلامی مورد نظر است که میزان سازگاری مالیات تورمی با آنها، جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی را مشخص می‌کند.

پیشینه تحقیق

در اقتصاد متعارف، پیرامون مالیات تورمی تحقیقات فراوان و گسترده‌ای صورت گرفته است. علی‌رغم آن، در اقتصاد اسلامی تحقیقات قابل ذکر و درخور تأملی صورت نگرفته است. در اینجا به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

کميجانی و عسکری (۱۳۸۲)، اثرات زکات و مالیه تورمی را بر برخی متغیرهای اقتصادی، نظیر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی تجزیه و تحلیل کرده و نشان دادند که مالیه تورمی رابطه مستقیم و معناداری با نرخ تورم دارد (کميجانی و عسکری، ۱۳۸۲).

توسلی (۱۳۸۳)، به محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی‌کردن کسری بودجه از منظر آیات و روایات می‌پردازد. وی نشان می‌دهد: از آموزه‌های اسلام استنباط می‌شود که شرع به آثار ناگوار تورم ملتزم نبوده و همین امر، بهره‌گیری دولت اسلامی از این شیوه را محدود می‌کند. وی، سپس آثار منفی تورم بر وظایف پول را بررسی کرده و ناعادلانه بودن سیاست‌های تورمی را بر توزیع درآمد نتیجه می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۳).

کميجانی و همکاران (۱۳۹۱)، برای تعیین هدف سیاست پولی در نظام اقتصادی اسلامی و نهاد

جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی

vvffireddcc@gmail.com

نصرت‌الله خلیلی تیرتاشی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

چکیده

یکی از راه‌های کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های عمومی در اقتصاد متعارف، افزایش بدون پشتوانه انتشار پول توسط دولت‌هاست. افزایش حجم پول مازاد بر رشد اقتصادی، موجب انتقال قدرت خرید پول مردم به دولت، افزایش تقاضای کل و بالا رفتن نرخ تورم می‌شود؛ پدیده‌ای که با عنوان «مالیات تورمی» شناخته می‌شود. گرچه هم‌اکنون از مالیات تورمی به عنوان یکی از شیوه‌های متداول تأمین مالی کسری بودجه استفاده می‌شود، اما تحلیل دقیقی از مشروعیت آن در اقتصاد اسلامی ارائه نشده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی فرضیه عدم مشروعیت مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، مالیات تورمی با توجه به منافات داشتن با مقاصد اقتصادی شریعت؛ یعنی اقامه قسط و عدل، رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء، منافات داشتن با اصل توانایی پرداخت، آیه تجارت و آیه بَخْس، مصالح اسلام و مسلمین، قاعده اهم و مهم و ضرورت وفای به تعهدات، جایگاهی در اقتصاد اسلامی نداشته و نمی‌توان آن را یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی دانست.

کلیدواژه‌ها: مالیات تورمی، اقتصاد اسلامی، کسری بودجه، چاپ پول، سیاست پولی.

طبقه‌بندی JEL: E58, E59, P24, P49.

متصدی آن، به تحلیل ماهیت پول می‌پردازند و همه انواع پول را دارای مرتبه‌ای از قرارداد می‌دانند که دولت در قانون پولی ملتزم به حفظ ارزش آن شده است. ولی طمع دولت‌ها و بحران‌های اقتصادی موجب شده تا دولت‌ها به تمام مفاد قرارداد درباره پول عمل نکنند. از این رو، اصل پایبندی را هر یک از دولت‌ها به گونه‌ای و با توجیهی زیرپا گذاشتند و پدیده تورم و آثار منفی آن را برای ملت‌های خود به ارمغان می‌آورند. وی، سپس با استناد به آیات قرآن و اهمیت رعایت عهد و پیمان در اسلام و سیره عقلاء، لازم‌الوفاء بودن مفاد این قرار داد را اثبات کرده، نتیجه می‌گیرد که براساس حکم اولی، دولت اسلامی نمی‌تواند از عهد خود مبنی بر حفظ ارزش پول عدول کند. اما بر اساس حکم ثانوی، برای حفظ مصلحت نظام، می‌تواند از آن عدول کند و باید خسارت وارده بر طبقات کم‌درآمد و حقوق‌بگیر را جبران کند (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۱).

این مقاله با بهره‌گیری از یافته‌های مقالات پیشین، درصدد تعیین جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی است. پیش از پرداختن به جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی، ابتدا جایگاه آن را در اقتصاد متعارف بررسی می‌کنیم.

جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد متعارف: دیدگاه‌ها

در ادبیات اقتصادی، تحقیقاتی که پیرامون مالیات تورمی ارائه شده، بر این فرض ضمنی مبتنی هستند که مالیات تورمی که دولت دریافت می‌کند، قطع نظر از قوانین و مقرراتی است که ارتباط بین دولت و بانک مرکزی را سامان می‌بخشد. از این رو، اقتصاددانان، جایگاه مالیات تورمی را به صورت مستقیم مورد بحث قرار ندادند و صرفاً به ارائه دیدگاه‌های خود در قالب نظریه‌های اقتصادی پرداختند. ما در اینجا، از لابه‌لای محتوا و فحوای مباحث مطرح شده، به صورت تلویحی، جایگاه مالیات تورمی را در اقتصاد متعارف به دست آوردیم. اقتصاددانان در مسئله فوق، با هم اختلاف ریشه‌ای دارند، اما می‌توان در مجموع نظریات آنها را در سه دسته کلی جای داد:

۱. اقتصاددانانی که مالیات تورمی را به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی کسری بودجه دولت نمی‌پذیرند و قائل به نرخ مالیات تورمی صفر و حتی منفی شدند. از جمله کسانی که در این دسته قرار می‌گیرند، می‌توان به فریدمن (Friedman)، کیمبرو (Kimbrough)، چری (Chari)، تلس (Teles)، فی‌آری (Fiore) و دیگران اشاره کرد. از نظر این گروه، مالیات تورمی در اقتصاد متعارف جایگاهی ندارد.

۲. اقتصاددانانی که اصل مالیات تورمی را به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی کسری بودجه دولت می‌پذیرند، ولی در سازوکار تعیین نرخ مثبت آن اختلاف دارند. این نظریه، توسط اقتصاددانانی چون

فلپس (Phelps)، آیزنمن (Aizenman)، وق (Vegh)، یوریب (Uribe) و منکیو (Mankiw) پذیرفته شده است. از نظر آنان، مالیات تورمی در اقتصاد متعارف پذیرفتنی است.

۳. اقتصاددانانی که مالیات تورمی را به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی کسری بودجه دولت نمی‌پذیرند، ولی معتقدند که درآمد ناشی از حق‌الضرب، حداقل باید هزینه‌های ناشی از حفظ و نگهداری نظام مالی و تهیه و تدارک پول را پوشش دهد. از جمله کسانی که در این زمره قرار می‌گیرند، می‌توان به ارسمه (Oresme) و ریچ (Reich) اشاره کرد.

فریدمن یکی از مهم‌ترین مخالفان مالیات تورمی است. وی (۱۹۶۹) در نظریه معروف خود، که به «قاعده فریدمن: Friedman Rule» یا «قاعده شیکاگو: Chicago Rule» شهرت دارد، درصدد ارائه فرمولی تقریباً ثابت و فراگیر برای تعیین مقدار بهینه حجم پول است، اما تلویحاً به مقدار بهینه مالیات تورمی می‌رسد. وی پیش از اینکه این قاعده را ارائه دهد، معتقد به نرخ رشد ثابت پول در حدود پنج درصد بود و آن را تخمینی از نرخ رشد بهینه حجم پول می‌دانست. وی در دفاع از آن، دو استدلال می‌آورد: اول اینکه تورم پیش‌بینی شده، از تورم پیش‌بینی نشده، به دلیل فشارهای تورمی فزاینده، برتری دارد. بنابراین، دولت باید سیاست پولی خودش را شفاف کند و به آن پایبند باشد. دوم اینکه قاعده پنج درصد، تقریباً به سطح ثابتی از قیمت‌ها منتهی خواهد شد (ریچ، ۲۰۱۱، ص ۲۵).

فریدمن، ضمن توسعه دیدگاه خود در مقاله «مقدار بهینه پول»، از هدف سطح ثابت قیمت‌ها عدول نمود. وی نشان داد که شرایط بهینه برای همه کالاها از جمله پول، یکسان است و باید هزینه نهایی تولید، برابر قیمت هر واحد شود. وی، با فرض کردن اینکه هزینه نهایی اجتماعی تولید پول کاغذی، بسیار کم و قابل صرف‌نظر است، نتیجه می‌گیرد: باید اجازه پول؛ یعنی نرخ بهره اسمی، برابر صفر گردد. همچنین نشان می‌دهد: مقدار مانده نقدی زمانی بهینه است که به حد اشباع برسد؛ یعنی بازده نهایی مانده نقدی صفر شود. از آنجاکه هزینه نهایی اجتماعی تولید پول نزدیک به صفر است، دولتمردان باید پول را در هزینه صفر در اختیار شهروندان خود قرار دهند. در این صورت، می‌توان افراد را به افزایش مانده نقدی تشویق نمود تا میزان بازده نهایی مانده نقدی صفر شود. فریدمن، برای تعیین مقدار بهینه حجم پول، جامعه‌ای را در نظر می‌گیرد که در آن سطح جمعیت ثابت است، تمام مبادلات تجاری در بازار رقابت کامل صورت می‌گیرد، وام‌دادن و وام‌گرفتن مجاز نمی‌باشد، و پول در جامعه فقط شامل پول کاغذی بدون پشتوانه می‌باشد. مالیات‌های یکجا برای دولت قابل حصول است. وی، با در نظر گرفتن این فرض‌ها بیان می‌کند: اگر در شرایط ثبات سطح قیمت‌ها، فردی که از خرج کردن یک واحد پول خود صرف نظر می‌کند و آن را به صورت مانده نقدی نگه می‌دارد، متحمل هزینه نگهداری مانده

نقدی به دلیل وجود تورم نخواهد شد. اما متحمل جزء دیگر هزینه که از دست دادن مطلوبیت ناشی از خرج کردن آن می‌باشد، باقی می‌ماند. طبق الگوی فریدمن، مانده نقدی فرد، زمانی در تعادل بلندمدت قرار می‌گیرد که رابطه زیر برقرار باشد:

$$(1) IRD(0) = -[(dp/dt)(1/p)] + MPM + MNPS$$

در این رابطه، IRD(0) نرخ تنزیل داخلی است که معادل نرخ بهره حقیقی و بیانگر ارزش مجموع خدمات [عایدی] پول در این الگو است $[(dp/dt)(1/p)]$. نرخ تورم انتظاری بهینه و MPM تولید نهایی پول می‌باشد. تولید پول، خدماتی است که برای فرایند تولید ارائه می‌کند و موجب افزایش آن می‌شود. MNPS خدمات غیرپولی نهایی می‌باشد. این خدمات همان احساس امنیت ناشی از نگهداری پول نقد می‌باشد.

فریدمن، بر اساس رابطه (۱) استدلال می‌کند: نگهداری یک واحد اضافی پول نقد از یک سو، دارای هزینه نهایی و از سوی دیگر، دارای منفعت نهایی می‌باشد. هزینه فرصت نگهداری یک واحد اضافی پول نقد، نرخ‌های بهره‌داری‌های بهره‌دار؛ مانند اوراق قرضه و نرخ تورم [انتظاری] است و منفعت نهایی آن، از یک سو، خدمات تولیدی آن و از سوی دیگر، احساس امنیت ناشی از نگهداری پول نقد می‌باشد. مانده نقدی فرد، زمانی در تعادل بلندمدت قرار می‌گیرد که رابطه فوق برقرار باشد. مقامات پولی، از یک سو، تا آنجایی اقدام به انتشار پول جدید می‌کنند که منافع نهایی حاصل از انتشار آخرین واحد پول؛ یعنی (MPM+MNPS)، با هزینه نهایی صدور آن، برابر گردد. از سوی دیگر، از آنجاکه هزینه نهایی صدور پول برای مقام ناشر برابر صفر است؛ منافع نهایی نیز برابر صفر می‌باشد. در نتیجه، زمانی مانده نقدی در سطح بهینه می‌باشد که رابطه (۲) برقرار باشد:

$$(2) IRD(0) = -[(dp/dt)(1/p)]$$

طبق این فرمول، مانده نقدی زمانی بهینه است که نرخ بهره حقیقی برابر نرخ تورم انتظاری شود. به عبارت دیگر، مانده نقدی به حد اشباع برسد و بازده نهایی یک واحد پول اضافی نگه داشته شده، برابر صفر شود. با توجه به رابطه (۲) قاعده نهایی فریدمن، برای مقدار بهینه حجم پول با آن نرخ کاهش در قیمتی (نرخ تورم منفی) به دست می‌آید که نرخ بهره اسمی را برابر صفر قرار دهد. به عبارت دیگر، فریدمن آن شرایط اقتصادی را به تصویر می‌کشد که در آن عرضه پول، به گونه‌ای با تقاضای پول منطبق می‌شود که نرخ بهره اسمی برابر صفر شود. با در نظر گرفتن معادله ساده فیشر، نرخ مالیات تورمی در این صورت، برابر منفی نرخ بهره حقیقی خواهد بود و به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$(3) i = \pi + r \Rightarrow i = 0 \Rightarrow \pi = -r$$

در رابطه بالا، i نرخ بهره اسمی، π نرخ تورم، r نرخ بهره حقیقی می‌باشد. برای نمونه، اگر نرخ بهره [بازدهی] حقیقی دو درصد باشد، دو درصد تورم منفی منجر می‌شود تا نرخ بهره [بازدهی] اسمی برابر صفر شود. فریدمن معتقد است: بانک مرکزی باید سیاست انقباض پولی را در اقتصاد پیوسته ادامه دهد تا نرخ بهره اسمی اوراق بهادار کوتاه‌مدت، اوراق خزانه‌داری و گواهی سپرده، برابر صفر شود. از این رو، می‌توان گفت: از نظر فریدمن، مالیات تورمی جایگاهی در اقتصاد متعارف ندارد (فریدمن، ۱۹۶۹).

از جمله اقتصاددانانی که برای مالیات تورمی، جایگاهی در اقتصاد متعارف قائل است، ادموند فلیس می‌باشد. وی معتقد است: باید اختلالات ناشی از مالیات تورمی با اختلالات مالیات‌های دیگر مقایسه شود. به نظر او، مالیات تورمی را باید در سنت مالیات‌ستانی رمزی و پیگو مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داد و با همان سبک رمزی از همه کالاها، از جمله مانده‌های حقیقی مالیات گرفت. استدلال وی این است که مالیات تورمی، شبیه هر نوع مالیات دیگر است. از این رو، باید برای تأمین مالی هزینه‌های دولت به کار رود.

قاعده‌ای که رمزی برای مالیات‌ستانی به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌کند به «قاعده معکوس کشش»: Inverse-Elasticity Rule معروف است. طبق این قاعده، نرخ مالیات بر هر کالایی، باید رابطه معکوس با کشش قیمتی تقاضا برای همان کالا داشته باشد. بنابراین، هر چه تقاضا برای کالایی بی‌کشش‌تر باشد، زیان رفاهی از دست رفته (اضافه بار مالیاتی)، کمتر خواهد بود؛ زیرا تقاضا کمتر نسبت به تغییر قیمت‌ها از خود واکنش نشان می‌دهد. وضع مالیات در این صورت، به زیان رفاهی کوچک‌تری منتهی می‌شود و سیاست‌گذار هزینه کمتری بر جامعه تحمیل می‌کند (رمزی، ۱۹۲۷).

فلیس، با به کارگیری روش مالیات‌ستانی رمزی نتیجه می‌گیرد: در محیط بهینه دوم که دولت‌ها فقط به مالیات‌های اختلال‌زا دسترسی دارند، مالیات تورمی بهینه همیشه مثبت است. روش رمزی، اختلالاتی را که بار هر نوع مالیات ایجاد می‌کند، با هم مقایسه می‌کند و به محقق این اجازه را می‌دهد تا ترکیب بهینه نرخ‌های مالیات بر ارزش را برای کالاهای نهایی به دست آورد. اختلالاتی که مالیات تورمی ایجاد می‌کند، شبیه اختلالات سایر مالیات‌ها است. بنابراین، مقدار مالیات تورمی باید به (اضافه بار مالیات‌ستانی تورمی بستگی داشته باشد که با (اضافه بار سایر مالیات‌ها مقایسه شده است. از آنجاکه طبق قاعده رمزی اضافه بارها، به کشش قیمتی تقاضا بستگی دارد، اگر تقاضا برای پول نسبت به تورم بی‌کشش باشد، مالیات تورمی منبع خوبی برای درآمد دولت خواهد بود. بعکس، اگر تقاضا برای پول نسبت به تورم باکشش باشد، مالیات تورمی منبع خوبی برای درآمد دولت نخواهد بود (فلیس، ۱۹۷۳).

ریچ (Reich) معتقد است: برای پول اعتباری (تحریری) هزینه ثابت و مخاطره نکول اعتبارگیرندگان وجود دارد و مخاطره یک پیامد خارجی محسوب می‌شود و نظیر روش پیگو و رمزی، این پیامد باید از طریق مالیات، متوجه اعتبارگیرندگان شود. وی استدلال می‌کند که قیمت مثبت (نرخ بهره) برای پول، باید فاصله‌ای بین هزینه نهایی خصوصی پول (نرخ بهره اسمی) و قیمتی که واقعاً پرداخت می‌شود (هزینه اجتماعی) ایجاد کند. از این رو، حق‌الضرب پوشش دهنده هزینه برای پول اعتباری، باید بزرگ‌تر از پول کاغذی؛ یعنی نرخ بهره اسمی باشد. لازمه حرف وی این است که مالیات تورمی باید وجود داشته باشد (ریچ، ۲۰۱۱، ص ۲۸).

یوریب (Uribe) نیز به بررسی اثر تقاضای خارجی برای پول ملی بر نرخ بهینه مالیات تورمی می‌پردازد. به نظر وی، وجود تقاضای خارجی برای پول ملی، انحراف نسبتاً بزرگی از نرخ مالیات تورمی صفر و منفی را توجیه می‌کند. استدلال وی این است که حمایت از نرخ مالیات تورمی منفی، موجب انتقال منابع حقیقی از اقتصاد ملی، به اقتصاد بقیه جهان می‌شود (یوریب، ۲۰۰۹، ص ۳-۱).

جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی

به نظر می‌رسد، مالیات تورمی با توجه به ماهیت و تبعاتی که دارد، نمی‌تواند جایگاهی در اقتصاد اسلامی داشته باشد؛ زیرا:

۱. منافات داشتن مالیات تورمی با مقاصد اقتصادی شریعت: لازمه اسلامی بودن یک سیاست اقتصادی، توانایی آن بر تأمین مقاصد کلان شریعت است. منظور از «مقاصد شریعت»، اهداف خداوند از تشریح مجموعه احکام عملی اسلام است. در این معنا، مصلحتی که حاکم اسلامی هنگام سیاست‌گذاری رعایت می‌کند، نباید در تحلیل نهایی از چارچوب اهداف و مصالح کلی شریعت خارج باشد. اگر برخورد جزئی با برخی از احکام الهی داشته باشد، باید در نهایت در راستای اهداف کلی و چارچوب مقاصد شریعت قرار گیرد. ضرورت توجه به مقاصد شریعت در سیاست‌گذاری‌ها از اینجا ناشی می‌شود که تلاش سیاست‌گذار باید در جهت انطباق هر چه بیشتر و دقیق‌تر سیاست‌ها با احکام شریعت باشد. با توجه به تأثیری که توجه به مقاصد در سیاست‌گذاری‌ها دارد، لازم است سیاست‌گذار به مقاصد اهتمام ورزد و سیاست‌ها را بر اساس مقاصد ارزیابی کند. سیره ائمه علیهم‌السلام نیز این گونه می‌باشد. با مراجعه و استناد به نصوص بیانگر مقاصد کلی شریعت و خطوط کلی رسالت، می‌توان اقامه قسط و عدل و رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء را به عنوان مقاصد اقتصادی شریعت در نظر گرفت.

الف. اقامه قسط و عدل: آیات و روایات فراوانی در متون دینی وجود دارد که از مجموع آنها به دست می‌آید که، یکی از مقاصد کلان شریعت، به‌ویژه در بعد اقتصادی، اقامه قسط و عدل است. وقتی عدل درباره فعل انسان نسبت به دیگران به کار می‌رود، به معنای رفتار کردن با آنها بر اساس حق‌شان و قرار دادن آنها در جای متناسب‌شان است. وقتی این معنا مراد باشد، از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌شود. بر این اساس، عدالت اجتماعی یعنی اینکه با مردم بر اساس حق‌شان رفتار شود و در جای متناسب‌شان قرار گیرند. با جمع‌بندی مفهوم «عدالت اقتصادی» بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی، می‌توان چهار معنای تساوی، دادن حق هر صاحب حقی به وی، عدم تفاوت فاحش درآمدی و اعتدال را استخراج کرد (ر.ک: رجایی، ۱۳۹۲؛ پاسبانی، ۱۳۸۶؛ عیوضلو، ۱۳۸۶؛ حسینی، ۱۳۸۷).

همه معانی عدالت اقتصادی، بلکه عدالت به صورت مطلق را می‌توان به مفهوم «دادن حق هر صاحب حق» برگرداند. جامعه اسلامی، جامعه برابری‌ها به معنای ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق ثمره کسب هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه است. جامعه‌ای که در آن هر فرد به حق خود برسد، عدالت‌محور است. عدالت اجتماعی در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تا جایی که اقامه قسط، هدف ارسال رسل و انزال کتب آسمانی بیان می‌شود. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

مطابق آیه فوق، خداوند انبیاء را با ادله روشن فرستاد و با آنها کتاب و میزان را نازل کرد تا مردم را به قسط عادت دهند و در جامعه‌ای قسط‌محور زندگی کنند. از لام در «لِيقوم الناس بالقسط» به دست می‌آید، احکامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورد، برای اقامه قسط تشریح شدند تا مردم از فشار ظلم، تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. همچنین، خداوند با تأکید به قسط فرمان می‌دهند و این تکلیف را بر عهده همه مؤمنان می‌گذارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵). همچنین به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امر شده که با قسط میان مردم داوری کن؛ چراکه خداوند مقسطان را دوست می‌دارد «فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲). خداوند همه انسان‌ها را به عدل و احسان امر می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). از این آیه به دست می‌آید که تمام شریعت بر عدل مبتنی بوده و هیچ حکم ظالمانه‌ای در آن وجود ندارد. همچنین خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: به آنهایی که غیرخدا را برای خود سرپرست برمی‌گزینند، بگو: «أمرت لأعدل بینکم» (شوری: ۱۵). طبق این آیه، خود شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان رهبر و سرپرست جامعه اسلامی و اسوه همه آنها از سوی خداوند مأمور می‌شود تا میان مردم به اقامه عدالت بپردازد و مسئول مستقیم آن نیز خود شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌شود.

در حالیکه مالیات تورمی از طریق انتقال قدرت خرید از صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت به دولت، انتقال قدرت خرید از طلبکاران به بدهکاران، انتقال قدرت خرید از سپرده‌گذاران به وام‌گیرندگان، انتقال قدرت خرید از کارگران و حقوق‌بگیران به کارفرمایان و سرمایه‌داران، انتقال قدرت خرید از توده مردم به اقلیت اولین دریافت‌کننده نقدینگی، توزیع مجدد درآمد و ایجاد شکاف طبقاتی، افزایش نرخ مؤثر مالیات، بی‌تفاوت بودن نسبت به سطوح مختلف درآمدی، بی‌تفاوت بودن نسبت به تغییرات نامتناسب قیمت‌ها و درآمدها، اختلال در انجام تعهدات مدت‌دار و اختلال در وظایف پول موجب گسترش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود.

ب. رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء: یکی دیگر از مقاصد کلان شریعت در بُعد اقتصادی، رفع فقر، عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء، کاهش فاصله طبقات درآمدی و به وجود نیامدن انحصارهای کلان اقتصادی است. خداوند درباره توزیع اموال زیادی که به رسولش بازگرداند، می‌فرماید: این اموال از آن خدا، رسول، خویشاوندان او، یتیمان، مستمندان و درراه‌ماندگان است. سپس، درباره حکمت این نوع توزیع می‌فرماید: «کی لا یكون ذولاً بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷). از این آیه به دست می‌آید: تمرکز ثروت تنها در دست عده‌ای معدود از نظر اسلام مطلوب نیست و برای در گردش بودن مال در نزد همه افراد جامعه، این اموال به فقراء اختصاص یافت تا بدین وسیله، توازن اجتماعی حفظ شود و تنها بین ثروتمندان گردش نکند.

بنا به مفاد برخی از آیات قرآن، نعمت‌های الهی برای همه انسان‌ها آفریده شده و همه در استفاده از آنها شریک و مساوی هستند. خداوند می‌فرماید: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره: ۲۹). مطابق این آیه، در اصل، ثروت‌های طبیعی متعلق به همه است. مالکیت خصوصی فرع بر آن می‌باشد و عدم تمرکز و تداول آن در دست گروه خاص، یک هدف تلقی می‌شود.

آیه قبلی به یک اصل بنیادی اقتصاد اسلامی اشاره دارد و آن اینکه یکی از وظایف و اهداف اساسی حکومت اسلامی، ممانعت از انباشت نامعقول ثروت در دست اغنیاء، است زمانی که اکثریت افراد جامعه در محرومیت به سر می‌برند. این تبیین صریح هدف، ایجاب می‌کند مسئولان جامعه اسلامی شیوه‌های عملی شدن آن را به کار بندند و به‌گونه‌ای سیاست اقتصادی را تعیین کنند که سمت‌گیری آن به سوی این هدف باشد. بر عهده حاکم اسلامی است که از اموال عمومی، به عنوان ابزاری برای رسیدن به این هدف استفاده کند. آیه در مقام بیان یک هدف کلی است که باید در جامعه اسلامی، همچون سایر اهداف کلی که مربوط به عموم جامعه و از احکام و سیاست‌های عمومی است، پیاده شود. این مورد، همواره به عنوان یکی از اهداف اقتصادی برای دولت اسلامی مطرح است.

این آیه، دولت را موظف می‌کند که مانع چرخش ثروت تنها در دست اغنیاء شود. ملاک مسئولیت دولت اسلامی در جلوگیری از تمرکز ثروت را در همه انفعال می‌یابیم. اسلام، ثروت‌های طبیعی نظیر جنگل‌ها و معادن را در اختیار دولت اسلامی قرار می‌دهد (انفال: ۱-۸). تا مبدا در دست اغنیاء دست‌به‌دست گردد. این ملاک، که در تقسیم‌نکردن اراضی مفتوحة العنوة (صدر، ۱۹۹۱، ص ۴۴۵) و آیه کنز (توبه: ۳۴) هم آمده است. دو آیه «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» و «کی لا یكون ذولاً بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷)، اجازه نمی‌دهند که عده محدودی از ثروت نجومی برخوردار گردند و عده زیادی محروم بمانند.

مالیات تورمی، موجب گسترش فقر و تمرکز ثروت در دست اغنیاء می‌گردد. سازوکار آن به این صورت است که مالیات تورمی، موجب می‌شود بار آن تنها بر صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت تحمیل شود. درآمدهای ثابت، به دلیل اینکه نمی‌توانند با افزایش قیمت‌ها، هماهنگ شوند و وضع ثابتی دارند، متناسب با نرخ تورم درصدی از قدرت خرید خود را در نهایت، به نفع دولت از دست می‌دهند. در مقابل، درآمدهای متغیر که به محض احساس افزایش قیمت‌ها، افزایش می‌یابند و قدرت خرید خود را حفظ می‌کنند، یا حتی در بعضی از فعالیت‌های بازرگانی، که کمتر تحت نظارت دولت است، درآمد آنها حتی از افزایش قیمت‌ها نیز بیشتر افزایش می‌یابد، نه تنها هیچ قدرت خریدی از آنها به دولت انتقال نمی‌یابد، بلکه منافع سرشاری نیز به دست می‌آورند.

از آنجاکه میزان تحمیل مالیات تورمی، به حجم درآمدهای ثابت و نسبت آن به مجموع درآمدهای جامعه و به میزان انعطاف‌ناپذیری درآمدهای نیمه ثابت نسبت به افزایش قیمت‌ها، بستگی دارد، توزیع درآمد پس از تورم به ضرر این دو قشر تمام می‌شود؛ زیرا اگر دولت بخواهد با این شیوه از درآمد ملی سهم بیش‌تری نصیب خود کند، باید بتواند کاهش درآمد حقیقی را به طبقاتی از جامعه تحمیل کند. نظر به اینکه صاحبان درآمدهای متغیر می‌توانند به سرعت، وضع درآمدی خود را با افزایش تورم، هماهنگ کنند، دولت مجبور است از درآمدهای ثابت و نیمه‌ثابت برداشت کند. در نتیجه، به اجبار کاهش مصرف به صورت پس‌انداز اجباری به آنها تحمیل می‌شود و در بلندمدت موجب از بین رفتن طبقه میانی جامعه و افزایش طبقه فقیر می‌شود. این امر با اصول عدالت منافات دارد.

۲. منافات داشتن مالیات تورمی با اصل توانایی پرداخت: یکی از اقدامات اسلام در جهت گسترش عدالت، رعایت اصل توانایی پرداخت در واجبات مالی و توزیع هزینه‌های دولت در ارائه کالاها و خدمات بین مردم است. بر اساس این منطوق، بار واجبات مالی، به نسبت توانایی اقتصادی افراد (درآمد و ثروت) توزیع می‌شود (برابری نسبی، نه بر اساس منافع مستقیمی که آنها از خدمات دولت به دست می‌آورند. طبق این منطق، کسانی که توانایی بالاتری دارند، باید مالیات بیش‌تری بپردازند.

مصرف می‌کنند، باید زکات کمتر و کسانی که خوراک گران مصرف می‌کنند، زکات بیشتر بپردازند و کسانی که توانایی پرداخت زکات فطره را ندارند، معاف هستند و کسانی که فقیرند، نه تنها زکاتی بر آنها واجب نیست، بلکه دریافت‌کننده زکات هستند.

از مجموع مقررات مالیاتی اسلام، به روشنی استنباط می‌شود که منطق اسلام در تأمین هزینه‌های عمومی رعایت اصل توانایی پرداخت است. این منطق که در راستای گسترش عدالت در جامعه است، باید توسط همه حاکمان اسلامی رعایت شود. درحالیکه مالیات تومی، با در نظر گرفتن پیامدهای آن، با منطق توانایی پرداخت ناسازگار است؛ زیرا مالیات تومی، تفاوتی بین درآمدهای کمتر از سطح حداقل معیشت و سایر درآمدها، قائل نیست. همه آنها را به تناسب تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از ارزش حقیقی همه آنها می‌کاهد. درحالیکه مالیات‌های منصوص اسلامی و حتی مالیات‌های مستقیم متعارف، معافیت حداقل معیشت و اصل توانایی پرداخت را در نظر می‌گیرند.

۳. منافات داشتن مالیات تومی با آیه تجارت: یکی از ممنوعیت‌های مؤکد قرآن «اکل مال به باطل»

است. این ممنوعیت، به عنوان یکی از ضوابط عمومی در قراردادها و روابط مالی مطرح می‌باشد. دلیل اصلی آن، آیاتی از قرآن کریم، به ویژه آیه ۲۹ سوره نساء معروف به «آیه تجارت» است. در این آیه، منظور از «اکل»، تملک و هرگونه تصرف اعم از خوردن، پوشیدن، سکونت و غیره در اموال دیگران است. علامه طباطبائی، در ذیل این آیه، اضافه می‌کند که این آیه در تصرف مال به باطل عمومیت دارد. ذکر «قمار» یا امثال آن در روایات، از باب ذکر مصداق است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۲۴). امام خمینی^{ره} ملاک در شناخت باطل را فهم عرف می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۳ و ۳۴). وی، سپس نتیجه می‌گیرد که تصرف در اموال دیگران، از طریق اسباب باطل عرفی حرام و از طریق اسباب حق عرفی حلال می‌باشد.

مالیات تومی با آیه فوق منافات دارد؛ زیرا اولاً، پول کاغذی شرعاً مال تلقی می‌شود. هر مالی شرعاً محترم است و هرگونه تملک و تصرفی در آن به اذن مالک نیاز دارد. ثانیاً، مالیات تومی دلیل شرعی برای انتقال قدرت خرید از مردم به دولت محسوب نمی‌شود. در نتیجه، تملک و تصرف دولت در درآمدهای حاصل از مالیات تومی مصداق «اکل مال به باطل» بوده و حرام می‌باشد. دولت حق تصرف در آنها را ندارد. از این رو، کسب درآمد از طریق که به صراحت با آیات قرآن منافات دارد، نمی‌تواند در اقتصاد اسلامی جایگاهی داشته باشد.

۴. منافات داشتن مالیات تومی با آیه بخش: یکی دیگر از ادله ما، حرمت ناچیز و بی‌ارزش کردن

(بخس) اموال دیگران است. در شرع مقدس اسلام، ناچیز و بی‌ارزش کردن اموال (کار و کالا) دیگران

در اسلام واجبات مالی به گونه‌ای دریافت می‌شود که افراد با توانایی پرداخت یکسان، مقادیر برابر مالیات می‌پردازند (برابری افقی) و افرادی که توانایی پرداخت یکسان ندارند، مالیات‌های نابرابری می‌پردازند (برابری عمودی). از نظر اسلام، افرادی که کمتر از مخارج یک سال خانواده خود درآمد دارند، توانایی پرداخت برای واجبات مالی را نداشته و معاف از مالیات می‌باشند. همچنین در راستای گسترش عدالت برای صاحبان درآمد کشاورزی و دامپروری، معافیت‌هایی در نظر می‌گیرد. برای نمونه، کشاورزانی که گندم، جو، خرما و کشمش تولید می‌کنند، تا مقدار ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم از پرداخت مالیات معاف هستند. این مقدار، با توجه به مصرف سالانه افراد از این چهار محصول، محصول زیادی است.

همچنین در تعیین نرخ، بین کشت دیم و آبی تفاوت قائل می‌شود. برای کشت دیم، که زحمت کمتری دارد، ده درصد و برای کشت آبی که زحمت بیش‌تری دارد، پنج درصد در نظر می‌گیرد. همین‌طور، برای دامپروران نیز معافیت‌های متناسبی در نظر می‌گیرد. برای نمونه، برای شتر ۵ نفر، برای گاو ۳۰ رأس و برای گوسفند و بز، ۴۰ رأس در نظر می‌گیرد. همچنین، دریافت مالیات [جزیه] از غیرمسلمانانی که در سایه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کنند نیز بر اساس اصل توانایی پرداخت است. به عنوان نمونه، حضرت علی^{علیه السلام} از اغنیای آنها ۴۸ درهم، از اقشار متوسط ۲۴ درهم؛ یعنی نصف مالیات اغنیاء و از اقشار ضعیف ۱۲ درهم؛ یعنی یک چهارم مالیات اغنیاء و نصف مالیات اقشار متوسط، مالیات دریافت می‌کرد (حرعاملی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۶).

از امام صادق^{علیه السلام} درباره مقدار مالیات غیرمسلمانان پرسیده شد. حضرت پاسخ داد: «ذلک الی الامام یاخذ من کل انسان منهم، ماشاء علی قدر ماله و ما یطیق»؛ این امر به امام مربوط می‌شود، از هر فرد آنها به مقداری که دوست دارد، بر اساس مال و استطاعت آنها دریافت می‌کند (همان، ج ۱، ص ۶۸). در این کلام نیز توانایی پرداخت رعایت می‌شود و مرجع تشخیص میزان آن، به حاکم اسلامی واگذار می‌شود. حضرت علی^{علیه السلام} در زمان حکومت خود، اصل توانایی پرداخت را با همه ظرافت‌های آن در وضع مالیات حکومتی رعایت می‌نمود. به عنوان نمونه، حضرت^{علیه السلام} بر اسب‌های ماده‌ای که در بیابان‌ها برای چریدن رها شده بودند [عتیق]، دو دینار و از نوع تندرو [برزون]، یک دینار زکات وضع کرد و بر قاطر و الاغ چیزی وضع نکرد (همان، ج ۶، ص ۵۱). اینکه چرا حضرت علی^{علیه السلام} بر قاطر و اسب نر، زکات وضع نکرد، امام صادق^{علیه السلام} بیان می‌دارد: دلیل آن این است که قاطر و اسب نر بچه نمی‌زاینند و زیاد نمی‌شوند (همان، ص ۳۱).

این منطق در زکات فطره نیز رعایت می‌شود. در زکات فطره، هر فرد بر اساس متوسط ارزش اقتصادی خوراکی که در طول سال تهیه و مصرف می‌کند، باید زکات بپردازد. کسانی که خوراک ارزان

حرام می‌باشد و تحمیل مالیات تورمی ناچیز و بی‌ارزش کردن اموال دیگران است. خداوند می‌فرماید:

«فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اعراف: ۸۵).

آیه بخش، به ترسیم سرگذشت قوم حضرت شعیب ع می‌پردازد. کم‌گذاشتن از پیمان‌ها و وزن‌ها و بی‌ارزش کردن اموال دیگران، در بین آنها شایع بود. خداوند، آن حضرت ع را به سوی آنان فرستاد تا آنان را به توحید و کامل کردن عادلانه پیمان‌ها و وزن‌ها و ترک فساد در زمین فراخواند. حضرت شعیب ع به قومش فرمود: «من شما را در وسعت رزق و ارزانی و فراوانی محصول، می‌بینم بنابراین احتیاجی ندارید که پیمان‌ها و وزن را کم کنید و به‌طور نامشروع در دارایی دیگران طمع ورزید و با ظلم و تعدی اختلاس کنید».

اسماعیل ابراهیم البدوی نقل می‌کند: قوم شعیب ع اطراف درهم و دینار را قیچی می‌کردند و از این طریق، طلا و نقره زیادی جمع می‌کردند. خداوند با عبارت «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ» قوم شعیب را از این عمل نهی فرمودند (بدوی، ۲۰۰۴، ص ۴۹۰). از این آیات، به صراحت به‌دست می‌آید: موقع معامله حتماً باید سنج‌ها سالم باشند و نقصی نداشته باشند و اجناس به تمام و کمال سنجیده شوند. کسی این حق را که اجناس دیگران را با هر شیوه‌ای کم‌ارزش نماید، ندارد. مالیات تورمی موجب ناچیز و بی‌ارزش کردن اموال دیگران می‌شود؛ زیرا میزان قدرت خرید هر واحد پول با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، به میزان حجم پول در گردش بستگی دارد. حال، وقتی دولت حجم پول در گردش را افزایش می‌دهد، درصدی از تولید ملی را به خود اختصاص می‌دهد. با این اقدام دولت، تناسب بین حجم پول و حجم کالا به هم خورده، از ارزش و قدرت خرید پول در دست مردم کاسته می‌شود. میزان این کاهش، دقیقاً به میزان پول جدید به جریان افتاده، بستگی دارد. اگر دولت حجم پول را افزایش ندهد و آن را ثابت نگه دارد، با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، ارزش پول ملی نیز، ثابت می‌ماند و دولت نیز درآمدی نخواهد داشت.

۵. منافات داشتن مالیات تورمی با مصالح اسلام و مسلمانان: یکی از ضوابطی که لازم است سیاست‌گذار مسلمان، در مسائل اقتصادی و یا غیراقتصادی رعایت کند، مصالح اسلام و مسلمانان است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۲). همان‌طور که همه احکام شرعی دارای مصالح و مفاسد حقیقی نفس‌الامری است، سیاست‌ها نیز باید این‌گونه باشد. سیاستی که حاکم اسلامی اتخاذ می‌کند، نباید در تحلیل نهایی، از چارچوب مصالح فوق‌خارج باشد.

مصلحت اسلام و مسلمانان، طیف وسیعی از مصالح را شامل می‌شود. در رأس این مصالح، حفظ نظام سیاسی اسلام (ولایت) قرار دارد. آنچه در رابطه با تعریف مصلحت به ذهن می‌رسد، این است که

هر انسانی پس از رسیدن به مرحله خودآگاهی و مطرح شدن سؤالات ریشه‌ای برای وی، تفسیری از جهان هستی، مبدأ و معاد اعم از صحیح یا غلط، در ذهنش نقش می‌بندد و بر اساس آن، برای زندگی خود آرمان‌هایی در نظر می‌گیرد. بعضی از اعمال وی را به این آرمان‌ها نزدیک و بعضی دیگر دور می‌سازد. نتیجه آن اعمال، گاهی فوراً و گاهی پس از سپری شدن مدتی، ظاهر می‌شود. اعمالی که وی را به آرمان‌هایش نزدیک می‌کند و نتیجه آن فوراً ظاهر می‌شود، «منفعت» نام دارد و اعمالی که وی را به آرمان‌هایش نزدیک می‌سازد و نتیجه آن بعداً ظاهر می‌شود، «مصلحت» نامیده می‌شود. اعمالی که وی را از آرمان‌هایش دور می‌سازد، «مفسده» نام دارد.

با توجه به تحلیل بالا، مصلحت به هدف زندگی مربوط می‌شود. این هدف‌ها، هرگونه که تفسیر شود، مصلحت مناسب با آن شکل می‌گیرد. در واقع مصلحت، همان منفعتی است که در بلندمدت محقق می‌شود. تحصیل، سرمایه‌گذاری، رعایت بهداشت و نظایر آن اعمالی هستند که منافع آنها معمولاً بعد از سپری شدن مدتی نصیب فرد می‌شود. از این رو، به اینها، اعمال «مصلحت‌دار» می‌گویند.

اگر آرمان‌های زندگی انسان را خداوند تعیین کند، اعمالی که انسان‌ها را به این آرمان‌ها نزدیک می‌کند، «شریعت» و نتیجه آنها «مصلحت» شرعی نامیده می‌شود. پس، منظور از «مصلحت شرعی»، تحقق مقاصد شارع است. بر این اساس، اعمالی مصلحت دارند. این مصالح، در رسیدن انسان به هدف نهایی خلقت و در تحقق اهداف انبیاء مؤثر هستند.

بر اساس مقتضای نصوص دینی، دستیابی به هدف نهایی، مستلزم طی مراحل است که از آن با عنوان «اهداف اولی» و «میانی» تعبیر می‌شود. بنابراین، مصلحت شرعی در قالب هدف نهایی و اهداف، غیرنهایی تحقق می‌یابد. این اهداف، با مراجعه به نصوص مبین هدف خلقت، و ارسال رسل و انزال کتب و تشریح مشخص می‌شود. هدف نهایی خلقت شناخت خداوند و پرستش آگاهانه وی است.

مصلحت انسان، حتی مصلحت‌های مادی وی، با توجه به اهداف فوق‌ارزش می‌یابند. کلیه نیازهای مادی و معنوی جامعه در رساندن انسان‌ها به هدف‌های والای زندگی به مصلحت‌هایی تبدیل می‌شوند که تحقق آنها، در زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. بنابراین، منظور از «مصلحت شرعی»، تحقق مقصود شارع است و تحقق خارجی مصالح شرعی، در قالب جعل و اجرای احکام شرعی است و مصدر کشف آن، نص معتبر و عقل عملی است. مصالح شرعی، محدود به دنیا و لذت مادی نیست و به قابل درک و غیرقابل درک تقسیم می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۵۸-۵۹). احکام فرعی اسلام، تأمین‌کننده مصالح اسلام و مسلمین است و در دلایل قبلی اثبات شد که مالیات تورمی با احکام فرعی اسلام، منافات دارد. در نتیجه، نمی‌تواند تأمین‌کننده مصالح اسلام و مسلمانان باشد.

دارندگان پس انداز پولی، و طلب کاران ایجاد می نمایند. برای نمونه، اگر فردی، مبلغ یک میلیون تومان، به مدت پنج سال از دیگری طلب داشته باشد و در طول این مدت، نرخ سالانه تورم ۲۰ درصد بوده باشد و بخواهد طلب خود را به گونه ای بگیرد که قدرت خرید پول او حفظ شده باشد، باید به جای یک میلیون تومان، مبلغ ۲۴۸۸۳۲۰ تومان دریافت کند. هرگونه تغییری در قدرت خرید پول، موجب تغییر در حق دو طرف قرارداد، بدون هیچ گونه استحقاقی می شود. اگر قدرت خرید پول کاهش یابد، طلب کار ضرر می کند، اگر افزایش یابد، بدهکار ضرر می کند. کاهش ارزش پول، موجب می شود تا تفاهم ها و قراردادهای پولی بی اعتبار شوند.

امروزه، هرچند دادوستدها و قراردادهای پولی در ظاهر درست انجام می گیرند، ولی در واقع با اعمال مداخلات نامرئی و نامحسوس، از وزنه ها و پیمانانه های تقلبی استفاده می شود. اختلال در ارزش پول رایج، به اختلال در وفای به تعهدات مدت دار منجر می شود و موجب می شود تا پرداخت مبالغ مندرج در تعهدات مدت دار، ناعادلانه به نظر رسد. این امر، این سؤال جدی را مطرح می کند که آیا عمل به تعهدات قرارداد، با پرداخت مبلغی از پول که مقدار اسمی آن در قرارداد ذکر شده، محقق می شود؟ یا ملاحظه قدرت خرید آن لازم است. همین امر موجب شد تا محققان درصدد پیدا کردن راهکاری برآیند تا ضرری متوجه دو طرف قرارداد نشود.

بعضی از مراجع معظم تقلید، راه کارهایی برای فرار از کاهش ارزش پول رایج در قراردادهای مدت دار پیشنهاد کرده اند. به عنوان نمونه، آیت الله جعفر سبحانی اظهار می دارد:

برای جلوگیری از ضررهای مالی (کاهش ارزش پول رایج، راه مشروعی در پیش است و آن اینکه وام دهنده، به هنگام قرض دادن، شرط کند من این مبلغ از اسکناس را که ارزش آن معادل با فلان مقدار پول ثابت یا کالا است، به تو قرض می دهم. به هنگام بازپرداخت، باید این جهت را رعایت کنی و مبلغی را بدهی که دارای چنین ارزشی باشد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶).

پول در هر جامعه ای، از مهم ترین مقیاس ها و سنجها است که خداوند وفای به آنها را امر فرمودند تا بتواند نقش حقیقی خود را ایفا کند و اخلال در آن، به مثابه افساد در زمین است (اعراف: ۸۵). برای اینکه این مطلب برای پول محقق شود، باید از ثبات در ارزش برخوردار باشد؛ زیرا کاهش مستمر ارزش پول، می تواند در منطبق قرآن به افساد عالم تفسیر شود. پول وسیله مبادله و واحد سنجش ارزش کالا و خدمات است.

اگر ارزش پول ثابت نباشد، به فساد معاملات و ضرر به مردم منجر می شود. فساد معاملات از این جهت است که در این صورت، مقیاس معین برای قیمت کالاها و خدمات وجود ندارد، تصور کنید

۶. منافات داشتن مالیات تورمی با قاعده اهم و مهم: یکی دیگر از ضوابطی که لازم است حاکم اسلامی هنگام سیاست گذاری رعایت کند، قاعده اهم و مهم است. در حقیقت، پیکره اصلی تشخیص مصلحت را همین ضابطه تشکیل می دهد. قاعده اهم و مهم، قاعده ای کلی است که برای تشخیص مصلحت اهم از مهم، از قرآن، سنت و عقل نشأت می گیرد. بر اساس این قاعده، به هنگام تراحم، اهم بر مهم مقدم می شود. آیات زیادی به طور غیرمستقیم بر این قاعده دلالت دارند (بقره: ۱۹۱، ۱۷۳؛ آل عمران: ۱۰۶؛ نساء: ۱۴۸؛ توبه: ۶۰؛ نحل: ۱۰۶؛ تغابن: ۱۶). علاوه بر آیات، در سنت نیز احکام زیادی وارد شده که از مصادیق این قاعده است و بر ضرورت تقدیم اهم بر مهم دلالت دارند. شاید مهم ترین و اساسی ترین مرحله در سنجش مصلحت ها، شناخت و رعایت این قاعده می باشد.

سالم ترین، کارآمدترین و اقتصادی ترین شیوه تأمین هزینه های دولت، مالیات است که در اقتصاد اسلامی از آن به خمس، زکات و جزیه تعبیر می شود. بنابراین، مصلحت در درجه اول این است که دولت از تمام ظرفیت - مالیات پذیری جامعه استفاده نماید. اگر مالیات های منصوص کفایت نکرد. دولت اسلامی می تواند با رعایت منطق مالیات های منصوص، مثل در نظر گرفتن نصاب و اصل توانایی پرداخت، پایه مالیاتی را گسترش دهد. اگر همچنان کسری بودجه وجود داشت، به انتشار اوراق بهادار متوسل شود و از حداکثر ظرفیت مشارکتی جامعه استفاده نماید. البته استفاده از حداکثر ظرفیت این دو ابزار، نیازمند وجود بستر مساعد است. چنین بستری ممکن است در کوتاه مدت مهیا نباشد. از این رو، دولت موظف است بستر لازم را برای این امر مهیا سازد.

اگر علی رغم استفاده از مالیات و اوراق بهادار، همچنان کسری بودجه وجود داشته باشد و هزینه های دولت از چنان مصلحتی برخوردار باشد که به شهادت کارشناسان خبره و امین، مصالح حیاتی اسلام و مسلمین به آن وابسته باشد و با درک عقل عملی دانسته شود که شارع مقدس به فوت چنین مصالحی راضی نیست، در این صورت دولت اسلامی می تواند علی رغم پیامدهای منفی، از مالیات تورمی به مقدار مصلحت استفاده نماید؛ زیرا چنین شرایطی به ندرت رخ می دهد و حالت استثنایی دارد و نمی تواند توجیه گر جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی باشد.

۷. منافات داشتن مالیات تورمی با ضرورت وفای به تعهدات: امروزه درصد زیادی از قراردادهایی که منعقد می شود، تعهداتی به پرداخت مبلغ معینی از پول، در آینده است. دادوستدهای مدت دار، سپرده های بانکی، مهریه مدت دار، قراردادهای حقوق و دستمزد، اجاره مستغلات از آن جمله هستند. در شرایط تورمی، در کلیه قراردادهای بلندمدت پولی، ارزش پول به نحو چشمگیری کاهش می یابد. این امر، علاوه بر نابسامانی های فراوان اقتصادی، مشکلات فراوانی را برای افراد دارای درآمد ثابت،

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، چ دوم، قم، پارسایان.

بدوی، اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۴، *التوزیع و النقود فی الاقتصاد الاسلامی و الاقتصاد الوضعی*، کویت، مجلس النشر العلمی.

پاسبانی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، «عدالت اقتصادی و موضوع برابری در اندیشه‌های سید محمد باقر صدر»، *دین و اقتصاد*،

ش ۳ - ۴، ص ۷۵ - ۴۴.

توسلی، محمداسماعیل، ۱۳۸۳، «محدودیت‌ها و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسری بودجه»،

اقتصاد اسلامی، ش ۱۴، ص ۸۲ - ۱۰۷.

حراغملی، محمدین حسن، ۱۳۷۱، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۷، «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲، ص ۵ - ۳۷.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

—، ۱۳۷۹، *کتاب‌البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سمیران، محمدعلی صالح، بی‌تا، *النقود المزیفة، احکام‌ها و آثارها الاقتصادية فی الفقه الاسلامی*، سایت

www.arablawinfo.com

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۹۹۱م، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

عیوضلو، حسین، ۱۳۸۶، *شاخص‌های عدالت اقتصادی*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کمیجانی، اکبر و محمد مهدی عسکری، ۱۳۸۲، «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه توری»،

تحقیقات اقتصادی، ش ۸۳، ص ۵۵ - ۷۲.

کمیجانی، اکبر و همکاران، ۱۳۹۱، «هدف اصلی سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام»، *معرفت*

اقتصاد اسلامی، ش ۶، ص ۱۲۳ - ۱۴۴.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۴، «عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام»، *کتاب نقد*، ش ۳۷، ص ۷۵ - ۱۱۹.

—، ۱۳۸۱، *ریا و تورم: بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Buiter, Willem H, 2007, Seigniorage, Open Assessment E-Journal, No. 10, Electronic copy available at: www.economics-ejournal.org.

Chari, V.V, Lawrence Christiano, and Patrick Kehoe, 1996, "Optimality of the Friedman Rule in Economics with Distorting Taxes", *Journal of Monetary Economics*, No. 37, P. 3 - 203.

Faig, Miquel, 1988, "Characterization of the Optimal Tax Money When it Functions as a Medium of Exchange", *Journal of Monetary Economics*, No. 22, P. 137 - 184.

Fishr, Irving, 1920, *Stabilizing the Dollar*, Macmillan, New York, P. 1 - 22.

Friedman, Milton, 1953, *Discussion of the Inflationary Gap In Essays in Positive Economics*, University of Chicago Press.

متری که با آن طول را می‌سنجند، متغیر باشد و بین مثلاً ۹۵ تا ۱۰۵ سانتی‌متر در نوسان باشد. با این متر، چگونه می‌توان منسوجات، زمین و مانند آن را اندازه گرفت. بی‌شک معاملات مردم به دلیل اینکه بر مقیاس مشخصی مبتنی نیست، فاسد می‌شود. برای اینکه عدالت در تعهدات پولی بین مردم محقق شود، باید ارزش پول در یک مقدار معین برای همیشه ثابت باقی بماند.

نتیجه‌گیری

در اقتصاد متعارف، اختلافاتی در مورد جایگاه مالیات توری وجود دارد. برخی اقتصاددانان از آن حمایت، و گروهی آن را رد می‌کنند. در این مقاله، به بررسی جایگاه مالیات توری در اقتصاد اسلامی پرداختیم. با توجه به استدلال‌های مطرح شده، مالیات توری، نمی‌تواند جایگاهی در اقتصاد اسلامی داشته باشد.

مالیات توری از یک‌سو، با اقامه قسط و عدل، رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء منافات دارد. چنین مالیاتی، از سوی دیگر، با اصل توانایی پرداخت و بعضی از آیات قرآن؛ مثل آیه تجارت و آیه بخش و مصالح اسلام و مسلمین ناسازگار است.

بر اساس قاعده اهم و مهم، استفاده از مالیات توری در شرایط عادی غیرمجاز و در شرایط حاد و استثنایی همانند اکل میته مجاز است. چنین جوازی، نمی‌تواند منشأ پذیرش جایگاه این مالیات در اقتصاد اسلامی شود. از این‌رو، دولت اسلامی مجاز به استفاده از مالیات توری جهت تأمین کسری بودجه عمومی نیست.

- _____, 1969, *The Optimum Quantity of Money and Other Essays*, Aldine Publishing Company, New York.
- _____, 1971, "Government Revenue From Inflation", *Journal of Political Economy*, Vol. 79, No. 4.
- Fiorella De Fiore, 2000, "The Optimal Inflation Tax When Taxes are Costly to Collect", *European Central Bank Working Paper*, No. 38, P. 11.
- Gros, Daniel, 1989, "Seigniorage in the EC: The Implications of the EMS and Financial Market Integration", *IMF Working Paper*, No. 7, P 1 - 18.
- Keynes, John Maynard, 1923, *A Tract on Monetary Reform*, Macmillan, London.
- Kimbrough, Kent P, 1986, "The Optimum Quantity of Money Rule in the Theory of Public Finance", *Journal of Monetary Economics*, No. 18, P. 277 - 284.
- Leftwich and Sharp, 1974, *Economics of Social Issues*, Publications Inc.
- Neumann, Manfred J. M, 1992, *Seigniorage in the United States: How Much Does the U.S. Government Make from Money Production?*, Electronic copy, available at: www.stlouisfed.org.
- Ramsey, F.P, A, 1927, "Contribution to the Theory of Taxation", *The Economics Journal*, Vol. 37, No. 145, P. 47-61.
- Reich, Jens, 2011, Seigniorage Where Does It Come From and Who Gets It? An Institutional Perspective on Currency Creation, P 1-12. Electronic copy, available at: <http://www.ecb.int>.
- Phelps, Edmund, 1973, "Inflation in the Theory of Public Finance", *Swedish Journal of Economics*, Vol. 75, P. 867 - 882.
- Uribe, Martin, 2009, "Foreign Demand for Domestic currency and the optimal Rate of Inflation", *NBER working paper*, No. 15494, P. 1 - 13.

مقدمه

در چند سال اخیر و در پی افزایش تحریم‌های یک‌جانبه غرب، به‌ویژه آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران، شرایط خاصی بر اقتصاد کشور حاکم شد. از جمله این شرایط، می‌توان به کاهش نرخ رشد اقتصادی، افزایش تورم، شوک ارزی، تحریم بانک مرکزی و نظام بانکی اشاره کرد. بنابراین، با وجود این شرایط نیاز به تغییر نگرش و راهبرد در سیاست‌های کلی اقتصاد بیش از پیش احساس می‌گردد. به همین دلیل، در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری، «اقتصاد مقاومتی» به عنوان راهبرد مقابله با این جنگ اقتصادی مطرح شد. با این حال، تعاریف متفاوتی با نگاه‌های متفاوت، از اقتصاد مقاومتی انجام شده است که بهترین تعریف را خود مقام معظم رهبری از این واژه این‌گونه بیان فرموده‌اند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (۱۳۹۱/۵/۱۶).

سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» از سوی مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ گردید. اجرای سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، نیازمند تدوین و تصویب قوانین و دستورالعمل‌ها مورد نیاز از سوی مسئولان، و بحث و بررسی کارشناسی از جانب نخبگان علمی و دانشگاهیان، با هدف طراحی الگوهای در زیر بخش‌های مختلف اقتصادی برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی می‌باشد. از جمله زیر بخش‌های اقتصادی، که به عنوان مکمل بخش واقعی در اقتصاد مطرح می‌شود، بخش مالی است که از بازارهای پول (Money Market)، سرمایه (Capital Market) و بیمه (Insurance Market) تشکیل شده است.

بازارهای مالی، با کارکردهایی همچون تجهیز و تخصیص بهینه منابع، مدیریت و انتقال ریسک و غیره به عنوان موتور محرکه اقتصاد برای فراهم کردن سرمایه برای بخش واقعی اقتصاد، شناخته می‌شوند. به‌گونه‌ای که اغلب تحلیل‌گران همچون گلداسمیت (۱۹۶۹)، مکینون (۱۹۷۳)، شاو (۱۹۷۳)، کینگ و لوین (۱۹۹۳)، لوین و زروس (۱۹۹۶) معتقدند: توسعه و تعمیق بازارهای مالی می‌تواند سرعت رشد اقتصادی را افزایش دهد. در میان نهادهای فعال در بازارهای مالی، بورس اوراق بهادار به عنوان مهم‌ترین رکن بازار سرمایه، نزدیک‌ترین بازار به بازار رقابت کامل است. بورس اوراق بهادار، با توجه به ارتقای نقش‌های تأثیرگذار از جمله جهت‌دهی منابع مالی به

نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

محمدنقی نظریور / دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید

یحیی لطفی‌نیا / کارشناس ارشد اقتصاد اسلام دانشگاه مفید

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۱

nazarpur@mofidu.ac.ir

Yaya.lotfinia@yahoo.com

چکیده

در چندسال اخیر بحث «اقتصاد مقاومتی»، برای مقابله با فشارها و تهدیدهای اقتصادی جبهه استکبار جهانی علیه کشورمان، از سوی مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی کشور وارد شد. هدف از طرح این موضوع، دستیابی به اهداف اقتصادی چشم‌انداز بیست‌ساله کشور می‌باشد، در شرایطی که کشور با انواع فشارها و تحریم‌ها مواجه است، به‌گونه‌ای که اقتصاد مستمراً رشدی درون‌زا، با ثبات و پایدار خود را تجربه و دچار رکود نگردد. دستیابی به چنین رشدی، مستلزم افزایش نرخ پس‌انداز، نرخ سرمایه‌گذاری و هدایت بهینه نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی است. در این زمینه، بازارهای مالی نقش مهمی در کمک به بخش واقعی اقتصاد در دستیابی به اهداف خود بر عهده دارند. این مقاله برای ارائه روش‌هایی مؤثر برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. بر اساس یافته‌های پژوهش، بورس اوراق بهادار از طریق تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، واگذاری بنگاه‌های دولتی در قالب عرضه سهام حمایت از تولید، عرضه کالاها استراتژیک در بورس تخصصی کالا و بین‌المللی شدن خود در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش بسزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، بورس اوراق بهادار، بورس‌های تخصصی کالا، تأمین مالی، سهام حمایت از تولید.

طبقه‌بندی JEL: P49, O16, G00.

طرح‌های سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت تولید و رشد اقتصادی، از آن با عنوان «قلب تپنده اقتصاد» یاد می‌شود.

نظر به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، همچنین کارکردهای اقتصادی مثبت بورس اوراق بهادار (کشف قیمت‌ها، مدیریت ریسک)، در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل محتوا، با استفاده از منابع معتبر به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «بورس اوراق بهادار، از طریق تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، واگذاری بنگاه‌های دولتی در قالب عرضه سهام حمایت از تولید، عرضه کالاهای استراتژیک در بورس تخصصی کالا و بین‌المللی شدن خود، در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش بسزایی دارد». از جمله این راهکارها و کارکردهای بورس اوراق بهادار، مواردی همچون، استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، هدفمندی یارانه‌ها از طریق سهام حمایت از تولید، استفاده از ظرفیت بورس‌های تخصصی کالا برای تقویت صنعت بسته‌بندی کالاها، تقویت بورس کالاهای استراتژیک و همچنین گسترش فرهنگ سهام‌داری، به عنوان یکی از شاخص‌های مشارکت مردمی در اقتصاد اشاره نمود.

پیشینه و ادبیات موضوع

طبق تحقیقات به عمل آمده، تاکنون نظریه یا تجربه مدون و مکتوب و یا پیشینه نظری و یا عملی درباره اقتصاد مقاومتی وجود ندارد. همه مطالعات انجام شده در حد روشن شدن تعاریف و ابعاد مزبور می‌باشد. در نتیجه، اقتصاد ما که هر روز با توجه به گسترش تحریم‌ها تحت فشار مضاعفی قرار می‌گیرد، نیاز به ابتکار و نوآوری در این زمینه و مدل‌سازی‌های جدید دارد (مرزبان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴). با این حال، طی چند سال اخیر و با مطرح شدن اقتصاد مقاومتی در فضای اقتصادی کشور، مطالعاتی در این باب و عواملی که در تحقق آن نقش دارند، انجام شده است. در زیر به مهم‌ترین آنها در ارتباط با بازارهای مالی و اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

ابراهیمی و زیرک (۱۳۹۱)، در مقاله مشترکی با عنوان «رابطه علی شاخص مقاومتی و سرمایه‌گذاری در ایران: تحلیلی تجربی از اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی»، به بررسی رویکرد مقاومتی اقتصاد ایران، به‌عنوان مدل دفاعی در برابر تحریم‌های اقتصادی و در جهت تقویت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته و با استفاده از رهیافت سری زمانی طی سال‌های (۱۳۹۰ - ۱۳۵۹)، به شناسایی مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار و چگونگی عملکرد آنها، براساس الگوی اقتصاد مقاومتی به تحلیل پرداخته، با توجه به اینکه واریانس شاخص مقاومتی ثابت نبود، مدل با روش GARCH برآورد گردید و مشخص شد که

یک رابطه تعادلی و بلندمدت بین بیشتر متغیرها وجود دارد. در نهایت، ایشان این نتیجه را می‌گیرند که نوسان‌پذیری برای تکانه‌های مثبت و منفی یکسان است. از سوی دیگر، هر تغییری که ایجاد می‌گردد یا هر تکانه‌ای که به متغیر واکنشی از طریق متغیرهای کنشی وارد شود، پس از مدتی اثر آن از بین می‌رود و واریانس را به سطح متوسط رشد اقتصادی برمی‌گرداند. با این وجود، رویکرد مزبور ضعف‌های اساسی در جذب سرمایه‌گذاری در کشور را تأیید می‌کند.

ابوالحسنی و بهاروندی (۱۳۹۲)، در مقاله مشترکی با عنوان «اوراق دوسویه ارزی رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی»، به معرفی ابزاری مطابق با معیارهای اقتصاد مقاومتی برای مدیریت ریسک نرخ ارز، به عنوان یکی از مهم‌ترین ریسک‌های اقتصاد کشور، با استفاده از ادبیات مربوط به فرایند تبدیل دارایی‌های عینی به اوراق بهادار نمودند. این ابزار جدید، که با نام «اوراق دوسویه ارزی» معرفی شده است، ابزاری است که می‌تواند ریسک‌های ارزی پیش‌روی اقتصاد کشور و نظام بانکی را با لحاظ مقررات شرعی پوشش دهد.

سراج و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله مشترکی با عنوان «توزیع عادلانه منابع بانکی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، پس از بیان جایگاه نظام بانکی در اقتصاد، بانک‌ها را به عنوان نهادهای واسطه‌ای بین بخش پولی و مالی اقتصاد معرفی می‌کنند. همچنین بانک‌ها سیاست‌گذاری‌های پولی بانک مرکزی را از طریق افزایش و یا کاهش تسهیلات به سمت بخش واقعی اقتصاد هدایت می‌کنند. در نهایت، به بیان راه‌کارهای مورد نیاز نظام بانکی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی پرداختند که از جمله آنها می‌توان به: ۱. کاهش نقدینگی سرگردان در جامعه؛ ۲. اصلاح ضعف‌ها موجود در اجرای هدفمندی یارانه‌ها؛ و ۳. پرداخت تسهیلات بانکی برای فعال کردن تولید اشاره کرد.

مولوی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله مشترکی با عنوان «توزیع عادلانه منابع بانکی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، پس از بحث و بررسی شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی و بانکداری کلاسیک، به بیان اصول و معیارهای توزیع عادلانه منابع در نظام بانکی پرداختند. از جمله این اصول و معیارها می‌توان از ۱. اصل احراز ارزش افزوده؛ ۲. اصل توزیع متوازن منابع؛ و ۳. اصل ایجاد اشتغال نام برد. آنان در پایان، نشان می‌دهند که ضروریات و حقوق اولیه برای تأمین مالی در نظام بانکی، باید تابعی از نظام کنترلی و نظارتی طراحی شده برای فرایندهای سازمانی باشد.

کاوند و فرهانیان (۱۳۹۳)، در گزارشی با عنوان «تبیین جایگاه بازار سرمایه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی»، با روش توصیفی و تحلیل محتوا، ضمن تبیین اقتصاد مقاومتی و معرفی

جدول (۱): الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

ردیف	الزامات اقتصاد مقاومتی	بیانات مقام معظم رهبری در زمینه الزامات و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی
الزامات کوتاه‌مدت تحقق اقتصاد مقاومتی		
۱	حمایت از تولید داخلی	یک رکن اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی (۱۳۹۱/۷/۲).
۲	مدیریت منابع ارزی	مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است؛ ... روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. ... به هر حال، منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود (۱۳۹۱/۷/۲).
۳	مدیریت مصرف	مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر؛ ... که این واقعاً جهاد است. ... انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد (۱۳۹۱/۵/۳).
۴	استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات	از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متعددی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند ... بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد (۱۳۹۱/۵/۳).
۵	حرکت بر اساس برنامه	حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. ... (۱۳۹۱/۵/۳).
الزامات بلندمدت تحقق اقتصاد مقاومتی		
۶	مردمی کردن اقتصاد (تکیه بر مردم)	مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. ... بخش خصوصی را باید توانمند کرد (۱۳۹۱/۵/۳).
۷	مقاوم بودن اقتصاد	در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند (۱۳۹۲/۱/۱).
۸	اقتصاد دانش‌پایان	به نظر من، یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند... همین شرکت‌های دانش‌پایان است (۱۳۹۱/۵/۸).
۹	کاهش وابستگی به نفت	کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست (۱۳۹۱/۵/۳).
۱۰	تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی	شما دانشجوی هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید (۱۳۹۱/۵/۱۶).

کارکردهای بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بورس اوراق بهادار به عنوان نماد اصلی بازار سرمایه، که جایگاه خاصی در تجهیز و تخصیص منابع پس‌اندازی و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارد، از جمله مهم‌ترین نهادهای خود تنظیم‌گر فعال در بازار دست دوم اوراق بهادار به‌شمار می‌آید. وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار، فراهم آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای داد و ستد اوراق بهادار پذیرفته شده، همچنین سیستمی مناسب برای نظارت بر جریان داد و ستد، عملیات بازار و فعالیت‌های اعضای آن است (لطفی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۷). بنابراین، در اینجا بر اساس ویژگی‌های بورس اوراق بهادار، به معرفی مهم‌ترین کارکردهای بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به تبیین جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند. در پایان، حرکت به سمت بازار را به عنوان ضرورت انکارناپذیر اقتصاد مقاومتی مطرح می‌کنند. همچنین ریسک ارز را به‌عنوان یکی از چالش‌های اقتصاد مقاومتی مطرح می‌کنند و در مقام پیشنهاد، به معرفی اوراق دوسویه ارزی می‌پردازند.

حال، نظر به خلأ مطالعاتی در ارتباط با جایگاه و نقش بورس اوراق بهادار در اقتصاد مقاومتی، در این پژوهش، پس از بیان الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، به بررسی کارکرد بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تعریف بسته‌های سیاستی، مسیری برای ایجاد یک نگاه جامع و همه‌جانبه است تا راه‌حل‌ها پیش‌بینی شده برای حل مشکلات، نه تنها مشکل جدیدی را ایجاد نکنند، بلکه حتی تقویت‌کننده سایر راه‌حل‌ها نیز باشد. همچنین این بسته‌های سیاستی، اغلب دارای نگاه بلندمدت هستند و به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند تا در بلندمدت اهداف خاصی را پشتیبانی نمایند (سمیعی‌نسب و سلامی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۶).

در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این چنین آمده است:

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش رو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲).

مقدمه فوق در ابتدای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بیانگر رویکرد کلی حاکم بر سیاست‌های ابلاغی می‌باشد که باید این امر در زمینه طراحی الگوها و روش‌های مختلف برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مدنظر کارشناسان و متولیان امر قرار گیرد.

با این حال، تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیازمند الزاماتی در کشور می‌باشد تا بتواند با رویکرد فوق در ابتدای سیاست‌های کلی ابلاغی همخوانی داشته و سرعت دستیابی به اهداف مطرح شده در این سیاست‌ها را تسریع نماید. بر این اساس، در ذیل با بررسی مباحث مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر به بیان الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی از منظر ایشان، در قالب جدول در دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت، که هریک از این موارد در روح سیاست‌های کلی نیز گنجانده شده است، پرداخته می‌شود.

تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان

شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مبتنی بر ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۱۳۹۱ هیئت وزیران این‌گونه تعریف می‌شود.

شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان که در زمینه «گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری» و «تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالا» فعالیت می‌نمایند، شرکت یا مؤسسه دانش‌بنیان محسوب می‌شوند.

با توجه به اهمیت جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بند ۲ -)، لازم است به کارکرد و نقش این شرکت‌ها توجه ویژه‌ای شود. از این‌رو، بحث تأمین مالی این شرکت‌ها به دلیل نوپا بودن و سروکار داشتن با قشر تحصیل کرده و جوانی که عمدتاً از منابع مالی کافی برای راه‌اندازی این شرکت‌ها برخوردار نیستند، اهمیت می‌یابد. البته در قوانین مصوب، برای تأمین مالی این شرکت‌ها، راه‌اندازی صندوق نوآوری و شکوفایی در نظر گرفته شده است (اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی، مصوب ۱۳۸۹، فصل اول، ماده یک).

بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار)، به عنوان بازاری بلندمدت از نظر سررسید دارایی‌های مالی می‌تواند در کنار نظام بانکی و صندوق نوآوری و شکوفایی، در تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان برای نهادینه‌سازی علم و اختراعات در جامعه و همچنین معرفی شرکت‌ها به عموم جامعه از طریق مشارکت مردم، نقش ویژه‌ای داشته باشد.

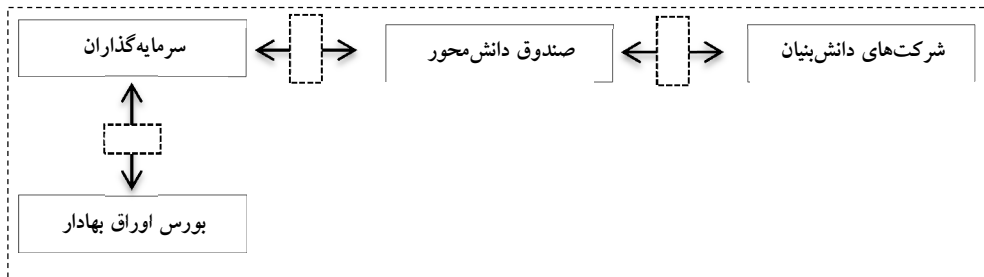
الف. صندوق‌های دانش‌محور

یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی این شرکت‌ها در بازار سرمایه، تأسیس صندوق‌های دانش‌بنیان (صندوق دانش‌محور)، در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک یا همان صندوق‌های پروژه محور می‌باشد (مشاوران و کارشناسان مدیریت پژوهش...، ۱۳۸۹، ص ۳۴۲-۳۴۳). در واقع راه‌اندازی این صندوق‌ها، زمینه پیوند بین بازار سرمایه و توسعه فناوری، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری رشد اقتصادی درون‌زا و همچنین گام برداشتن برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، به عنوان یکی از اصول اصلی اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌نماید.

به دلیل اهمیت دانش و فراگیری علوم در دین مبین اسلام و همچنین غیرانتفاعی بودن اکثر این شرکت‌ها در مراحل اولیه شکل‌گیری، می‌توان منابع این صندوق‌ها را از طریق اوراق قرض‌الحسنه

(موسویان، ۱۳۹۱، ص ۶۲) و اوراق وقفی (همان، ص ۸۱) به عنوان اوراقی غیرانتفاعی تجهیز کرد. در واقع این روش علاوه بر ترویج فرهنگ نیکوی قرض‌الحسنه و وقف در جامعه که بسیار مورد تأکید دین مبین اسلام قرار گرفته است، هزینه تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان در مقابل حالتی که تنها روش‌های محدودی از جمله تسهیلات بانکی و دریافت تسهیلات از صندوق شکوفایی و نوآوری در نظر گرفته شده بود، کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، برای حمایت از این صندوق‌ها، به منظور فراهم نمودن شرایط گسترش آنها در بازار سرمایه، دولت می‌تواند نهادها و مؤسسات مالی فعال در بازار سرمایه را موظف کند که سالانه درصدی از منابع اختصاص یافته به بخش تحقیق و توسعه خود را در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کنند. روش کار صندوق‌های دانش‌محور، بر اساس نمودار ذیل می‌باشد.

نمودار (۱): تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق صندوق‌های دانش‌محور



فرایند تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق صندوق‌های دانش‌محور

- ارائه درخواست از سوی شرکت‌های دانش‌بنیان برای تأمین مالی غیرانتفاعی به صندوق‌های دانش‌محور؛

- خرید اوراق بهادار غیرانتفاعی از سوی خیرین خواستار تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان؛

- در صورت نیاز به نقدینگی، سرمایه‌گذاران و خیرین می‌توانند اوراق خود را در بورس اوراق بهادار به فروش برسانند؛

ب. بورس ایده

روش‌های دیگری که بازار سرمایه می‌تواند از شرکت‌های دانش‌بنیان از لحاظ مالی حمایت کند، راه‌اندازی «بورس ایده» می‌باشد؛ به این صورت است مخترعانی که اختراع خود را در اداره ثبت مالکیت صنعتی به ثبت رسانده‌اند، می‌توانند آن اختراع و یا اکتشاف را در قالب طرح مدون در بازار دارایی‌های فکری عرضه

کنند. صاحبان بنگاه‌ها و صنایعی که به این اختراع نیاز دارند، می‌توانند یا این اختراع را از صاحب ایده خریداری کرده و یا در تجاری‌سازی آن، با صاحب اختراع مشارکت کنند. به این ترتیب، تأمین منابع مالی لازم برای عملیاتی‌کردن ایده و اختراع، که اغلب منابع مالی قابل توجهی می‌باشد، از طریق بازار ایده انجام می‌گیرد. بحث راه‌اندازی بورس ایده، سال ۱۳۹۳ توسط رئیس سازمان بورس اوراق بهادار در راستای اجرای بند «د» ماده ۱۷ قانون برنامه پنجم توسعه کشور وعده داده شده است.

ج. صندوق‌های مخاطره‌پذیر

از دیگر روش‌های تأمین مالی، که به کمک بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) قابل اجرا است، راه‌اندازی صندوق‌های مخاطره‌پذیر می‌باشد. این کار در بسیاری از کشورهای صنعتی چون آمریکا و انگلستان به موفقیت‌هایی قابل قبولی در راستای تجاری‌سازی ایده و اختراعات با ریسک بالا همراه بوده است (رک: نظریور و لطفی‌نیا، ۱۳۹۳). با راه‌اندازی این صندوق‌ها در بازار سرمایه (کشور)، زمینه تأمین مالی اختراعات و نوع‌آوری‌های دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان با ریسک بالا فراهم می‌شود. صندوق‌های مخاطره‌پذیر برای تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، با اهداف گسترش ایده‌های تجاری با هزینه و ریسک بالا، قابل استفاده می‌باشد. با این حال، تفاوت بین این نوع صندوق‌ها با صندوق‌های دانش‌محور، در ریسک بالاتر سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین داشتن چشم‌انداز بلندمدت برای عرضه جهانی ابداعات و نوع‌آوری‌های مشمول تجاری‌سازی می‌باشد. در مقابل، صندوق‌های دانش‌محور، بیش‌تر به نیازهای داخلی و مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه دارد. در واقع صندوق‌های دانش‌محور می‌توانند بیشتر در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، که از ریسک پایین‌تر و سودآوری کم‌تر برخوردارند، فعالیت نمایند. فرایند تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق صندوق‌های مخاطره‌پذیر، همانند صندوق‌های دانش‌محور می‌باشد؛ با این تفاوت که در زمان تجهیز منابع صندوق اقدام به فروش واحدهای سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر به‌جای اوراق عام‌المنفعه می‌نماید.

بنابراین، با ایجاد تنوع روش‌های تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار)، در کنار سایر روش‌ها از جمله نظام بانکی، بستر لازم برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، به عنوان یکی از اصول اصلی اقتصاد مقاومتی فراهم می‌شود.

تقویت ورود کالاهای استراتژیک به بورس‌های تخصصی کالا

کشورها به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخی کالاها را از حوزه رقابت‌ها عام

بین‌المللی بیرون کشیده، آنها را با ابزارهای مختلف حمایتی تحت پوشش قرار می‌دهند. گاهی برای حفظ صنایع نوپا، که هنوز قدرت رقابت با کالاهای خارجی را ندارند، با دیوارهای بلند تعرفه‌ای و استانداردهای سخت فنی آنها را تحت حمایت قرار می‌دهند. گاهی مسئله اشتغال و عدم امکان جایگزینی مشاغل جدید در کوتاه‌مدت، برای مشاغلی که به دلیل هجوم واردات ارزان و بعضاً با کیفیت از دست خواهد رفت، موجب توسل به سیاست‌های حمایتی می‌شود. در این صورت اگر برنامه و دورنمای بلندمدتی در پیش روی سیاست‌گذاران کشورها نباشد، به بار سنگین دولت‌ها در تحمیل صنایع ناکارآمد و خارج از رده از نظر فناوری می‌انجامد. در برخی موارد هم نفوذ سیاسی و اقتصادی صنایع یا بخش‌های تولیدی است که می‌تواند بر دولت‌ها اثر گذاشته، آنها را به وضع و تداوم سیاست‌های حمایتی وادار سازد (فاضل، ۱۳۷۸). در واقع کارشناسان این کالاها را به دلیل داشتن شرایط خاص اقتصادی «کالای استراتژیک» می‌نامند.

در کشورهای مختلف نوع کالاهای استراتژیک براساس شرایط خاص خود تعیین می‌گردد. در حقیقت تعیین نوع کالاهای استراتژیک برای هر کشوری، از جمله ایران امری نسبی است؛ یعنی در زمان‌های مختلف کالاهای گوناگون در لیست کالاهای استراتژیک قرار گرفته‌اند. با این حال، تعیین نوع کالاهای استراتژیک در برهه‌ای که بحث اقتصادی مقاومتی مطرح می‌باشد، نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد. در واقع کالاهای استراتژیک را می‌توان به دو گروه وارداتی و صادراتی تقسیم کرد. در بحث کالاهای وارداتی، کالاهای که برای رفع نیازهای معیشتی و ضروری جامعه می‌باشند، از اهمیت بسیاری برای مدیریت برخوردارند. از جمله این کالاها، می‌توان به گندم و برنج اشاره کرد. در بخش صادرات نیز به دلیل اهمیت ارزآوری کالاهای صادراتی و وجود مزیت‌های نسبی فراوان و جلوگیری از تهدید آنها در شرایط سخت تحریم‌های همه جانبه، نیازمند مدیریت صحیح برای مقاوم‌سازی می‌باشیم. از جمله کالاهای استراتژیک صادراتی، می‌توان به نفت و فرآورده‌های آن و همچنین کالاهای کشاورزی چون پسته و زعفران، به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده این کالاها در جهان اشاره کرد.

اهمیت کالاهای استراتژیک در کشور از آنجایی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در چهار بند از ۲۴ بند این سیاست‌ها به آنها اشاره شده است.

حال پس از شناسایی کالاهای استراتژیک در کشور، ضرورت توجه به آنها برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیش از پیش احساس می‌گردد. در گذشته، دولت‌ها در مقاطع مختلف زمانی با سیاست‌هایی اقدام به حمایت از این اقلام نموده‌اند که از جمله آنها، خرید تضمینی محصولات، وضع

- مشکل دیگری که در ارتباط با کالاها، بخصوص کالاهای استراتژیک در کشور وجود دارد، فقدان صنعت بسته‌بندی و انبارداری مطابق با استانداردهای بین‌المللی است. این نقیصه موجب کاهش صادرات و خام فروشی بسیاری از محصولات استراتژیک (مانند زعفران)، به کشورهای دارای صنعت بسته‌بندی پیشرفته شده است. این امر سبب ایجاد ارزش افزوده برای طرف مقابل، ناتوان شدن کشور از استفاده از برندهای تجاری برای ارزآوری و شناسایی توانایی‌های کشور به سایر کشورهای جهان شده است. این امر نیز از طریق سازوکارهای مورد نیاز ورود کالا به بورس تخصصی کالا، به مرور قابل اصلاح می‌باشد. یکی از مزیت‌های بورس تخصصی کالا، استاندارد کردن کالاها به گونه‌ای است که هر شخص متقاضی داد و ستد در بورس کالا، بدون نیاز به دیدن محصول، از کیفیت محصولی که تحویل خواهد گرفت، مطمئن خواهد بود (زنجیرانی فراهانی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۳۷۵).

یکی از ضرورت‌های ورود کالا به بورس تخصصی کالا، قابلیت بسته‌بندی (یا دارای واحد استاندارد) می‌باشد. با ورود کالاهای استراتژیک به بورس تخصصی؛ زمینه رفع یکی از نواقص صنایع و محصولات کشور فراهم می‌شود. اگر صنعت بسته‌بندی خود را تقویت کرده و کالاهای استراتژیک و دارای مزیت نسبی را با برند و مارک ایرانی در بازارهای بین‌المللی از طریق بورس‌های تخصصی کالاها عرضه کنیم، علاوه بر شناسایی توانایی و ظرفیت‌های کشور به سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران، زمینه کاهش تحریم‌های اقتصادی، به دلیل تأثیرگذار بودن در بازارهای جهانی کالاهای خاص، از این طریق فراهم می‌شود.

- از دیگر موارد تأثیرگذاری بورس تخصصی کالا بر محصولات استراتژیک، تقویت خدمات انبارداری به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های امنیت زنجیره تولید به مصرف می‌باشد. به این طریق که بورس‌های تخصصی کالا، با داشتن امکانات انبارداری، زمینه را برای تنظیم بازار در شرایط رکود و رونق فراهم می‌کنند. یعنی در زمان افزایش عرضه محصولات در شرایط رونق، اقدام به انبار کالاها و در زمان کاهش تولید در شرایط رکود، اقدام به عرضه محصولات انبار شده می‌کند.

- به دلیل ریسک بالای قیمت کالاهای استراتژیک در کشور، در فواصل مختلف سال و در شرایط گوناگون، این امر نیز از طریق ورود کالاهای استراتژیک به بورس تخصصی کالا به نوعی کاهش خواهد یافت. در واقع یکی از رسالت‌های اولیه تشکیل بورس تخصصی کالا، پوشش ریسک قیمتی کالاهای کشاورزی می‌باشد. بورس‌های تخصصی کالا با در اختیار داشتن ابزارهای مشتقه می‌توانند منجر به کاهش ریسک قیمتی کالاهای استراتژیک شوند. البته در این امر باید مسائل شرعی مربوط به

تعرفه‌های سنگین وارداتی و حمایت از صادرات می‌باشد. البته وضع این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت، می‌تواند برای تقویت تولید این محصولات تأثیرگذار باشد، اما برای بلندمدت نیازمند راه‌های اقتصادی‌تری می‌باشیم که بتواند در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در راستای تحقق آن باشد. از جمله این اقدامات، ورود کالاهای استراتژیک و دارای قابلیت ورود به بورس تخصصی کالا می‌باشد.

در واقع پس از آنکه بازارهای سنتی، به دلیل مشکلات خاص خود نتوانستند کالاها را به صورت بهینه تخصیص دهند، طرح و ایده بورس کالا برای اصلاح بازارهای سنتی کالاها مطرح شد. با این حال، از اهداف تشکیل بورس کالا کمک به گسترش بخش واقعی اقتصاد بوده است. از جمله این کمک‌ها، کشف قیمت براساس نظام عرضه و تقاضا می‌باشد. بورس کالا مکانیسمی برای شفاف‌سازی قیمت کالاهاست. در این بورس‌ها، امکان استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک، از جمله ابزارهای مشتقه فراهم می‌شود (عزیزنژاد و جوادی، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

مزیت‌های ورود محصولات استراتژیک به بورس تخصصی کالا عبارتند از:

- زمینه کشف قیمت براساس سازوکار بازار فراهم می‌گردد. با کشف قیمت کالاهای استراتژیک در بورس کالا، دیگر نیازی به وضع قیمت از سوی دولت نیست، بلکه دولت می‌تواند با تشویق‌های مالیاتی زمینه را برای ورود هرچه بیشتر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به این بازارها فراهم کند.

- به دلیل داشتن مزیت نسبی بعضی از کالاهای استراتژیک در کشور (زعفران و...)، با ورود این محصولات به بورس کالا، زمینه تأمین مالی و حمایت از اشتغال آنها به دلیل شفاف‌سازی‌های صورت، فراهم خواهد شد.

- به دلیل تأثیرگذاری بعضی از محصولات استراتژیک مانند پسته، کشور در بازارهای جهانی به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده، می‌توان قدرت خود را در قیمت‌گذاری این‌گونه محصول اعمال کرد. بنابراین، ما در کشور قیمت‌گذار جهانی خواهیم بود، نه قیمت‌پذیر که این امر قدرت چانه‌زنی کشور را در بازارهای جهانی افزایش خواهد داد.

بالا بودن میزان مصرف و پایین بودن تولید محصولاتی همچون گندم و برنج موجب وابستگی شدید کشور به خارج شده است. با ورود این کالاها به بورس تخصصی کالا و گسترش مبادلات آن، زمینه ورود تولیدکنندگان خارجی برای عرضه محصول خود در بازار ۷۵ میلیونی ایران فراهم شده و از این طریق، می‌توان براساس شرایط حاکم بر کشور خودمان، قیمت کالاهای استراتژیک مورد نیاز را تعیین کرد. اقدام به این کار، به دلیل حضور فعال شرکت‌های مختلف از سراسر جهان، زمینه تأثیرپذیری کشور از تحریم‌ها، به دلیل درگیر بودن شرکت‌های خصوصی در معاملات کاهش می‌یابد.

استفاده از اوراق مشتقه و سایر ابزارهای مالی را مدنظر داشت که این بحث خارج از موضوع مقاله می‌باشد و نیازمند پژوهشی مستقل می‌باشد.

با توجه به تأکید سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی و هم‌چنین ایجاد فضای شفاف در اقتصاد کشور و کاهش تصدی‌گری و دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، ورود کالاهای استراتژیک به بورس تخصصی کالا، زمینه را برای تحقق تمام این اهداف فراهم می‌کند. با ورود کالاهای استراتژیک به بورس‌های تخصصی کالا، زمینه رفع نواقص فوق برای کالاهای استراتژیک تأثیرگذار در روابط اقتصادی با کشورهای دیگر فراهم می‌گردد. یعنی با رفع نواقص اقتصادی در داخل کشور، علاوه بر رفع نواقص اقتصادی تأثیرگذار در رابطه با تحریم‌های اقتصادی غرب، زمینه شکوفایی اقتصاد کشور در زمینه کالاهای استراتژیک فراهم می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به اهداف مطرح در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نیازمند توجه جدی به ورود کالاهای استراتژیک به بورس‌های تخصصی کالا خواهیم بود.

بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار

عملکرد بهینه نظام اقتصادی در هر جامعه‌ای، مشروط به وجود دو بخش حقیقی و مالی کارا و قدرتمند است (شیوا، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸). در بخش اول، بازارهای کالا و خدمات و نیروی کار و در بخش دوم، بازارهای پول و سرمایه قرار می‌گیرند (فرجی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۵-۴). فعالیت این دو بخش در کنار یکدیگر، شرط لازم و کافی برای نظام اقتصادی مطلوب محسوب می‌شود و عملکرد غیرکارآمد هر یک از این دو بخش، بر کارکرد بخش دیگر اثر منفی گذاشته، تعادل و ثبات هر نظام اقتصادی را در بلندمدت دچار مشکل می‌کند. در نتیجه تعادل یا ثبات بلندمدت هر نظام اقتصادی، زمانی به دست می‌آید که دو بخش یاد شده، با ارتباط درونی خود در شرایط متعادل عمل کنند (شیوا، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸).

رسالت واقعی بخش مالی اقتصاد، فراهم کردن یکی از تأثیرگذارترین عواملی تولید در بخش واقعی اقتصاد یعنی سرمایه، در کنار نیروی کار و مدیریت می‌باشد. این امر در ادبیات مالی، «تأمین مالی» نامیده می‌شود. جذب سرمایه به دو دلیل، برای اقتصاد از ضروریات است: جبران استهلاک و ایجاد نوآوری می‌باشد. جذب سرمایه با هدف سرمایه‌گذاری، می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. سرمایه‌گذاری خارجی نیز به دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI: Foreign Direct Investment)، یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش واقعی اقتصاد و غیرمستقیم (FPI: Foreign Portfolio Investment)، یعنی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌باشد.

هدف از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (FPI)، تحصیل حداکثر سود از طریق تخصیص بهینه سرمایه در یک پرتفوی بین‌المللی است. سرمایه‌گذار برای نیل به این هدف، با خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و حتی سپرده‌گذاری بلندمدت در بانک‌های دیگر کشورها، اقدام به تخصیص بهینه ثروت خود می‌کند. بدین ترتیب، ریسک سرمایه‌گذاری ثروت وی را کاهش داده، درآمد زیاده‌تری به دست آورد. با توجه به اینکه هدف از این نوع سرمایه‌گذاری، سودآوری و کاملاً متفاوت از به دست آوردن کنترل یا مدیریت در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) است، رابطه مستحکمی بین این نوع سرمایه‌گذاری (FPI) و رشد اقتصادی به چشم نمی‌خورد (مه‌دوی، ۱۳۸۳). با این حال این نوع سرمایه‌گذاری، از نظر تأمین مالی و ایجاد سرمایه در اقتصاد تأثیرگذار است.

توانایی بالقوه کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بر اساس چهار شاخص اصلی جذابیت بازار، دسترسی به نیروی کار ارزان، زیرساخت‌های مناسب و توانمندساز و وجود منابع طبیعی در یک کشور، توسط کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) محاسبه می‌شود. بر اساس رتبه‌بندی انجام شده، ایران از نظر توانایی بالقوه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۱ در بین ۲۱۵ کشور جهان، در جایگاه ۲۸ قرار داشت. علی‌رغم روند رو به رشد میزان سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده در ایران در سال‌های اخیر و تجربه افزایش ۱۲۰ درصدی جذب سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۰، در عمل کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی رتبه ۴۷ را به دست آورده است. این امر بیانگر شکافی ۱۹ پله‌ای بین عملکرد و ظرفیت اقتصاد کشور در این حوزه است (طاهرخانی، ۱۳۹۲). بنابراین، ضرورت توجه به سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به شرایط حاکم بر کشور، بیش از پیش احساس می‌گردد. از جمله نهادهایی که برای گسترش جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر است، بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار به عنوان رکن اصلی آن می‌باشد.

برای تحقق امر جذب سرمایه‌گذاری غیرمستقیم (FPI)، بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار یک ضرورت می‌باشد. اقدام به بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار، در راستای تحقق بندهای ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، می‌تواند تحقق اهداف مدنظر اقتصاد مقاومتی را آسان‌تر نماید.

در سال‌های اخیر، تمرکز سیاست‌های دولت در کشور، عمدتاً بر بازار کالا بوده و توجه برنامه‌ریزی لازم و مناسب نسبت به بازار پول و سرمایه انجام نشده است. بی‌تردید تعامل فعال با دیگر بازارهای سرمایه، زمینه‌ساز توسعه بازار خواهد بود؛ چراکه هیچ اقتصادی در یک سیستم بسته موفق نخواهد بود. اجرای این سیاست باید با مطالعه، بررسی همه جوانب و پیش‌بینی ابزارها و تدابیر مناسب برای پوشش ریسک‌های احتمالی انجام شود (همان).

بازار سرمایه کشور برای بین‌المللی شدن، هم نیاز به اعمال تغییرات و اصلاحاتی در الزامات قانونی خود دارد و هم نیازمند مساعد شدن مناسبات سیاسی تأثیرگذار بر محیط اقتصادی کشور است. این تغییرات باید به صورت موازی و همزمان پیش روند تا پس از رفع مناقشات و محدودیت‌های سیاسی، بستر قانونی و مقرراتی لازم به نحوی فراهم شود تا بتوان بازار سرمایه ایران را به عنوان یک بازار سرمایه بین‌المللی معرفی کرد. البته در این زمینه باید در نظر داشت که مفاهیم بین‌المللی شدن دائماً در حال تغییر است؛ لازم است بازار سرمایه در هر مقطع مسیر خود را تعریف و خود را با ابزارهای روز بازارهای بین‌المللی همسو نگه دارد. پذیرش حضور و فعالیت بدون محدودیت سرمایه‌گذاران و کارگزاران خارجی، تأسیس شرکت‌ها تأمین سرمایه منطبق با شرح وظایف و قواعد بین‌المللی و رعایت عدالت در اجرای قوانین بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، تنها بخشی از مقرراتی است که برای اتصال به بازارهای بین‌المللی باید پذیرفته شود (همان).

الزامات بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار

- اصلاح قوانین حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در بازار سرمایه (FPI)، همانند سرمایه‌گذاری خارجی به روش مستقیم؛
- عرضه سهام شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار در بازارهای بین‌المللی؛
- عرضه سهام شرکت‌های خارجی در بورس اوراق بهادار داخل کشور؛
- اصلاح رویه حسابداری و حسابرسی شرکت‌های متقاضی ورود به بورس (افشای اطلاعات)؛
- ارائه اطلاعات مالی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار به زبان‌های رایج دنیا (به خصوص انگلیسی و عربی)؛
- توسعه معاملات به روز و دسترسی آسان به بازار سرمایه ایران؛
- اصلاح قوانین ارزی کشور؛
- استقرار سازوکارهای اخذ رتبه اعتباری برای شرکت‌های ایرانی و برای اوراق منتشره توسط آنها برای تأمین مالی پروژه‌های و شرکتی؛
- مدیریت ریسک‌های احتمالی (ریسک نرخ ارز، ریسک سیاسی، ریسک امنیت و...)
- عضویت بورس اوراق بهادار در سازمان‌ها، فدراسیون‌ها و انجمن‌های بین‌المللی از جمله، شرکت بین‌المللی تأمین مالی (IFC: International Finance Corporation)، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO: International Organization of Securities)، نهادهای قانون‌گذار صنعت

مالی (FINRA: Financial Industry Regulatory Authority)، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD: Organization For Economic Cooperation and Development)؛

بین‌المللی شدن بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار کشور، زمینه معرفی ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه کشور به عنوان یکی از عناصر مهم تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌نماید؛ به گونه‌ای که با ایجاد بسترهای لازم در ایجاد ارتباط با نهادها و شرکت‌های مستقل بین‌المللی، زمینه کاهش فشار بر اقتصاد کشور از سوی استکبار جهانی فراهم می‌شود. این هدف زمانی حاصل می‌شود که بیش‌تر تعاملات بورس اوراق بهادار با نهادهای مردم‌محور جهانی و همچنین کشورهایی که دارای منافع مشترک هستیم، انجام شود.

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، کشور را ملزم به رعایت یک مجموعه اصول حاکم بر آن نهادها می‌نماید. با رعایت این اصول، زمینه ارتباط و انتقال تجارب فراهم می‌شود. از جمله این موارد، دستیابی به نرم‌افزارهای تحلیل مالی پیشرفته است. علاوه بر این دستیابی به منابع خارجی در کنار منابع داخلی، قدرت عمل شرکت‌های داخلی را برای ایجاد نوآوری در رقابت با رقبای خارجی خود را فراهم می‌کند. از دیگر موارد، عرضه سهام شرکت‌های خارجی در بورس اوراق بهادار کشور است که این امر، زمینه را برای افزایش تنوع شرکت‌های بورسی و عمق بازار را فراهم می‌کند. سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار با اوراق بهادار متنوع‌تری روبرو خواهند بود. این امر، زمینه مشارکت مردم در بازار سرمایه به عنوان یکی از اصول اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌کند. بنابراین، بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار کشور، زمینه دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی را آسان‌تر می‌کند.

نکته مهم در برقراری ارتباط با بازارهای خارجی، اولویت دادن به تعامل با کشورهای اسلامی و کشورهای مستقل از نظام استکبار جهانی می‌باشد. در واقع، باید ترکیب بهینه‌ای از کشورها را به عنوان همکاران استراتژیک انتخاب نمود. در صورتی که ما در داخل بتوانیم عمق تعاملات راهبردی خود را با نهادها و کشورهای مورد اعتماد افزایش دهیم، علاوه بر فراهم کردن زمینه ورود سرمایه خارجی به داخل، قدرت انعطافی خود را در مقابل هرگونه تحریم و تهدید افزایش می‌دهیم. با بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار کشور از طریق گسترش تعاملات با نهادها و سازمان‌ها و همچنین بخش خصوصی کشورهای مختلف که به نوعی منافع آن در گرو تعامل با بازار سرمایه ایران می‌باشد، زمینه کاهش فشار بر اقتصاد کشور از طریق بورس اوراق بهادار فراهم می‌شود. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار در ایران، نیازمند رعایت الزامات شرعی در کنار سایر الزامات مورد نیاز بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار، در چارچوب اقتصاد مقاومتی در جهت پذیرش شرکت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری در بورس‌های بین‌المللی دیگر کشورها می‌باشد.

سهم حمایت از تولید

در راستای اهداف از پیش تعیین شده «گسترش عدالت»، «کاهش تورم» و «رقابت‌پذیر شدن اقتصاد ایران»، دولت در اواخر سال ۱۳۸۹، اقدام به اجرای «برنامه حذف یارانه‌ها» نمود و برای جبران افزایش مخارج خانوارها، ماهیانه مبلغی را به آنها پرداخت می‌کند. در توجیه اعمال سیاست حذف یارانه‌ها، دولت به درستی بر این باور بود که خانوارهای ثروتمندتر، بخش بزرگتری از یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. از این رو، می‌باید یارانه‌ها را هدفمند نماید. هدفمند کردن یارانه‌ها بدان معناست که یارانه‌ها باید فقط نصیب افراد با درآمد پایین شود (بخشوده، ۱۳۹۰).

با گذشت بیش از سه سال از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، نه تنها هیچ یک از اهداف مطرح شده برای اجرای طرح تحقق نیافت، بلکه معایب بسیاری را بر اقتصاد ایران افزود. از جمله این معایب، می‌توان به ایجاد بار مالی سنگین بر دوش دولت (افزایش بدهی‌های دولت)، راکد شدن تولیدات صنعتی، به دلیل نبود سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش نقدینگی در سطح جامعه و عدم هدایت این نقدینگی به سمت سرمایه‌گذاری در بخش تولید اشاره کرد. حال، پس از آشکار شدن معایب روش فعلی اعطای یارانه نقدی، که برخلاف شرایط قانون تصویب آن نیز می‌باشد، اصلاح این امر در راستای اقتصاد مقاومتی از ضروریات می‌باشد.

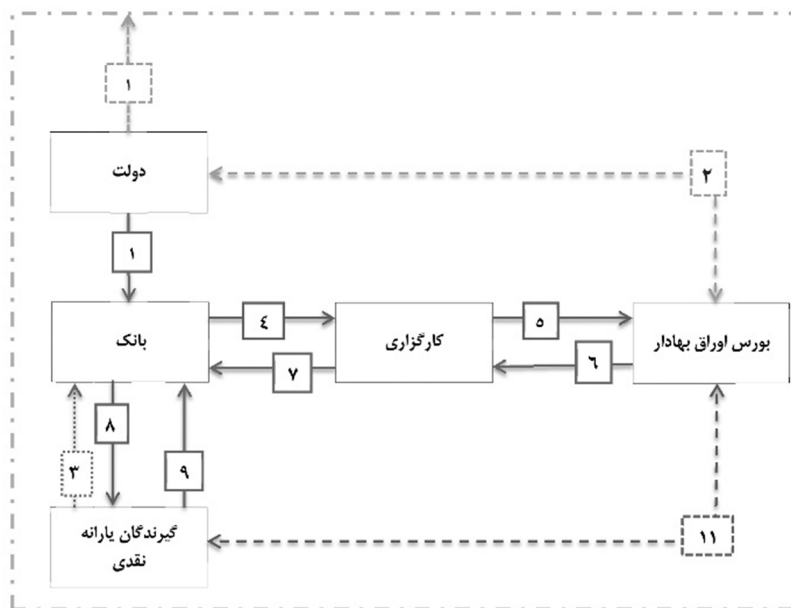
در اجرای هدفمندی یارانه‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور، نیاز به معرفی سازوکارهایی که همزمان بتواند این دو مقوله را اجرایی کند، احساس می‌شود. بنابراین، با توجه به تأکید سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، که همزمان به امر هدفمندی یارانه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آن و حمایت از تولید داخلی تأکید شده است (بند ۴)، اقدام به معرفی ابزار و راه‌کاری با عنوان سهام حمایت از تولید، برای حمایت از صنایع و سرمایه‌گذاری کشور از سوی دریافت‌کنندگان یارانه نقدی، که قادر و مایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یارانه خود هستند، ضروری می‌باشد.

در این طرح سرپرستان خانوارهایی مایل به پس‌انداز یارانه خود، آن را از طریق نظام بانکی به خرید سهام تولید اختصاص می‌دهند. گیرندگان یارانه نقدی با این کار، علاوه بر اینکه یارانه نقدی دریافتی خود را پس‌انداز می‌کنند، از درآمد ناشی از سود اوراق و همچنین تغییر قیمت آن بهره خواهند برد. همچنین با اقدام به این کار در حمایت از تولید ملی، به عنوان اصلی‌ترین و بارزترین شاخص تحقق رشد اقتصادی درون‌زا گام برمی‌دارند. تشویق مردم به خریداری سهام حمایت تولید، نیازمند معرفی مزیت‌ها این سهام برای گیرندگان یارانه نقدی و همچنین ضرورت توجه مردم به شرایط فعلی اقتصاد

کشور برای حمایت از تولید ملی می‌باشد. این امر نیازمند توجه جدی به استفاده از ظرفیت رسانه‌های جمعی برای اشاعه آن در سطح جامعه است.

روش کار به این صورت است: افرادی که مایل‌اند یارانه نقدی خود را سرمایه‌گذاری کنند، به بانک عامل پرداخت یارانه نقدی خود وکالت می‌دهند که اقدام به خرید سهام حمایت از تولید شرکت‌های واگذار شده از سوی دولت نماید. سپس، بانک‌ها از طریق شرکت‌های کارگزاری وابسته به خود و یا سایر شرکت‌های کارگزاری فعال در بورس، اقدام به خرید سهام بنگاه‌های دولتی واگذار شده در بورس برای انجام این طرح (در قالب سهام حمایت از) می‌کنند. پس از خرید سهام توسط شرکت کارگزاری و تحویل آن به بانک، بانک در قالب فروش اقساطی، اقدام به فروش سهام به سرمایه‌گذاران می‌کند. در ادامه، بانک هر ماه یارانه نقدی خانوار خریدار سهام حمایت از تولید را به جای اقساط سهام از حساب آنها برداشت می‌کند. دولت نیز درآمد حاصل از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی واگذار شده در راستای طرح سهام حمایت از تولید را برای سرمایه‌گذاری به بخش‌های صنعت و تولید تزریق می‌کند. علاوه بر این، دارندگان سهام حمایت از تولید در صورت نیاز به نقدینگی، می‌توانند با ورود به بورس اوراق بهادار، اقدام به نقد کردن اوراق خود کنند. فرایند و روابط حقوقی عملیات انتشار سهام حمایت از تولید در نمودار ۲ آمده است.

نمودار (۲): نمودار عرضه سهام حمایت از تولید از طریق یارانه حمایت از تولید



مزیت‌های سهام حمایتی در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

- کاهش آثار مخرب نقدینگی حاصل از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، از طریق تزریق منابع به فعالیت‌های تولیدی؛
- ترویج فرهنگ سهام‌داری و سرمایه‌گذاری در کشور؛
- رونق صنعت و زیر ساخت‌ها از طریق منابع حاصل واگذاری بنگاه‌های دولتی، در قالب طرح سهام حمایت از تولید؛
- رونق بازارهای مالی به‌ویژه بورس اوراق بهادار؛
- اجرای برنامه خصوصی‌سازی از طریق سهام حمایت از تولید در کنار سهام عدالت؛
- ارائه خدمات بانکداری تجاری از طرف بانک‌های کشور؛
- نهادینه کردن امر حمایت از تولید داخلی برای یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی؛

نتیجه‌گیری

توجه به کارکردهای بازارهای مالی به صورت عام و بورس اوراق بهادار به صورت خاص، نقش مهمی در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی دارد. در واقع بورس اوراق بهادار، که از آن به عنوان «میزان الحرارة» اقتصاد ملی یاد می‌شود، با کارکردهای همچون تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بینان، ورود کالاهای استراتژیک به بورس‌های تخصصی کالاها، بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار و همچنین طرح سهام حمایت از تولید، نقش بسزایی در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند.

توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان در تحقق اقتصاد دانش‌محور، به خوبی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته شده است. برای گسترش فعالیت این شرکت‌ها، توجه به امر تأمین مالی آنها یک ضرورت می‌باشد که بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار)، از طریق صندوق‌های پروژه‌محور (دانش‌محور)، بورس ایده (بازار مالکیت فکری) و صندوق‌های مخاطره‌پذیر در کنار صندوق نوآوری و شکوفایی و همچنین نظام بانکی، می‌تواند در تحقق این امر نقش بسزایی داشته باشد.

یکی از راه‌های مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در زمینه کالاهای استراتژیک، ورود این کالاها به بورس‌های تخصصی کالا می‌باشد. این امر، زمینه رفع نواقص تولید، توزیع، مصرف، صادرات و واردات را از طریق حضور فعال بخش خصوصی و کاهش دخالت دولت، افزایش کیفیت انبارداری و بسته‌بندی، شفافیت زنجیره تولید به مصرف را فراهم می‌کند.

تحقق جذب سرمایه‌گذاری خارجی غیرمستقیم، نیازمند الزاماتی از جمله بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار است. بین‌المللی شدن بورس اوراق بهادار در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، نیازمند حساسیت‌های بیشتری در انتخاب همکاران استراتژیک، اولویت دادن به کشورهای اسلامی دارای منافع مشترک و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مردم‌محور می‌باشد. برای بهبود اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و تولیدی، استفاده از سهام حمایت از تولید امری پیشنهاد می‌شود. بر اساس این طرح، گیرندگان یارانه نقدی که درصدد پس‌انداز یارانه خود هستند، برای حمایت از تولید ملی، اقدام به خریداری سهام حمایت از تولید می‌کنند.

منابع

فرجی، یوسف و دیگران، ۱۳۸۶، «بررسی تبیین متغیرهای اثرگذاری بر سهم بانک‌ها در نظام بانکی ایران با رویکردی بر بانک‌های تجاری در مقطع زمانی ۷۰-۸۴»، در: *مجموعه مقالات برگرفته از پایان‌نامه‌های منتخب کارشناسی ارشد؛ به مناسبت برگزاری هجدهمین همایش بانکداری اسلامی*.

کاوند، مجتبی و سیدمحمدجواد فرهانیان، ۱۳۹۳، *تبیین جایگاه بازار سرمایه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی*، تهران، مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، بورس اوراق بهادار.

لطفی‌نیا، یحیی، ۱۳۹۳، *طراحی الگوی تعامل بازار سرمایه با نظام بانکی در چارچوب اقتصاد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه مفید.

مرزبان، حسین و دیگران، ۱۳۹۲، «ارشد اقتصادی در مسیر اقتصاد مقاومتی»، در: *بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی (ثبات اقتصادی و حمایت تولید)*، تهران، بانک مرکزی ج.ا.ا. پژوهشکده پولی و بانکی، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.

مشاوران و کارشناسان مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۹، *نهادهای مالی*، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۹۱، *بازار سرمایه اسلامی (۱)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مولوی، مهران و دیگران، ۱۳۹۲، «توزیع عادلانه منابع بانکی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، در: *بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌ها پولی و ارزی (ثبات اقتصادی و حمایت تولید)*، تهران، بانک مرکزی ج.ا.ا. پژوهشکده پولی و بانکی، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.

مهدوی، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، «تحلیلی بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی، تحقیقات اقتصادی»، ش ۶۶، ص ۱۸۱ - ۲۰۸.

نظرپور، محمدنقی و یحیی لطفی‌نیا، ۱۳۹۳، «الگوی مطلوب تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، در: *مجموعه مقالات همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین*، تهران.

Goldsmith, R, 1969, *Financial Structure and Development*, New Haven, Yale University Press.

King, R. G. and R. Levine, 1993, "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right", *Quarterly Journal of Economics*, No. 3, P. 717 - 737.

Levine, R. and S. Zervos, 1996, "Stock Market Development and Long- Run Growth", World Bank, *Policy Research Working Paper*, No. 1582.

Mckinnon, R, 1973, *Money and Capital in Economic Development*, Washington, DC, Brooking Institution.

Shaw, E, 1973, *Financial Deepening in Economic Development*, Oxford University Press. <http://www.econews.ir>.

ابراهیمی، محسن و معصومه زیرک، ۱۳۹۱، «رابطه علی شاخص مقاومتی و سرمایه‌گذاری در ایران: تحلیلی تجربی از اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی»، *بررسی مسائل اقتصادی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۵ - ۴۶.

ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروندی، ۱۳۹۲، «اوراق دوسویه ارزی رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ص ۹۳ - ۱۰۴.

بخشوده، محمود، ۱۳۹۰، «تعیین ذی‌نفعان برنامه پرداخت نقدی پس از هدفمندی یارانه‌ها در مناطق شهری ایران»، *مدیریت شهری*، ویژه‌نامه بهار و تابستان، ص ۲۹ - ۴۰.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳، <http://www.khamenei.ir>.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶، <http://www.khamenei.ir>.

بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱، <http://www.khamenei.ir>.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸، <http://www.khamenei.ir>.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲، <http://www.khamenei.ir>.

زنجیرانی فراهانی و دیگران، ۱۳۸۵، *ملزومات رشد و توسعه بازار سرمایه در ایران*، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.

سراج، مهدی و دیگران، ۱۳۹۲، «توزیع عادلانه منابع بانکی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، در: *بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌ها پولی و ارزی (ثبات اقتصادی و حمایت تولید)*، تهران، بانک مرکزی ج.ا.ا. پژوهشکده پولی و بانکی، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.

سمیعی‌نسب، مصطفی و زهرا سلامی، ۱۳۹۳، «الزامات تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهادی در منظومه گزاره‌های دینی»، در: *مجموعه مقالات همایش اقتصاد مقاومتی از منظر دین*، تهران.

شیوا، رضا، ۱۳۷۹، «نقش و آینده مؤسسات اعتباری غیر بانکی در توسعه اقتصادی کشور»، در: *یازدهمین همایش بانکداری اسلامی (بانکداری اسلامی و توسعه)*، تهران، بانک مرکزی ج.ا.ا. مؤسسه عالی بانکداری ایران.

طاهرخانی، معصومه، ۱۳۹۲، «نقشه راه بین‌المللی شدن بورس تهران»، *بورس*، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، ص ۱۴ - ۱۷.

عزیزنژاد، صمد و شاهین جوادی، ۱۳۸۹، *بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه فصل پنجم اقتصادی: ارز، پول و بانک*، بازار سرمایه، تهران، دفاتر مطالعات اقتصادی، مطالعات برنامه و بودجه.

فاضل، ماندانا، ۱۳۷۸، «نگاهی به موضوع کالاهای حساس، خاص و استراتژیک در ایران»، *پژوهش‌های تجارت جهانی*، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۹ - ۳۹.

امروزه بانکداری اسلامی به‌عنوان الگویی جایگزین برای بانکداری ربوی در نظریه و عمل مطرح می‌باشد. این الگو با طراحی سازوکاری متمایز برای تجهیز و تخصیص منابع پولی، توانسته است نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در کشورهای غیراسلامی نیز به موفقیت‌های زیادی دست یابد. با این وجود، این نهاد اسلامی رو به رشد با چالش‌های نظری و عملی زیادی مواجه می‌باشد. یکی از چالش‌های نظری بانکداری اسلامی، تعیین مرز میان بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف و ارائه شاخص‌های سنجشی میزان موفقیت این نهاد نوظهور است. سؤال اساسی این است که با چه شاخص‌هایی می‌توان عملکرد بانکداری اسلامی را مورد سنجش قرار داد؟ در نظام بانکی متعارف، شاخص‌های متعددی از جمله شاخص‌های کارایی و کفایت سرمایه این نقش را ایفا می‌کنند.

این مقاله با توجه به نقاط تمایز بانکداری متعارف و اسلامی، در تلاش است شاخصی ترکیبی برای سنجش عملکرد بانک‌های اسلامی ارائه دهد. این شاخص در چارچوب الگوهای موجود بانکداری اسلامی و به‌ویژه الگوی بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ارائه می‌شود. هرچند بهبود این شاخص در مواردی، نیازمند اصلاح ساختاری در الگوهای فعلی بانکداری اسلامی است، اما مبانی بحث بر پذیرش اجمالی ساختار و پیشنهاد اصلاحاتی برای بهبود وضعیت آن است. روش تحقیق، به‌طور عمده تحلیلی و کتابخانه‌ای است. همچنین مطالعات زمینه‌ای و میدانی برای کمی‌کردن شاخص از طریق نماگرهای آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

علی‌رغم گسترش ادبیات نظری و تجربی در زمینه بانکداری اسلامی، مطالعات اندکی در زمینه شاخص‌های ارزیابی بانک‌های اسلامی صورت گرفته است. به‌طور کلی، بررسی‌های مرتبط با شاخص بانکداری اسلامی را می‌توان در قالب ارائه شاخص بانکداری اسلامی و تطبیق شاخص‌های متعارف بانکداری بر بانک‌های اسلامی دسته‌بندی کرد. در زمینه ارائه شاخص بانکداری اسلامی، تحقیقات اندکی صورت گرفته است. برخی از این مطالعات که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، عبارتند از:

محقق‌نیا (۱۳۹۰)، برای اندازه‌گیری وجود ربا در نظام بانکی، به موارد حیل‌های ربوی در قراردادهای بانکی توجه کرده، ترکیب موزون «نسبت ارزش قراردادهای ربوی» و «نسبت سود حاصل از ربا» را به‌عنوان شاخص ربا معرفی کرده است.

شاخص بانکداری اسلامی

tavakoli@iki.ac.ir

abkarimi58@gmail.com

محمدجواد توکلی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عبدالحق کریمی / دانشجوی دکتری قرآن و اقتصاد جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۴

چکیده

گسترش بانکداری اسلامی در دهه‌های اخیر، ضرورت تدوین شاخص‌های ارزیابی میزان تحقق آرمان‌های آن را دو چندان کرده است. سؤال اصلی این مقاله این است که چگونه می‌توان وضعیت بانکداری اسلامی را ارزیابی کرد. یافته‌های این مقاله، با روش تحلیلی، نشان می‌دهد که رعایت موازین فقهی اسلام و تحقق اهداف شریعت، دو بُعد محوری در بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهند. مؤلفه‌های بُعد اول، حذف ربا، جهالت، فساد و رعایت فقه قراردادهای و مؤلفه‌های بُعد دوم، کارایی، همگرایی بخش بانکی و حقیقی، عدالت، ایفای مسئولیت اجتماعی، تکریم مشتری و ترویج قرض‌الحسنه می‌باشند. در این مقاله، برای سنجش میزان رعایت موازین فقهی نماگرهای قرارداد واقعی، اطلاعات بانکداری اسلامی، اطلاع از مفاد قرارداد، سلامت بانکی، تخصیص در زمینه قرارداد و مطالبات غیرموقوف معرفی شده‌اند. برای ارزیابی تحقق اهداف شریعت نیز نماگرهای کارایی، حاشیه سود بانکی، برابری فرصت، تسهیلات غیررانتی، امهال معسر، توازن منطقه‌ای تسهیلات، کارمزد عادلانه، تخصیص تسهیلات تکلیفی، تأمین مالی طیب، پرداخت به موقع تسهیلات، و تخصیص قرض‌الحسنه مطرح شده‌اند. شاخص پیشنهادی بانکداری اسلامی، میانگین ساده نماگرهای رعایت موازین فقهی و تحقق اهداف شریعت است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، بانک اسلامی، شاخص، نماگر، مقاصد شریعت.

طبقه‌بندی JEL: E59, C43, P4.

موسویان و ابراهیمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی*، به ارائه شاخص‌هایی کمی برای سنجش دو معیار عدالت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در این مقاله، شاخص‌هایی از قبیل نسبت سود سپرده‌ها و تسهیلات به نرخ سود بازار، نسبت متوسط سود سپرده‌ها و تسهیلات به تورم، نسبت سرمایه‌گذاری از طریق اعتبارات بانکی در بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات)، به تولید سالانه برای سنجش میزان همسویی بانکداری ایران با معیارهای عدالت و رشد اقتصادی پیشنهاد شده است.

اصولی و اسدی (۱۳۹۱)، ضمن آسیب‌شناسی نظام بانکداری در جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌هایی برای سنجش عدالت توزیعی، صوری شدن قراردادهای، تنوع خدمات بانکی، تخصیص واقعی تسهیلات، کاهش تأخیر تادیه و پرداخت سود قطعی پیشنهاد کرده‌اند.

قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، چهار گروه شاخص ارزیابی بانکداری اسلامی، در قالب شاخص‌های ارزیابی و نظارت، تجهیز منابع، تخصیص منابع و اخلاق اسلامی و هیجده شاخص فرعی پیشنهاد کرده‌اند. شاخص‌های فرعی پیشنهادی شامل مواردی همچون تشکیل کمیته تخصصی بانکداری اسلامی، تشکیل اداره نظارت بر طرح‌ها، ارزیابی اعتباری مشتریان، نسبت مطالبات به مصارف، محاسبه سود قطعی سپرده‌ها در پایان سال، رعایت سقف‌های تعیین‌شده در بخش‌های مختلف اقتصادی، نسبت پرداخت تسهیلات در قالب عقود مشارکتی، به کل تسهیلات پرداختی، مشتری‌مداری، آموزش بانکداری اسلامی و میزان استمهال صورت گرفته می‌باشد.

یزدانی و کاظمی‌نژاد (۱۳۹۱)، شاخص‌هایی برای سنجش عملکرد بانکداری اسلامی در زمینه‌های سپرده‌های بانکی، تسهیلات بانکی، حسابداری عملیات بانکی، و فرایندهای داخلی بانک پیشنهاد می‌کنند. حمید و همکاران (۲۰۰۴)، شاخص اسلامی «افشا» و «عملکرد» را برای ارزیابی بانک‌های اسلامی پیشنهاد می‌کنند. شاخص اسلامی «افشا»، که به سه زیر شاخص تطبیق با قوانین شریعت، حاکمیت شرکتی و مسئولیت‌های اجتماعی تقسیم می‌شود، افشاکننده اهداف، مأموریت و چشم‌انداز بانک برای سهام‌داران است. شاخص‌های افشا با روش باینری، با اختصاص عدد صفر یا یک طراحی شده‌اند. شاخص اسلامی عملکرد نیز مشتمل بر شاخص‌هایی همچون نرخ سهم سود، نرخ عملکرد زکات، نرخ سرمایه‌گذاری اسلامی و نرخ درآمد اسلامی می‌باشد.

آنتونینو و همکاران (۲۰۱۲)، شاخص مقاصد شریعت را برای ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی پیشنهاد کرده‌اند. شاخص پیشنهادی، مشتمل بر شاخص‌های آموزش، عدالت و منافع عمومی است. هریک از این شاخص‌ها، مشتمل بر مجموعه‌ای از نسبت‌ها است.

صادق‌زاده (۱۳۹۱)، سنجش مؤلفه‌های اجرای عدالت، رعایت تحریم اکل مال به باطل، رعایت ممنوعیت ضرر و ضرار، التزام به ممنوعیت ربا، گرایش به تنوع در عقود اسلامی برای تأمین مالی متقاضیان تسهیلات، گرایش به تنوع سپرده‌ها برای جلب رضایت سپرده‌گذاران و ترویج معارف اسلامی را برای ارزیابی بانک‌های اسلامی پیشنهاد می‌کند. سنجش این مؤلفه‌ها، با استفاده از پرسش‌نامه ۱۵ سؤالی صورت می‌گیرد.

نظریپور و همکاران (۱۳۹۰، ۱۳۹۳، الف و ۱۳۹۳ ب)، ضمن معرفی شاخص‌های ربا، ضرر و قرارداد صوری، آن را در شعب بانک تجارت مشهد مورد سنجش قرار داده‌اند.

گروه دوم پژوهش‌های مرتبط با شاخص بانکداری اسلامی، ناظر به مطالعاتی است که در آن شاخص‌های متعارف بانکداری با تغییراتی چند در مورد بانک‌های اسلامی مطرح و محاسبه شده است. عمده این مطالعات، به بررسی کارایی بانک‌های اسلامی، با استفاده از روش‌هایی همچون مدل تحلیل پوششی داده‌ها اختصاص دارد (ر.ک: افشاری کاظمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ ابدالی و همکاران، ۱۳۸۸). برخی محققان نیز میزان سلامت و ثبات بانک‌های اسلامی را با استفاده از نسبت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی، بخصوص معیارهای مطرح شده بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (۱۳۸۰) مورد بررسی قرار داده‌اند (ر.ک: تقفی و سیف، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، برخی محققان میزان رضامندی مشتری در بانکداری اسلامی را با استفاده از مؤلفه‌هایی همچون عدم‌انتظار بیش از حد مشتری و راضی بودن از خدمات ارائه شده، محاسبه کرده‌اند (ر.ک: اوغلی و اخلاصی، ۱۳۸۷).

این مقاله تلاش دارد برای ارتقاء ادبیات موجود، شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی پیشنهاد نماید. نوآوری این مقاله را می‌توان در زمینه‌هایی چون استخراج ابعاد و مؤلفه‌های بانکداری اسلامی با توجه به اهداف و اصول حاکم بر بانکداری اسلامی دانست.

روش تدوین شاخص بانکداری اسلامی

روش‌های متفاوتی برای تدوین شاخص معرفی شده است. از جمله، می‌توان بین دو روش زیر تفکیک نمود:

۱. روش شاخص‌های ترکیبی سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD) و کمیسیون اروپا (JRC):

در این روش بین مفهوم (Concept)، ابعاد (Dimensions)، اهداف (Objectives)، نماگر (Individual

Indicator)، متغیر (Variable) و شاخص (Composite indicator or Index) تفکیک شده است. برای

بانکداری اسلامی به عنوان مفهوم مورد سنجش

در فضای مطالعات بانکداری با نگرش اسلامی، مفاهیم زیر قابل سنجش برای تدوین شاخص می‌باشند.

۱. **بانکداری بدون ربا:** این مفهوم به حذف ربا به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی بانکداری اسلامی اشاره دارد. شهید صدر این عنوان را برای کتاب خود برگزید و نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران نیز «نظام بانکداری بدون ربا» نامیده شده است.
 ۲. **بانکداری متکی بر مشارکت در سود و زیان:** این عبارت در برخی آثار اولیه بانکداری اسلامی برای اثبات تمایز نظام بانکی ربوی و اسلامی در مقوله مشارکت در سود و زیان استفاده شده است. این عنوان، به طور عمده در مقالات منتشر شده به زبان انگلیسی توسط محققانی همچون رفیق‌خان (۱۹۸۳) و فهیم‌خان (۱۹۹۲) استفاده شده است.
 ۳. **بانکداری اسلامی:** واژه فراگیر بانکداری اسلامی، ناظر به نظام بانکی است که در آن، علاوه بر رعایت موازین فقهی، اهداف و آرمان‌های نظام مالی اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. این واژه، توسط برخی محققان از جمله خان و میرآخور (۱۹۸۷) استفاده شده است.
- در مقام مقایسه، دو مفهوم اول و دوم، به ابعادی از نهاد مالی مطلوب برای تجهیز و تخصیص منابع و تسهیل در پرداخت‌ها در رویکرد اسلامی اشاره دارند. در مقابل، مفهوم بانکداری اسلامی، مفهومی عام است که علاوه بر شمول ابعادی همچون فقدان ربا، و مشارکت در سود و زیان، سایر ابعاد نظام بانکی مطلوب در اسلام را نیز دربر می‌گیرد. در این مقاله، مفهوم بانکداری اسلامی، به عنوان مفهوم مورد نظر برای شاخص‌سازی انتخاب شده است.

تعریف عملیاتی بانکداری اسلامی

محققان بانکداری اسلامی، به صراحت و یا ضمنی، تعاریف متفاوتی از بانکداری اسلامی ارائه داده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

از نظر منور اقبال و همکاران، (۱۳۷۸)، بانکداری اسلامی روشی کارآمد در واسطه‌گری مالی است که بر اساس آن، بانک اسلامی خدمات بانکی را بدون دریافت بهره و با استفاده از روش‌های جایگزین اسلامی ارائه می‌کند. بر اساس این دیدگاه، بانک اسلامی نقش واسطه‌گری خود را با استفاده از الگوی مضاربه مشترک و یا وکالت ایفا می‌کند.

موسویان (۱۳۷۸) معتقد است: بانکداری اسلامی می‌بایست دارای ویژگی‌هایی چون انطباق

نمونه، در شاخص پایداری، بین چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و صنعتی تفکیک شده است. در بُعد اقتصادی و زیست‌محیطی، به ترتیب دو هدف پیشینه‌سازی تولید ناخالص داخلی و کمینه کردن خروج گازهای CO2 در نظر گرفته شده است. برای سنجش پیشینه‌سازی رشد اقتصادی، نماگر عملکرد تحقیق و توسعه (R&D) معرفی شده است. محاسبه آن نیازمند داشتن متغیری همچون تعداد اختراعات، به ازای هر یک میلیون شهروند است. بالاخره، شاخص از ترکیب نماگرها به دست می‌آید که میزان تحقق اهداف در هر بُعد را اندازه‌گیری می‌کند (اوای سی دی و جی آر سی، ۲۰۰۸، ص ۵۱).

۲. **روش شاخص ترکیبی سیکارن:** این روش توسط *اما سیکارن* (۲۰۰۳) در کتاب *روش‌های تحقیق در تجارت* معرفی شده است. در این روش، برای اینکه بتوان مفهومی را اندازه‌گیری نمود، باید با ارائه تعریف عملیاتی از مفهوم مورد سنجش، ابعاد (جنبه‌های قابل مشاهده) و مؤلفه‌های (جنبه‌های قابل اندازه‌گیری) آن را استخراج نمود و زمینه معرفی نماگرها و شاخص را فراهم کرد. بر اساس این روش، که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، مراحل زیر طی می‌شود:

۱. **انتخاب مفهوم:** مفهوم ناظر به پدیده‌ای است که سنجش وضعیت آن در ابعاد مختلف مورد نظر است. در این تحقیق، مفهوم مورد بررسی، بانکداری اسلامی است.
۲. **تعیین ابعاد:** جنبه‌های قابل مشاهده مفهوم را ابعاد آن گویند. در این تحقیق، میان دو بعد رعایت موازین فقهی و تحقق مقاصد شریعت در بانکداری اسلامی تفکیک شده است.
۳. **استخراج مؤلفه‌ها:** جنبه‌های قابل اندازه‌گیری ابعاد را «مؤلفه» می‌نامند. برای نمونه، ارزش قراردادهای تأمین مالی صوری، مقوله‌ای کمی و قابل سنجش است که می‌تواند وجود یا عدم ربا در تأمین مالی را اندازه‌گیری نماید.
۴. **طراحی نماگرها:** نماگر به عنوان ابزار سنجش مؤلفه‌ها استفاده می‌شود. برای نمونه، نماگر قرارداد واقعی میزان حذف ربا در تأمین مالی را اندازه‌گیری می‌نماید.
۵. **تدوین شاخص:** از ترکیب نماگرها با استفاده از میانگین‌گیری شاخص به دست می‌آید.

شکل ۱: مراحل پنج‌گانه تدوین شاخص ترکیبی



ظاهری با فقه اسلامی، حذف ربا و بهره، کارایی در فعالیت‌های بانکی از جمله، تأمین سرمایه برای بخش‌های مختلف اقتصادی، قابلیت لازم برای اعمال سیاست‌های پولی و کمک به تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد.

به نظر میرمیزی (۱۳۸۴)، تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی، باید بر اساس الگوی مشارکت در سود و زیان (PLS) صورت گیرد.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۸)، با تفکیک میان بانکداری اسلامی در نظریه و عمل، معتقد است: در مقام نظریه، بانکداری اسلامی با ویژگی‌هایی همچون تأمین مالی به روش مشارکت در سود و زیان (PLS)، عدم ارائه قرض ربوی و التزام به پرهیز کامل از نگهداری دارایی‌های دارای بازده ثابت شناخته می‌شود. ولی در مقام عمل، بانکداری اسلامی به شیوه اعطای وام در مقابل دریافت بازده ثابت (SRF: fixed return scheme) روی آورده، از شیوه‌های «خرید و فروش اقساطی» و «اجاره به شرط تملیک»، «انتشار اوراق صکوک» و مانند آن استفاده می‌کند. تنها تفاوت این شیوه‌ها با «قرض ربوی»، قالب حقوقی آن است. تفاوت ماهوی میان این‌گونه معاملات و وام‌دهی، مبتنی بر بهره از منظر تأثیرات خارجی و اقتصادی آن وجود ندارد.

چپرا (۱۹۸۵) معتقد است، بانکداری اسلامی فقط نظام بانکی بدون ربا نیست که با حذف ربا از نظام بانکداری ربوی حاصل شود، بلکه نظامی است که افزون بر عدم تحقق ربا در آن، قادر است در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام حرکت کند.

موسویان (۱۳۹۱)، بانکداری اسلامی را دارای پنج ویژگی می‌داند: ۱. حذف ربا از نظام بانکی و انجام قراردادهای بر اساس موازین عقود اسلامی؛ ۲. توزیع عادلانه تسهیلات بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه؛ ۳. تعیین عادلانه نرخ سود؛ ۴. شفافیت معاملات بانکی؛ ۵. رعایت اخلاق بانکداری. وی همچنین بر ضرورت وجود نظارت شرعی در بانکداری اسلامی تأکید می‌کند.

شهید صدر (۱۴۲۹ الف و ب)، در کتاب‌های خود از هر دو مفهوم بانک بدون ربا و بانک اسلامی استفاده می‌کند، بدون اینکه برداشتی متفاوت از آنها ارائه دهد. با این وجود، ایشان بین دو الگو از بانک اسلامی تفکیک می‌کند.

۱. بانک اسلامی در نظام غیراسلامی: شکلی از بانک اسلامی است که در چارچوب یک نظام اجتماعی غیراسلامی و با فرض وجود بانک‌ها و مؤسسه‌های ربوی فعالیت می‌کند. در این حالت، تنها تعارض بانک با احکام شرعی اسلام و قانون مدنی در فقه اسلامی برطرف می‌شود. در چنین بانکی، قرض ربوی وجود ندارد. چنین بانکی نمی‌تواند تعارض موجود بین

بانک متعارف و اصول پایه‌ای اقتصاد اسلامی در توزیع ثروت و سرمایه‌گذاری را حل کند (صدر، ۱۴۲۹ ب، ص ۲۰۳-۲۰۴).

شهید صدر، برای بانک اسلامی در این حالت، سه ویژگی را مطرح می‌کند: الف. بانک طراحی شده با احکام شرعی اسلام مخالفت نداشته باشد؛ ب. بانک به‌عنوان یک مؤسسه تجاری دنبال‌کننده سود، بتواند فعالیت کند؛ و ج. بانک بتواند علاوه بر سودآوری، نقش خود را در تجهیز منابع سرگردان و تخصیص آن و کمک به توسعه و پیشرفت جامعه ایفا نماید (صدر، ۱۴۲۹ الف، ص ۲۱ - ۲۲).

۲. بانک اسلامی در جامعه کاملاً اسلامی: بانک بدون ربایی است که در جامعه‌ای اجرا می‌شود که در آن، تمامی دستورهای اسلامی اجرا می‌شود. در این حالت، بانک اسلامی علاوه بر تلاش برای خلاص شدن از معاملات غیرمشروع همچون قرض ربوی، درصدد تحقق اهدافی که مکتب اقتصادی اسلام از تحریم معاملات غیرمشروع دنبال می‌کند، نیز می‌باشد (صدر، ۱۴۲۹ ب، ص ۲۰۳-۲۰۴).

با توجه به تصویری که شهید صدر از بانک اسلامی مطلوب ارائه می‌کند، بانک اسلامی در مطلوب‌ترین شکل خود، دو هدف عمده را دنبال می‌کند: رهایی از شیوه‌های مبادلاتی غیرمشروع مانند قرض ربوی و تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، اهدافی که اسلام با تحریم برخی از شیوه‌های معاملاتی دنبال می‌کند. شهید صدر از این اهداف با عنوان پایه‌ها یا اصول اقتصاد اسلامی و جهت‌گیری عمومی آن، در توزیع ثروت و به‌کارگیری آن یاد می‌کند. وی در کتاب *البنک اللاربوی فی الاسلام*، توازن اجتماعی و عدالت در توزیع را از جمله این اهداف قلمداد می‌کند (صدر، ۱۴۲۹ الف، ص ۱۸).

با توجه به تعاریف ارائه شده از سوی محققان مسلمان، و بخصوص تعریف شهید صدر، بانکداری اسلامی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «بانکداری اسلامی نهادی است که در آن تجهیز و تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی، بر اساس ضوابط فقهی اسلام و در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام (مقاصد شریعت در نظام اقتصادی) صورت می‌گیرد».

ابعاد بانکداری اسلامی

گام دوم در تدوین شاخص، استخراج ابعاد مفهوم بانکداری اسلامی بر ارائه تعریف عملیاتی است. در تعریف پیشنهادی، دو بُعد اساسی رعایت ضوابط شرعی و تحقق اهداف نظام بانکی مورد توجه قرار گرفته است.

الف. رعایت ضوابط فقهی

رعایت ضوابط فقهی در حوزه فعالیت‌های بانکی، یکی از مهم‌ترین ابعاد بانکداری اسلامی است. ضوابط فقهی در مفهوم عام خود، شامل مواردی چون حذف ربا، فقدان قراردادهای غرری و ضرری می‌شود.

ب. تحقق اهداف نظام بانکی اسلامی

میزان موفقیت نظام بانکی در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، به صورت عام و نظام مالی اسلام به صورت خاص، دومین بُعد بانکداری اسلامی است. تعیین اهداف شریعت در نظام اقتصادی و مالی و موجه ساختن آن، نیازمند بررسی حجیت تمسک به مقاصد شریعت است. شهید صدر با ابداع روش کشفی، که به نظر آیت‌الله تسخیری (۱۳۸۸) نوعی گرایش مقاصدی در روند استنباط فقهی است، بر این نکته تأکید دارد که نظام‌سازی و به تبع، ارزیابی نظام‌های اقتصادی نیازمند استنباط گزاره‌های مکتبی به‌عنوان زیربنای احکام شرعی است.

بر اساس دیدگاه شهید صدر، که ملاک این تحقیق می‌باشد، «برای کشف یک مکتب، تنها ارائه احکام جزئی کافی نیست، حتماً باید هریک از این احکام را به‌عنوان جزئی از کل و جنبه‌ای از سامانه کلی و به هم پیوسته بررسی نمود تا قاعده عام نهفته در کل مجموعه از آن نتیجه‌گیری گردد» (ر.ک: صدر، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۸۸-۳۹۲). در روش کشفی شهید صدر، تجمیع روبناهای شرعی (فتاوا) و مفاهیم اسلامی (مبانی فکری)، می‌تواند به استخراج گزاره‌های مکتبی ناظر به اصول کلی شرعی و اهداف شرع کمک می‌کند. این روش را می‌توان به صورت مستقیم نیز برای تجمیع ادله و مفاهیم استفاده کرد. شهید صدر، با استفاده از همین روش، عدالت و توازن را به‌عنوان اهداف نظام اقتصادی اسلام معرفی می‌کند (همو، ۱۴۲۹ الف، ص ۱۸).

حجیت روش کشفی شهید صدر را می‌توان با توجه به دلایلی چون حجیت دلالت التزامی، حجیت ظهور مجموعی، و انسداد باب علم اثبات نمود (نظری و خطیبی، ۱۳۹۲). استفاده از منطق استقرای شهید صدر نیز می‌تواند حجیت این روش را تقویت کند (قاسمی، ۱۳۹۳).

مؤلفه‌های بانکداری اسلامی

مؤلفه‌های رعایت ضوابط فقهی بانکداری اسلامی

در میان ضوابط فقهی بانکداری اسلامی، برخی موازین همچون فقدان ربا، غرر و ضرر ضوابط عام و برخی مقررات همانند رعایت ضوابط سلف، به صورت مصداقی جریان می‌یابند. این دو دسته از موازین را به ترتیب، ضوابط عمومی و خاص بانکداری اسلامی می‌نامیم.

ضوابط فقهی عمومی بانکداری اسلامی

۱. فقدان ربا: به مقتضای آیات «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ و روایات (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۴)، حذف ربا محوری‌ترین ضابطه فقهی در بانکداری اسلامی است. فقدان ربا در فعالیت‌های

بانکی، به معنای نفی هرگونه سود تضمین‌شده قطعی در تجهیز و تخصیص منابع است؛ به‌گونه‌ای که پرداخت سود به سپرده‌های جاری و قرض‌الحسنه و پرداخت سود قطعی و مطمئن به سپرده‌های سرمایه‌گذاری و دریافت مازاد مشروط در قالب قرض حرام است. بنا بر دیدگاه امام خمینی^ع هرگونه حيله ربا نیز در حکم ربا بوده و حرام است (موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵۲).

۲. فقدان جهالت و غرر: ممنوعیت جهالت و غرر در قراردادهای، به اقتضای قاعده تبعیت عقد از قصد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۲)، حدیث نبوی نهی از بیع غرری (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۴۸)، و اجماع فقها (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳)، از قواعد فقهی شریعت اسلام است. به اقتضای قاعده تبعیت عقد از قصد، عدم آگاهی مشتریان بانکی از مفاد قرارداد موجب بطلان آن می‌شود (آهنگران، ۱۳۹۲). واژه عربی «غرر» به معنای ریسک، نااطمینانی و خطر است. در بیان فقها، مفهوم غرر به معنای (۱) نااطمینانی؛ (۲) فریب و خدعه؛ (۳) جهالت آمده است. از جمله لوازم فقدان جهالت و غرر در بانکداری اسلامی، آگاهی طرفین قراردادهای بانکی از مفاد آن، عدم ابهام در قرارداد و عدم ارائه اطلاعات نادرست است. جهالت و غرر در نظام بانکی، عمدتاً ناظر به وجود ابهام یا جهالت نسبت به ارکان، عناصر، شرایط و جزئیات قراردادهای بانکی است (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰).

۳. فقدان ضرر و اکل مال به باطل: اکل مال به باطل به مقتضای آیه ۱۶۱ سوره نساء «وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْأَبْطَالِ» حرام است. مصداق عمده اکل مال به باطل در نظام بانکی، بروز فساد مالی است. فساد مالی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد قوانین و مقررات بانکی را برای تأمین منافع و سود شخصی زیر پا می‌گذارند (محمودی، ۱۳۸۲). سوءاستفاده از امکانات و خدمات بانکی، ارتشاء، اختلاس و پول‌شویی به‌عنوان عمده‌ترین مصادیق فساد مالی، به اقتضای قاعده منع ضرر و اکل مال به باطل از نظر شرع ممنوع است. قاعده نفی ضرر مستند به مقتضای برخی آیات قرآن (بقره: ۲۳۱ و ۲۳۳ و ۲۸۱)، روایات و دلیل عقل است. برخی فقها، آن را از مسلمات قواعد فقهی دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۵۲). این قاعده وارد کردن ضرر به جان، آبرو، و اموال دیگران را ممنوع می‌شمارد. ضرر در معاملات بانکی نیز زمانی رخ می‌دهد که یکی از ذی‌نفعان در نظام بانکی به ناحق متحمل خسارت شود.

ضوابط فقهی خاص بانکداری اسلامی

رعایت فقه قراردادهای متنوع در بانکداری اسلامی همچون مضاربه، مشارکت، سلف، و جعاله، مستلزم رعایت ضوابط فقهی هر کدام است (صدر، ۱۴۲۹ق (الف)، ص ۹؛ موسویان،

۱۳۹۱). برای نمونه، یکی از شرایط قرارداد سلف، پرداخت قیمت کالا در هنگام معامله است که رعایت آن در قراردادهای سلف الزامی است.

ب. تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در بخش بانکی (مقاصد شریعت)

در قانون عملیات بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران، پنج هدف زیر برای نظام بانکی بدون ربا در نظر گرفته شده است:

۱. استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور؛
۲. فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی، با ابزارهای پولی و اعتباری؛
۳. ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها برای تأمین شرایط و امکانات و کار و سرمایه؛
۴. حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی؛
۵. تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها و مبادلات و معاملات (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۱). در قوانین بانک‌های اسلامی، از جمله بانک اسلامی اردن نیز به اهداف و وظایفی چون تجهیز و تخصیص غیرربوبی منابع، ارائه خدمات غیرربوبی با اولویت احیای تکافل اجتماعی، و ارائه خدمات اجتماعی اشاره شده است (توکلی، ۱۳۷۹، ص ۷۷۳). با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا، مفاد قوانین بانک‌های اسلامی و همچنین تحلیلی که از شهید صدر در زمینه تمایز بانکداری بدون ربا و اسلامی بیان شد، موارد زیر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اهداف بانکداری اسلامی قلمداد کرد:

۱. کارایی: این معیار ناظر به تجهیز و تخصیص منابع با کمترین هزینه ممکن و پرهیز از اسراف منابع است. اهمیت کارایی در فعالیت‌های بانکداری اسلامی را می‌توان با توجه به تأکید اسلام بر مطلوبیت رعایت قوام در به‌کارگیری اموال «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) و حرمت اسراف و هدر دادن منابع «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۴۲؛ فرقان: ۴۷) مطرح نمود.

۲. همگرایی بخش بانکی و حقیقی: این هدف لازمه واسطه‌گری فعال بانک اسلامی و مشارکت سرمایه در سود و زیان (ریسک‌پذیری سرمایه) است (سویلیم، ۱۳۸۰؛ نظری، ۱۳۸۷). رعایت این هدف، که در قالب ایده مشارکت در سود و زیان ارائه شده، نه تنها به تحقق عدالت در بانکداری اسلامی

کمک می‌کند، بلکه مانع از بروز دوره‌های تجاری می‌شود. این مؤلفه را می‌توان با استفاده از روش کشفی شهید صدر با استفاده از روایات ناظر به بطلان ربح مالا یضمن (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۸)، و قاعده الخراج بالضمن (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۳۰۲)، احکامی همچون امین بودن عامل مضاربه و همچنین ترغیب عقود مضاربه (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲) و ساختار مشارکت (موسویان، ۱۳۷۸)، استنباط کرد (ر.ک: صدر، بی‌تا، ص ۲۰۲-۲۰۴، هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

۳. عدالت: رعایت عدالت در تجهیز و تخصیص منابع، یکی از اصول قطعی حاکم بر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی است. رعایت حقوق متقابل سپرده‌گذاران، گیرندگان تسهیلات سهام‌داران بانک و سایر ذی‌نفعان در سه رویکرد مبدأ محور، فرایند محور و نتیجه محور، از اقتضات عدالت بانکی است (حسینی، ۱۳۸۷؛ عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۸۶). از جمله مهم‌ترین لوازم عدالت در نظام بانکی، برابری فرصت‌ها در دسترسی به خدمات بانکی، تخصیص بهینه منابع و توزیع عادلانه عواید بانکی، رانتي نبودن اعطای تسهیلات و توازن منطقه‌ای توزیع تسهیلات است.

۴. ایفای مسئولیت اجتماعی: بانک اسلامی، علاوه بر اینکه نسبت به ذی‌نفعان مسئول است، مسئولیت‌هایی نیز نسبت به جامعه دارد. مسئولیت اجتماعی بانک اسلامی می‌تواند در قالب الزامات زیست‌محیطی و اجتماعی تأمین مالی و همچنین تسهیلات تکلیفی منعکس شود.

۵. تکریم مشتری: رعایت کرامت مشتریان، یکی از ضوابط اخلاقی تجارت اسلامی است (ر.ک: پناهی بروجردی، ۱۳۹۰). تکریم مشتری در نظام بانکی، با اموری همچون سهولت دریافت خدمات بانکی، و مهلت دادن به بدهکاران غیر ماطل مرتبط است.

۶. ترویج قرض الحسنه: با توجه به مؤلفه‌های ارزشی بانکداری اسلامی، ترویج قرض‌الحسنه یکی از رسالت‌های اخلاقی بانک‌های اسلامی است. این امر، ناشی از تأکید زیاد اسلام بر احسان و نیکوکاری است که علاوه بر سطح فردی به سطح سازمانی نیز تسری می‌یابد (ر.ک: توکلی، ۱۳۸۸، ص ۳۱-۷). افزون بر این، ترویج سنت قرض‌الحسنه در آیات و روایات پرشماری مورد اشاره قرار گرفته است (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱؛ کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷؛ توکلی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۲).

لازم به یادآوری است: ۱. ارائه مؤلفه‌های فوق، به مفهوم حصر آن در این موارد نیست و پژوهش‌های آتی می‌تواند موارد دیگری بدان بیفزاید؛ ۲. هرچند برخی از ابعاد پیشنهادی بانکداری اسلامی، شباهت‌هایی با استانداردهای بانکداری متعارف دارند، در برخی جهات متمایزاند. برای نمونه، مفهوم کارایی در بانکداری اسلامی با توجه به اقتضات خاص بانک اسلامی در زمینه نهاده‌ها و ستاده‌ها باز تعریف می‌شود؛ ۳. تحقق ابعاد و مؤلفه‌های بانکداری اسلامی، مقوله‌ای تشکیکی است. از این‌رو،

هرچند بروز مشکل در تحقق یک مؤلفه، بانکداری اسلامی را از حرکت به سمت وضعیت مطلوب باز می‌دارد، ولی الزاماً صدق عنوان بانکداری اسلامی را مخدوش نمی‌کند.

نماگرهای بانکداری اسلامی

برای سنجش ابعاد و مؤلفه‌های بانکداری اسلامی، نماگرهای زیر پیشنهاد می‌شود.

نماگر قرارداد واقعی

نماگر ذیل حذف ربا در تخصیص منابع در بانک اسلامی را اندازه‌گیری می‌کند:

نماگر قرارداد واقعی = ۱ - (ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا / ارزش کل قراردادهای تأمین مالی)
 قرارداد صوری منتهی به ربا، قرارداد تأمین مالی است که در آن به اقتضای قرارداد عمل نمی‌شود و این امر موجب ربوی شدن قرارداد می‌شود (ر.ک: محقق‌نیا، ۱۳۹۰). در مواردی چون جعله صوری، قرارداد به جای اینکه به قراردادی ربوی تبدیل شود، به قراردادی فاسد بدل می‌شود و گیرنده جعله مالک وجوه نمی‌شود. از این رو، صورت کسر، قراردادهای صوری فاسد را شامل نمی‌شود.
 نتایج مطالعه نظریه‌ور و همکاران (۱۳۹۳الف)، حاکی از این است که نیمی از معاملات شعب بانک تجارت مشهد در سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸ صوری بوده است. نماگر مورد سنجش در این مطالعه، شامل تسهیلات صوری منتهی به ربا و غیرمنتهی به ربا بوده است.

نماگر اطلاعات بانکداری اسلامی

آشنایی کارمندان و مشتریان بانک‌ها با مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی را می‌توان برای سنجش میزان دوری از جهالت و غرر به‌کارگرفت. برای سنجش این مؤلفه، نماگر زیر پیشنهاد می‌شود:

درصد اطلاعات بانکداری اسلامی = نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی

این نماگر با استفاده از نمونه‌گیری، میزان آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی را از مفاهیم کلیدی بانکداری اسلامی و مفاد قراردادهای بانکی می‌سنجد. بر اساس پژوهش انجام شده توسط وزارت اقتصاد و دارایی، ۶۱٪ مراجع‌کنندگان به بانک‌ها در جامعه نمونه، تفاوتی بین ربا و بهره قائل نبودند. در پژوهش یادشده، از رئیس تعدادی از شعب بانک‌ها پرسیده شد: کارمندان شما تا چه حدی با قانون عملیات بانکی بدون ربا آشنایی دارند؟ حاصل پاسخ آنها ۵۵/۸ درصد بود (مصباحی‌مقدم، ۱۳۸۳).

نماگر اطلاع از مفاد قرارداد

برای سنجش میزان غرر در تخصیص منابع بانکی، نماگر زیر پیشنهاد می‌شود:

نماگر اطلاع از مفاد قرارداد = ۱ - (قراردادهای همراه با جهل نسبت به مفاد قرارداد/کل قراردادهای جهل نسبت به مفاد قرارداد، شامل جهل نسبت ارکان، عناصر، شرایط و جزئیات قراردادهای بانکی است که موجب بروز غرر می‌شود (نظریه‌ور و همکاران، ۱۳۹۰).
 نتایج مطالعه نظریه‌ور و همکاران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که نیمی از معاملات شعب بانک تجارت مشهد در سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸ غرری بوده است.

نماگر سلامت بانکی

نماگر سلامت بانکی برای سنجش رعایت اصل عدم اکل مال به باطل در نظام بانکی پیشنهاد شده است.
 نماگر سلامت بانکی = ارزش تأمین مالی عاری از فساد / ارزش کل تأمین مالی‌ها
 این نماگر، درصد گردش مالی عاری از فساد بانکی را اندازه‌گیری می‌کند. فساد بانکی مشتمل بر تخلفاتی پول‌شویی، اختلاس و همچنین تخلف فاسدکننده قراردادهای بانکی می‌شود. برای سنجش میزان سلامت نظام بانکی، می‌توان از معیارهای دیگری نیز به شرح زیر استفاده کرد که به دلیل سهولت در تدوین شاخص نهایی از آنها صرف نظر می‌کنیم:
 - نسبت ارزش ریالی پرونده‌های تخلف بانکی به ارزش کل پرونده‌های تخلف مالی و اقتصادی مطرح شده در محاکم قضایی،
 - نسبت تعداد متهمان بانکی دارای تخلفات مالی و اقتصادی به کل متهمان مالی و اقتصادی در محاکم قضایی.

نماگر تخصیص در زمینه قرارداد

برای سنجش میزان رعایت فقه قراردادهای بانکی در به‌کارگیری تسهیلات در زمینه تعیین شده، نماگر ذیل معرفی می‌شود:

نماگر تخصص دز زمینه قرارداد = ارزش تسهیلات به‌کاررفته در زمینه قرارداد / ارزش کل تسهیلات

نماگر مطالبات غیرمعوق

برای سنجش میزان رعایت فقه قراردادهای بانکی در بازپس‌دادن به موقع تسهیلات، نماگر زیر پیشنهاد می‌شود:

نماگر مطالبات غیرمعوق = ۱ - (مانده مطالبات معوق / مانده کل مطالبات)

نماگر کارایی

«کارایی» به مفهوم بهره‌برداری صحیح از منابع، با استفاده از رابطه نهاده و ستاده یا فاصله عملکرد واقعی و ایده‌آل سنجیده می‌شود. برای سنجش حداکثر استفاده از منابع، یا تحمل حداقل هزینه، با توجه به فناوری موجود، از توابع تولید یا هزینه مرزی استفاده می‌شود (حسینی و سوری، ۱۳۸۶). بر این اساس، کارایی اقتصادی عبارت از: نسبت عملکرد واقعی به عملکرد بهینه (توابع مرزی یا هزینه مرزی) است (امامی میبدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

از آنجاکه سنجش رسیدن بانک به حداکثر امکانات بالقوه فنی از جهت نظری، عملی نیست، بهترین روش سنجش کارایی یک بانک، مقایسه آن با بهترین وضعیت مشاهده شده در صنعت بانکداری است. در این روش، کارایی هر بانک در مقایسه با سایر بانک‌ها، با استفاده از توابع مرزی، با استفاده از روش‌های ناپارمتری و پارمتری سنجیده می‌شود. در روش ناپارمتری، بیشتر از تحلیل فراگیر یا پوششی داده‌ها و در روش‌های پارمتری نیز از دو روش پارمتری قطعی آماری و پارمتری آماری استفاده می‌شود (حسینی و سوری، ۱۳۸۶).

با توجه به رواج استفاده از روش تحلیل پوشش داده‌ها در سنجش کارایی بانک‌ها، نماگر زیر برای سنجش کارایی پیشنهاد می‌شود.

نماگر کارایی = نسبت ستاده به نهاده بانک / نسبت ستاده به نهاد بانک معیار

در نماگر فوق، بانک معیار می‌تواند کاراترین بانک داخلی و یا کاراترین بانک اسلامی خارجی دارای شرایط مشابه باشد. تعیین نهاده‌ها و ستاده‌ها نیز مشروط به انتخاب یکی از دو رویکرد واسطه‌ای و تولیدی در بانکداری اسلامی است. در نگرش واسطه‌ای، سرمایه، نیروی کار و سپرده‌ها، به‌عنوان نهاده و ارزش تسهیلات اعطایی ستاده است. در روش تولیدی، نهاده‌های بانک شامل سرمایه، نیروی کار و نظایر آن است و شامل سپرده‌ها نمی‌شود. برخی معتقدند: روش واسطه‌ای، تناسب بیشتری با اصول و فلسفه بانکداری اسلامی دارد؛ زیرا بانک، وکیل یا امین سپرده‌گذاران است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). در مقابل، برخی معتقدند: چون بانک‌های اسلامی علاوه بر فعالیت‌های واسطه‌ای، فعالیت‌های مشارکتی نیز دارند، بهترین گزینه پذیرش رویکرد واسطه‌گری تعدیل یافته در محاسبه کارایی است که هر دو جنبه بانک را در نظر می‌گیرد (صدر و همکاران، ۱۳۸۵).

برای محاسبه نسبت پیشنهادی کارایی با اتخاذ رویکرد واسطه‌ای، پیشنهاد کبیر حسن (۲۰۰۶)، در تعریف نهاده‌ها و ستاده‌ها مناسب است. در این رویکرد، نهاده‌ها مشتمل بر سه قلم است: ۱. درصد هزینه نیروی کار؛ ۲. درصد هزینه سرمایه ثابت و؛ ۳. درصد هزینه منابع مالی. ستاده‌ها نیز مشتمل بر

سه عنصر؛ ۱. ارزش تسهیلات مبتنی بر بدهی؛ ۲. ارزش دارایی‌های دارای عایدی؛ ۳. ارزش اقلام خارج از ترانزنامه می‌شود (کبیر حسن، ۲۰۰۶). در تعریف کبیر حسن (۲۰۰۶) تسهیلات مبتنی بر بدهی تسهیلات مبادله‌ای، از جمله فروش اقساطی و مرابحه را مشتمل می‌شود. وی این تسهیلات را از دارایی‌های ناشی از تسهیلات مشارکتی جدا می‌کند و دومی را در زمره دارایی‌های عایدی‌زا به حساب می‌آورد. این تفکیک موجب می‌شود که او بتواند کارایی بانک‌های اسلامی را با کارایی بانک‌های متعارف مقایسه کند. روش او از روش استاندارد (Bankscope (2002) اتخاذ شده است.

نماگر حاشیه سود علی الحساب

نماگر زیر، سنجش حذف ربا در تجهیز منابع و همچنین همگرایی بخش واقعی و بانکی را در حالت پرداخت سود علی‌الحساب اندازه‌گیری می‌نماید:

$$\text{نماگر حاشیه سود علی الحساب} = \left| \frac{\text{متوسط تغییرات نرخ سود قطعی}}{\text{متوسط تغییرات نرخ سود واقعی}} \right|$$

اگر متوسط تغییرات نرخ سود قطعی (نرخ سود علی‌الحساب منهای نرخ سود قطعی) و نرخ سود واقعی هم جهت نباشند، این حدس تقویت می‌شود که محاسبه سود قطعی به صورت واقعی صورت نمی‌گیرد. نسبت دادن برابری نرخ سود علی‌الحساب و قطعی به دقت بانک در تعیین سود علی‌الحساب مقبول نیست؛ زیرا بخش واقعی اقتصاد به‌طور متعارف با دوره‌های رکود و رونق مواجه می‌شود و پیش‌بینی دقیق سود با توجه به نوسانات اقتصادی توسط بانک امکان‌پذیر نیست.

در رابطه بالا، تغییرات سود سهام را می‌توان تقریبی از تغییرات نرخ سود واقعی دانست. زنوزی و همکاران (۱۳۹۰) برای بررسی پرداخت سود غیرقطعی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران به بررسی همگرایی بلندمدت نرخ سود بانکی با بازدهی بازار سهام در ایران طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۹ پرداخته‌اند. در این مطالعه نسبت نرخ سود بانکی پرداخت شده به سپرده‌گذاران به نرخ بازدهی بازار سهام در بلندمدت به‌عنوان نماگر معرفی شده است.

نماگر حاشیه سود تسهیلات

حذف ربا و همگرایی بخش بانکی و حقیقی در تخصیص منابع را نیز می‌توان با مقایسه متوسط نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ سود انتظاری در بازار واقعی (نرخ سود بازار سهام و یا سایر بازارها) در بخش‌های مختلف اقتصادی مورد سنجش قرار داد.

دریافت کارمزد عادلانه توسط بانک را می‌توان با استفاده از نسبت نرخ کارمزد دریافتی توسط بانک، به نرخ کارمزد واقعی سنجید. نرخ کارمزد واقعی با توجه به هزینه‌های صرف‌شده برای ارائه خدمات اندازه‌گیری می‌شود.

نماگر تخصیص تسهیلات تکلیفی

این نماگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک اسلامی در توزیع تسهیلات بانکی بین بخش‌های مختلف تولیدی در چارچوب مشخصی توسط مقامات پولی و بانکی را اندازه‌گیری می‌کند: نماگر تخصیص تسهیلات تکلیفی = ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص‌یافته / ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب

نماگر تأمین مالی طیب

نماگر زیر میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک اسلامی، در کاهش هزینه‌های بیرونی تأمین مالی را می‌سنجد: نماگر تأمین مالی طیب = ارزش تأمین مالی‌های عاری از هزینه‌های بیرونی / ارزش کل تأمین مالی‌ها یکی از روش‌های ممکن برای محاسبه هزینه‌های بیرونی زیست‌محیطی و اجتماعی طرح‌های تأمین مالی، استفاده از روش هزینه تدارک آسیب است. در این روش، هزینه لازم برای جبران خسارت تخمین‌زده می‌شود (توکلی و شفیعی‌نژاد، ۱۳۹۱).

نماگر رضایت از خدمات بانکی

این نماگر می‌تواند میزان تکریم مشتری توسط بانک اسلامی را بسنجد: نماگر رضایت از خدمات بانکی = افراد دارای رضایت از خدمات بانکی / حجم نمونه نرخ رضایت از خدمات بانکی، میزان رضایت مشتریان بانک از خدمات را با استفاده از پرسش‌نامه در جامعه نمونه بررسی می‌کند.

نماگر پرداخت به موقع تسهیلات

این نماگر نیز تکریم مشتری در تخصیص منابع را اندازه‌گیری می‌کند: نماگر پرداخت به موقع تسهیلات = ارزش تسهیلات پرداختی در دوره انتظاری / کل ارزش تسهیلات برای محاسبه دوره انتظاری متعارف پرداخت تسهیلات، باید اقدام به استانداردسازی فعالیت‌های ضروری از زمان آغاز درخواست تسهیلات تا زمان دریافت آن و همچنین تفکیک افزایش دوره انتظار، ناشی از مشکلات بانک و متقاضی نمود.

نماگر حاشیه سود تسهیلات = متوسط نرخ سود تسهیلات بانکی / متوسط نرخ سود انتظاری در بازار واقعی نرخ سود انتظاری بخش‌های مختلف (به تفکیک بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات، مسکن) را می‌توان با توجه به ارزش افزوده هر بخش برآورد کرد.

نماگر برابری فرصت

نماگر برابری فرصت، تلقی افراد از برابری در دسترسی به تسهیلات در جامعه نمونه را به شرح زیر می‌سنجد: - نماگر برابری فرصت = موافقان وجود برابری فرصت در دسترسی به خدمات / حجم نمونه

نماگر تسهیلات غیررانتی

این نماگر، میزان رانتی نبودن تسهیلات اعطایی را می‌سنجد: - نماگر تسهیلات غیررانتی = مانده تسهیلات غیررانتی / مانده کل تسهیلات تسهیلات رانتی، بخشی از تسهیلات را نشان می‌دهد که به واسطه رانت‌های موقعیتی، و اطلاعاتی دریافت می‌شوند.

نماگر امهال معسر

مهلت دادن به بدهکار معسر، یعنی کسی که توانایی پرداخت بدهی‌اش را ندارد (مبلغی، ۱۳۹۲)، به واسطه ناتوانی او در بازپرداخت بدهی خود، از لوازم عدالت بوده و وجوب فقهی دارد. برای سنجش میزان این امر، نماگر زیر پیشنهاد می‌شود: نماگر امهال معسر = مانده مطالبات استمهال شده بدهکاران معسر / مانده کل مطالبات بدهکاران معسر

نماگر توازن منطقه‌ای تسهیلات

این نماگر، عدالت در توزیع منطقه‌ای تسهیلات بانکی را می‌سنجد: نماگر توازن منطقه‌ای تسهیلات = سرانه تسهیلات اعطایی به مناطق محروم / سرانه تسهیلات اعطایی به مناطق برخوردار مناطق محروم با توجه معیارهایی همچون درصد جمعیت زیر خط فقر قابل تعریف‌اند.

نماگر کارمزد عادلانه

این نماگر، میزان عادلانه بودن کارمزد خدمات را می‌سنجد: نماگر کارمزد عادلانه = نرخ کارمزد دریافتی خدمات بانکی / نرخ کارمزد واقعی

نماگر تخصیص قرض الحسنه

اگر بپذیریم منابع سپرده‌های قرض الحسنه بانک‌ها باید برای اعطای قرض الحسنه اختصاص یابد، نماگر تخصیص قرض الحسنه به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

نماگر تخصیص قرض الحسنه = مانده قرض الحسنه اعطایی / مانده مؤثر قرض الحسنه

مانده مؤثر منابع قرض الحسنه، با کم کردن ذخیره قانونی و سپرده‌های غیرقابل استفاده برای قرض الحسنه، همانند سپرده‌های قرض الحسنه بانک مسکن در جمهوری اسلامی ایران، از مانده سپرده‌های قرض الحسنه نزد بانک‌ها به دست می‌آید (ر.ک: محقق نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸).

شاخص بانکداری اسلامی

شاخص بانکداری اسلامی حاصل جمع نماگرهای پیشنهادی است. هرچند وزن‌دهی به نماگرها، با توجه به اهمیت هریک در تحقق بانکداری اسلامی مطلوب است، اما این امر با مشکلات نظری و فنی بسیاری از جمله نسبی بودن وزن‌دهی مواجه است. از این رو، در این مقاله با اتخاذ رویکردی مشابه با رویه شاخص توسعه انسانی، به زیر نماگرهای پیشنهادی وزن مساوی اختصاص می‌دهیم. بر این اساس، شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی به شیوه زیر محاسبه می‌شود:

شاخص بانکداری اسلامی $\frac{1}{19}$ (قرارداد واقعی + اطلاعات بانکداری اسلامی + اطلاع از مفاد قرارداد + سلامت بانکی + تخصیص در زمینه قرارداد + مطالبات غیر معوق + کارایی + حاشیه سود علی الحساب + حاشیه سود تسهیلات + برابری فرصت + تسهیلات غیررانتی + امهال معسر + توازن منطقه‌ای + کارمزد عادلانه + تخصیص تسهیلات تکلیفی + تأمین مالی طیب + رضایت از خدمات + پرداخت به موقع تسهیلات + تخصیص قرض الحسنه).

شاخص پیشنهادی بانکداری اسلامی عددی بین صفر و یک خواهد بود. هرچه میزان شاخص به سمت عدد ۱ میل کند، ضوابط و اهداف بانکداری اسلامی بیشتر محقق شده است. در مقابل، هرچه شاخص به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، نشانگر عدم تحقق ضوابط و اهداف مزبور است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با طی چهار مرحله مفهوم‌شناسی، استخراج ابعاد و مؤلفه‌ها، طراحی نماگرها و جمع‌نماگرها، شاخص پیشنهادی برای اندازه‌گیری میزان تحقق بانکداری اسلامی ارائه شد. شاخص پیشنهادی، میانگین ساده نماگرهای پیشنهادی و عددی بین صفر و یک است. این نماگرها، همان‌گونه

که در جدول ذیل نشان داده شده است، وضعیت ابعاد و مؤلفه‌هایی چون حذف ربا، فقدان غرر و جهالت، فقدان اکل مال به باطل، کارایی، همگرایی بخش حقیقی و بانکی، تکریم مشتری، عدالت توزیعی و گسترش قرض الحسنه را می‌سنجد.

برای بهبود و تکمیل یافته‌های این پژوهش، انجام مطالعاتی چون محاسبه شاخص پیشنهادی برای نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و استخراج وزن‌های نماگرهای خروجی بانکداری اسلامی با استناد به آیات و روایات و با استفاده از نظرات کارشناسان بانکداری اسلامی پیشنهاد می‌شود.

نماگرهای بانکداری اسلامی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	نماگر
رعایت ضوابط	حذف ربا (ارزش قراردادهای صوری)	فقدان غرر و جهالت (شناخت مفاهیم و قراردادها)	۱- (ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا / ارزش کل قراردادهای تأمین مالی)
			نرخ آگاهی کارکنان و مشتریان بانکی از مفاهیم و مفاد قراردادهای بانکی
فقدان اکل مال به باطل (ارزش اختلاس و ارتشاء)	فقدان اکل مال به باطل (ارزش اختلاس و ارتشاء)	فقدان اکل مال به باطل (ارزش اختلاس و ارتشاء)	۱- (قراردادهای همراه با جهل نسبت به مفاد قرارداد / کل قراردادهای)
			ارزش تأمین مالی عاری از فساد / ارزش کل تأمین مالی‌ها
رعایت فقه قراردادهای (عمل به شرایط قرارداد)	رعایت فقه قراردادهای (عمل به شرایط قرارداد)	رعایت فقه قراردادهای (عمل به شرایط قرارداد)	ارزش تسهیلات به کاررفته در زمینه قرارداد / کل تسهیلات
			۱- (مانده مطالبات معوق / مانده کل مطالبات)
تحقق اهداف	کارایی (رابطه داده ستاده)	همگرایی بخش بانکی - حقیقی (نرخ سود بانکی و واقعی)	نسبت ستاده به نهاده بانک / نسبت ستاده به نهاده بانک معیار
			میانگین تغییرات نرخ سود قطعی / متوسط تغییرات نرخ سود واقعی
بانکداری اسلامی	عدالت توزیعی (برابری فرصت، سرانه تسهیلات، امهال معسر، کارمزد عادلانه)	عدالت توزیعی (برابری فرصت، سرانه تسهیلات، امهال معسر، کارمزد عادلانه)	موافقان وجود برابری فرصت در دسترسی به خدمات / حجم نمونه
			مانده تسهیلات غیررانتی / مانده تسهیلات
			سرانه تسهیلات مناطق محروم / سرانه تسهیلات مناطق برخوردار
			مانده مطالبات استمهال شده بدهکاران معسر / مانده کل مطالبات بدهکاران معسر
			نرخ کارمزد دریافتی / نرخ کارمزد واقعی
			مسئولیت اجتماعی (تسهیلات تکلیفی، تأمین مالی طیب)
تکریم مشتری (رضایت مشتری، دوره انتظار تسهیلات)	تکریم مشتری (رضایت مشتری، دوره انتظار تسهیلات)	تکریم مشتری (رضایت مشتری، دوره انتظار تسهیلات)	ارزش تسهیلات تکلیفی تخصیص یافته / ارزش تسهیلات تکلیفی مصوب
			ارزش تأمین مالی‌های فاقد هزینه‌های بیرونی / ارزش کل تأمین مالی‌ها
تخصیص قرض الحسنه (تسهیلات قرض الحسنه)	تخصیص قرض الحسنه (تسهیلات قرض الحسنه)	تخصیص قرض الحسنه (تسهیلات قرض الحسنه)	افراد دارای رضایت از خدمات بانکی / حجم نمونه
			میانگین دوره انتظار تسهیلات / میانگین دوره متعارف انتظار تسهیلات
			مانده قرض الحسنه اعطایی / مانده مؤثر منابع قرض الحسنه

منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

- ابدالی، علی و همکاران، ۱۳۸۸، «طراحی مدلی ارزیابی کارایی و درجه‌بندی شعب بانک‌های تجاری با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها»، *بانک و اقتصاد*، ش ۱۰۰، ص ۴۶ - ۵۰.
- اصولی، سیدحسن و اصغر اسدی، ۱۳۹۱، «تبیین مدل ارزیابی بانکداری اسلامی با تأکید بر شاخص‌های اجرائی»، در: *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی - مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی*، تهران، عترت نو، ص ۶۰ - ۶۱.
- افشار کاظمی، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۵، «ارزیابی کارایی نسبی بانک توسعه صادرات ایران با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)»، *بانک و اقتصاد*، ش ۷۵، ص ۴۲ - ۴۸.
- امامی میبدی، علی، ۱۳۷۹، *اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- اوغلی، احمد شربت و امیر اخلاصی، ۱۳۸۷، «طراحی مدلی برای سنجش رضایت‌مندی مشتریان در صنعت بانکداری توسعه‌ای و اندازه‌گیری رضایت‌مندی مشتریان بانک صنعت و معدن بر اساس آن»، *دانش مدیریت*، ش ۸۱، ص ۷۴-۵۷.
- آهنگران، محمدصادق، ۱۳۹۲، «نگاهی نوین به قاعدهٔ «تبعیت عقد از قصد» با تأکید بر کاربردهای آن در بانکداری اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۹، ص ۱۵۷ - ۱۷۶.
- پناهی بروجردی، نعمت‌الله، ۱۳۹۰، «شاخص تک‌ریم مشتری در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۴، ص ۱۱۱ - ۱۲۲.
- تسخیری، محمدعلی، ۱۳۸۸، «فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر)»، *اندیشه تقریب*، ش ۱۸، ص ۴۴-۱۱.
- توکلی، محمدجواد و عباس شفعی‌نژاد، ۱۳۹۱، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۵۴-۲۹.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۷۹، *بررسی بانکداری بدون ربا در کشور اردن و مقایسه اجمالی آن با چارچوب بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- _____، «درآمدی بر فلسفه اخلاق تجارت با رویکردی اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱، ص ۷-۳۱.
- _____، ۱۳۹۲، *سازوکار بانکداری اسلامی*، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی.
- تقفی، علی و ولی‌الله سیف، ۱۳۸۴، «شناسایی و اندازه‌گیری نسبت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی بنیادی مؤثر بر سلامت و ثبات نظام بانکی در ایران»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ش ۱۷، ص ۶۵-۱۱۲.
- حبیبیان نقیعی، مجید، ۱۳۸۱، «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، *نامه مفید*، ش ۳۱، ص ۱۲۳-۱۵۰.
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین، ۱۳۸۸، «بانکداری اسلامی: مانع یا زمینه‌ساز توسعه، اقتصاد و توسعه»، در: *مجموعه*

مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، ارسلان.

- حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۷، «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام، بررسی انتقادی نظریه شهید صدر»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲، ص ۳۶۵.
- حسینی، سیدشمس‌الدین و همکاران، ۱۳۸۸، «اندازه‌گیری کارایی پست‌بانک‌های استان‌های ایران و عوامل مؤثر در آن»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ش ۳۳، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- حسینی، شمس‌الدین و امیررضا سوری، ۱۳۸۶، «برآورد کارایی بانک‌های ایران و عوامل مؤثر بر آن»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ش ۲۵، ص ۱۲۷-۱۵۶.
- زنوزی، محسن و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی همگرایی بلندمدت نرخ سود بانکی با بازدهی بازار سهام در ایران»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۵، ص ۳۵ - ۴۶.
- سویلیم، سامی ابراهیم، ۱۳۸۰، «واسطه‌گری مالی در اقتصاد اسلامی»، ترجمهٔ محمدجواد توکلی، *معرفت*، ش ۴۱، ص ۴۷ - ۶۰.
- صادق‌زاده، مصطفی، ۱۳۹۱، «شناخت شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی»، در: *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی - مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی*، تهران، عترت نو، ص ۱۱۵ - ۱۳۹.
- صادقی، حسین و همکاران، ۱۳۸۹، «اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ش ۳۹، ص ۱۳۹ - ۱۷۴.
- صدر، سیدکاظم و همکاران، ۱۳۸۵، «اندازه‌گیری بهره‌وری بانک‌های اسلامی (مورد بانک کشاورزی)»، *نامه اقتصادی*، ج ۲، ش ۲، ص ۴۹ - ۴۷.
- صدر، محمدباقر، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____ ۱۴۲۹ق (الف)، *البنک اللاریوی فی الاسلام*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- _____ ۱۴۲۹ق (ب)، *الاسلام یقود الحیاه، المدرسه الاسلامیه و رسالتنا*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- صدوق، محمدین علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عیوضلو، حسین، ۱۳۸۴، *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی در اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- قاسم‌پور، رضا و دیگران، ۱۳۹۱، «ارائه شاخص‌های میزان پیاده‌سازی بانکداری اسلامی در بانک‌های تجاری ایران»، در: *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی - مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی*، تهران، عترت نو، ص ۶۱ - ۸۸.
- قاسمی، محمدجواد، ۱۳۹۳، *بررسی و تحلیل جایگاه استقرار در روش شهید صدر در اقتصاد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

- بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس»، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۱۰۲، ص ۶۷-۹۴.
- نظری، حسن آقا و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۸، ص ۵-۲۸.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، موسسه آل‌البیت.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۱۸ق، «قاعدہ بطلان ربح مالایضمن»، *فقه اهلبیت*، ش ۷، ص ۷-۵۲.
- یزدانی، سودابه و فاطمه کاظمی نژاد، ۱۳۹۱، «شاخص‌های بانکداری اسلامی»، در: *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی - مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی*، تهران، عترت نو، ص ۸۹-۱۱۳.
- Antonio, M. S. et al, 2012, "An Analysis of Islamic Banking Performance: Maqashid Index Implementation in Indonesia and Jordania", *Journal of Islamic Finance*, Vol. 1, No. 1, p. 12-29.
- Chapra, M. Umar, 1985, *Towards a Just Monetary System*, Leicester, U. K, The Islamic Foundation.
- Fahim Khan, M, 1992, *Human Resources Mobilization Through The Profit- Loss sharing Based Financial system*, Jeddah: Islamic Development Bank
- Hameed, Shahul et al, 2004, *Alternative Disclosure and Performance Measures for Islamic Banks*, Malaysia: IIUM.
- Hassan, M. Kabir, 2006, "The X-Efficiency in Islamic Banks", *Islamic Economic Studies*, Vol. 13, No. 2, p. 49 - 78.
- Khan, Mohsin S , Mirakhor, Abbas, 1987, *Theoretical studies in Islamic banking and finance*, Houston, The Institute for Research and Islamic Studies.
- Lefebera, Louis & Victorisz, Thomas, 2007, "The Meaning of Social Efficiency", *Review of Political Economy*, Vol. 19, N. 2, p. 139 - 164.
- OECD & JRC, 2008, *Handbook on Constructing Composite Indicators; Methodology and User Guide*.
- Rafikhan, Shahrukh, 1983, *Profit and loss sharing: An economic analysis of an Islamic Financial System*, Michigan: University Microfilms International.

- کمپجانی، اکبر، و علی اصغر هادوی نیا، ۱۳۷۷، «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، *نامه مفید*، ش ۱۴، ص ۲۳۳-۲۵۴.
- مبلغی، احمد، ۱۳۹۲، «اعسار در فقه اسلامی با نگاهی تطبیقی به قوانین موضوعه»، *دین و قانون*، ش ۱، ص ۷-۴۶.
- محقق نیا، محمدجواد، ۱۳۸۸، «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۲.
- ۱۳۹۰، «درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۴، ص ۵۷-۸۰.
- محمودی، وحید، ۱۳۸۲، «فساد اقتصادی و توسعه»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۱۸۹ و ۱۹۰، ص ۲۳۶-۲۴۵.
- مصباحی مقدم، غلامرضا، ۱۳۸۳، «بررسی آموزش اقتصاد پول و بانکداری در جمهوری اسلامی ایران»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۵، ص ۹۹-۱۲۸.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مسأله ربا به ضمیمه بیمه*، تهران، صدرا.
- منور اقبال و دیگران، ۱۳۷۸، *چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی*، ترجمه حسین میسمی و مسلم بمانپور، تهران، دانشگاه امام صادق.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۸، *بانکداری اسلامی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۱۳۹۱، *پنج ویژگی بانکداری اسلامی / تفاوت بانکداری اسلامی با بانکداری بدون ربا*، بازیابی شده در: <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1397073>
- موسوی بجنوردی، سیدمحمدبن حسن، ۱۴۰۱ق، *قواعد فقهیه*، چ سوم، تهران، مؤسسه عروج.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۶، *کتاب البیع*، قم، اسماعیلیان.
- موسویان، سیدعباس و میمنت ابراهیمی، ۱۳۹۲، *شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی*، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، بازیابی شده در: http://www.civilica.com/Paper-MBMCONF01-MBMCONF01_031.html
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۴، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۷، ص ۷۴-۷۵.
- نراقی، احمد، ۱۴۱۷ق، *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- نظرپور، محمدنقی و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران (مطالعه موردی: بانک تجارت مشهد مقدس)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۳، ص ۱۵۷-۱۸۸.
- نظرپور، محمدنقی و همکاران، ۱۳۹۳ الف، «شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس»، *پژوهش‌های اقتصادی*، دوره ۱۴، ش ۳، ص ۶۵-۹۲.
- نظرپور، محمدنقی و همکاران، ۱۳۹۳ ب، «شاخص‌های ممنوعیت ربا در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛

۱. مقدمه

یکی از دستاوردهای مهم شهید صدر، به عنوان یکی از بنیانگذاران اقتصاد اسلامی، ارائه روش‌شناسی جدیدی در این دانش است. این روش، به صورت تفصیلی توسط ایشان بیان نشده است. علی‌رغم مطالعات پیرامون انجام شده در تشریح اندیشه‌های شهید صدر، تلاش چندانی برای تبیین ابعاد مختلف روش‌شناسی ایشان صورت نگرفته است. این مقاله تلاش دارد نگاه متفاوتی به روش‌شناسی شهید صدر بیندازد و منطق استدلال ایشان در کتاب *اقتصادنا* را بازسازی کند. به نظر می‌رسد، شهید صدر به دنبال استفاده از منطق جدیدی برای استدلال بودند که متفاوت از منطق سنتی فقه‌های سلف ایشان است. این منطق متفاوت استدلال، مبنای شکل‌گیری روش کشفی ایشان و تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد را فراهم می‌آورد. بنا به فرضیه مقاله، منطق استدلال شهید صدر شباهت بسیاری به رویکرد/ماتریس کانت در به‌کارگیری قیاس استعلایی دارد. از این رو، رویکرد ایشان در قالب یک نگاه «کانتی: kantian» به «منطق» (Logic) و «استدلال: Argumentation» قابل تفسیر است.

۲. پیشینه تحقیق

نظری و خطیبی (۱۳۹۲)، روش‌شناسی صدر را در قالب فقه نظریه بررسی کرده‌اند. از نظر ایشان «فقه نظریات از جهات متعددی با فقه متعارف تفاوت دارد؛ موضوع فقه متعارف، افعال مکلفین است، در حالی که موضوع فقه نظریات، قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف، به دنبال تحصیل حجت است. در حالی که محقق فقه نظریه، به دنبال کشف خطوط کلی حاکم بر احکام به ظاهر متفرق است. از نظر ایشان، روش‌شناسی حاکم بر قواعد فقهی، اگر چه تاحدودی شبیه روش‌شناسی فقه نظریات است، اما تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. در قواعد فقهیه، غرض فقیه یافتن قانونی کلی است که بر مجموعه‌ای از مسائل جزئی تر احاطه داشته باشد، تا بدین وسیله بهتر بتواند در مصادیق نظر دهد. اما در فقه نظریات، فقیه به دنبال قضایای کلی است که بتواند تبیینی بهتر از مبانی اسلام در سطح کلان ارائه کند. روشن است که اختلاف اغراض موجب تمایز علوم است. برای اکتشاف نظریه، لازم است هر حکمی را به صورت جزئی از کل و بخشی از یک مجموعه مرتبط به هم نگریست و به عبارتی، نگاه جزئی را به نگاه سیستمی و کلی تبدیل نمود» (نظری و خطیبی، ۱۳۹۲).

بنابراین می‌توان گفت: از نظر نظری و خطیبی (۱۳۹۲)، اولاً ضرورت تفکر سیستمی در فقه و تأسیس مبانی به جای یافتن صرف مصادیق در اندیشه صدر، (با توجه به رابطه بین حکم کلی و جزئی

روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛

از نگاهی دیگر

hamid.moarefi@gmail.com

عبدالحمید معرفی محمدی / استادیار دانشگاه اصفهان

دریافت: ۱۳۹۳/۶/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶

چکیده

علی‌رغم اهمیت روش‌شناسی شهید صدر در پیشبرد اقتصاد اسلامی، مطالعات چندانی در زمینه تبیین ماهیت و جوهره آن صورت نگرفته است. این مقاله، با روش تحلیلی به تبیین منطق استدلال در این روش می‌پردازد. بنا به فرضیه مقاله، شهید صدر به دنبال استفاده از منطق متفاوتی برای استدلال بود. این منطق، با منطق سنتی فقه‌های سلف متفاوت است. این منطق مبنای معرفی روش کشف و تفکیک میان مکتب و علم اقتصاد قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رویکرد ایشان شباهت بسیاری به روش‌شناسی کانت در به‌کارگیری قیاس‌های استعلایی برای تحقق شرایط امکان تجربه و وحدت سیستمی علم دارد. در این زمینه، شهید صدر مکتب اقتصاد اسلامی را به عنوان وحدت سیستمی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و به عنوان شرط امکان علم اقتصاد اسلامی بازسازی می‌کند. در این بازسازی، ایشان مجموعه احکام فقهی را به عنوان داده به کار می‌گیرد تا با مفروض گرفتن صدق این داده‌ها در یک روش بازگشتی به نام «قیاس استعلایی»، به اصول و قواعد مکتبی برسد؛ اصول و قواعدی که اقتصاد اسلامی در چارچوب آن امکان پذیر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شهید صدر، روش‌شناسی، رویکرد استعلایی، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: H73, B41, P4.

شهید صدر معتقد است هر گزاره اقتصادی که به عدالت اجتماعی مربوط شود، به مکتب اقتصادی تعلق دارد و هر گزاره اقتصادی که واقعیتی را بیان کند، به علم اقتصاد مربوط است. این تفکیک متاثر از نگاه اثبات‌گرایانه است... این تفکیک اثر گرفته از تفکیک «هست» از «باید» یا «واقعیت» از «ارزش» است (امیری طهرانی‌زاده و افروغ، ۱۳۹۳).

در حالی که از نگاه ما شهید صدر به این تمایز اشاره دارد تا تقدم مکتب در شکل‌گیری واقعیت را نشان دهد. این امر همانطور که خواهیم دید، ریشه در نگاه استعلایی ایشان در پرسش از چگونگی تحقق «امر واقع» بر مبنای «ارزش‌ها» دارد. این نگاه، نه تنها اثبات‌گرایانه نیست که «هست» و «باید» را جدا بداند، بلکه در نقطه مقابل اثبات‌گرایی است؛ چرا که «هست» را نتیجه «باید» می‌داند.

البته در شباهت کار شهید صدر به باسکار، حقیقتی نهفته است. این حقیقت مربوط به اشتراک در ریشه‌کانتی باسکار و شهید صدر است؛ ولی از نظر روش‌شناختی، نگاه طبیعت‌گرایانه باسکار در تضاد با نگاه ایده‌یستی (idealistic) کانت و نگاه دینی صدر است. باسکار، به دنبال ساختارهای علی در واقعیت است که مستقل از آگاهی و کنش‌های ارادی انسان وجود دارد، ولی صدر به دنبال اصول و مبانی مکتبی است که با اختیار انسان به عنوان «خلیفه‌الله» گره خورده است. بنابراین، بر خلاف نظر امیری طهرانی‌زاده و افروغ (۱۳۹۳)، لایه سوم واقعیت، یعنی «امر واقعی» باسکار، که مبتنی بر ساختارهای علی (causal) است، ربطی به ساختار مفهومی مکتب نزد صدر، که مبتنی بر اصول (principle) و قواعد (rule) الهی است، ندارد. بنابراین، این نتیجه‌گیری طهرانی‌زاده و افروغ درست نیست که می‌گویند:

احتمال می‌رود که منظور ایشان از کشف قوانین، تعمیم یا کلی‌سازی باشد که تأثیرپذیری او از نگاه اثبات‌گرایانه را تقویت می‌کند... اما از آنجا که ایشان از استخراج قوانین عمومی واقعیت‌های جامعه سخن می‌گویند، احتمال می‌رود منظور ایشان دست‌یابی به لایه زیرین علت‌ها باشد؛ یعنی لایه سوم واقعیت در دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی که از سازوکار علی برخوردار است (همان).

ما با این جمله امیری طهرانی‌زاده و افروغ موافقیم که: «شهید صدر معتقد است زیر بنای مکتب اقتصادی را باید از روینای حقوق اسلامی استخراج کرد. به نظر می‌رسد، مفاهیم زیرینا و روبنا با لایه بندی واقعیت در واقع‌گرایی انتقادی تشابه داشته باشد» (همان)؛ چرا که این تشابه ریشه در نگاه کانتی باسکار دارد؛ ولی با ادامه جمله ایشان موافق نیستم که «...به طوری که روینای حقوقی حکم امور بالفعل و زیرینا حکم امور واقعی را داشته باشد. روینای حقوقی یا بالفعل، روابطی است که می‌تواند به وقوع بپیوندد، ولی به دلیل وجود موانع تاکنون تحقق نیافته است... این عدم تحقق، به واسطه تداخل

در جهت تبیین مبانی اقتصاد اسلامی)، اصول اساسی روش‌شناسی ایشان را تشکیل می‌دهد. ثانیاً، این تفاوت روش‌شناختی را ناشی از تفاوت در اغراض می‌دانند. ما هرچند با این دیدگاه موافقیم، اما تبیینی متفاوت از روش‌شناسی صدر ارائه خواهیم داد.

امیری طهرانی‌زاده و افروغ (۱۳۹۳)، روش‌شناسی صدر را به «رئالیسم انتقادی: critical realism» (باسکار: Bhaskar) نزدیک می‌دانند. همانطور که ایشان اشاره دارند، باسکار به دنبال پاسخ این پرسش است که «جهان باید چگونه باشد تا علم ممکن شود؟» در رئالیسم انتقادی، «بودن» و «به طور خاص بودن» جهان، جهت وقوع علم پیش فرض گرفته شده است. همچنین از دید باسکار، «واقعیت از سه لایه تجربی (emperical) (قابل مشاهده در آزمایشگاه)، بالفعل (actual) (روابطی که امکان وقوع دارد) و واقعی (the real) (ساختارهای علی و پنهان) برخوردار است. از سوی دیگر، باسکار طبیعت‌گرا (naturalist) است و قایل به «وحدت روشی» و امکان طبیعت‌گرایی در علوم اجتماعی است» (امیری طهرانی‌زاده و افروغ، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد، هیچ کدام از این گزاره‌ها با روش‌شناسی شهید صدر هماهنگ نیست. از نظر صدر، علم اقتصاد اسلامی به دلیل عدم تحقق واقعیت اقتصادی ناممکن است؛ یعنی اگر مکتب پیاده شود، واقعیت بر مبنای مکتب شکل خواهد گرفت (صدر، ۱۳۵۰، ص ۳۱۷). بنابراین، پرسش صدر این است که تعهد مکتبی ما چگونه باید باشد، تا جهان اقتصادی بر طبق اصول اسلامی ممکن شود؟ نه اینکه «جهان باید چگونه باشد، تا علم ممکن شود؟»؛ یعنی برای ایشان، نه علم مفروض است و نه جهان، بلکه تنها امر مفروض منابع فقهی و احکام فقهی حاصل از آن است و به دنبال بازسازی مکتب بر مبنای این احکام و مفاهیم هستند. در اندیشه صدر، اینکه علم اقتصاد چه وضعیتی پیدا می‌کند تا مرحله‌ای که جهان اقتصادی بر طبق مکتب شکل بگیرد، به تعویق افتاده است. از سوی دیگر، همان‌گونه که صدر اشاره می‌کند، محقق اقتصاد اسلامی با یک نظام منسجم و از قبل وضع شده مواجه است که باید اصول و قواعد آن را کشف کند (صدر، ۱۳۵۷، ص ۲۴). بنابراین، موضع صدر با باسکار متفاوت است؛ صدر نه طبیعت‌گرا است و نه واقعیت را داده شده و مفروض می‌گیرد، تا از «وحدت روشی» و «امکان علم» صحبت کند، بلکه ایشان دین‌گرا است و کتاب و سنت را مفروض می‌گیرد تا بر مبنای آن، از امکان مکتب و بازسازی آن به روشی متفاوت از علوم طبیعی صحبت کند.

یک برداشت اشتباه از اندیشه صدر این است که ایشان نگاهی اثبات‌گرایانه (positivistic) داشته و لذا تفکیک ایشان بین مکتب و علم از این نگاه سرچشمه گرفته است.

۳-۱. منطق صوری و منطق استعلایی

همانطور که اشاره شد، روش صدر در چارچوب منطق استعلایی قابل فهم و بازسازی است. حال باید دید این منطق چگونه منطقی است و چه تفاوتی با منطق سنتی (ارسطویی) دارد. هایدگر، در تفسیری پدیدارشناسانه از «نقد عقل محض: Critique of Pure Reason» بیان می‌کند:

منطق صوری صرفاً قواعد و قوانینی را بررسی می‌کند که مطابق با آنها، فاهمه تصورات را در نسبتشان با یکدیگر به کار می‌برد و نه در نسبتشان با اشیاء و متعلقاتی (ابژه‌هایی) که مورد نظر آنها است. به عبارت دیگر، موضوع منطق صوری تصورات بر حسب متعلقاتشان نبوده، بلکه ارتباط تصورات میان خودشان است. اما تفکر در همین ساختار ارتباط، تصورات میان خودشان خلاصه نمی‌شود. اگر این ارتباط تصورات، با متعلقات لحاظ نشود، ارتباط میان تصورات نیز درک نخواهد شد. قواعد منطق صوری صرفاً به صورت تفکر به ما هو تفکر مربوط می‌شود. این قواعد، به ما می‌گوید تفکر چگونه می‌تواند با خودش هماهنگ باشد، ولی در مورد سازگاری این تفکر با ابژه‌ها، چیزی به ما نمی‌گوید. تفکری که منطقاً صادق است، ممکن است حتی در تضاد با شرایط عینی و واقعی باشد. رعایت قواعد منطقی ضامن صدق منطقی است، نه ضامن تطابق با موضوعات در جهان واقعی. بنابراین، صدق منطقی شرط لازم و نه کافی برای حقیقی بودن یک معرفت، به معنای تطابق یک اندیشه با متعلق خودش می‌باشد (عبدالکریمی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹).

بنابراین، منطق صوری منطق اندیشه و فکر است و منطق استعلایی منطق واقعیت است. ولی برای اینکه منطق استعلایی منطق واقعیت باشد، باید اصول و قواعد را به نحو متفاوتی از منطق صوری به کار بگیرد. البته این اصول و قواعد پیشینی است. از این رو، منطق استعلایی شرایط پیشین در تحقق تجربه یا واقعیت را مورد توجه قرار می‌دهد.

از نظر کانت در منطق استعلایی، نه تنها اصول منطق صوری، (که مربوط به قواعد فکر است)، بلکه اصول منطق استعلایی، که مربوط به ابژه‌های واقعی است نیز به صورت پیشینی در شکل‌گیری احکام دخالت دارند. این اصول استعلایی، که مکمل اصول صوری است، مبنای شکل‌گیری منطق استعلایی است (لپاکوسکی، ۱۹۹۳، ص ۱۰۰). منطق صوری صرف نظر از ابژه شناخت، قواعد تفکر درست، را به ما می‌دهد؛ یعنی در منطق صوری، بدون توجه به رابطه مفاهیم و ابژه‌ها، صرفاً به رابطه بین مفاهیم توجه داریم (همان، ص ۱۰۱). منطق صوری به تحلیل مفاهیم می‌پردازد. در حالی که منطق استعلایی، به چگونگی ساختن مفاهیم نیز توجه دارد. از این رو، روش آن ترکیب است نه تحلیل؛ پس منطق استعلایی منطق ترکیب است و نه تحلیل؛ یعنی منطقی است که واقعیت را موضوع خود قرار می‌دهد، نه صرفاً رابطه بین مفاهیم را (همان).

سازوکارهای علی با یکدیگر است» (همان). این نگاه رئالیستی در چارچوب ایده‌الیسم کانتی نمی‌گنجد. ما معتقدیم که حرکت از روبنا به زیرنا در روش کشف صدر، حرکت از امور «بالفعل» به «امرواقعی» نیست، بلکه بعکس یک حرکت بازگشتی از امرواقع (در اینجا مراد، احکام فقهی در دسترس ما) در جهت کشف اصول و قواعد الهی است که سنت الهی در تاریخ اقتصاد را شکل می‌دهد. در صورتی که رفتن از امور بالفعل به سمت واقعیت، که ریشه در نگاه طبیعت‌گرایانه باسکار دارد، مبتنی بر دئیسم و سکولاریسم حاکم بر علم مدرن و اندیشه غربی است.

به همین دلیل، معتقدیم روش صدر با ایده الیسم کانت سازگارتر است، تا رئالیسم انتقادی و البته طبیعت‌گرایانه باسکار. بنابراین، با این نتیجه‌گیری هم مخالفیم:

شهید صدر در وظیفه علم که کشف قوانین باشد تفاوتی بین علوم انسانی و طبیعی نمی‌بیند، ولی چون ایشان شرط علمی بودن را تحقق خارجی آن و سپس مشاهده واقعیت‌ها، گردآوری داده‌ها و سپس نظم بخشیدن به آنها می‌داند، از این رو، او به طبیعت‌گرایی از نوع تجربی و نه انتقادی قایل است (امیری پهرانی‌زاده و افروغ، ۱۳۹۳).

چرا که اگر از نظر صدر بین علوم انسانی و طبیعی تفاوتی وجود نداشت، طرح اقتصاد اسلامی نزد ایشان همان قدر می‌توانست معنا داشته باشد که فیزیک اسلامی را معنادار بداند.

همان‌طور که ویسکووا توف (۲۰۰۰، ۲۰۰۲) نیز به درستی اشاره می‌کند، به دو دلیل بهتر است که از ایده الیسم استعلایی، به جای رئالیسم استعلایی باسکار در علوم اجتماعی و انسانی استفاده شود: اولاً، انسان موجودی آگاه و تابع قاعده است. باسکار با تقسیم واقعیت به سه ساحت، قواعد را در سطح واقعیت فاقد آگاهی قرار می‌دهد. از این رو، انتخاب را نیز در سطح واقعی تعریف می‌کند و آزادی انسان و لذا خودآگاهی او نقض می‌شود. در حالی که در اندیشه کانت با تمایز هنجارمندی از علیت، آزادی به رسمیت شناخته می‌شود. در اندیشه باسکار هدف بررسی امکان یک علم اجتماعی با رویکرد طبیعت‌گرایانه است؛ یعنی مکانیسم‌ها و ساختارهایی را در جامعه مفروض می‌گیرد که در قالب روابط علی قابل کشف است. این موضوع با وجه هنجارمند و مکتبی اقتصاد اسلامی در تضاد است.

۳. بازسازی روش‌شناسی شهید صدر

فرضیه ما در این مقاله این است که شهید صدر به دنبال منطق و روش جدیدی، متفاوت از منطق و روش سنتی در علم فقه بوده‌اند. این منطق همان منطق استعلایی است که بر مبنای یک قیاس استعلایی در اقتصاد اسلامی کاربرد دارد. برای فهم مطلب ابتدا به تفاوت منطق سنتی و استعلایی و سپس، به چگونگی کارکرد قیاس استعلایی می‌پردازیم، تا ارتباط آن را با رویکرد شهید صدر دریابیم.

مطابق با تفسیر هایدگر، آنچه کانت آنرا منطق استعلایی می‌نامد، چیزی جز یک نوع وجودشناسی نیست و نباید اصطلاح «منطق» در اینجا ذهن ما را رهزنی کند (عبدالکریمی، ۱۳۸۶). در این تفسیر از کانت، تفکر دارای دو ویژگی است: نخست، در ارتباط با متعلق بودن و دوم، وحدت بخشی. منطق صوری، با ویژگی وحدت بخش بودن تفکر و منطق استعلایی، با ویژگی در ارتباط با متعلق بودن، سروکار دارد (همان). به عبارت دیگر، از نظر معرفت‌شناختی، سوژه (فاعل شناخت) در صدور احکام برای شناخت جهان، باید دو نوع اصول را مورد توجه قرار دهد: اولاً، اصولی که در برقراری ارتباط بین مفاهیم باید رعایت کرد (مثل اصل این‌همانی، عدم تناقض و طرد شق ثالث)، مبنای منطق صوری است. ثانیاً، اصولی که در برقراری ارتباط بین مفهوم و اثره (در مواجهه ما با واقعیت) باید رعایت کرد که خود را در قواعد یا مقولات نشان می‌دهد و مبنای منطق استعلایی است. این اصول اخیر است که منطق استعلایی را از منطق صوری متمایز می‌کند. برای فهم ارتباط مفهوم با واقعیت، باید توجه کنیم که مطابق با تفسیر هایدگر «به نحو پیشینی به متعلقات مربوط بودن به معنای استعلایی بودن یا وجود شناختی بودن است.» (عبدالکریمی، ۱۳۸۶). بنابراین، در این تفسیر از کانت، معرفت‌شناسی نوعی وجودشناسی است و ارتباط با متعلق شناخت در واقعیت بر مبنای منطق استعلایی شکل می‌گیرد؛ یعنی در منطق استعلایی، نه تنها مثل منطق صوری به دنبال اصول و قواعدی برای برقراری ارتباط درست بین مفاهیم هستیم، بلکه نیازمند اصول و قواعدی برای ارتباط حقیقی بین مفاهیم و امور واقع هستیم که متعلق شناخت ماست. البته نه به این معنا که با انتزاع از امروا واقع به مفاهیم برسیم، بلکه این مفاهیم شرط پیشین هر تجربه‌ای است و لذا شرط شناخت امور واقع خواهند بود.

کانت از این ویژگی منطق استعلایی در تبیین فیزیک نیوتنی استفاده می‌کند. وی این پرسش را مطرح می‌کند که اگر فیزیک نیوتنی، به عنوان یک علم مفروض باشد، چنین معرفتی چگونه ممکن شده است؟ از نظر کانت وجود مقولات یا مفاهیم کلی و ضروری است که تجربه را بدان معنا که اساس علوم تجربی است ممکن می‌سازد. اما چگونه این مقولات به دست می‌آیند؟ کانت برای پاسخ به این سؤال، انواع احکامی را که ذهن قادر به ساختن آنها است، دسته‌بندی می‌کند. کانت احکام را از نظر کیفیت، کمیت، نسبت و جهت تقسیم‌بندی می‌کند و ذیل هر یک از این احکام، سه نوع حکم می‌گنجاند و جدول منطقی احکام را تنظیم می‌کند... آنگاه چون هر یک از این دوازده نوع حکم را جلوه منطقی یک مقوله پیشینی می‌داند، بر مبنای این احکام دوازده گانه، دوازده نوع مقوله پیشینی استخراج می‌کند. کانت این مقولات را اصول پیشینی هر تجربه ممکن می‌نامد (کانت، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۶).

این استنتاج مقولات از احکام را «قیاس استعلایی» می‌نامند. در این نوع قیاس، مسئله این نیست که ما چگونه مقولات را به کار می‌بریم، بلکه مسئله این است که آیا استفاده ما از مقولات (به عنوان قواعد

صدور حکم به طور کلی برای هر تجربه ممکن) مشروعیت دارد یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا کاربرد مقولات یک شرط لازم شناسایی است؟ اگر پاسخ مثبت باشد به کارگیری مقولات موجه است (هارتناک، ۱۳۷۶، ص ۶۴).

به همین دلیل، کانت در بنای منطق استعلایی معنای جدیدی به لفظ مقوله می‌دهد که گسست کاملی از منطق صوری (ارسطویی) است. برای کانت مقولات قواعدی برای قضاوت است. همچنین محمولاتی برای تعیین بخشی به اشیاء است (لپاکوسکی، ۱۹۹۳، ص ۱۰۵).

همانطور که گذشت: کانت در یک قیاس استعلایی (متافیزیکی) جدول مقولات را از جدول احکام استخراج می‌کند. این عبور از جدول احکام به جدول مقولات به نوعی گذر از منطق صوری به استعلایی نیز می‌باشد (همان، ص ۱۱۲).

این توان قیاس استعلایی در استخراج مقولات از احکام، به‌ویژه در نتیجه‌گیری نهایی در روش شناسی شهید صدر، حائز اهمیت است؛ چرا که نشان می‌دهد در یک قیاس استعلایی، می‌توان از امر «داده شده» و موجود، مثل احکام منطق (یا در مورد شهید صدر احکام فقهی در اقتصاد)، به اصول و قواعدی (اصول و قواعد مکتب اقتصادی اسلام در مورد شهید صدر) رسید که چنین احکامی را ممکن ساخته‌اند. اصولاً کارکرد قیاس استعلایی در منطق استعلایی کانت نیز چنین است؛ یعنی تجربه ما از جهان خارج و بر مبنای همین تجربه، علم فیزیک ممکن شده است. ما می‌خواهیم مبانی متافیزیکی و فلسفی این تجربه و علم را بازسازی کنیم.

در یک روش استعلایی، هم از شرایط امکان تجربه و هم از شرایط امکان یک علم می‌توان پرسش کرد. از این رو، در منطق استعلایی نیز ما به دنبال مقولات یا قواعدی هستیم که علاوه بر وحدت بخشی بین مفاهیم (به روال منطق صوری)، ارتباط بین مفاهیم و متعلقات آن مفاهیم در تجربه را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. از این رو، با «داده شده بودن» موجودیتی مثل X می‌توان از شرایط امکان آن X پرسش کرد. حال X می‌تواند یک امر واقع، یک حکم یا مجموعه‌ای از احکام، در قالب یک رشته علمی باشد. چنین پرسشی را که در آن، صدق X مفروض گرفته می‌شود و از شرایط امکان آن سؤال می‌شود، «پرسش استعلایی» می‌گویند (کلسن، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

رویکرد شهید صدر در روش «کشف» نیز به همین استدلال شباهت دارد؛ یعنی خواهیم دید که ایشان احکام اسلامی، اعم از حقوقی و مالی را، که به روش‌های سنتی در فقه و از طریق فهم کتاب و سنت استخراج شده است، «داده شده» و صادق فرض کرده، سعی می‌کند با پرسش از شرایط امکان آنها، از این احکام به مبانی مکتبی یعنی اصول و قواعد در اقتصاد اسلامی برسند. به همین دلیل، این

پرسش را مطرح می‌کنند که اگر احکام اسلامی برای ما موجود و داده شده باشند، مبانی مکتبی آن، چگونه از این احکام قابل استخراج است. به عبارت دیگر، مکتب اقتصاد اسلامی چگونه ممکن است؛ مکتبی که شرایط امکان صدور چنین احکام فقهی در اقتصاد است.

قیاس صوری و قیاس استعلایی

منطق با مفهوم قیاس، به عنوان روش و قاعده استدلال و استنتاج معتبر گره خورده است. در منطق صوری، کارکرد قیاس، تحلیل مفاهیم برای استخراج نتایج از مقدمات است که معمولاً در قالب قواعد «وضع مقدم» و «رفع تالی» صورت می‌گیرد. ولی همانطور که اشاره شد کانت برای بنای منطق استعلایی، مفهوم جدیدی به قیاس می‌دهد که نه تنها به تحلیل، بلکه به ترکیب مفاهیم و گزاره‌ها نیز می‌پردازد. یک نمونه بارز از این قیاس استعلایی، استخراج جدول احکام، از جدول مقولات با استفاده از این نوع قیاس است. در واقع، قیاس استعلایی یک استدلال بازگشتی (regressive argumentation) به این شکل است که اگر P صادق باشد، در صورتی امکان صدق دارد که گزاره دیگری مثل Q نیز صادق باشد (کلسن، ۱۹۳۴، ص ۲۲)، لذا Q شرط استعلایی امکان صدق P خواهد بود.

تفاسیر متعددی از قیاس استعلایی کانت انجام شده است. در اینجا آن تفسیری را که مورد توجه هنریش (henrich) قرار گرفته و به نظر ما به رویکرد شهید صدر نزدیک است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بررسی نشان می‌دهیم که رویکرد صدر در اقتصاد اسلامی با این تفسیر از منطق و قیاس استعلایی در کانت قابل توجیه است.

از نظر هنریش، مفهوم «قیاس»، مفهومی حقوقی در امپراتوری روم مقدس بود که به استدلال برای توجیه مشروعیت ادعایی حقوقی برای اموال اشاره داشته است (هنریش، ۱۹۹۸، ص ۳۲). از نظر هنریش، کانت این مفهوم را در یک فضای فلسفی با اهداف معرفت‌شناختی به کار می‌برد. یعنی «استدلال برای توجیه استفاده درست و به حق از یک مفهوم برای یک ابژه: متعلق شناخت» (همان). همانطور که اشاره شد در منطق استعلایی، به رابطه بین مفهوم و متعلق شناخت (ابژه) نیز توجه می‌شود. ولی سؤالی مطرح می‌شود: رابطه بین مفهوم و ابژه بر چه مبنایی صورت می‌بندد؟ پاسخ کانتی این است که رابطه بین این مفاهیم و ابژه‌ها (امور واقع)، باید بر مبنای اصول و قواعد پیشینی و مستقل از تجربه بنا شوند تا این مفاهیم بتوانند این مشروعیت را کسب کنند که بر ابژه‌ها اطلاق شوند. این اصول و قواعد پیشینی، شرایط امکان یا شرایط استعلایی اطلاق مفهوم بر ابژه را فراهم می‌آورد.

بنابراین، قیاس استعلایی نوعی استدلال بازگشتی است که در آن، با مفروض گرفتن صدق یک

گزاره (یا امر واقع)، شرایط امکان صدق آن بررسی می‌شود. معمولاً این شرایط امکان، در قالب مجموعه‌ای از اصول و قواعد یا مقولات بیان می‌شود. از نظر هنریش «قیاس استعلایی در کاربرد حقوقی‌اش رابطه بین امر واقع و مشروعیت بخشی به آن را بررسی می‌کند. در نگاه کانتی، این دو یک حوزه را تشکیل می‌دهد. در حقیقت قیاس به معنای قیاس منطقی صرف یا قیاس صوری (syllogism) (قیاس صوری) نیست، بلکه به معنای استدلال قضایی (juridical argument) است که در آن اثبات مبتنی بر امور واقع انجام می‌شود (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۲).

به عبارت دیگر در قیاس استعلایی به روال قیاس صوری، حرکت از مقدمات (کبری، صغرای) به نتیجه (یک استدلال منطقی صرف در صورت گزاره‌ها) نیست، بلکه حرکت از «امور واقع» به «قواعد» است. این حرکت، مبنای شناخت توسط سوژه (فاعل شناخت) نیز هست؛ یعنی عمل ذهن فاعل شناخت (سوژه) به عمل یک قاضی در صدور حکم شباهت پیدا می‌کند.

همانطور که قاضی با توجه به امر واقع، حکم حقوقی می‌دهد، سوژه نیز در مورد متعلق شناخت (ابژه) حکم صادر می‌کند. البته این صدور حکم توسط سوژه در قالب یک سری مقولات یا قواعد است که به شکل پیشینی برای همه ابژه‌های تجربه معتبرند و شرایط پیشین تجربه را فراهم می‌سازد. از نظر هنریش، کانت در استدلال استعلایی خود به شرایط عینیت توجه دارد و این با نگاه صرفاً تجربی به شناخت متفاوت است (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۵). در نگاه تجربه‌گرای صرف، عینیت امور واقع مفروض است و کار فاعل شناخت، جمع‌آوری این امور واقع است. این همان کاری است که روش اثبات‌گرا در علم انجام می‌دهد، ولی در نگاه کانت، پیش از هر چیز، شرایط امکان این عینیت (امور واقع) باید مورد بررسی قرار گیرد.

از سوی دیگر، بر خلاف نگاه تجربه‌گرای صرف به شناخت، کانت اعتقاد دارد که ابژه چیزی فراتر از صرف داده‌های حسی است و شامل بر شرایط ثبوت ابژه نیز هست. علی‌رغم تغییراتی که به طور مداوم در داده‌ها اتفاق می‌افتد. سوژه در ابژه‌ها می‌تواند وحدتی را تشخیص دهد که فراتر از بازنمایی تجربی صرف است. این وحدت، مقوم بازنمایی ابژه است. این وحدت، نه حاصل «تحلیل»، بلکه حاصل «ترکیبی» است که سوژه با کار روی مفاهیم مربوط به ابژه‌ها انجام می‌دهد. البته این ارجاع به ابژه‌ها، مستلزم وجود قواعدی پیشینی است تا به قضاوت تبدیل شود... یعنی شرایط ساختاری صدور حکم این قواعد پیشینی را الزام می‌کند (همان).

بنابراین، در امر شناخت توسط سوژه، همیشه یک ساختار پیشین از قواعد وجود دارد که مبنای صدور احکام است. هدف از شناخت نیز کشف این مجموعه قواعد است. به همین دلیل، این

روش عقلی است و نوعی قیاس تلقی می‌شود، نه تجربی؛ چرا که اگر چه به ظاهر با تجربه (امور واقع) شروع می‌شود، ولی مبنای شناخت همواره مجموعه‌ای از قواعد پیشینی است که با عقل کشف می‌شود. همین نکته، روش کشف شهید صدر را به روش کانتی نزدیک می‌کند. به عنوان نمونه، در چارچوب روش صدر، اگر شما احکام فقهی مربوط به اقتصاد را جمع‌آوری کنید و به تحلیل و پردازش آنها از طریق منطق صوری بپردازید، هیچ گزاره جدیدی فراتر از همان احکامی که در دست داشته‌اید، حاصل نمی‌شود. حال اگر از این مجموعه، احکام اصول و قواعدی را استخراج کنید که منشأ شکل‌گیری این گزاره‌ها (احکام) بوده‌اند، مثل این است که شما روش تولید، نه تنها این احکام موجود، بلکه همه احکام ممکن دیگر را نیز که هنوز صادر نشده‌اند، به دست آورده‌اید. به این روش، «روش ترکیبی» می‌گویند.

به نظر ما، شهید صدر همچنین روشی را در استخراج اصول و قواعد مکتبی از احکام فقهی مورد توجه قرار می‌دهد. ولی مهم این است که این اصول و قواعد به شکل پیشینی (در اینجا در مکتب اقتصاد اسلامی) وجود دارند، نه اینکه ما به شکل پسینی آنها را از احکام استخراج کرده باشیم؛ یعنی همان احکام فقهی اقتصادی موجود، حاصل این اصول و قواعد بوده است. در واقع، گویا یک سازوکار تولید حکم احکام فقهی اقتصادی وجود دارد که کلیه احکام فقهی تا قیامت از آن قابل صدور است، ولی فقه سنتی به فراخور مکان و زمان، هر بار بخشی از این احکام را صادر کرده است. حال با پردازش این احکام موجود، می‌توان به قواعد و اصولی دست یافت که سازوکار تولید حکم بر مبنای آن عمل می‌کند. این یک رویکرد روش شناختی جدید است که می‌خواهد سازوکار ذهنی فقیه در استنباط احکام را بازسازی کند. ولی این سازوکار اگر کشف شد، دیگر به شکل پیشینی، و مستقل از فقیه خواهد بود و می‌تواند مبنایی برای صدور حکم به شکل پیشینی حتی برای یک غیر فقیه هم قرار گیرد. به عنوان نمونه، شما مجموعه احکام فقهی مربوط به بیع یا ربا را دارید. حال می‌توان از این مجموعه احکام، به اصول و قواعدی در مورد بیع یا ربا به طور کلی رسید.

روش‌شناسی حاکم بر این رویکرد جدید، نه تجربه‌گرایی صرف است و نه قیاس صوری صرف. تجربه‌گرایی صرف نیست؛ چون امور واقع (در اینجا احکام فقهی موجود)، نقطه شروع برای کشف قواعد است، ولی قواعد که کشف شد، از تجربه استقلال می‌یابد و می‌تواند مبنایی برای قضاوت برای سایر امور واقع (صدور سایر احکام) قرار گیرد. قیاس صوری صرف هم نیست؛ چرا که از کلی به جزئی حرکت نمی‌کند که کلی در دست باشد، بلکه در پی کشف قواعد کلی برای صدور حکم است.

در منطق صوری «استفاده عادی از قضاوت موضوع - معمولی، منجر به عملیاتی در منطق صوری می‌شود» (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۶) که در آن، یک ویژگی در قالب معمول به یک موضوع نسبت داده می‌شود. برای نمونه، می‌گوییم «سیب سرخ» است که معمول سرخ، به موضوع سیب نسبت داده می‌شود. در فقه سنتی نیز، که مبتنی بر منطق ارسطویی و قضاوت موضوع-معمولی است، ساختار قضاوت در صدور حکم همین است. ولی «این تنها نوع قضاوتی نیست که ذهن می‌تواند انجام دهد... اگر موضوع پیچیده شود، نیازمند صدور احکام ترکیبی هستیم که باید وحدت مجموعه‌ای از محمولات یا گزاره‌ها را در یک قاعده کلی به دست دهد. این وحدت مستلزم قضاوتی مقوله‌ای و قاعده مبنا است که در یک قیاس استعلایی حاصل می‌شود (همان).

به عبارت دیگر، دانش عینی از داده، مستلزم یک وحدت ترکیبی است که بر مبنای قواعد پیشین حاصل می‌شود. حاصل این قضاوت، مقولاتی کلیدی است که ساختار عینی جهان را آن‌گونه که می‌تواند باشد، در قالب مجموعه‌ای از مقولات آشکار می‌سازد. برای نمونه، روش معمول فقهی مبتنی بر تحلیل منطقی، احکام و روابط بین آنها برای احکام فردی یک مکلف است. حال اگر موضوع پیچیده شود. مثلاً بخواهیم حکم در مورد سیاست پولی بدهیم، دیگر مسئله ما صدور حکم مکلف نیست، بلکه باید به یک قاعده با توجه به احکام موجود برسیم که برای کل جامعه باشد. لذا دیگر بحث حکم مکلف نیست؛ بلکه مسئله صدور حکم در مورد نظام اجتماعی است. اینجاست که باید بتوان به یک قاعده در مورد واقعیت نظامی جامعه، که امری پیچیده و نه ساده است، رسید. این کار از منطق صوری و قیاس‌های منطقی معمول ساخته نیست.

لازم به یادآوری است که در روش معمول فقهی، از اصول و قواعد منطق صوری صرفاً در جهت تضمین صحت صورت استدلال استفاده می‌شود. ولی در استنباط متعارف فقهی در جهت تضمین درستی محتوای احکام به اقتضاء از آیات و روایات استفاده می‌شود. به طریق مشابه، منطق استعلایی هم به محتوای احکام وارد نمی‌شود، بلکه صدق محتوای حکم را مفروض گرفته، شرایط و امکان صدق آن را بررسی می‌کند، و از بررسی این شرایط امکان، به مجموعه‌ای از قواعد می‌رسد. اگر احکام مزبور صادق باشند، می‌تواند وجود داشته باشند.

بازسازی تحلیل کانتی از عینیت، اهمیت بنیادی برای قیاس استعلایی دارد؛ چرا که نشان می‌دهد؛ «تحلیل عینیت مستلزم وحدت ترکیبی داده‌ها بر مبنای قواعد است. از طرفی نه تنها داده‌ها، باید بر مبنای قاعده ترکیب شود، بلکه مستلزم وحدت سیستمی شناخت در این فرایند ترکیب نیز هست» (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۶). اما این وحدت چگونه به دست می‌آید؟ اینجا است که هنریش بیان می‌کند

«استخراج مقولات نه تنها مستلزم ترکیب داده‌ها بر مبنای قاعده، بلکه مستلزم خود آگاهی سوژه (فاعل شناخت) و پایداری هویت او است» (همان). نکته مهم در تفسیر هنریش از کانت، این است:

آگاهی سوژه بواسطه قواعدی است که او به صورت پیشینی می‌داند... لذا وحدت در شناخت ما حاصل وجود قواعد پیشینی است و نه آنچه به شکل استقرایی از ایزه‌ها قابل انتزاع یا تعمیم است... این قواعد، حاصل تاملات تجربی بر داده‌ها نیست، بلکه از یک منظر فلسفی وضع می‌شود و به شکل اصل موضوعی پذیرفته می‌شود و به مرکزیت یک سوژه متفکر صورت می‌پذیرد (همان، ص ۷).

منظور این است که در قیاس استعلایی، نه تنها ما از «امور واقع» به «قواعد کلی» می‌رسیم که مبنای شکل‌گیری آن امور واقع است و امکان تحقق آن امور واقع را بیان می‌کند، بلکه مجموعه گزاره‌هایی که به آن می‌رسیم نیز باید وحدت سیستمی داشته باشد. این وحدت از منظر سوژه یا فاعل شناخت مد نظر است. مراد شهید صدر از وحدت سیستمی، همین موضوع است؛ یعنی نه تنها قواعد از احکام فقهی استخراج می‌شود، بلکه مجموعه گزاره‌های حاصل از این قواعد نیز باید با یکدیگر وحدت و هماهنگی داشته باشند. برای نمونه، ممکن است از مجموعه احکام اقتصادی، ده قاعده استخراج کنیم، خود این ده قاعده نیز باید (بر مبنای اصولی) با یکدیگر و با کل سایر مجموعه قواعد فقهی هماهنگ بوده و گزاره‌های حاصل از این قواعد نیز هماهنگ با یکدیگر بوده، و وحدت سیستمی داشته باشند. این امر موجب می‌شود صدور یا تفسیر یک حکم، ماهیت سیستماتیک پیدا کند.

در یک نگاه کانتی، موقعیت پیشینی برای سوژه در قبال تجربه و جهان، مقوم یک تفکر سیستماتیک است بدون اینکه سوژه وحدت و هویت خود را در بازنمایی داده‌های متکثر از دست بدهد؛ یعنی در این روش، کثرت داده‌ها از منظر سوژه به وحدت می‌رسد. این وحدت در ارتباط سیستماتیک مجموعه قواعد مستخرج خود را نشان می‌دهد. نکته اساسی کانت به دست دادن این مفهوم وحدت و هویت از طریق وجود این قواعد پیشینی است؛ چرا که این امکان را برای سوژه فراهم می‌کند که در موقعیت‌های مختلف تجربی امکان صدور حکم داشته باشد، بدون اینکه هویت و وحدت خود در فرایند شناخت را از دست بدهد. بنابراین، سوژه در ارجاع به ایزه‌های موجود در جهان از طریق این قواعد به عینیت و وحدت می‌رسد. لذا این قواعد شرط امکان تجربه و وحدت این تجربه‌های متکثر نزد سوژه را فراهم می‌آورد (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۸).

نکته دیگر در این تفسیر از کانت، رابطه‌ای است که بین هویت سوژه خود آگاه و متعلق شناخت (ایزّه) در قیاس استعلایی برقرار می‌شود. این تفسیر، امکان پیوند بین امور واقع و مشروعیت بخشی را فراهم می‌کند که در علم حقوق حایز اهمیت است. مفهوم «قیاس» در منطق صوری، به معنای استخراج یک گزاره (نتیجه) از سایر گزاره‌ها (صغری و کبری) است. هنریش بیان می‌کند که در زمان کانت، بویژه

در سنت لاتینی این تنها کاربرد واژه قیاس نبوده، بلکه در مفهوم صدور حکم حقوقی نیز به کار می‌رفته است (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۹).

در روش معمول قیاس، صغری، کبری و نتیجه وجود دارد. در این روش، که در منطق صوری معمول است، از ابتدا حکم کلی وجود دارد و دنبال مصداق می‌گردید (مصداق‌یابی برای یک حکم کلی است). ولی قیاس استعلایی، یک استدلال بازگشتی است که از احکام جزئی، قاعده‌ای استخراج می‌کند که آن احکام جزئی نتیجه این قواعد است که آن احکام را امکان پذیر ساخته است. این نوع قیاس، همچون کار قاضی است که از اول حکم کلی را ندارد، بلکه امور واقع را به شکل احکام جزئی، کنار هم می‌گذارد و می‌پرسد که این امور واقع یا احکام جزئی منطبق بر کدام قاعده پیشینی است. به عنوان نمونه، در علم اقتصاد عرضه و تقاضا را مفروض می‌گیریم. پس، با یک استدلال بازگشتی، شرایط تحقق آن را در قالب قواعد و اصول مربوط به مطلوبیت‌گرایی یا جانشینی کالاها و در چارچوب نهادهای بازار محور بازسازی می‌کنیم.

کانت در کتاب «نقد عقل محض»، در فرازی تحت عنوان اصول هر نوع قیاس استعلایی می‌گوید: «قضات وقتی در مورد حق و ناحق سخن می‌گویند، پرسش از حقوق را متفاوت از پرسش از امور واقع مطرح می‌کنند، به چگونگی اثبات هر یک می‌پردازند. اثبات مورد اول که جهت برقراری حق است را قضات، قیاس می‌گویند» (به نقل از: کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۹).

در حقیقت از نگاه حقوقی، پیدا کردن یک قاعده به‌طوری‌که بتواند امر واقع را توجیه کرده و مشروعیت بخشد، قیاس استعلایی است. همان‌طور که اشاره شد، این یک نوع استدلال بازگشتی است. ولی استخراج نتیجه از یک کبرای کلی و یک صغری، قیاس در معنای معمول آن است. بنابراین، در زبان کانت، قیاس (استعلایی)، مفهومی حقوقی و قضایی است؛ به این معنا که قیاس روشی در جهت توجیه یا مشروعیت بخشی به «امور واقع» از طریق قواعد است. ولی آیا می‌توان مفهوم «حقوقی» قیاس را به فضای «فلسفی» منتقل کرد؟ از نظر هنریش

اگر حق را به دو قسمت فطری و اکتسابی تقسیم کنیم، این کار امکان‌پذیر است. حقوق فطری از انسان لاینفک است. در حالی که حقوق اکتسابی ریشه در امور واقع دارد. اگر چه حقوق فطری نیز به نوعی ریشه در واقعیت دارد، ولی صرف نظر از اینکه امور واقع چه باشد، برقرار است. در حالی که قواعد مربوط به حقوق اکتسابی، با توجه به امور واقع، تغییر می‌کند. آن نوع قیاسی حقوقی، که در فلسفه نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد، وقتی است که حق منشأ خود را در امور واقع جستجو کند که هنریش آن را مشروعیت بخشی به امر واقع می‌نامد. لذا پرسش معروف کانتی در مورد امکان پذیری (تجربه)، که ساختار استدلال‌های ما را شکل می‌دهد، در واقع پرسش از مشروعیت به کارگیری یک قاعده یا مفهوم با توجه به منشأ آن در امور واقع شده خواهد بود (همان، ص ۹).

خود مقوم (Constitutive) تجربه محسوب می‌شوند و تجربه را ممکن می‌سازد (ویسکووانف، ۲۰۰۰، ص ۱۱)؛ می‌توان این قواعد را «قواعد تقویم‌گر» نامید.

اما در نوع دوم قیاس، نظم موجود در عالم واقع، وضع اصولی را موجه می‌سازد که نظم دهنده جهان است. این اصول را اصول تنظیم‌گر می‌نامند؛ چرا که مقوم تجربه در جهان نیست، بلکه شرط وجود هماهنگی، وحدت و نظم در جهان است. این وحدت خود را در وحدت سیستمی بین گزاره‌های علمی نشان می‌دهد؛ یعنی نه تنها گزاره‌ها به جهان اشاره دارند، بلکه بین خودشان نیز سازگاری وجود دارد. کانت نوع اول استدلال را که معطوف به یک امر واقع بوده و منجر به حکم یقینی می‌شود، استفاده قطعی از عقل می‌نامد و نوع دوم استدلال را که معطوف به نظم در جهان بوده و منجر به حکمی در مورد کل امور واقع است را استفاده ظنی از عقل مینامد (همان).

البته پذیرش این حکم ظنی، مستلزم وجود دو معیار دیگر نیز می‌باشد: اولاً، وحدت سیستمی یا انسجام بین گزاره‌ها و مفاهیم و ثانیاً امکان‌پذیری این سیستم در واقعیت (همان).

در واقع نوع اول قیاس، چارچوب مفهومی و نوع دوم وحدت و انسجام این چارچوب را در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: در این رویکرد کانتی، ما با قیاس استعلایی از طریق قواعد تقویم‌گر، چارچوب مفهومی برای امکان تجربه و با قیاس استعلایی از طریق قواعد تنظیم‌گر وحدت سیستمی علم را تضمین می‌کنیم.

اگر بخواهیم به صورت ساده این روش‌شناسی را توضیح دهیم، به این معنا است که وقتی از علم صحبت می‌کنیم، باید دو نوع امکان را برای تحقق علم در نظر بگیریم؛ اول، امکان تجربه و دوم، امکان نظم در جهان یا امکان علم به طور کلی. امکان تجربه در گرو وجود قواعدی است که تجربه را در قالب تحقق امور واقع ممکن می‌سازد. امکان علم به طور کلی، یا امکان نظم در جهان نیز در گرو وجود اصول و قواعدی است که نه تنها بین کل گزاره‌ها وحدت سیستمی برقرار می‌کند، بلکه امکان‌پذیری آنها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. برای نمونه، در علم اقتصاد نئوکلاسیک، وجود نهادهای بازار محور پیش شرط سازوکار عرضه و تقاضا است. این قواعد نهادینه شده، قواعد تقویم‌گرند. ولی از سوی دیگر، بین گزاره‌های اقتصاد نئوکلاسیک در کلیت خود نیز سازگاری و وحدت سیستمی وجود دارد. این سازگاری، بواسطه مبنای مشترک همه گزاره‌ها در بازگشت به اصول حاکم بر انسان اقتصادی، مثل قواعد منفعت طلبی و حداکثرسازی مطلوبیت است. این قواعد اخیر تنظیم‌گر محسوب می‌شوند.

بنابراین در یک نگاه کانتی، روش‌شناسی علم را می‌توان در سه سطح مطرح کرد: اول، سطح تجربی که در این سطح آزمون‌های تجربی به روال معمول در روش تحقیق اثباتی انجام می‌شود. دوم، سطح

درواقع در استدلال استعلایی از شرایط امکان یک ابژه، که متعلق شناخت ما قرار می‌گیرد، سؤال می‌شود. لذا شرایط تحقق و تقویم این ابژه بررسی می‌شود. این شرایط، برای فاعل شناخت در مقام سوژه به صورت یک مجموعه قواعد نمودار می‌شود که مقوم ابژه است. این ابژه، می‌تواند یک رابطه بین پدیده‌ها در «جهان واقع» یا یک «امر واقع حقوقی» یا همانطور که اشاره شد، مجموعه‌ای از احکام منطقی (در مورد کانت)، یا همانطور که بعداً در روش صدر خواهیم دید، مجموعه‌ای از احکام فقهی در یک موضوع خاص (مثل اقتصاد) باشد. همانطور که در ادامه خواهیم دید در اندیشه شهید صدر می‌توان به مورد مشابهی برخورد که ایشان احکام فقهی را نقطه شروعی برای استخراج قواعد اصولی و مبنایی برای بازسازی مکتب اقتصاد اسلامی می‌دانند. این نوع استخراج قواعد از احکام، در چارچوب یک استدلال استعلایی قابل تفسیر است.

این رویکرد، به معنای خلط امر واقع و ارزش نیست؛ چرا که هدف، سنجش مشروعیت ادعاهای ما است. برای نمونه، در ارزیابی حق ارث، ما به امور واقع در مورد وارث مراجعه می‌کنیم تا احقاق حق صورت گیرد. این مراجعه به امر واقع، منافاتی با حکم قاضی در مورد حقوق ندارد. قیاس استعلایی نیز به منشأ شناخت ما در قالب امور واقع رجوع می‌کند و این امور برای مشروعیت‌بخشی به قضاوت ما کفایت می‌کند (کلاتز، ۲۰۰۷، ص ۱۰).

توجه به این نکته از این جهت مهم است که عده‌ای شهید صدر را به اثبات‌گرایی و اعتقاد به جدایی امور واقع از ارزش‌ها متهم می‌کنند. در حالی که می‌توان گفت: وی با یک استدلال استعلایی می‌خواهد ارزش‌های مکتبی را از احکام حقوقی استخراج کند. از این رو، لازم است نخست به تمایز آنها اشاره کند. به همین دلیل، می‌گوید: باید مکتب پیاده شود تا علم امکان وقوع داشته باشد. اگر این دو را جدا می‌دانست، می‌بایست بگوید: علم و مکتب همزمان وجود دارند. بنابراین، همانطور که اشاره خواهیم کرد، ایشان به تمایز ارزش و امر واقع به عنوان یک تمایز روش شناختی و نه یک دوگانگی غیرقابل رفع اعتقاد دارند.

روش‌شناسی استدلال استعلایی

در یک نگاه کانتی به واقعیت، دو نوع قیاس استعلایی قابل تصور است. در نوع اول، شرایط امکان تجربه و در نوع دوم، شرایط امکان یک علم به طور کلی بررسی می‌شود؛ بنابراین، دو نوع قیاس استعلایی داریم: یکی مربوط به شرایط امکان تجربه و دیگری مربوط به پیش شرطهای امکان علم... در اولین قیاس وجود تجربه، استخراج قواعد یا مقولات را موجه می‌گرداند. این مقولات (یا قواعد) به نوبه

صدر خود را نشان می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد، در روش‌شناسی کانتی، سه سطح تجربی، استعلایی و سیستمی و دو نوع دانش پیشینی و پسینی قابل تشخیص است. ارتباط بین مفاهیم علم و مکتب در روش‌شناسی صدر را می‌توان با توجه به این نگاه کانتی بازسازی کرد.

«مکتب» در زبان شهید صدر، به معنای مجموعه قواعدی است که یک جامعه در حل مسایل خود از آن پیروی می‌کند. در واقع مکتب، شرط پیشین مواجهه با مسایل اقتصادی و به عبارت دیگر، شرط پیشین تجربه و قواعد عمل ما در حوزه اقتصاد است. همانطور که صدر نیز اشاره می‌کند: «مکتب اقتصادی عبارت است از: شیوه حل مسایل اقتصادی و علمی، که در هر جا به نحوی از آن پیروی می‌شود» (صدر، ۱۳۵۷، ص ۱۲). در یک رویکرد استعلایی نیز مجموعه‌ای از اصول و قواعد، یک چارچوب مفهومی را فراهم می‌آورد که شرط پیشین مواجهه ما با جهان یا امکان تجربه داشتن از جهان و امکان پذیری علم است. بنابراین، می‌توان گفت: سطح مکتبی در اندیشه صدر، معادل با سطح استعلایی و سیستمی در اندیشه کانت است.

در حالی که از نظر صدر، «علم اقتصاد دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را با یکدیگر تعیین می‌کند... مکتب روش، ولی علم تفسیر است» (همان). منظور ایشان از «علم»، فرایند تولید دانش پسینی در مواجهه محقق با پدیده‌های اقتصادی، یعنی سطح تجربی است. در سطح تجربی، ما به روش معمول اثباتی به آزمون روابط بین پدیده‌های اقتصادی و تفسیر نتایج حاصل از این آزمون‌ها، در چارچوب مدل فرضیه‌ای - قیاسی می‌پردازیم. بنابراین، سطح تجربی در رویکرد کانتی، مشابه با سطح علمی مورد نظر شهید صدر می‌باشد. در رویکرد کانتی، دو سطح تجربی و استعلایی موضوع مشترک، ولی اهداف و روش متفاوت دارند. در سطح تجربی، روش تحقیق، تجربی و هدف نیز آزمون و تفسیر رویدادهای عینی مورد تجربه است، در حالی که در سطح استعلایی، روش تحقیق، عقلی و هدف نیز فراهم نمودن شرایط تجربه در قالب مجموعه‌ای از قواعد است.

کلام خود شهید صدر نیز این تشابه را نشان می‌دهد:

علم و مکتب، نه از جهت موضوع و قلمرو، بلکه از حیث روش و هدف مطالعه با یکدیگر تفاوت دارند... مکتب در اینجا به هر قاعده اساسی اقتصادی که با ایده عدالت اجتماعی ارتباط یابد، اطلاق می‌گردد... علم اقتصاد شامل هر نظریه‌ای است که رویدادهای عینی را دور از هر گونه اندیشه عدالت خواهانه و پیش ساخته ذهنی تفسیر کند (همان، ص ۱۳، ۱۶).

البته واژه: «عدالت» نباید ذهن ما را از ساختار روش شناختی صدر منحرف کند؛ چرا که عدالت به عنوان یک ارزش، محتوای نگرش صدر در حوزه ارزش‌شناسی را مشخص می‌کند و از روش‌شناسی

استعلایی که شرایط امکان تجربه در لایه اول را از طریق مفاهیم اساسی (مقولات) یا قواعد فراهم می‌آورد. همانطور که اشاره شد، این مقولات یا قواعد، بر مبنای داده‌های موجود و با یک قیاس استعلایی برای ما ساخته می‌شود. سطح سوم، به وحدت سیستمی و سازگاری کل گزاره‌های علمی مربوط می‌شود. این قید در نظر کانت، تضمینی بر وحدت تفکر نزد فاعل شناخت است و در نظر صدر، ضامن وحدت تفکر فقیه یا وحدت سیستماتیک احکام دینی است.

معمولاً به فعالیت محققان در سطح اول، «تحقیق علمی» گفته می‌شود، در سطح تجربی، ما به روش معمول اثباتی به آزمون روابط بین پدیده‌های اقتصادی و تفسیر نتایج حاصل از این آزمون‌ها می‌پردازیم. معمولاً در این سطح، از مدل فرضیه‌ای - قیاسی برای آزمون روابط تجربی بین پدیده‌ها استفاده می‌شود. ولی فعالیت در سطح دوم و سوم، به فلسفه علم مربوط می‌شود. در این سطوح مکتب‌سازی با توجه به ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های تاریخی به جا مانده از گذشته صورت می‌گیرد که حاصل آن، مجموعه‌ای از گزاره‌های کلی است.

در اینجا تفکیک دیگری بین دانش پسینی و دانش پیشینی ملهم از نگاه کانتی وجود دارد. دانش پیشینی، مقدم بر تجربه نزد فاعل شناخت است. با این دانش، تفسیر تجربی واقعیت ممکن می‌شود. ولی دانش پسینی، دانشی است که از تفسیر تجربی واقعیت حاصل می‌شود و مستلزم تجربه است. دانش پیشینی، پیش شرط دانش پسینی است. بنابراین، حاصل تحقیق علمی و تجربی در سطح اول، دانش پسینی و نتیجه تفکر فلسفی و عقلی در سطح دوم و سوم، دانش پیشینی است. خواهیم دید که شهید صدر نیز وقتی از مکتب اقتصاد اسلامی صحبت می‌کند، منظورش یک دانش پیشینی است که شرایط امکان و وحدت سیستمی یک دانش پسینی به نام «علم اقتصاد اسلامی» را فراهم می‌کند. از این رو، وجه هنجاری و ارزشی اقتصاد اسلامی، که مکتب اقتصاد اسلامی را شکل می‌دهد، مربوط به این دانش پیشینی در سطح دوم و سوم خواهد بود. وجه تجربی اقتصاد اسلامی، که شهید صدر از آن تحت عنوان «علم اقتصاد اسلامی» نام برد مربوط به دانش پسینی است که البته بر مبنای دانش پیشینی، امکان شکل‌گیری دارد.

۴. ارتباط مکتب و علم در اقتصاد اسلامی

شهید صدر از سه مفهوم علم، مکتب و حقوق استفاده می‌کند، ولی ارتباط آنها را با یکدیگر به روشنی بیان نمی‌کند. در واقع ایشان هنگام بحث از علم اقتصاد، از دو سطح مکتبی و علمی در اقتصاد اسلامی صحبت می‌کنند. اما اگر یک نگاه کانتی به روش‌شناسی علم داشته باشیم، این ارتباط در کلام شهید

ایشان مستقل است. همچنان‌که به جای ارزش «عدالت»، می‌توان ارزش دیگری مثل «آزادی» را قرار داد و همچنان این جملات معنای خود را حفظ کند.

بنابراین، می‌توان گفت: رابطه مکتب و علم در نگاه شهید صدر، مثل رابطه سطح استعلایی (و سیستمی) با سطح تجربی در نگاه کانتی است؛ یعنی مکتب در سطح استعلایی و سیستمی و علم در سطح تجربی قرار دارد. همان‌طور که در سطح استعلایی و سیستمی، مجموعه قواعد (مقولات) امکان تجربه را فراهم می‌کند، مکتب اقتصاد نیز در قالب قواعد مکتبی امکان تحقق علم اقتصاد را فراهم می‌کند. البته اگر افراد به قواعد مکتبی عمل کنند و سیستم اقتصادی اسلام در عمل پیاده شود، می‌توان با بررسی پدیده‌ها در این واقعیت اقتصادی، به یک صورتبندی از علم اقتصاد در قالب نظریات رسید. به همین دلیل، شهید صدر بیان می‌کند:

نقش علم اقتصاد نسبت به اقتصاد اسلامی وقتی فرا می‌رسد که آن صورت پدید آمده باشد تا از این رهگذر مسیر حیات واقعی و قوانین آن را در چارچوب جامعه‌ای که نظام اسلامی به طور کامل در آن پیاده و تطبیق می‌شود، کشف کند... از این رو، محقق علم اقتصاد در چنین جامعه‌ای می‌کوشد جامعه را تفسیر و پدیده‌ها و رویدادهای آن را با یکدیگر مرتبط سازد... بدین سان، ممکن است که برای اقتصاد اسلامی، پس از آن که از نظر سیستمی به طور کامل بررسی گردید، علمی از خلال بررسی واقع در همین کادر پدید آید (صدر، ۱۳۵۰، ص ۴۰۴-۴۰۵).

۵. روش کشف و روش ابداع

برای بیان روشن‌تر رابطه مکتب و علم در نگاه صدر، لازم است به روش ایشان در اجتهاد، که به کشف مکتب منجر می‌شود، توجه کنیم. به نظر می‌رسد، روش کشف ایشان نیز به رویکرد استعلایی کانتی نزدیک است؛ یعنی ایشان «مکتب» را در سطح استعلایی و سیستمی و «علم» را در سطح تجربی قرار می‌دهد و سطح استعلایی و سیستمی را شرط پیشینی برای علم در نظر می‌گیرد. شهید صدر در فرازی تحت عنوان «رابطه مکتب با قانون» به تفاوت مکتب و قانون مدنی می‌پردازد. اینجاست که استفاده ایشان از روشی مشابه استدلال استعلایی در قالب قیاس استعلایی به روشنی خود را نشان می‌دهد. ابتدا مرحوم صدر مفهوم «احکام حقوقی» را از مفهوم «قواعد مکتبی» جدا می‌کند تا اولاً، امر کلی (قواعد مکتبی) را از امر جزئی (احکام حقوقی به‌عنوان امور واقع شده) جدا کند. ثانیاً، امر کلی را (در یک سطح استعلایی)، زیربنای امکان و تحقق امر جزئی قرار دهد. از این رو، می‌گوید:

قانون مدنی مجموعه مقرراتی است که جزئیات روابط مالی و حقوق شخصی و عینی را تنظیم می‌کند. از این رو، مکتب و قانون مدنی را نباید یکی دانست... اگر احکام قانون مدنی، مثل عقود بیع، اجاره، قرض

و غیره، به جای مکتب اقتصادی گرفته شوند، یقیناً بین نظریات کلی با امور جزئی، اشتباه می‌شود... این دو موضوع در کل ساختمان تئوریک جامعه با یکدیگر ارتباط کامل داشته و نشان دادن بستگی مزبور برای رسیدن به نتایج بعدی ضرورت دارد. نظریات و قواعد مکتب اقتصادی، زیربنا و حقوق و سیستم قانونی روبنا است» (صدر، ۱۳۵۷، ص ۲۲-۲۳).

البته در کاربرد مفهوم «جزئی» و «کلی» در اندیشه شهید صدر، باید به این نکته توجه داشت که، احکام حقوقی در نظام حقوقی کلی است، ولی آنگاه که این احکام به عنوان «داده» برای مکتب اقتصادی استفاده شود، به عنوان یک «امر جزئی» تلقی می‌شود؛ چرا که مکتب اسلام بر نظام حقوقی اشراف دارد و نظام حقوقی، حجیت خود را از مکتب می‌گیرد. در واقع، در اینجا کلی و جزئی بودن نسبی و تشکیکی است؛ یعنی به هر حال احکام مربوط به مکتب اقتصاد اسلامی، کلی‌تر از احکام حقوقی مربوط به اقتصاد در یک مورد خاص است. به عبارت دیگر، شهید صدر برای رسیدن به اصول کلی‌تر در مکتب یک گزاره کلی در حقوق را به عنوان یک «امر جزئی» می‌گیرد. در حقیقت، امر کلی یک امر تشکیکی می‌شود که بسته به موقعیتش در کل اندیشه عنوان «جزئی» یا «کلی» می‌گیرد.

ایشان، ارتباط امر کلی (زیربنا) و جزئی (روبنا) را در قالب یک قیاس استعلایی انجام می‌دهد که در آن امر کلی، از امر جزئی استخراج می‌شود. این قیاس به شیوه معمول سایر فقها، که صرفاً در جستجوی مصادیق برای یک حکم فقهی است، انجام نمی‌گیرد؛ بلکه بازسازی اصول و قواعد کلی، از روی این احکام فقهی مورد نظر است. در واقع، کار شهید صدر در رقابت با فقه سنتی نیست، بلکه در طول آن است. در فقه سنی، حکم فقهی که به روش فقهی از منابع فقهی استخراج شده است، به‌عنوان «امر کلی» تلقی می‌شود. این خود، مبنایی برای صدور احکام برای مصادیق آن در جهان واقع است. ولی برای شهید صدر این حکم فقهی، به‌عنوان یک امر جزئی (و نه کلی) تلقی می‌شود که مبنای استخراج امور کلی، یعنی اصول و قواعد مکتبی است. به همین دلیل، می‌گوید: «با مطالعه حقوق و قانون مدنی به عنوان روبنای مکتب اقتصادی، می‌توان اصول و مشخصات عمده مکتب اقتصادی را تعیین کرد» (صدر، ۱۳۵۷، ص ۲۳). این روش در بازسازی امر کلی از امر جزئی، ابداع روش شناختی شهید صدر است که به «قیاس استعلایی» کانت، در بازسازی سطح استعلایی از امور داده شده شباهت دارد.

بنابراین، امر داده شده برای مرحوم صدر، فراتر از منابع فقه سنتی است و شامل مجموعه احکام فقهی، در یک موضوع مشخص نیز می‌شود: «کسی که راجع به اقتصاد اسلامی مطالعه می‌کند، با سیستم منجزی، که ساختمان تئوریک آن قبلاً تکمیل شده، مواجه است. کار او تنها این خواهد بود که طرح حقیقی سیستم را بنمایاند، قواعد اصلی را تعیین کند» (همان، ص ۲۴). به همین دلیل، ایشان روش خود

را «کشف» و نه «ابداع» می‌نامند. منظور از «کشف»، کشف اصول و قواعد مکتبی به عنوان یک امر کلی است که با استنتاج استعلایی از امور جزئی، یعنی احکام فقهی به دست می‌آید:

بنابراین، کار ما اکتشاف و جستن است. در صورتی که کار طرفداران سرمایه‌داری تکوین و ابداع است... در تکوین توری، از اصل به فرع و از قاعده (به معنای زیربنا) به روبنا می‌رسیم. ولی در اکتشاف، خط سیر و نقطه آغاز غیر از این است. در مقام اکتشاف، طرح معینی از مکتب یا بعضی از جنبه‌هایش در دسترس نیست... در این صورت، برای اکتشاف... روش مناسب عبارت خواهد بود از: تحقیق در رژیم حقوقی و قانونی به جای تحقیق مستقیم در سیستم اقتصادی... با این روش، نه تنها در مورد یکی از روبناهای سیستم اقتصادی یعنی قانون مدنی، بلکه در تمام روبناهای دیگر نیز باید همین کار را ادامه داد تا با دستاوردهای غنی‌تر و بیشتر بتوانیم زیربنا را بررسی کنیم. به این ترتیب، روش مطالعه در اکتشاف حرکت از روبنا به زیربنا خواهد بود که با روش مطالعه در تکوین یعنی حرکت از زیربنا به روبنا فرق می‌کند (همان، ص ۲۵).

از این رو، روش شهید صدر، نه تنها متفاوت از فقه سنتی، بلکه متفاوت از روش آکسیوماتیک (Axiomatic) اقتصاد نئوکلاسیک است که ایشان از آن به نام «اقتصاد سرمایه‌داری» یاد می‌کند.

در نظر شهید صدر، امور جزئی، که به شکل احکام فقهی در دسترس ما است، می‌تواند در هر زمینه‌ای باشد (مالی یا مدنی)، به شرطی که موضوعش اقتصاد باشد و محتوایی را در قالب روبنا برای ما فراهم کند که اصول و قواعد زیر بنایی از آن قابل استخراج است. از این رو، از نظر ایشان

نظام مالی هم - مثل قانون مدنی - از روبناهای سیستم اقتصادی بوده و تابع تغییرات آن می‌باشد. لذا به کمک نظام مزبور نیز می‌توان اصول مکتب اقتصادی را مشخص ساخت و همچنان که در اکتشاف مکتب از قانون مدنی استفاده می‌کنیم، از نظام مالی هم اثرات مکتب اقتصادی را مشاهده و نتیجه‌گیری کنیم... برای شناخت زیر بنا، باید بعضی احکام و مقررات که روبنا محسوب می‌شوند، مورد مطالعه قرار گیرند. از این رو، قلمرو بحث وسیع بوده و بسیاری از احکام قراردادها و مقررات تنظیم کننده روابط مالی افراد جامعه را نیز شامل می‌شود (همان، صدر، ۱۳۵۷، ص ۲۷-۲۹).

البته شهید صدر، به سطح سوم در روش‌شناسی کانتی نیز، که وحدت سیستمی کل علم را از طریق قواعد تنظیم‌گر بیان می‌کند، اشاره کرده، می‌گوید:

برای رسیدن به قواعد اساسی مکتب اقتصادی، نباید احکام را به طور جداگانه و بدون در نظر گرفتن رابطه آنها با یکدیگر مطالعه کرد... وقتی در صدد کشف مکتب اقتصادی هستیم، نمی‌توانیم، بر خلاف نظر عده زیادی که تنها به صرف مطالعه احکام اکتفا کرده‌اند، بدون جمع بندی و استنتاج اصولی از آنها بگذریم (همان، ص ۳۰).

معادل قواعد تنظیم‌گر در اندیشه ایشان، لفظ «مفاهیم» است:

مفاهیم که منظور از آن، آراء و نظریات تفسیرکننده رویدادهای طبیعی، اجتماعی و یا تشریحی است و جزء مهمی از فرهنگ اسلامی را به وجود آورده نیز می‌تواند برای اکتشاف مکتب اقتصادی - مثل احکام قانونی، مورد استفاده قرار گیرد. مثلاً این امر که جهان هستی به خداوند بستگی دارد، حاکی از بیش خاصی است که اسلام در مورد جهان هستی دارد... همچنین این موضوع که مالکیت حق ذاتی نیست، بلکه امری است مربوط به جانشینی انسان از سوی خدا... بنابراین، مفاهیم - یعنی نقطه نظرهای اسلام در مورد پدیده‌های جهان، روابط اجتماعی یا هر حکم تشریحی که احتمالاً با احکام متفاوتند - در جست‌وجوی مکتب اقتصادی می‌تواند به ما کمک کند... مثل مفاهیم مالکیت و تجارت (همان، ص ۳۱-۳۲).

بنابراین، مفاهیم در حکم اصول یا قواعد تنظیم‌گری است که جزء پیش فرض‌های ما در یک علم است و وحدت سیستمی در مکتب را تضمین می‌کند. این قواعد از قواعد تقویم‌گری که مستقیماً از احکام روبنایی استخراج می‌شوند، متفاوتند. بنابراین، شناخت روش‌شناسی شهید صدر با تقسیم پیکره دانش به دو سطح پیشینی (استعلایی، سیستمی) و پسینی (تجربی)، که به ترتیب معادل دو سطح مکتبی و علمی در اندیشه صدر است، ممکن است. همانطور که در نگاه کانتی سطح اول (مفاهیم پیشینی)، شرط امکان سطح دوم (تجربیات پسینی) است، در روش‌شناسی شهید صدر نیز مکتب اقتصاد شرط امکان علم اقتصاد است. از آنجا که ارزش‌ها در حوزه مکتب قرار می‌گیرند، می‌توان گفت: که ارزش‌ها به عنوان پیش شرط تحقق امور واقع در نظر ایشان مطرح است. از این رو، اگر چه ایشان بین ارزش و امور واقع تمایز قایل می‌شود، ولی این به معنای دوگانگی سخت اثبات‌گرایان در جدایی ارزش از امر واقع نیست.

شهید صدر، همانقدر از اثبات‌گرایی به دور است که کانت. از این رو، مسئله جدایی «باید» از «هست» و چگونگی برآمدن «باید» از «هست»، که برای اثبات‌گرایان مطرح بود، اصولاً برای صدر مطرح نمی‌شود؛ چرا که گزاره‌های ارزشی و هنجاری در سطح استعلایی و سیستمی قرار دارند که مکتب اقتصادی را شکل می‌دهند و پیش شرط فهم گزاره‌های تجربی در سطح علمی هستند.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اندیشمندان در عرصه اقتصاد اسلامی، شهید صدر می‌باشد. کتاب سترگ ایشان به نام اقتصادنا، اگر چه موضوع پژوهش‌هایی متعددی بوده است، ولی کمتر به بحث روش‌شناسی ایشان پرداخته شده است. به نظر می‌رسد، ایشان صاحب نگاه جدیدی در روش‌شناسی بوده‌اند که به رویکرد استعلایی کانت، در بحث امکان‌پذیری علم نزدیک است. از این زاویه، مباحث بعضاً مبهم و جنجال

منابع

- نظری، حسن آقا و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۸، ص ۲۵ - ۲۸.
- امیری طهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا و عماد افروغ، ۱۳۹۳، «نقد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۷۸، ص ۳۱ - ۳۷.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۵۰، *اقتصادنا*، جلد اول، ترجمه محمدکاظم موسوی، تهران، انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۳۵۷، *اقتصادنا*، جلد دوم، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی.
- عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۸۱، *هایدگر و استعلا، شرحی بر تفسیر هایدگر از کانت*، تهران، نقد فرهنگ.
- _____، ۱۳۸۶، «تفسیر هایدگر از منطق استعلایی کانت»، *نامه فلسفی*، ش ۴۴۴، ص ۳ - ۱۸.
- کانت، ۱۳۹۰، *تمهیدات*، ترجمه غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- هارتاک، یوستوس، ۱۳۷۶، *نظریه شناخت کانت*، ترجمه علی حقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلسن، هانس، ۱۳۸۷، *نظریه حقوقی ناب*، ترجمه اسماعیل نعمت‌اللهی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Viskovatoff, Alex, 2000, *Critical Realism from a Kantian Point of View*, unpublished.
- _____, 2002, *Critical realism and Kantian transcendental arguments*, *Camb. J. Econ.* 26 (6), P. 697 - 708.
- Klotz, Christian, Soraya Nour, 2007, *The legitimating fact in the transcendental deduction of the categories. On Dieter Henrich's reading of Kant*, *Translation from Kriterion, Belo Horizonte*, Vol. 48, No. 115, P. 145 - 165.
- Henrich, Dieter, 1998, *Kant's Notion of a Deduction and the Methodological Background of the First Critique*, *Kant's Transcendental Deductions*. Ed. Förster, Eckart. Stanford: Stanford University Press.
- Leppakoski, Markku, 1993, *THE TRANSCENDENTAL HOW*, *Kant's transcendental deduction of objective cognition*, *Doctoral Dissertation, Department of Philosophy UnIversity of Stockholm S-106 91 Stockholm*.

برانگیز ایشان در زمینه علم نبودن اقتصاد اسلامی و تفاوت مکتب و علم در اقتصاد اسلامی، معنای تازه‌ای می‌یابد که به دور از نگاه‌های معمول دوگانه انگار در تفکر اثبات‌گرایانه است. همان‌طور که نشان دادیم، می‌توان رویکرد روش‌شناختی ایشان را با توجه به نگاه جدید ایشان به منطق و استدلال قیاسی تفسیر کرد. روش قیاس در سنت فقهی ما، غالباً مبتنی بر منطق صوری و ارسطویی است که قدرت مانور آن تحلیل بر مبنای «قیاس‌های صوری و منطقی صرف» است.

همچنین روش معمول در پارادایم نئوکلاسیکی اقتصاد نیز اکیسوماتیک است که یک روش تحلیل بر مبنای استخراج گزاره‌ها و قضایای علم اقتصاد از اصول اولیه این علم، با کمک روش ریاضی است. شهید صدر آن را «روش ابداع» می‌نامد. صدر با طرح روش کشف می‌خواهد از این دو روش محدود، فراتر رفته و اصول و قواعد مکتبی را بر مبنای احکام فقهی موجود استخراج کند. این روش، شباهت بسیاری به روش‌شناسی کانت در به کارگیری قیاس‌های استعلایی برای رسیدن به شرایط امکان تجربه (در قالب قواعد تقویم‌گر) و شرایط وحدت سیستمی علم (در قالب قواعد تنظیم‌گر) دارد. شهید صدر نیز به دنبال این هدف است که مکتب اقتصاد اسلامی را به عنوان وحدت سیستمی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و به عنوان شرط امکان علم اقتصاد اسلامی بازسازی کند. در این بازسازی ایشان، مجموعه احکام فقهی را به عنوان داده به کار می‌گیرد تا با مفروض گرفتن صدق این داده‌ها، در یک روش بازگشتی به نام «قیاس استعلایی» به اصول و قواعد مکتبی برسد؛ اصول و قواعدی که اقتصاد اسلامی در چارچوب آن معنا یافته، امکان‌پذیر می‌شود.

مقدمه

در زمان بعثت رسول اعظم ﷺ، حجاز، سرزمینی خشک و تفتیده بود. وضعیت اقتصادی نابسامانی داشت، کشاورزی به عنوان یکی از ارکان اقتصاد آن سرزمین، دچار مشکلات فراوانی بود. ایشان، پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اقدامات گسترده‌ای برای توسعه کشاورزی انجام دادند. از جمله این اقدامات، می‌توان به مواردی چون ارزش دادن به کشاورزی و درختکاری، تبلیغ و تبیین احکام فقهی و اخلاقی این حوزه و ایجاد بستری امن برای سرمایه‌گذاری در این بخش اشاره کرد. ایشان به صورت خاص، با صدور برخی احکام حکومتی در زمینه بهره‌برداری از زمین، آب و مراتع، به رونق کسب و کار، کاهش فقر، ارتقای کارآمدی و تخصیص بهینه منابع جامعه اسلامی کمک نمودند. این احکام حکومتی، می‌تواند به استخراج برخی سیاست‌های کلان اسلام در حوزه اقتصاد کشاورزی کمک کند.

این مقاله با استفاده از روش ترکیبی تاریخی و توصیفی ضمن تجزیه و تحلیل احکام حکومتی پیامبر اعظم ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی، به بررسی چگونگی واگذاری منابع طبیعی توسط ایشان و آثار سیاست‌های اعمال شده در بخش کشاورزی می‌پردازد. پس از تعریف احکام حکومتی، این احکام در حوزه کشاورزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این بررسی شامل چگونگی واگذاری زمین (اقطاع)، آب و مراتع می‌شود.

پیشینه تحقیق

در ادبیات اقتصاد اسلامی، مطالعات چندانی در زمینه سیاست‌های پیامبر اعظم ﷺ در بخش کشاورزی صورت نگرفته است. در اینجا به برخی پژوهش‌های مرتبط با این زمینه مطالعاتی اشاره می‌شود.

حمید الله (۱۳۷۷)، در کتاب *نامه‌های پیامبر خدا*، برخی نامه‌های رسول خدا ﷺ از جمله تعدادی از نامه‌های مرتبط به اقطاع‌های حضرت را جمع‌آوری نموده است.

احمدی میانجی (۱۴۱۹ق)، در کتاب *مکاتیب الرسول*، نامه‌های بیشتری از رسول خدا ﷺ را جمع‌آوری نموده است.

حسینی و حیدری (۱۳۸۹)، در کتاب *طبیعت در سیره رسول خدا ﷺ* به تحلیل برخی نامه‌های رسول اعظم ﷺ پرداخته‌اند.

فراهانی فرد (۱۳۸۹)، در کتاب *اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلامی*، ضمن بحث از چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی، به روش‌های اجاره دادن منابع، اقطاع و حیازت پرداخته است. وی برخی اصول اعتقادی و فقهی ناظر بر بهره‌برداری از منابع طبیعی در اسلام را بر می‌شمارد.

تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی

sa_h114@yahoo.com

سیدعلی حسینی / استادیار دانشگاه امام صادق ﷺ

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

چکیده

احکام حکومتی، تصمیم‌هایی است که رهبری حکومت اسلامی در چارچوب احکام شرعی و برطبق مصلحت و عدالت، برای پیشرفت مادی و معنوی جامعه اسلامی می‌گیرد. رسول خدا ﷺ از آن جهت که رهبری سیاسی و حکومتی جامعه اسلامی را نیز به عهده داشت، برای اداره صحیح و سازنده جامعه، احکامی حکومتی صادر می‌کرد. این احکام نشأت گرفته از منصب ریاست و زعامت حکومتی ایشان بود. در این مقاله با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل احکام حکومتی پیامبر اعظم ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی می‌پردازیم. بنابه یافته‌های پژوهش، در آن عصر، کشاورزی از مهم‌ترین ابعاد جامعه اسلامی و شئون حکومت الهی رسول خدا بود. آن حضرت در این حوزه، احکام حکومتی متعدد و متنوعی صادر فرمودند. حضرت، همراه با احکام حکومتی مربوط به زمین، آب، دام و گیاهان، به شیوه‌های گوناگون آنها را واگذار فرمودند. ایشان شرایطی مانند ایمان، عمران و آبادانی را برای واگذاری تعیین فرمودند. این سیاست‌گذاری، رونق کسب و کار، ارتقای سطح اشتغال، رفع فقر و ارتقای کارآمدی و تخصیص بهینه منابع و در نتیجه، توسعه و پیشرفت بخش کشاورزی و شکوفایی اقتصادی را به دنبال داشت.

کلیدواژه‌ها: احکام حکومتی، کشاورزی، رسول خدا، اقطاع.

طبقه‌بندی JEL: P4, Q18, P32, J43

این مقاله با واکاوی احکام حکومتی پیامبر اعظم^ﷺ در بخش کشاورزی، به تحلیل سیاست‌های اتخاذ شده برای رشد و تقویت کشاورزی و بهبود معیشت مردم و عادلانه‌تر شدن توزیع منابع می‌پردازد. این بررسی، برخی ابعاد پنهان احکام حکومتی ایشان را روشن ساخته، می‌تواند زمینه اصلاح و تقویت سیاست‌های اقتصادی برای تقویت بخش کشاورزی کشور را فراهم آورد.

چیستی احکام حکومتی

در فقه اسلامی، به ویژه فقه امامیه، احکام حکومتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نخستین فقیهی که احتمالاً آن را تعریف کرده، شهید اول^{رحمته‌الله} در کتاب *القواعد و الفوائد* است (مکی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۰). احتمال از این رو است که ممکن است مقصود شهید اول تعریف حکم قضایی باشد. پس از ایشان، شهید ثانی (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۸) محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۵۴۹) هریک سخنان مشابهی درباره تعریف حکم قضایی و احتمالاً حکومتی و یا به عکس مطرح کرده‌اند.

وحید بهبانی بدون آنکه در قالب تبیین وظیفه‌های فقیه در پی تعریف حکم حکومتی باشد، به محتوای آن اشاره کرده، آن را حکمی دانسته است که از حیثیت زعامت و رهبری فقیه صادر می‌گردد. مانند حکم او به شروع ماه رمضان و امثال آن (بهبانی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۰۱).

صاحب *جوهر*، ضمن اشاره به پاره‌ای از کاستی‌های تعریف‌های یاد شده، تلاش دارد به گونه‌ای حکم حکومتی را تعریف کند. به نظر ایشان، «حکم عبارت است از دستور اجرای احکام شرعی تکلیفی یا وضعی یا موضوع آن دو، که از سوی حاکم شرع - و نه خداوند متعال - درباره شیئی خاص صادر شده است» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۰، ص ۱۰۰).

مهم‌ترین نکات این تعریف، عبارت است از:

۱. حکم شرعی از نوع انشاء است و نه اخبار، در برابر فتوا که در واقع گزارشی از حکم الهی است. در اینجا، تعبیر ایشان «انشاء انفاذ» است، ولی در کتاب *بیع*، واژه «انشاء قول» را به کار برده است؛ کلمه‌ای که شهید ثانی در تعریف خود آورده بود (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۳).

۲. حکم شرعی از ناحیه حاکم شرع صادر می‌شود، نه خداوند متعال. اگر پیامبران و امامان معصوم را نیز مصداق شارع مقدس بدانیم، حکم حکومتی صادره از سوی آنان، از منصب امامت و قضاوت آنان نشأت می‌گیرد، نه از این جهت که آنان مبلغ احکام الهی و در پاره‌ای موارد شارع نیز هستند (موسوی خمینی، ۱۴۱۴ق (الف)، ص ۱۰۸-۱۰۷).

۳. ماهیت حکم حکومتی، انشاء است. انشاء و فرمان متعلق می‌خواهد. از دیدگاه صاحب *جوهر*، متعلق آن اجرای احکام شرعی است. این نکته‌ای است که درباره تعریف احکام حکومتی اهمیت دارد. در واقع، رهبر، دستگاه رهبری و قضاوت در حکومت دینی، وظیفه‌ای جز اجرای احکام شرعی ندارند. همه فرامین، قوانین، دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌ها، مصوبات و مقرراتی که صادر می‌کند، باید در چارچوب احکام شرعی، بلکه مصداق آنها باشد. *آقا ضیاء عراقی* (عراقی، بی‌تا، ص ۲۷)، سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۴) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۲۵ - ۵۲۶) در شمار کسانی هستند که بر این نکته تأکید ورزیده‌اند.

۴. شهید اول^{رحمته‌الله}، قلمروی نفوذ احکام حاکم را، معاملات می‌داند و معتقد است: حکم در قلمرو عبادات هیچ تأثیری ندارد. صاحب *جوهر*، حکم حاکم را از این زاویه، عام و گسترده دانسته، آن را به معاملات محدود نکرده است. اگر این تعریف تکامل یافته تعریف شهید و ناظر به آن باشد، می‌توان گفت: تعریف او نیز عام است و اختصاصی به معاملات ندارد. در واقع، صاحب *جوهر* واژه «انشاء» را در سخن شهید توضیح بیشتر و دقیق‌تری داده است.

۵. صاحب *جوهر* نیز مانند شهید اول، قید «فی مورد مخصوص» یا «فی شیئی مخصوص» را در هر دو تعریف خود آورده است. برخی، مانند شهید ثانی می‌نویسند: «حکم حکومتی به یک واقعه شخصی تعلق می‌گیرد، مانند حکم قاضی به اینکه زید [مبلغ معینی] از عمر بدکار است». ظاهر این قید و مثال‌ها، نشان می‌دهد که منظور، مصادیق شخصی و جزئی احکام شرعی تکلیفی یا وضعی است.

امام خمینی^{رحمته‌الله} در بحث «مقدمه واجب» در نقد *آقا ضیاء عراقی* می‌نویسد: «حکم شرعی (جامع میان حکم وضعی و تکلیفی) عبارت است از: بعث و نه اراده اظهار شده. همان گونه که حقیقت حکم حکومتی، همان انشائی است که از مقام حکومت و قضاوت حاکم شرع صادر می‌شود و نه اراده اظهار شده (موسوی خمینی، ۱۴۱۴ق (الف)، ج ۱، ص ۳۵۴). در عبارت امام راحل چند نکته، قابل توجه وجود دارد:

۱. ماهیت حکم حکومتی عبارت است از انشاء. یعنی اعلام، اعتبار یا دستور به اجرای حکم یا موضوع. تا زمانی که تصمیم حاکم به این مرحله نرسد، حکم حکومتی صدق نمی‌کند. بنابراین، اگر رهبر جامعه اسلامی، درباره موضوعی اراده‌ای داشته باشد و آن را به مرتبه انشاء نرساند، حجیت ندارد و اطاعت از آن لازم نیست، هرچند مردم از آن مطلع شوند. این همان نکته‌ای است که شهید صدر بر آن تأکید می‌ورزد (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۶۳۲).

از سخن امام راحل و شهید صدر به روشنی بر می‌آید که حقیقت حکم حاکم همان انشاء، اعلان و دستور است، هرگاه به این مرحله نرسد، «حکم» نخواهد بود. البته نکته مهم این است که در حکم

غیرحکومتی نیز دست‌کم برپایه مبنای بسیاری از اصولیین، این ویژگی وجود دارد. از این‌رو، نمی‌توان آن را نکته تمایز بخش میان حکم حکومتی و غیرحکومتی دانست.

۲. منشأ صدور حکم در سخن ایشان، به صراحت روشن شده است. در تعریف ایشان، منشأ صدور حکم حکومتی، حکومت؛ یعنی رهبری مشروع جامعه اسلامی است. این، همان است که صاحب جواهر نیز بر آن تأکید داشت و از ویژگی‌های تمایز بخش حکم ولایی است.

قید «فی مقام الحکومه»، یکی از مبانی حکم حکومتی را تبیین می‌کند. در واقع، حکم حکومتی برخاسته از منصب حکومت و رهبری است. بر پایه نظریه امام خمینی، پیامبر خدا سه منصب داشت: تبلیغ، قضاوت و رهبری امت. تنها آن دسته از احکام آن حضرت، سلطانی و حکومتی است که برخاسته از منصب سوّم باشد و آنچه مرز احکام الهی (تبلیغی پیامبر^ﷺ) و احکام قضایی و حکومتی پیامبر^ﷺ را از هم جدا می‌کند، همین نکته است. تفاوت حکم قضایی و حکومتی، در این است که اولی از منصب قضاء و دوّمی از سمت رهبری صادر می‌شود. بنابراین، باید به عنوان یکی از عناصر اصلی بیان‌کننده این مفهوم، در تعریف اخذ شود؛ زیرا در زمان غیبت، فقها همانند پیامبر خدا، دو منصب قضاوت و رهبری دارند. آنچه درباره احکام حکومتی پیامبر آوردیم، درباره فقها نیز صدق می‌کند.

مرحوم علامه طباطبایی، در تحقیقی که درباره ولایت و زعامت، اختیارات والی و احکام متغیر دارند، می‌نویسد:

احکام و قوانین آسمانی اسلام... تغییر ناپذیر و اجرای آنها و مجازات متخلفان آنها، به دست مقام ولایت اسلامی، انجام می‌گیرد و در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها، ولی امر می‌تواند یک سلسله تصمیمات مقتضی به حسب مصلحت وقت گرفته، طبق آنها مقرراتی وضع نموده، [و] به موقع اجرا بیاورد. مقررات نام برده لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می‌باشند. با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و تغییرناپذیر و مقررات وضعی قابل تغییر و در ثبات و بقا، تابع مصلحتی می‌باشند که آنها را به وجود آورده است و چون زندگی جامعه انسانی، پیوسته در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۱۲).

وی در جای دیگر می‌نویسد:

او می‌تواند در سایه تقوا و رعایت احکام ثابت دینی، مقرراتی مثلاً برای راه‌ها، معابر، خانه، کاشانه، بازار، نقل، تحویل، کسب و کار و روابط طبقات مردم وضع کند. می‌تواند روزی امر به دفاع کرده و در تجهیزات لشکر و هرگونه مقدمات لازمه آن تصمیم گرفته و به موقع اجرا بگذارد. یا وقتی، نظر به صلاح مسلمین، از دفاع خودداری کرده، معاهده‌های متناسب بگذراند. می‌تواند در پیشرفت فرهنگ مربوط به دین یا زندگی مرفه مردم تصمیماتی اتخاذ کرده و به عملیات وسیعی دست بزند. یا روزی چند، رشته‌ای

از معلومات را پس زده و رشته دیگری را ترویج کند. خلاصه، هرگونه مقررات جدیدی که در پیشرفت زندگی اجتماعی جامعه مفید باشد و به صلاح اسلام و مسلمانان تمام شود، مربوط به اختیارات والی است و هیچ گونه ممنوعیتی در وضع و اجرای آن نیست (طباطبایی، بی‌تا، ص ۷۸).

در این تعریف نکات درخور توجهی وجود دارد. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. ولی امر نمی‌تواند به صورت دلخواه، به صدور این احکام دست‌اند، بلکه باید همواره با رعایت تقوا، مصلحت اسلام و مسلمانان را در زمان خود و نیز احکام شرعی را در نظر گیرد. وی باید با توجه به این دو معیار، احکام حکومتی صادر کند. در سخنان ایشان، گاه مصلحت اسلام و مسلمانان و گاه «مصلحت وقت» به کار رفته است، تعبیر دوم، بسی ظریف است؛ زیرا مصلحت در طول زمان با دگرگون شدن اوضاع و احوال تغییر می‌کند، قید «وقت» به ظاهر، برای اشاره به تغییر مصلحت‌ها در زمان‌های مختلف است. این قید شاید از جهتی از واژه «مصلحت جامعه» لطیف‌تر باشد؛ زیرا مصلحت یک جامعه نیز ممکن است در طول زمان و گاه به سرعت تغییر یابد. به محض دگرگونی آن، این حکم دیگر اعتباری نخواهد داشت.

۲. از ویژگی‌های احکام حکومتی، تغییر آن در طول زمان با لحاظ تغییر مصلحت است. در واقع، این نکته از نگاه علامه طباطبایی به اندازه‌ای در این احکام برجسته است که در تقسیم احکام به متغیر و ثابت، احکام حکومتی را به عنوان متغیر در مقابل احکام الهی و شرعی قرار داده است.

۳. احکام حکومتی از احکام شرعی نیست؛ زیرا از ناحیه حاکم صادر می‌شود، گرچه پیروی از آنها لازم است.

۴. مبنای مشروعیت این احکام، ولایت ولی امر مسلمانان است.

از آنچه گذشت، به روشنی از جامع بودن این تعریف حکایت دارد. با این حال، کاستی‌هایی در آن وجود دارد که برای پرهیز از اطاله کلام از بیان آنها خودداری می‌شود.

نگاهی به چشم‌انداز و تطوّر تعریف حکم حکومتی، افزون بر اینکه بیانگر سیر تکاملی آنها است، نشان می‌دهد که گام‌های جدید و نسبتاً راه‌گشایی در تعریف احکام حکومتی برداشته شده است. بعضی از تعاریف، به‌ویژه تعریف علامه با همه کاستی‌هایش، دقیق و در خور تحسین است. با وجود این، تعریف مختار «احکام حکومتی، عبارت است از: تصمیم‌هایی که ولی فقیه درباره ابعاد گوناگون اداره امور جامعه اسلامی برای اجرای عدالت اجتماعی و قوانین الهی، با ملاحظه مصلحت جامعه اسلامی می‌گیرد و زمینه اجرای آنها را فراهم می‌سازد. این تصمیم‌ها به لحاظ زمان و مکان، تابع مصلحت یاد شده است.

با این مقدمه، احکام حکومتی پیامبر اکرم^ﷺ در حوزه کشاورزی را بررسی می‌کنیم.

احکام حکومتی رسول اکرم ﷺ در حوزه کشاورزی

رسول اعظم ﷺ افزون بر اینکه پیامبر بود و احکام الهی را از سرچشمه زلال وحی گرفته و به مردمان ابلاغ می‌کرد، رئیس و رهبر جامعه اسلامی نیز بود. احکام حکومتی آن حضرت از این منصب ایشان نشأت می‌گرفت. احکام حکومتی آن حضرت همه حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فرا می‌گیرد؛ ابعاد مختلف، مبانی و چند و چون این احکام شایسته پژوهش است.

مردم حجاز زندگی خود را با محصولات کشاورزی و دامی می‌گذراندند. در زندگی ایشان تجارت و صنعت، در مقایسه با کشاورزی، سهم کمی داشت. بنابراین، در آن روزگار کشاورزی مهم‌ترین رکن اقتصادی جامعه بود. از سوی دیگر، فرهنگ قبیله‌ای جاهلیت و جنگ‌های میان قبیله‌ای و منازعه‌های آنان، حجاز را به سرزمین تفتیده و خشکی مبدل ساخته بود که کشاورزی را در عمل از رونق انداخته بود. قبیله‌های مختلف، در منازعات خود، چاه‌های آب را پر می‌کردند، مزرعه‌ها را آتش زده، نخلستان‌ها را در آب غرق می‌کردند. اقداماتی از این دست، امنیت و آرامش را از کشاورزان سلب کرده بود و آنان امیدی به آینده کشاورزی نداشتند. در نتیجه، اقتصاد جامعه و اشتغال عموم مردم در بدترین حالت ممکن بود.

پس از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، آن حضرت تحول اقتصادی را از کشاورزی آغاز کرد. رسول خدا ﷺ شش گام برای تحول در کشاورزی برداشت و بدین وسیله، زمینه توسعه ماندگار اقتصادی را به‌طور عام و گسترش چشمگیر کشاورزی را به‌طور خاص برای جامعه اسلامی رقم زد. موفقیت‌های عظیم جامعه اسلامی در آن روزگار به رهبری رسول خدا ﷺ در حوزه کشاورزی به حدی بود که تحسین دوست و دشمن را برانگیخته است تا آنجا که حتی مستشرقین مغرب زمین نیز در حد اعجاب‌آوری، به بزرگی آن اعتراف کرده‌اند (واتسون، ۱۳۷۴، ص ۱۹۸).

احکام حکومتی رسول اعظم ﷺ درباره زمین

آب و خاک سرمایه اصلی کشاورزان است. زمین و آب دستمایه کشاورزی است و مالکیت آن، و حق تصرف در آن در توسعه کشاورزی سهم به‌سزایی دارد. رسول خدا ﷺ زمین‌های مختلفی را به اشخاص و گاه، قبیله مختلف واگذار کرد. واگذاری زمین در اصطلاح فقهی «اقطاع» نامیده می‌شود. این کار به‌طور گسترده‌ای به‌وسیله رسول خدا ﷺ انجام شد. نکته قابل توجه اینکه آن حضرت، به کسی که زمین واگذار کرد، سند با مهر و امضا می‌داد، به‌گونه‌ای که او با اطمینان و خیال راحت در آن زمین سرمایه‌گذاری کند و برای آبادی آن بکوشد.

الف. اقطاع‌های رسول اکرم ﷺ

همان‌طور که اشاره شد، رسول خدا ﷺ به اقطاع‌های گسترده‌ای دست زد (ابویوسف، بی‌تا، ص ۶۲-۶۸). آن حضرت، دره‌ای در مدینه را به حرام بن عبد عوف از قبیله بنی‌سلیم واگذار کرد (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۳۴؛ حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰). در پایان سند این واگذاری، بر پرهیز از هرگونه ستم و عدالت تأکید شده است. آن حضرت، زمینی را با حدودی معین از زمین‌های «برهاط» به راشدبن عبد رب سلمی واگذار کرد (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۳۶). همچنین ایشان زمینی را به بنی‌اجب در منطقه فاس یا حالس واگذار کرد (حموی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۹۹؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۱۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۴۰).

حضرت رسول ﷺ همه زمین‌های «جفر» را که در اطراف مدینه قرار داشت و یا چاه آب «جفر» را به هوفه بن نبیسه واگذار کرد (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۳). همچنین ایشان منطقه یا چاه آب «محدب» را به عبدالله بن ابی قمامه و وقاص بن ابی قمامه واگذار کرد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴۳؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۴۳؛ حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۳۶۶). آن حضرت، زمینی را به سلمه بن مالک به اقطاع داد (زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۱۶). زمین‌ها و درختان کوه «ارم» را به فرزندان جفال بن ربیع و زمین‌های مابین «مصباحه» تا «الزح» و «لوابه» را به علاء بن خالد واگذار کرد (حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۳۷۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۵۲).

رسول اعظم ﷺ زمین‌های «عوره»، «غرابه» و «حبل» را به مجاعه بن مراره واگذار کرد (ابی عبید، ۱۴۳۰ق، ص ۲۹۶؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۱۹؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۵۷)؛ زمین «نجمه» از دره راکس را به عاصم فرزند حارث حارثی واگذار کرد (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۵۵؛ حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴) و زمین‌های «جمعه» از رامس را به عاصم بن حارث محاربی واگذار نمود (حموی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۵۴؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۶۵). حضرت همه زمین‌های «شواق»، بالا و پایین آن را به زیبربن عوام واگذار کرد و سند آن با خط علی ﷺ نگاشت (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ابویوسف، بی‌تا، ص ۳۴؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۱۹).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده رسول خدا ﷺ زمین‌های مختلفی را به زیبر واگذار کرد (حسینی و حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). ایشان زمین «رحیح» و مازاد آب «بنی سبیل» را به سعیر فرزند علاء واگذار نمودند (واقدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۳؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۳۲؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج

رسول مکرم اسلام^ﷺ زمین‌های «عقیق مشهور» در نزدیک مدینه و یا زمین‌های نزدیک به آن را به بلال بن حارث واگذار کرد. این زمین‌ها تا زمان خلیفه دوم در تصرف او بود. خلیفه دوم بخش عظیمی از آنها را از او پس گرفت. آن حضرت این زمین‌ها را بدین شرط به او واگذار کرد که آنها را آباد و اصلاح سازد (طبرانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۷؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۷). حضرت رسول^ﷺ معادن «قبلیه» و آن دسته از زمین‌های کوهستان «قدس» را، که قابل کشت بود، به بلال بن حارث منزی واگذار کرد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۹۲) و همچنین آن حضرت، افزون بر زمین و مزرعه منطقه خاصی، زنبورهای عسل آن منطقه را نیز به او واگذاشت (حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۳۲۴؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۱۴). آن حضرت، عقیق یمامه را که دارای درختان و چشمه‌های بسیار بود، به ربیع، مطرف و انیس به اقطاع داد (زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۹۴؛ واقدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۲؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۰۴).

رسول اعظم^ﷺ زمین‌های قدس یعنی فلسطین را پیش از هجرت به داریان واگذار کرد. به گزارش ابن هشام، هشت تن از قبیله داریان پیش از هجرت از فلسطین نزد رسول خدا^ﷺ آمدند، آن حضرت به دو نفر از آنها به نام «تمیم» و «اوس» زمین‌های بیت عینون، حبری یا حیرون را واگذار کرد (ابویوسف، بی تا، ص ۶۲). قلقشندی در صبح‌الاعشی می‌گوید: این نوشته در دست خدام حرم حضرت ابراهیم^ﷺ در فلسطین موجود است. بسیاری آن سند را که در اثر زمان فرسوده شده، رؤیت کرده‌اند (القلقشندی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۲۹). این نامه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا اینکه در واقع سرزمین فلسطین را به آنان واگذار کرد و مورخان، فقیهان و محدثان بدان توجه خاصی داشته‌اند تا آنجا که برخی از دانشمندان بزرگ، درباره آن کتاب خاصی نوشته‌اند. برای نمونه، مقریزی کتاب الضوء الساری لمعرفه تمیم الداری و سیوطی کتاب الفضل العمیم فی اقطاع تمیم را در این زمینه نوشته است (همان).

پس از هجرت رسول خدا^ﷺ به مدینه، داریان نزد ایشان شتافتند و از ایشان خواستند سند آن زمین‌ها را تجدید کند. آن حضرت، در نامه‌ای استثنایی سرزمین فلسطین را به داریان و نسل‌های آینده آنان اقطاع کرد. گویا آن حضرت، پیش‌بینی می‌کرد که این زمین در آینده غصب خواهد شد. از این رو، این اقطاع را با تأکیدهای فراوان برای آنان با خط امیرالمؤمنین علی^ﷺ نوشته شد (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۱۳؛ مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱۸، ص ۱۳۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۰؛ طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷) و بر غاصبان این زمین حضرت لعنت فرستاد.

آنچه گذشت، اشاره‌ای به حدود چهل اقطاع و واگذاری زمین است که تحلیلی هرچند کوتاه بر آنها ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، به توضیح چند نکته درباره این واگذاری‌ها می‌پردازیم.

۳، ص ۴۶۰ - ۴۶۳). حضرت، آب یا زمین‌های «رداء» را به جمیل فرزند ردام عنذری واگذار کرد که سند آن، با خط علی بن ابی طالب^ﷺ نوشته شد (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۲۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۴).

پیامبر اکرم^ﷺ زمین‌های «ثیر» و زمین‌های کوهستانی و یا آب‌های «کنیف» را به حصین بن نضله اسدی به اقطاع داد (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۹؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ حموی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶) و چاه آبی را به رزین بن انس واگذار کرد. بر پایه برخی روایات، آن حضرت این واگذاری را مشروط به این کرد که او تنها از مازاد آب مسافران و رهگذران بر آن چاه استفاده کند (متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۹۹؛ حسینی و حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶۷).

رسول خدا^ﷺ زمین‌های واقع در «الفرقین» و «ذات أعشاش» را به حصین بن اوس اسلمی واگذار کرد و سند واگذاری آن، طی نامه‌ای به خط امیرالمؤمنین علی^ﷺ نوشته شد (زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۷۰؛ حمید الله، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷). آن حضرت همه زمین و آب منطقه «مظله» را به بنی قره واگذار فرمود. در این واگذاری، دو نکته به چشم می‌خورد، نخست آنکه، رسول خدا در واقع آب و زمین‌های این منطقه را برای آنها فرقی کرد و تنها حق استفاده از مراتع آن زمین‌ها را بدان‌ها بخشید. دوم آنکه، در سند این واگذاری آمده است که آب و همه زمین «مظله» را اعم از زمین‌های هموار و کوهستانی و آب آن را بدانان واگذار می‌کند (زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴؛ واقدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۷؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۷۲).

پیامبر خدا^ﷺ بخشی از درختان خرما و کاخ موجود در «سوارقیه»، که کشاورزی در آن رونق داشت، به سعید بن سفیان واگذار کرد (موسی زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۳۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۷۶؛ حسینی و حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰). ایشان زمینی را در مکه به عتب بن فرقد واگذار کرد تا خانه‌ای برای خود بسازد و بخشی از زمین‌های «صقینه» را که آباد بود و کشاورزی در آن توسعه یافته بود، به بنی شنج واگذار کرد. این زمین را آنان یا احیاء کرده بودند و یا علامت گذاشته بودند تا کسی در آنها تصرف نکند (زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۱۳؛ واقدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸۰). آن حضرت، زمین‌های مختلف و بسیاری را به عوسجه بن حرمه، که طبق فرمان آن حضرت رهبری هزار تن از بنی جهینه به او سپرده شده بود، واگذار کرد تا از این زمین‌ها برای خود و نیروی تحت امر خود بهره برد (حموی، بی تا، ج ۴، ص ۵۸؛ زنجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ ابویوسف، بی تا، ص ۶۲).

الف: انواع منابع طبیعی واگذار شده

همان‌طور که در متن این نامه‌ها آمده است، انواع منابع و منافع آنها واگذار شده است. در بسیاری از این اسناد، زمین واگذار شده است. زمین‌های واگذار شده در قطعه‌های مختلف؛ بسیار بزرگ، متوسط و کوچک است. همچنین انواع زمین‌های کوهستان، دره و دشت در میان آنها به چشم می‌خورد.

افزون بر زمین‌ها، گاهی آب و یا حق آبیاری از سوی رسول خدا ﷺ اقطاع شده است و آنها اعم از چاه‌ها و چشمه‌ها و یا آب‌های رودخانه بوده است. در پاره‌ای از موارد، به صراحت، مرتع‌ها واگذار شده است، و مراتع اقطاع شده، گاهی به صورت تملیک و گاه به صورت قرق بوده است؛ یعنی بر طبق اسناد، رسول خدا ﷺ این منطقه را به آنان داده است تا گوسفندان خود را در آنها بچرانند. در واقع علوفه آن مراتع را به آنان داده است و گاه عنوان «قرق» آمده است.

در بعضی از این نامه‌ها، واژه‌هایی به کار رفته که به احتمال زیاد، دره‌ها و زمین‌های کوهستان حالت جنگلی داشته است، رسول خدا ﷺ این زمین‌ها را با درختان جنگلی اش به آنان واگذار کرده است.

در برخی از این واگذاری‌ها، حیوانات و دام‌ها نیز واگذار شده است. بخشی از این اسناد، بیانگر این است که رسول خدا ﷺ یک یا چند روستا را واگذار کرده است. شاید مقصود زمین‌ها، آب‌ها و مرتع‌ها، درختان و چهارپایان وحشی همه آن روستا بوده است. همان‌طور که خواهد آمد، این روستاها مالک شخصی نداشته‌اند. در بعضی از این نامه‌ها، تأکید شده است که همه آنچه در فلان محدوده است، واگذار می‌شود.

از این‌رو، جنگل‌ها، مرتع‌ها و منابع طبیعی از جمله اموالی بوده است که رسول خدا ﷺ آنها را برای اهداف خاص و در زمان‌های معینی، به شخص، اشخاص و یا مردم یک قبیله واگذار کرده است.

ب. انواع واگذاری‌ها

همان‌طور که اشاره شد، بی‌شک آن حضرت انواع منابع طبیعی را واگذار کرده است. اما سؤال این است که این واگذاری‌ها از چه نوعی بود؟ مطلق بود، یا بدون هیچ شرط و یا مشروط؟ بررسی اسناد نشان می‌دهد که در پاره‌ای از موارد، رسول خدا ﷺ زمین‌ها و یا دیگر منابع طبیعی را به‌طور مطلق و بدون شرط و در مواردی، به‌طور مشروط واگذار کرده است.

شرایط واگذاری در توسعه و پیشرفت بخش کشاورزی و در نتیجه، شکوفایی اقتصادی بسیار مهم است. این شرایط ارتقای کارآمدی و تخصیص بهینه منابع را به دنبال داشت. مهم‌ترین شروط حضرت، اسلام، ایمان، عمران و آبادانی بود. در موارد بسیاری، حضرت در نامه‌های خود به این نکته اشاره

فرموده‌اند که بخشیدن این مال مشروط به این است که شخص مورد نظر در اسلام و ایمان خود استوار بوده و به راستی ادعای ایمان کرده باشد.

دومین شرط، که به طور مکرر در واگذاری زمین‌های موات آمده، این زمین به فلان شخص یا اشخاص و قبیله واگذار می‌شود؛ به شرط اینکه زمین یاد شده را اصلاح و آباد کند. در برخی از این نامه‌ها، واژه «احیاء» و در برخی در کنار آن، واژه «اصلاح» آمده است. در برخی از این اسناد آمده است: چاه‌های آب و زمین‌های فلان منطقه به شخص مورد نظر واگذار می‌شود؛ اما نه به‌طور مطلق، بلکه به اندازه‌ای که از مصرف مسافران و زائران خانه خدا اضافه آید. یکی از منافع این واگذاری، حفاظت از منابع طبیعی و ایجاد امنیت برای آب‌ها و زمین‌های سرسبز بود؛ چرا که در آن زمان، در زمین‌ها و آب‌هایی از این دست، معقول‌ترین راه برای حفاظت از این منابع، واگذاری آنها به کسانی بود که توان حفاظت از آنها را داشته باشند.

خلاصه اینکه، مصلحت مسلمانان و سرزمین اسلامی اقتضاء می‌کرد که این زمین‌های بایر، که اطراف شهرهای اسلامی را احاطه کرده بود، واگذار شود تا احیا شوند. در نتیجه، سرزمین اسلامی سبز و خرم، کسب و کار رونق، اشتغال ایجاد، فقر برطرف و پیشرفت اقتصادی حاصل شود.

ج: واگذاری موقت و دائم

برخی واگذاری‌ها گاه موقت بوده است و گاه دائم، گاهی نیز زمین‌ها، مرتع‌ها، جنگل‌ها و آب‌ها به گونه‌ای واگذار می‌شدند که شخص «مقطع ایل» مالک آنها می‌شده و حتی در بعضی از نامه‌ها، برای همیشه این زمین متعلق به فلان شخص و نسل او می‌شد. در پاره‌ای موارد، این واگذاری به‌طور موقت بوده و یا منافع زمین واگذار شده است. برای نمونه، رسول خدا ﷺ حق چرای دام‌ها را در برخی از مراتع به افراد می‌دادند یا تا مدتی برخی از مراتع را برای فرد یا قبیله معینی قرق کرده است.

د: دفاع از حقوق مالکان زمین‌ها و منابع طبیعی

رسول خدا ﷺ در نامه‌های متعددی به‌طور قاطع نوشت: هیچ‌کس حق ندارد درباره زمینی که به شخصی و یا اشخاص واگذار شده است، با وی به منازعه برخیزد و ادعایی داشته باشد این دفاع محکم از مالکان زمین‌ها در آنان امید به آینده و امنیت را پدید می‌آورد؛ چه آن‌که آنان یقین می‌کردند کسی نمی‌تواند این زمین‌ها را از آنها بگیرد و این‌رو با امید به آینده و با آرامش و در سایه امنیت به وجود آمده اشخاص یا قبیله به احیاء زمین‌ها می‌پرداختند.

ه. باز پس گرفتن برخی از منابع طبیعی

رسول اعظم ﷺ پس از آنکه زمین و آب خاصی را به شخص معینی واگذار می‌فرمود، پس از مدتی آنرا پس می‌گرفت. در کتاب *اموال* در این باره آمده است:

رسول اعظم ﷺ (زمین و آبی) را به *أبیض بن حمال ماری* واگذاشت و پس از مدتی آنرا از او پس گرفت؛ زیرا رسول خدا ﷺ زمین مواتی را به او داده بود که آنرا احیاء و آباد سازد. پس از آن، معلوم شد که در آن زمین آبی است جوشان (که قیمت زیادی دارد). مانند آب چشمه‌ها و چاه‌ها (و نیازی به استخراج آب از زمین و یا فراهم آوردن مقدمات آبیاری برای آوردن آب از منطقه‌ای دیگر نیست) و رسول خدا ﷺ دوست نداشت و مصلحت ندید چنین آب و زمینی را در اختیار یک نفر قرار دهد (حسینی و حیدری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

و: نظارت رسول خدا ﷺ بر احیای اموات

بی‌تردید از این اسناد و اسناد گوناگون و روایات، به‌دست می‌آید که رسول خدا ﷺ زمین‌های مختلفی به اشخاص یا قبایل واگذار کرد تا آنها را آباد کنند. در بسیاری از این اسناد، این نکته به صراحت آمده است که بسیاری از این زمین‌ها، زمین‌های موات بوده است. بدین‌سان، رسول اعظم ﷺ خود زمین‌های موات را به مردم واگذار می‌کرد تا آنان از زمین‌ها بهره‌برند و آنها را آباد سازند، به‌گونه‌ای که به شکل قاعده فقهی درآمده است که: «هرکسی مواتی را احیا کند، آن زمین از آن او خواهد بود». آن حضرت بر تصرفی که آنان در زمین‌های موات می‌کردند، نظارت داشت.

مصلحت‌های نهفته در اقطاع‌های رسول اعظم ﷺ

فلسفه واگذاری این اقطاع‌ها عمدتاً خوش‌بینی مردم به اسلام و جلب رضایت آنها، ایجاد اشتغال و کسب روزی حلال، رفع فقر و ارتقای سطح زندگی مردم، عمران و آبادانی و نشاط و شادابی در جامعه بوده است.

۱. خوش‌بینی مردم به اسلام و جلب رضایت آنها

اعراب، تازه به اسلام گرویده بودند. هنوز درخت اسلام در اعماق دل‌هایشان ریشه ندوانیده بود. از این‌رو، یکی از سیاست‌های قرآنی و نبوی این بود که دل‌های آنها را نسبت به اسلام نرم کرده، و توجهشان را به اسلام جلب کند. یکی از راه‌های جلب رضایت آنان، بر آوردن نیازهای مادی آنها بود؛ رسول خدا ﷺ برخی از این اقطاع‌ها را بدین خاطر انجام داد. از جمله مواردی که گروهی از محققان این نکته را یادآور شده‌اند، اقطاع‌های رسول خدا ﷺ برای بلال بن حارث بود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۳۶).

متمایل کردن دل‌ها به سوی اسلام، از راه بخشیدن پول و اموال در باب زکات نیز مورد توجه قرار گرفته است، یکی از مصارق زکات «المؤلفه قلوبهم» — کسانی که به آنان زکات داده می‌شود تا دل‌هایشان به سول اسلام متمایل گردد — است.

۲. ایجاد اشتغال و کسب روزی حلال

رسول اعظم ﷺ در روزگاری و در میان مردمی مبعوث شد که رذیلت‌ها، پستی، زشتی و خلق و خوی درندگی بر همه ابعاد شخصیت، فرهنگ و زندگی بسیاری از مردم سایه افکنده بود. خونریزی، غارت، حمله به دیگر قبایله از روش‌هایی بود که آنان همواره از آن بهره‌می‌بردند و جنگ، خشونت و نزاع به فرهنگ آنان تبدیل شده بود.

بسیاری از آنان در بیابان‌ها زندگی می‌کردند و قبایل بدوی و خانه به دوشی بودند که در صحراها برای به‌دست آوردن علوفه و آب برای دام‌هایشان از این سو به آن سو می‌رفتند. جهل، نادانی، ستم، بی‌سواد، نا‌آشنایی با کشاورزی، دامداری و چگونگی استفاده از آب، فقر و فلاکت و بیکاری و... زندگی سیاه و ناموفقی را برای آنان رقم زده بود. اسلام در پی این است که آدمیان را در دنیا و آخرت به خوشبختی رهنمون سازد.

اسلام به دنبال این است که مؤمنان در این دنیا نیز زندگی با طراوت و خوشی داشته باشند. در روایات نیز به این نکته اشاره شده است؛ «از ما نیست کسی که به خاطر آخرتش دنیایش را رها سازد» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۷۸، ص ۳۲۱ و ۳۴۶). «رسول خدا ﷺ این‌گونه بود که چون کسی را می‌دید که از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید: آیا او شغل و حرفه‌ای دارد؟ پس اگر در پاسخ می‌گفتند: نه، می‌فرمود: آن مرد از چشم من افتاد» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱۰۳، ص ۱۳).

سخنان معصومان ﷺ در این باره فراوان است. آنان همواره تأکید می‌فرمودند که مؤمنان باید با کار و تلاش خود، در پی رزق حلال باشند. به‌گونه‌ای که در فضیلت کسی که در پی رزق حلال برای تأمین معاش خود و خانواده‌اش می‌باشد، تعبیر شگفت‌انگیزی به کار برده‌اند: «آنکه برای فراهم آوردن هزینه زندگی خانواده‌اش می‌کوشید، مانند مجاهد در راه خدا است.» (همان). همچنین «طلب روزی حلال بر هر مسلمانی واجب است.» (همان، ص ۹).

این روایات متعدد و متنوع، بیانگر این است که مؤمنان باید در پی روزی پاک و رزق حلال باشند و راه به دست آوردن روزی حلال کار و تلاش کنند. در روایات تأکید شده است که کشاورزی، درختکاری، و باغداری از بهترین زمینه‌هایی است که انسان می‌تواند تلاش و کوشش خود را در آن به

انجام رساند و با برداشت محصولات کشاورزی، در واقع گنج‌های نهفته در آب و خاک را برآورد و زندگی خود را رونق دهد. همچنین تأکید شده است که شغل و کار و مهارتی را که آدمی برای دستیابی به روزی انتخاب می‌کند، باید آن را به درستی و خوبی یاد گیرد: در این زمینه روایت به این مضمون از رسول اکرم ﷺ و علیؓ نقل شده است: «ارزش هر انسان به آن است که آنچه را انجام می‌دهد، به خوبی و درستی انجام دهد.» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۱۹).

در مقابل، از هرگونه تنبلی و کسالت در امور مربوط به زندگی دنیوی نهی شده است. امام باقرؑ فرمود:

من بدم می‌آید از مردی که در امور دنیوی خود تنبل و کسل باشد، کسی که در امور دنیوی‌اش تنبل باشد و سستی ورزد، در امور مرتبط به آخرتش بیش‌تر تنبلی و کسالت خواهد داشت؛ در به دست آوردن نیازهای زندگی تنبلی و سستی نکن تا در نتیجه سربار دیگران باشی (معزی ملایری، ۱۳۷۱ق، ج ۱۷، ص ۵۵).

مواردی از این دست بیانگر این است که اولاً، مسلمانان باید دنبال رزق حلال باشند. ثانیاً، برای به دست آوردن رزق حلال، باید حرفه و شغلی برگزینند. خداوند متعال آب و خاک را آفریده تا آدمیان با بهره‌وری از آنها، به نیازهای خود دست یابند. ثالثاً، باید بکوشد شغل و مهارت خود را به خوبی فراگیرند و در آن مجرب و ماهر گردند. رابعاً، هرگونه سستی، تنبلی در به دست آوردن رزق حلال و هرگونه بیکاری ناپسند و نکوهیده است.

رسول خدا ﷺ با توجه به همین نکته‌ها همواره می‌کوشید مردمان را تربیت کند و جامعه‌ای خدایی و اسلامی بسازد. آن حضرت باید آنان را از عادت‌های ناهنجار و نکوهیده به کارهای درست و پسندیده سوق می‌داد. یکی از بهترین روش‌هایی که می‌توانست دنیا و آخرتشان را آباد سازد، کشاورزی و بهره‌برداری از منابع طبیعی بود. رسول خدا ﷺ زمین‌ها را به آنان واگذاشت تا به کشاورزی، باغداری و دامداری اشتغال یابند و بهترین راه تشویق آنان به کار و تلاش واگذاری زمین‌ها، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها به آنان بود؛ واگذاری‌ای که با در نظر گرفتن مصلحت و برای استواری عدالت و در چارچوب احکام شرع باشد.

این اقطاع‌ها سبب می‌شد که اولاً، آنان از قتل و غارت دست بردارند. ثانیاً، در پی رزق حلال برآیند. ثالثاً، در کشاورزی، درختکاری، باغ‌سازی و باغداری و حرفه‌های دیگر تجربه کسب کنند. رابعاً، منابع طبیعی از تخریب در امان و بیابان زدایی شود و سرزمین جامعه اسلامی سرسبز و خرم گردد و خامساً، سرمایه‌های بیش‌تری برای تجارت، برخی صنایع بسیط و حوزه کشاورزی فراهم آید.

از این‌رو، رسول خدا ﷺ پس از آنکه مسجد النبی را ساخت، برای مهاجران مکه که برای یاری آن

حضرت آمده بودند از زمین‌های «معینی» اقطاع کرد تا کشاورزی کنند و زمین‌هایی را نیز به آنان داد تا برای خود خانه بسازند. تا آن زمان، بازار منحصر به فرد مدینه، بازار یهودی‌ها بود. آن حضرت برای مسلمانان بازاری ساخت و آنان را از بازار یهودیان بی‌نیاز کرد. همچنین به گروهی از آنان دستور داد اسلحه‌سازی را از اسیران خیبر فراگیرند، و به درختکاری، کشاورزی، تجارت و سایر مهارت‌ها روی آورند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۳۸). این‌ها نمونه‌هایی بود که آن حضرت زمینه بنیان‌گذاری تمدنی عظیم را فراهم ساخت که تا ابد همهٔ مردمان جهان از آن بهره خواهند برد.

۳. رفع فقر و ارتقای سطح زندگی مردم

فقر و نیاز، یکی از اصلی‌ترین زمینه‌ها و عوامل فساد، دزدی و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی است. عرب‌ها پیش از اسلام زندگی فقیرانه‌ای داشتند. آنان به سختی و با مشقت‌های بسیاری می‌توانستند خوراک، پوشاک و سایر نیازهای ضروری خود را برآورده سازند. به اندازه‌ای زندگی بر آنان دشوار بود که دختران خویش را برای فرار از فقر کشته، یا زنده به گور می‌کردند. خداوند متعال می‌فرماید: «و لا تقتلوا اولادکم من اطلاق نحن نرزقکم و یا هم» (انعام: ۱۵۱) «قد خسر الذین قتلوا اولادهم سفهاً بغير علم» (انعام: ۴۱)؛ «و لا تقتلوا اولادکم خشیهً إِملاق نحن نرزقهم و یا کم» (اسراء: ۳۱).

این آیات، خداوند متعال آنان را از اینکه برای گریز از فقر و نگرانی و اینکه در آینده چگونه روزی این فرزندان خردسال خود را فراهم کنند، می‌کشند، نهی می‌کند. در واقع فقر همچون سرطانی بود که در اعماق جسم و جان مردمان حجاز نفوذ کرده، سایه سیاه خود را بر سراسر سرزمین‌های عربی گستراند.

مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی می‌نویسد:

(مهم‌ترین) دلیل و علت فقر و فلاکت اعراب آن بود که به درختکاری، کشاورزی و استخراج آب‌های زیرزمینی همت نمی‌گماشتند؛ در روی زمین‌های حاصل خیز نشسته و بر آن گام می‌نهادند، اما از آن بهره نمی‌بردند و به کسی می‌مانستند که در لب دریایی از آب زلال و نوشیدنی نشسته، اما برای از بین بردن عطش خود مرغان کنار دریا را می‌کشد و خون آنان را می‌مکد. عرب‌ها دختران و پسرانشان را می‌کشتند و قتل و غارت و ستم را راه و رسم خود قرار داده بودند، تا از فقر نجات یابند. رسول خدا ﷺ بر این روش‌ها خط بطلان کشید و زمین‌ها، مراتع و دیگر منابع طبیعی را به مردم واگذاشت تا با کار و تلاش آنان، رزها و طلاهای نهفته در خاک در قالب گیاهان و درختان سرسبز، بر زمین جلوه کند و آرایه زمین گردد و به زمین، زمان و جان و تن مردمان صفا و طراوت بخشد و فقر و فلاکت را ریشه کن سازد (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸۴).

۴. آبادانی و رونق کشاورزی

این اقطاع‌ها سبب می‌شد مردم زمین را آباد سازند و جامعه‌های کوچک و بزرگ تشکیل دهند؛ زیرا اینکه برای توسعه کشاورزی به استخراج آب‌ها، تنظیم برنامه‌های مختلف برای آبیاری و ابزار کشاورزی و کارگر نیاز داشتند، از این‌رو، باید به همگرایی، الفت، همکاری و محبت روی می‌آورند.

۵. دمیدن روح نشاط و شادابی در جامعه

درختکاری، کشاورزی، باغداری و تماشای مناظر سرسبز و دلپذیر، انسان را به خداوند نزدیک کرده و روح آحاد جامعه را با طراوت می‌سازد. در نتیجه، بخشی از نیازهای معنوی جامعه از این طریق تأمین می‌شود.

ب. احیای زمین‌های موات

حدیث شریف «من أحيى أرضاً ميتةً فهي له» (حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۷، ص ۳۲۷ و ۳۳۶)، میان محدثان شیعه و سنی شهرت دارد. آیا این حدیث بیانگر یک حکم شرعی جاودان است، یا اینکه نوعی حکم حکومتی است. شهید اول می‌نویسد:

در این باره تردید است که آیا حضرت در پی بیان یک حکم شرعی ثابت بوده است و یا این سخن بیانگر یک حکم حکومتی و مصلحتی در آن زمان بوده است. از این‌رو، نمی‌توان از آن یکی حکم شرعی استنباط کرد، بلکه از آن استفاده می‌شود که هرگاه کسی بخواهد زمین مواتی را احیاء کند، باید از امام اذن بگیرد و بی‌اذن او احیاء زمین موات جایز نیست. هر دو نظر طرفدارانی دارد: برخی گفته‌اند این بیان یک مسئله شرعی است. از این‌رو، بی‌اذن حاکم شرعی می‌توان اراضی موات را در اختیار گرفت. و احیاء کرد چه امام اذن بدهد و چه اذن ندهد (مکی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۵).

متقابلاً گروهی گفته‌اند: این سخن حکم حکومتی است و ولایی و نشأت گرفته از منصب امامت. از این‌رو، بدون اذن امام نمی‌توان زمین موات را احیاء کرد و نظر اکثر فقهاء همین قول است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۷۰؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۹۱).

شهید صدر معتقد است:

این روایت قطعاً حکومتی است و ویژه روزگاری بوده است که توان انسان‌ها برای آباد کردن زمین‌ها محدود بوده است؛ چون ابزار کشاورزی بسیار بسیط بوده (و از سوی جمعیت کم، زمین‌های زیاد، و احداث چاه آب بسیار دشوار بوده است. اما در روزگار ما که یک فرد یا کمپانی در سایه پیشرفت شگفت‌انگیز صنعت و دانش، می‌تواند همه زمین‌های یک کشور را آباد کند و در نتیجه، مالک آن شود، چنین حکمی نخواهد بود (صدر، ۱۴۰۲ق، ص ۴۰۱، ۶۴۲ و ۷۲۵ - ۷۲۶).

ج. قرق کردن زمین‌ها

روایات بسیاری نشان می‌دهد که پیامبر خدا چراگاه‌های خاصی را برای چریدن اسبان جنگ‌ها و چهارپایان جزیه و زکات و گمشده قرق کرده و دیگران را از چرانیدن در آنها ممنوع کرد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۷۹؛ نمیری بصری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶). همچنین در موارد متعدد دیگری، زمین‌هایی را به افرادی واگذار کرد یا برای امور ویژه‌ای قرار داد. به نظر می‌رسد، این روایات حکومتی و مصلحتی است. بدین‌سان، پس از رحلت آن حضرت ﷺ تا هر زمان که مصلحت باشد، این حکم ادامه دارد. وقتی مصلحت از بین برود، آن حکم نیز از بین خواهد رفت. همان‌گونه که محقق حلی (حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۹۴؛ حلی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۳۴ - ۲۳۵) اشاره کرده، این فرمان پیامبر خدا حکومتی و مصلحتی است، اما گروهی آن را دایمی فرض کرده، شکستن آن را جایز ندانسته‌اند. آنچه که گذشت، آوردیم نمونه‌هایی از روایات حکومتی بود. به دلیل فراوانی و کثرت آنها بررسی مشروح آن مجال دیگری می‌طلبد.

احکام حکومتی رسول خدا ﷺ درباره آب‌ها

حضرت از انحصار طلبی در استفاده از آب‌های زیرزمینی ممانعت می‌فرمودند. حریم چاه‌ها را تعیین فرمودند. آب‌های هرز و سیلاب‌ها را تقسیم کردند و آب‌های بدون مالک را واگذار فرمودند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. جلوگیری از انحصار طلبی در استفاده از آب‌های زیرزمینی

بر اساس روایات گوناگونی که محدثان شیعه و سنی نقل کرده‌اند، رسول خدا ﷺ از بهره برداری انحصاری از آب‌های چاه‌ها منع فرمود. در کتاب کافی در این باره چنین نقل شده است:

عن عقبه بن خالد، عن أبي عبدالله ع قال: قضی رسول الله ﷺ بين اهل المدينة فی مشارب النخيل إنه لا يمنع نفع البئر و قضی بين اهل البادية انه لا يمنع فضل ماء ليمنع به فضل كلاً و قال لاضرر و لاضرار» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۹۴؛ ابن‌ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۸۲۸). این حدیث را گروهی از فقهای شیعه در قاعده «لاضرر» مورد بحث قرار داده‌اند (اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲).

بر اساس این روایت، رسول خدا ﷺ مردم مدینه را منع فرمود تا از نوشیدن آب چاه‌ها جلوگیری نکنند. به عبارت دیگر، کسی حق ندارد مردم را در استفاده آب شرب از چاه‌های آب منع کند. همچنین اجازه نداد که چاه‌های آب «موود» در بیابان‌ها، در انحصار شخص و یا اشخاص خاصی قرار گیرد و در نتیجه، آنان اجازه ندهند دیگر دامداران از آب آنها برای چهارپایان خود استفاده کنند. توضیح روایت این

۳. تقسیم آب‌های هرز و سیلاب‌ها

بر اساس گروهی از روایات، پیامبر خدا ﷺ درباره آب‌های باران و سیلاب‌های وادی «مهروز» چنین فرمان داد: کسانی که در بالا قرار دارند، برای کشاورزی آب را تا بند کفش پا و برای نخلستان‌ها تا مچ پا نگهدارند. سپس آب را رها کنند تا آنان که در سمت پایین قرار دارند، از آنها بهره برند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۹۹؛ حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۷، ص ۳۳۴-۳۳۶). در روایت دیگری آمده است: «برای زراعت تا بند کفش و برای نخلستان تا ساق پا آب‌ها را نگهدارند» (همان). شیخ صدوق، پس از نقل این دو روایت، برای رفع تعارض آنها برآمده، می‌نویسد: «و هذا علی حَسَبِ قوَّةِ الوادی و ضعفه؛ این روایات بر حسب استعدادهای وادی و زمین‌ها از جهت شدت و ضعف و زیادی و کمی آب است» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۹۹؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۴).

بی‌شک همان‌طور که شیخ صدوق اشاره کرده است، این روایات بیانگر احکام مصلحتی و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و شرایط آب‌ها و زمین‌های مدینه بوده است. در سایر موارد، ولی امر باید براساس مصلحت عمل کرده، رفاه مردم و عدالت را در نظر داشته و برپایه آنها تصمیم بگیرد.

۴. واگذاری آب‌های عمومی به بخش خصوصی

همان‌طور که در باب اقطاع رسول خدا ﷺ گذشت، آن حضرت در موارد مختلفی آب‌های بی‌مالک را که در زمره اموال عمومی و حکومتی بود، به افراد و یا قبیله‌ها واگذار کرد. نتیجه این کار، استفاده بهتر و بیشتر از آن آب‌ها بود.

احکام حکومتی رسول خدا ﷺ درباره دام‌ها

مهم‌ترین چالش درباره دامداری در صدر اسلام تأمین آب و علوفه دام‌ها بود. همان‌طور که گذشت، گروهی با به انحصار درآوردن آب‌ها و مراتع برای دامداران مشکل پدید می‌آوردند. رسول خدا ﷺ در این‌باره دو نوع حکم صادر فرمود: اول آنکه، در موارد متعددی، مراتع را به افراد خاصی واگذار کرد. در مواردی نیز چاه‌ها و یا رودخانه‌های بی‌مالک شخصی را به گروه‌هایی یا افرادی واگذار کرد. دوم آنکه، از انحصارطلبی در آب‌های چراگاه‌ها و خود چراگاه‌ها جلوگیری کرد. مردم در پرتو این دو حکم بسیار سودمند و راهگشا، توانستند دام‌های خود را در علفزارها و چراگاه‌ها بچرانند. از سوی دیگر، توسعه

است که گروهی از مردم برای آنکه مراتع و چراگاه‌های مهم را در انحصار خود قرار دهند، چاه‌های آب آن منطقه را منحصر به خود می‌ساختند و اجازه نمی‌دادند دام‌های دیگران از آب آنان بنوشند. از این‌رو، هیچ دامدار دیگری نمی‌توانست از آن مراتع استفاده کند؛ زیرا وقتی چهارپایان می‌چریدند، تشنه می‌شدند و نیاز به آب پیدا می‌کردند و آب هم که در انحصار گروهی خاصی بود، حکم حکومتی رسول خدا ﷺ این بود که کسی حق ندارد چاه‌های آب را در انحصار خود قرار داده، از آب مازاد بر احتیاج خود جلوگیری کند. نکته مهم اینکه رسول خدا ﷺ این حکم را مصداق جلوگیری از ضرر و ضرار دانسته است. در نتیجه دامداران می‌توانستند از چراگاه‌های دارای علوفه‌های فراوان و سرسبز استفاده کرده، دامداری خود را توسعه دهند.

۲. تعیین حریم چاه‌ها

استفاده از آب‌های زیرزمینی، از زمان‌های گذشته رایج بوده است. در این‌باره روایات پرشمار و گوناگونی در باب احیاء موات آمده است. برپایه این روایات، حریم چاهی که از آن برای شتر آب کشیده می‌شود، چهل ذراع است. حریم چاهی که برای برطرف کردن نیازهای انسان حفر شده است، شصت ذراع است. حریم چشمه در زمین‌های سست، هزار ذراع و در زمین‌های سخت، پانصد ذراع است. در این روایات، برای قنات‌ها، رودخانه‌ها، راه‌ها، دیوارها، مساجد و درختان خرما، حریم‌هایی معین شده است (حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۷، ص ۳۴۰-۳۳۷ و ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۴).

به نظر می‌رسد، بخش عمده این روایات مربوط به زمین‌ها و در نظر گرفتن اوضاع و احوال آب و خاک زمین‌ها و کشاورزی آن روزگار بوده و در واقع، حکم حکومتی و مصلحتی است. به همین دلیل، برخی از فقها برخلاف نظر مشهور (حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۹۲-۷۹۳)، به این روایات عمل نکرده، بر این باورند که ملاک در حریم موارد یاد شده، زیان نرساندن به چاه، چشمه و قنات دیگران است. به نظر آنها، این حکم، در شرایط، زمان و مکان مختلف تغییر می‌کند (کاشف الغطاء، ۱۳۶۱ق، ج ۳، ص ۲۵۵). ابوبکر حاسب کرجی، پس از نقل فتاوی‌های مختلف، می‌نویسد: «معیار حریم قنات‌ها آن است که به آب قنات دیگر زیانی نرسد» (کرجی، ۱۳۷۳، ص ۷۸-۷۳)، کاشف الغطاء می‌نویسد: مناسب است تعیین آن را به نظر والیان امور بسپاریم که بر حسب مصالح جامعه که در زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط مختلف متفاوت است (کاشف الغطاء، ۱۳۶۱ق، ج ۳، ص ۲۵۵).

کشت، تأسیس مزارع و باغ‌ها و کاشت گسترده درختان و حفر چاه‌های مختلف، در پی حکم «من احیی ارضاً میتةً فهی له»، بر خوراک دام‌های اهلی افزود و زمینه گسترش آنها را فراهم ساخت.

احکام حکومتی رسول خدا ﷺ درباره گیاهان

حجاز در زمان بعثت رسول خدا ﷺ، سرزمینی تفتیده و خشک بود. افکار جهل آمیز و اندیشه‌های خرافی اعراب جاهلی و جنگ‌های ویرانگر قبیله‌ها با یکدیگر، کشاورزی، سرسبزی و خرمی را به نابودی کشانده بود. رسول خدا ﷺ از یک سو، به‌طور گسترده‌ای مؤمنان را به درختکاری تشویق کرد (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۴۲-۴۹) و برای آن پاداش‌های معنوی فراوانی قرار داد. از سوی دیگر، به شدت با قطع درختان، سوزاندن مزرعه‌ها و نابود کردن نخلستان‌ها و باغ‌ها حتی در جنگ به مبارزه برخاست، آن حضرت، پیش از شروع جنگ به رزمندگان اسلامی می‌فرمود: «... به هیچ وجه درختان، به ویژه درختان خرما را قطع نکنید» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲۱، ص ۶۰). همچنین می‌فرمود: «از قطع درختان بهره‌یزید مگر آنکه ضرورتی در میان باشد» (حرعاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۱، ص ۴۳)؛ «درختان را آتش نزنید، آنها را با آب ویران نکنید، درختان میوه دار را قطع نکنید، مزرعه‌ها را نسوزانید» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱۹، ص ۱۷۷؛ حرعاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۱، ص ۴۳)؛ «درختان مدینه نباید قطع شود» (سجستانی، ۱۳۵۲ق، ج ۲، ص ۲۱۳). بدین‌سان، نهضت درختکاری، باغ‌کاری و باغ‌داری، به‌ویژه باغ‌های امیرالمؤمنین ﷺ پدید آمد (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، مقاله باغ) و سرزمین اسلامی به یک سرزمین سبز و خرم و برخوردار از کشاورزی توسعه یافته‌ها با رونق مبدل ساخت.

نتیجه‌گیری

رسول خدا ﷺ افزون بر ولایت تکوینی، پیامبری و تبلیغ احکام الهی، منصب رهبری جامعه اسلامی را نیز برعهده داشت. آن حضرت وارث اقتصادی بود که فقر، بیکاری، ظلم، تبعیض، غارت، ناامنی، نومییدی به آینده و بی‌نظمی در سراسر آن جلوه می‌کرد. از آنجا که مهم‌ترین بخش اقتصاد در آن روزگار، کشاورزی و دام‌داری بود، ایشان بر اساس مصلحت، عدالت و احکام شرعی در این حوزه، تصمیم‌گیری‌های خطیر و مؤثری داشت که در فقه حکومتی «احکام حکومتی» نامیده می‌شود. بررسی احکام حکومتی پیامبر اعظم ﷺ در زمینه اقتصاد کشاورزی بیانگر نکات زیر است:

۱. رسول خدا ﷺ در چارچوب برنامه‌ای جامع و بلندمدت تصمیم‌گیری می‌کرد، به گونه‌ای که افق‌های آینده را نیز در نظر داشت.

۲. آن حضرت، زمین‌ها، آب‌ها و مرتع‌های بسیار گسترده‌ای را به بخش خصوصی واگذار و یا به اصطلاح فقه اسلامی «اقطاع» نمود. اقطاع‌های ایشان برپایه مصلحت، عدالت و احکام شرعی بود. چگونگی واگذاری این املاک، بسیار دقیق و حساب شده بود، به گونه‌ای که برای واگذار شونده‌گان سند صادر می‌شد. از این رهگذر، آن حضرت برای آنان زمینه امنیت در حوزه کشاورزی و امید به آینده و فردایی که رونق اقتصادی را نوید می‌داد، پدید آورد. جوانان و بیکاران مشغول به کار شدند و فقر به تدریج از جامعه اسلامی رخت برپست. مردم به انقلاب نوپای رسول خدا ﷺ خوش بین شدند و در پرتو رونق کشاورزی، دام‌داری، صنعت و تجارت متناسب با فضای آن روزگار، دگرگون شد و مدینه سرسبز و خرم گردید. در این میان، امنیت اقتصادی در این حوزه بیش از سایر عوامل مؤثر بود و موجب شد مردم هرچه می‌توانستند در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند.

۳. در حوزه آب‌ها، رسول خدا از یک سو، مسئله مالکیت آب‌ها را حل کرد و از سوی دیگر، آب‌های عمومی را با رعایت ضوابطی، به مردم واگذار کرد. از این‌رو، دومین گره کور در حوزه اقتصاد کشاورزی گشوده شد. حل مسئله مراتع از طریق برداشتن انحصارهایی که ریشه در افکار دوره جاهلیت داشت، زمینه رشد سریع دام‌داری را فراهم ساخت و با احکامی که در باب قطع درختان، نابودی مزرعه‌ها و توصیه‌هایی که درباره درختکاری داشت، مدینه و اطراف آنرا سبز و خرم ساخت.

یکی از مهم‌ترین آثار احکام حکومتی آن حضرت، حل مشکل مالکیت اراضی، آب‌ها و مراتع و برخی از ضوابط بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی بود؛ مشکلی که هم اکنون در ایران اسلامی، به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل حوزه اقتصاد کشاورزی مطرح است. به نظر می‌رسد، تا زمانی که مالکیت اراضی، آب‌ها و احکام شرعی مسایل آب‌ها، از جمله آب‌های زیرزمینی و کلان و مسایلی از قبیل ارث زمین‌ها حل نشود، مشکل کشاورزی ما به صورت بنیادی حل نخواهد شد.

منابع

- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، *فرازهایی از اسلام*، به کوشش سیدمهدی آیت اللهی، قم، جهان آرا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، *المعجم الكبير*، قاهره، تمیّه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷ق، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، رضویه.
- عاملی، زین الدین علی (شهید ثانی)، بی تا، *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، دارالهدی.
- عراقی، ضیاءالدین، بی تا، *کتاب القضاء شرح تبصرة المتعلمین*، تحقیق محمدهادی معرفت، قم، مهر.
- فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۹، *اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام: اصول و مبانی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قلقشندی، احمدبن علی، بی تا، *صبح الأعشى* نرم افزار المكتبة الشاملة.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ چهارم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشف الغطاء، محمدحسین، ۱۳۶۱ق، *تحریر المجله*، تهران، مکتبه النجاح.
- کرجی، ابوبکر محمدبن حاسب، ۱۳۷۳، *استخراج آب های پنهان*، ترجمه حسین خدیوچم، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۱ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ چهارم، بیروت، دارصعب و دارالتعارف.
- ماوردی، محمدبن حبيب، ۱۴۰۶ق، *الاحکام السلطانیه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- متقی هندی، علی، ۱۴۱۰ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶ق، *بحار الانوار*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- معزی ملایری، اسماعیل، ۱۳۷۱، *جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، بی نا.
- مکی عاملی، محمدبن جمال الدین، بی تا، *القواعد و الفوائد*، تحقیق سیدعبدلهادی حکیم، قم، مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ق، *انوار الفقاهة، کتاب البیع*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۴ق (الف)، *مناهج الوصول إلى علم الأصول*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ ۱۴۱۴ق (ب)، *بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نمیری بصری، عمر بن شیه، ۱۳۶۸، *تاریخ المدینه*، قم، دارالفکر.
- واتسون، اندر دام، ۱۳۷۴، *نوآوری های کشاورزی در قرون اولیه اسلام*، ترجمه فرشته ناصری و عوض کوچکی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- واقدی، محمدابن سعد، بی تا، *الطبقات الكبرى*، نرم افزار المكتبة الشاملة.

- ابن اثیر، علی بن محمد، بی تا، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، نرم افزار المكتبة الشاملة.
- ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، بی تا، *کتاب الخراج*، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دارالمعرفة.
- ابی عبید، قاسم بن سلام، ۱۴۳۰ق، *الاموال*، تحقیق محمد عماره، قاهره، دار السلام للطباعة و النشر.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، تهران، موسسه دارالحديث.
- اردبیلی، مولی احمد، ۱۳۷۵، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- بهبهانی، محمدباقر، ۱۴۱۵ق، *الفوائد الحائریة*، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، *دانشنامه اسلامی کشاورزی، طبیعت و محیط زیست*، تهران، نهاد نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۳۹۱ق، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، چ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۴ق، *قاعدة لاضرر و لاضرار*، قم، مهر.
- حسینی، سیدعلی و محمدحسن حیدری، ۱۳۸۹، *طبیعت در سیره نبوی*، قم، آیه حیات.
- حسینی، سیدعلی، ۱۳۷۷، *گیاهان و زندگی در اندیشه دینی*، قم، مرکز تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۲ق، *شرایع الإسلام فی مسایل الحلال و الحرام*، چ سوم، قم، دارالهدی.
- حلی، محمدبن حسن، ۱۳۶۳، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، بی تا، *معجم البلدان*، نرم افزار المكتبة الشاملة.
- حمید الله، محمد، ۱۳۷۷، *نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد ﷺ*، ترجمه سیدمحمد حسینی، چ دوم، تهران، سروش.
- زنجانی، موسی، ۱۴۰۵ق، *مدینه البلاغه*، تهران، منشورات الکعبه.
- سبزواری، سیدعبدالاعلی، ۱۴۱۷ق، *مذهب الاحکام*، چ چهارم، قم، دفتر آیت الله سیدعبدالاعلی سبزواری.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۳۵۲ق، *السنن*، قاهره، بی نا.
- اصفهانى، محمدحسین، ۱۴۰۶ق، *قاعدة لاضرر*، قم، نشر اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۲ق، *اقتصادنا*، چ شانزدهم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____ ۱۴۰۳ق، *الفتاوی الواضحة*، چ هشتم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

مقدمه

همواره چگونگی مدیریت و مصرف منابع مالی قرض‌الحسنه از چالش‌های پیش روی بانکداری بدون ربا در ایران اسلامی بوده است. بانک‌ها در عمل نتوانسته‌اند وظیفه مدیریت و هدایت این وجوه در اقتصاد و تأمین نیازهای مصرفی مردم را از طریق وجوه قرض‌الحسنه به سرانجام برسانند. بانک‌ها، نهادهایی انتفاعی هستند که صلاحیت لازم برای انجام امور غیرانتفاعی را ندارند. از سوی دیگر، قرض‌الحسنه عقدی است غیرانتفاعی که نیازمند اراده و دغدغه طرفین آن در امور خیر و الهی دارد (عزتی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد، تفویض مدیریت وجوه قرض‌الحسنه به بانک‌ها در نظام بانکداری بدون ربا، سیاستی نادرست بوده و باید مدیریت این وجوه از بانک‌ها سلب و در اختیار نهادهای ذی‌صلاح دیگری همچون نهادهای خیریه و مؤسسات قرض‌الحسنه قرار گیرد (حشمتی مولایی، ۱۳۸۸).

بر اساس ادبیات موضوع و تحقیقات پیشین، فرض اصلی این مقاله، ناکارآمدی نظام فعلی بانکداری بدون ربا در مدیریت وجوه قرض‌الحسنه است. بر این اساس، مسئله اصلی این مقاله، پیشنهاد نظامی جایگزین برای منابع قرض‌الحسنه می‌باشد که بتواند معضلات موجود را از بین برده، کارایی نظام قرض‌الحسنه را تقویت بخشد. از این رو، پس از معرفی سیر نظام مالی قرض‌الحسنه در ایران و مرور تحقیقات و پیشنهادات اصلاحی ارائه شده در این زمینه، با تعریف حساب‌های جدیدی به عنوان حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، راهکاری مناسب برای مدیریت بر این منابع ارائه شده است. سپس، ساختار و منافع این حساب‌ها برای ذی‌نفعان مختلف، و همچنین ریسک‌های نقدینگی و اعتباری آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

ماهیت قرارداد قرض و قرض‌الحسنه

در اصطلاح فقهی، «قرض» به معنای این است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند؛ به این صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مانند آن و یا قیمت آن ضامن شود و تعهد کند. اما قرض ربوی، قرضی است که در آن زیاده شرط شده باشد. در اسلام چنین قرضی جایز نیست؛ زیرا ربا محسوب شده و دادن آن حرام است (ر.ک: موسوی خمینی، بی‌تا).

«قرض‌الحسنه»، همان وام نیکو است که قرآن از آن در آیات گوناگون یاد نموده است. مقصود از قرض‌الحسنه دادن به خدا، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به خاطر خدا داده شود. می‌توان گفت که همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی قرض‌الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند. او نیز در مقابل پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۵۳). قرض‌الحسنه از عقود معوضه است که به واسطه آن، مالی از

حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی

راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی

samosavian@yahoo.com

rahneshin@isu.ac.ir

سیدعباس موسویان / دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

کلیه راه‌نشین / دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۸

چکیده

چگونگی مدیریت و مصرف منابع قرض‌الحسنه، همواره از چالش‌های پیش روی بانکداری بدون ربا بوده است. در این مقاله، با تعریف حساب‌های جدیدی به عنوان حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، راهکاری مناسب برای مدیریت بر این منابع ارائه شده است. حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، حسابی است که طی آن بانک به‌طور اختصاصی برای بانی و به نام وی، وجوه عمومی را به صورت قرض‌الحسنه از عموم دریافت می‌کند. طبق شرایط این حساب، برای سپرده‌گذاران در اختیار بانی قرار می‌دهد تا در جهت اهداف اعلام شده مورد استفاده قرار گیرد. در این مقاله، که با استفاده از روش تحلیلی سامان یافته، ساختار و منافع این حساب‌ها برای ذی‌نفعان مختلف از جمله سپرده‌گذاران، بانک‌ها و نهادهای خیریه (بانیان) و در نهایت، ریسک‌های نقدینگی و اعتباری در این حساب‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرض‌الحسنه، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: P4, H81, E43, G21

ملکیت قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود. در مقابل، ذمه قرض‌گیرنده به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال مشغول می‌شود (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۱).

مکتب اقتصادی اسلام، قرض‌الحسنه را به عنوان بهترین روش جایگزین ربا برای استفاده افرادی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند، در نظر گرفته است تا ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض‌الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام نمایند. نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به قرض‌الحسنه، دارد و مردم را به دادن آن تشویق می‌کند. چنانچه مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی، اقدام به انجام آن کنند، از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نزدیک‌تر می‌شویم (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

نظام مالی قرض‌الحسنه در ایران

اولین تلاش‌ها برای ایجاد یک نظام مالی مبتنی بر قرض‌الحسنه در ایران، از سال ۱۳۴۸ با ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه با هدف جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک مردم و تأمین نیاز مالی با مبالغ کم برای افراد نیازمند شروع شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی، توجه مردم به صندوق‌های قرض‌الحسنه به عنوان نهادی اسلامی معطوف شد و تعداد آنها رو به فزونی گذاشت و منشأ خدمات ارزشمند شدند. در این دوره، سازمان اقتصاد اسلامی وظیفه هماهنگی این صندوق‌ها را بر عهده داشت. به تدریج، موضع فعالیت غیرانتفاعی بعضی از این صندوق‌ها، به فعالیت‌های سودآور تبدیل شد و با افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک، پرداخت سود به سپرده‌گذاران، خرید اوراق مشارکت، و اعطای تسهیلات کلان، ضمن عدول از اهداف آرمانی خود، با عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی بانک مرکزی، با آثاری چون خلق پول، سرعت گردش پول و تشدید پول‌شویی، در نظام پولی کشور اختلال ایجاد کردند و زمینه نگرانی و بدبینی نسبت به سایر صندوق‌های قرض‌الحسنه را نیز فراهم نمودند. این گونه اقدامات، به تصویب قانون بازار غیرمتشکل پولی در سال ۱۳۸۳ منجر شد که بر اساس آن، کنترل بیشتری بر فعالیت این صندوق‌ها اعمال شد. در آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران، موضوع قانون بازار غیرمتشکل پولی، صندوق‌های قرض‌الحسنه از شمول آیین‌نامه مزبور مستثنا شدند (عسگری، ۱۳۷۱، ص ۳۰).

از سوی دیگر، برای اصلاح نظام بانکی، قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید که به بانک‌ها اجازه داد تا وجوه قرض‌الحسنه را در دو قالب، حساب‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز دریافت و مدیریت نمایند. همچنین طی مصوبات متعدد، بانک‌ها ملزم به ارائه وام‌های

قرض‌الحسنه از محل وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه نزد خود شدند. در عمل، بانک‌ها از اهداف تعیین شده در سپرده‌های قرض‌الحسنه عدول کردند.

تحول بعدی در این زمینه، ایجاد بانک قرض‌الحسنه بود. هیئت وزیران دستورالعمل تشکیل بانک‌های قرض‌الحسنه را در اسفند سال ۱۳۸۶ تصویب کرد. طبق این مصوبه، هدف از تشکیل بانک قرض‌الحسنه، ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری اشخاص حقیقی و حقوقی بود که به امور خیریه می‌پردازند. تنها بانک‌های قرض‌الحسنه، مجاز به دریافت سپرده‌های قرض‌الحسنه و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه هستند و نمی‌توانند به مشتریان خود سود پرداخت کنند.

آخرین تحول نیز در این زمینه، با مصوبه خرداد ۱۳۹۰ کمیسیون اعتباری بانک مرکزی مبنی بر تمرکز، تفکیک و انتقال فعالیت‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها، به صندوق قرض‌الحسنه بانک رخ داد. بر اساس این دستورالعمل، کلیه فعالیت‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها از آنها جدا و در داخل صندوق قرض‌الحسنه، متعلق به بانک با شخصیت حقوقی مستقل صورت خواهد پذیرفت. هم‌اکنون در کشور، دو بانک قرض‌الحسنه و هفت صندوق قرض‌الحسنه بانکی شروع به فعالیت نموده است.

راه‌حل‌های پیشنهادی برای اصلاح نظام قرض‌الحسنه

تاکنون در تحقیقات گوناگون راه‌حل‌های بسیاری برای اصلاح نظام دریافت و اعطای قرض‌الحسنه در بانک‌ها ارائه شده است.

کميجانی و هادوی‌نیا (۱۳۷۷)، در مقاله خود با بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی قرض و اقدامات انجام شده توسط نهادهای کمیته امداد، صندوق‌های قرض‌الحسنه، و نظام بانکداری بدون ربا برای قرض‌الحسنه با ایراد به اخذ ذخیره قانونی از وجوه قرض‌الحسنه در بانک‌ها، نقص اساسی فعالیت‌های گذشته را فقدان یک نظام هماهنگ‌کننده برای این فعالیت‌ها می‌دانند. پیشنهاد می‌کنند که استعدادهای کنونی هر سه نهاد، با توجه به محاسن و اهداف آنها مورد استفاده قرار گیرد و فعالیت‌های موجود نیز کنترل و به ماهیت قرض‌الحسنه نزدیک‌تر شود (کميجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷).

حبیبیان نقیعی (۱۳۸۱)، در مقاله خود با عنوان «راهبردهای توسعه اقتصادی قرض‌الحسنه»، معتقد است که باید در نظام قرض‌الحسنه، صبغه خصوصی بودن آن حفظ شود و دولت به عنوان یک حامی، ناظر و هادی مقتدر، برنامه‌ریزی و نظارت آن را به عهده گیرد (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۱).

میرجلیلی (۱۳۸۳)، در مقاله خود به تفکیک بین نظام بانکی از نهادهای سرمایه‌گذاری و محدود کردن بانک‌ها به افتتاح حساب جاری و قرض‌الحسنه و انجام خدمات بانکی نظر می‌دهد (میرجلیلی، ۱۳۸۳).

موسویان (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای به ارائه الگوی جدید بانکداری اسلامی می‌پردازد. در الگوی جدید، بانک‌ها به سه گروه تجاری، تخصصی و جامع تقسیم می‌شوند. در این الگو، حساب سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز از بانک‌های تجاری و تخصصی حذف گردیده، فقط به بانک‌های جامع اختصاص می‌یابد که آنها در بخش غیرانتفاعی خود می‌توانند مانده مؤثر سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز را فقط از راه وام قرض‌الحسنه به مصرف‌رسانند (موسویان، ۱۳۸۵).

عرب مازار و کیقبادی (۱۳۸۵)، در مقاله «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، با معرفی سه اشکال جایگاه موجود قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربا، یعنی انگیزه قرعه‌کشی در سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه، نگاه به بانک‌ها به عنوان یک بنگاه خیریه و کاهش ارزش‌داری سپرده‌گذاران، سه راه حل از سوی صاحب‌نظران را برای رفع اشکالات نظام موجود بر می‌شمرد: الف. الگوی جدید سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا و تفکیک حساب سپرده قرض‌الحسنه از حساب سپرده پس‌انداز با سود ثابت؛ ب. اوراق قرض‌الحسنه؛ ج. تفکیک وظایف نظام بانکی و مؤسسات قرض‌الحسنه. در این روش، بر اساس انتفاعی بودن بانک حساب‌های قرض‌الحسنه از نظام بانکی حذف شده و کلیه فعالیت‌های قرض‌الحسنه به مؤسسات قرض‌الحسنه که تحت نظارت بانک مرکزی هستند، سپرده می‌شود (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵).

محقق نیا (۱۳۸۹)، در مقاله خود با بررسی آمار و اطلاعات موجود در مورد عملکرد نظام بانکی جمهوری اسلامی، در تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه در سال‌های ۶۳-۱۳۸۷، نشان می‌دهد که نظام بانکی نتوانسته است در جذب و تخصیص قرض‌الحسنه موفق باشد. در بخش تجهیز سپرده‌ها، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز از کل سپرده‌های بانکی، روندی کاهشی داشته و از ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۳، به حدود ۹ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در بخش تجهیز منابع نیز نظام بانکی در این دوره، به طور متوسط اندکی بیش از نیمی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را به پرداخت قرض‌الحسنه اختصاص داده، بقیه آن را برای کسب درآمد مصرف کرده است. البته این روند، در چند سال اخیر با نظارت بهتر بانک مرکزی و وزارت اقتصاد بهبود نسبی داشته است. علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی در مصاحبه‌ای اعلام کرد:

نسبت تسهیلات به سپرده‌های قرض‌الحسنه در سال ۸۸ ۷۰ درصد، در سال ۸۹ ۶۳ درصد، در سال ۹۰، ۸۹ درصد، در سال ۹۱، ۸۷ درصد، و در سال ۹۲ به ۹۲/۸ درصد افزایش یافته است. این مطلب، گویای این است که از هر واحد سپرده، ۹۳ واحد صرف پرداخت قرض‌الحسنه شده است... تا ۱۵ تیرماه سال ۱۳۹۳، بالغ بر یک میلیون و ۱۹۶ هزار و ۶۶۹ نفر در صف دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج ثبت نام کرده‌اند. پیش‌بینی می‌کنیم در سال جاری، یک میلیون نفر دیگر نیز به این تعداد افزوده شود. اگر به هریک

از این افراد، تنها ۳ میلیون تومان پرداخت شود، به ۶۰۰۰ میلیارد تومان بودجه نیاز است. اگر به این میزان ۶۶۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت مددجویان سازمان زندان‌ها و اشتغال زندانیان هم افزوده شود، در این صورت به ۱۰ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بودجه قرض‌الحسنه نیاز است. در حالی که کل مبلغ اختصاص یافته به قرض‌الحسنه ۴۳۰۰ میلیارد تومان است (طیب‌نیا، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد، هر چند نسبت تسهیلات به سپرده‌های قرض‌الحسنه بهبود یافته، اما سپرده‌های موجود پاسخ‌گوی نیاز جامعه به تسهیلات قرض‌الحسنه را ندارد. از سوی دیگر، بسیاری از بانک‌ها دقت لازم را در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به افراد نیازمند ندارند، از جمله، بیشتر منابع قرض‌الحسنه، اغلب در بانک‌های خصوصی، صرف اعطای وام‌های کلان قرض‌الحسنه به کارمندان خود بانک‌ها برای امور رفاهی کارکنان می‌گردد.

در تحلیل عملکرد نظام بانکی در تجهیز و تخصیص قرض‌الحسنه، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا مشکل موجود در این زمینه، به واسطه عملکرد نادرست بانک‌ها رخ داده است، یا این امر بیانگر این است که قرض‌الحسنه نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای موجود در نظام مالی و بانکداری نوین باشد. باید گفت: مشکلات موجود در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه را نباید ناشی از ناکارآمدی قرض‌الحسنه دانست. این مشکل، به طور عمده ناشی از عدم وجود اراده‌ی جدی برای استفاده از این ابزار در نظام بانکی است (محقق‌نیا، ۱۳۸۹).

محقق‌نیا همچنین در کتابی با عنوان *طرحی نو در قرض‌الحسنه و در جستجوی الگوی جامع قرض‌الحسنه*، عدم طراحی انواع حساب‌های قرض‌الحسنه را، که متناسب با نیازهای جامعه شکل گرفته باشد، یکی از نقایص شرایط کنونی عملکرد نظام بانکی می‌داند. به همین دلیل، در مقام پاسخ به این نیاز، در این کتاب با معرفی ده حساب جدید قرض‌الحسنه، تلاش نموده تا پویایی و کارایی مورد انتظار مفهوم قرض‌الحسنه را بازایی نماید (محقق‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰-۱۳۸).

عزتی (۱۳۵۸) در مقاله خود عنوان می‌کند بانک‌ها نهادهایی انتفاعی هستند که صلاحیت لازم برای انجام امور غیرانتفاعی را ندارند. از سوی دیگر، قرض‌الحسنه عقدی است غیرانتفاعی که نیازمند اراده و دغدغه طرفین آن در امور خیر و الهی دارد.

حشمتی مولایی (۱۴۸۸)، نیز پیشنهاد می‌کند، که مدیریت وجوه قرض‌الحسنه از بانک‌ها خارج شده و در اختیار نهادهای ذی‌صلاح دیگری، همچون نهادهای خیریه و مؤسسات قرض‌الحسنه قرار گیرد.

در خارج از کشور نیز مطالعات متعددی در مورد کارکرد قرض‌الحسنه در نظام بانکی صورت پذیرفته از جمله محمد عمر فاروق در مقاله‌ای به بررسی حساب‌های قرض‌الحسنه، ودیعه و امانت در نظام بانکداری اسلامی و کاربردها و کاربردهای اشتباه پرداخته است (فاروق، ۲۰۱۰). ثاقب و همکاران

این حساب‌ها، بهره و یا سودی تعلق نمی‌گیرد، اما بانک‌ها مجازند برای جذب بیشتر سپرده، اقدام به پرداخت جایزه به این حساب‌ها نمایند. در مقابل، بانک‌ها موظف هستند وجوه حاصل از این حساب‌ها را فقط در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه صرف نمایند. درآمد بانک‌ها از این فرایند، فقط اخذ کارمزد اعطای وام قرض‌الحسنه است (قانون بانکداری بدون ربا، ۱۳۶۲، مواد ۳-۴).

تجربه چندین ساله اجرای این قانون در عمل نشان می‌دهد که بانک‌ها کمتر به اعطای وام قرض‌الحسنه تمایل نشان می‌دهند. این مسئله ناشی از تناقض موجود در هدف عقد قرض‌الحسنه و کارکرد بانک‌ها می‌باشد. عقد قرض‌الحسنه، یک عقد غیرانتفاعی است که مؤمنان با هدف خیر و رضای خدا، بر اساس آیه شریفه به نیازمندان اعطا می‌کنند. در نتیجه، از آن انتظار پاداش مادی ندارند. از سوی دیگر، بانک یک نهاد انتفاعی است که مالکان آن، با هدف انتفاع اقدام به فعالیت بانکداری و واسطه‌گری وجوه می‌کنند. از این رو، از هر فعالیت همچون اخذ سپرده و یا اعطای تسهیلات، انتظار دریافت درآمد متناسب با آن را دارند (حشمتی مولایی، ۱۳۸۸). تجربه نشان داده است کارمزد دریافتی از تسهیلات قرض‌الحسنه، کفایت سود انتظاری بانک‌ها را نمی‌کند. در نتیجه، بانک‌ها از اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه طفره می‌روند (بانک و اقتصاد، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، فعالیت‌های غیرانتفاعی همچون ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه، نیازمند سیاست‌گذاری و رویکرد خیریه و غیرانتفاعی در مدیران نهاد مربوط می‌باشد. مدیران بانک‌ها، با توجه به اهداف انتفاعی خود و سهام‌داران بانک، تمایلی به توجه به این اهداف را ندارند. در نتیجه، این امر موجب انحراف بیشتر این تسهیلات از رسالت اصلی خود است (کمیجانی و هادوی‌نیا، ۱۳۷۷).

در مؤسسات قرض‌الحسنه، که نهادی سنتی در جامعه اسلامی با هدف جمع‌آوری وجوه قرض‌الحسنه و اعطای آن به افراد مستحق می‌باشد، این چالش‌ها وجود ندارد؛ زیرا از یک‌سو، مؤسسه قرض‌الحسنه یک نهاد غیرانتفاعی است که الزاماً به دنبال کسب سود و شناسایی درآمد نیست. از سوی دیگر، مؤسسان این گونه نهادها اساساً این نهاد را با هدف انجام امور خیریه و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه تأسیس کرده‌اند. در نتیجه، مدیران آن نیز تخصصاً به این موضوع می‌پردازند و در مصرف صحیح این وجوه، خود را از سوی مؤسسان و مالکان مؤسسه و سایر ذی‌نفعان همچون عموم جامعه مسئول می‌دانند (حسن‌زاده و کاظمی، ۱۳۸۳).

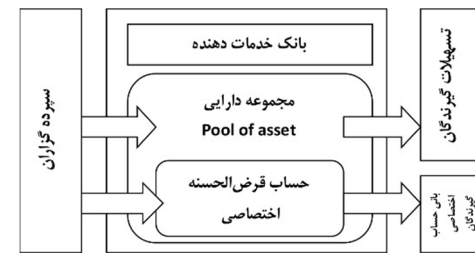
این اشکال در بانک‌های قرض‌الحسنه و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه تحت مدیریت بانک‌ها همچنان مطرح است؛ زیرا بانک قرض‌الحسنه به صورت یک شرکت سهامی عامی تشکیل می‌شود. این بانک نهادی است انتفاعی که برای کسب سود فعالیت می‌کند و از لحاظ ساختاری، دغدغه لازم را برای

(۲۰۱۵) به بررسی راهکارهای استفاده از قرض‌الحسنه در بانکداری در پاکستان جهت کمک به کشاورزان فقیر پرداخته‌اند (ثاقب و دیگران، ۲۰۱۵). همچنین میرآخور و اقبال (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی ظرفیت‌های موجود در قرض‌الحسنه جهت توسعه مالی خرد پرداخته‌اند (میرآخور و اقبال، ۲۰۰۷). مجتهد و حسن‌زاده (۲۰۱۱) نیز تأثیر مکانیسم قرض‌الحسنه به عنوان یک ابزار مالی خرد را بر کاهش فقر در ایران تایید کرده‌اند (مجتهد و حسن‌زاده، ۲۰۱۱).

تعریف حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

«حساب قرض‌الحسنه اختصاصی» یا «حساب قرض‌الحسنه خاص»، حسابی است که طی آن بانک به طور اختصاصی برای بانی و به نام وی وجوه عمومی را به صورت قرض‌الحسنه، از عموم دریافت می‌نماید و طبق شرایط این حساب برای سپرده‌گذاران، در اختیار بانی قرار می‌دهد تا در جهت اهداف اعلام شده مورد استفاده قرار گیرد. بانی موظف است وجوه جذب شده را طبق اهداف اعلامی در امیدنامه مصرف کرده و طبق شرایط اعلامی بازپرداخت کند.

تصویر (۱): جایگاه حساب قرض‌الحسنه اختصاصی در ساختار بانک



در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، وجوه از سپرده‌گذاران بانک خدمات‌دهنده، بر اساس امیدنامه حساب، جمع‌آوری می‌گردد. این وجوه، از مجموعه دارایی بانک جداگانه نگه‌داری می‌شود و به جای مصرف آن در ارائه تسهیلات به مشتریان بانک، در اختیار بانی حساب قرار می‌گیرد تا به مصرف اهداف اعلامی حساب برسد. بانی حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، نهادی خیریه و یا عام‌المنفعه غیرانتفاعی خواهد بود که توانایی برنامه‌ریزی و مصرف این وجوه در اهداف اعلام شده را که بر اساس مقتضای شرعی و الهی عقد قرض‌الحسنه تعیین شده، داشته باشد.

تفاوت حساب قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا با حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

در بانکداری بدون ربا، امکان ایجاد حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز برای بانک‌ها ایجاد می‌شود. به

تصویر (۴): ساختار وظایف ارکان در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی



تفاوت حساب قرض‌الحسنه اختصاصی با حساب قرض‌الحسنه ویژه

در نظام بانکی کشور علاوه بر حساب‌های قرض‌الحسنه معمول، حسابی با عنوان «حساب قرض‌الحسنه ویژه» بر طبق مصوبه شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی تعریف شده است. بر این اساس، بانک می‌تواند به دریافت وجوه از اشخاص و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه بنا به نظر سپرده‌گذار مورد نظر اقدام کند. دستورالعمل، شرایط و ضوابط افتتاح حساب قرض‌الحسنه ویژه عبارتند از:

«حساب قرض‌الحسنه ویژه»، به حسابی اطلاق می‌شود که بانک تحت این عنوان افتتاح و وجوه تودیع شده توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به این حساب را طبق نظر تودیع‌کننده وجوه و بر اساس شرایطی که به موجب قرارداد عاملیت منعقد فی ما بین تودیع‌کننده و بانک معین می‌شود، به صورت قرض‌الحسنه به اشخاص حقیقی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه اعطا می‌نماید.

در جدول زیر، به بررسی تفاوت‌ها و مشابهت‌های حساب‌های قرض‌الحسنه معمولی، ویژه و اختصاصی پرداخته شده است.

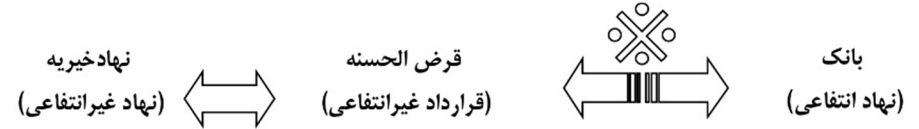
جدول (۱): بررسی ویژگی‌های حساب‌های قرض‌الحسنه معمولی، ویژه و اختصاصی

منافع بانک	خدمات‌دهنده	مدیریت منابع	مصارف	تأمین منابع	
کارمزد	بانک	بانک	وام قرض‌الحسنه	مشتریان عمومی بانک	حساب قرض‌الحسنه در بانک معمولی
کارمزد	بانک	بانک	وام قرض‌الحسنه به اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی فعال در امور خیریه	مشتریان عمومی بانک	حساب قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه
کارمزد	بانک	بانک	وام قرض‌الحسنه	مشتریان عمومی بانک	حساب صندوق قرض‌الحسنه بانک
کارمزد	بانک	بانی	وام قرض‌الحسنه	نهاد خیریه	حساب قرض‌الحسنه ویژه
کارمزد، سپرده‌گذاری (برگشت منافع)	بانک	بانی	وام قرض‌الحسنه سپرده بانی سرمایه در گردش بانی سرمایه بانی	مشتریان عمومی بانک (و مشتریان نهاد خیریه)	حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

شباهت عمده حساب‌های قرض‌الحسنه ویژه و اختصاصی، در مدیریت منابع است که به جای بانک در اختیار بانی حساب قرار دارد. تفاوت عمده این دو حساب در این است که در حساب قرض‌الحسنه

تخصیص درست منابع قرض‌الحسنه ندارد. صندوق‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها نیز هر چند به عنوان یک مؤسسه غیرانتفاعی تأسیس شده‌اند، اما تحت مدیریت بانک‌ها قرار دارند و اهداف متفاوت این دو نهاد می‌تواند منجر به تعارض منافع در مدیریت بانک و صندوق زیرمجموعه آن گردد. با توجه به تسلط بانک بر صندوق، نتیجه این تعارض مشخص خواهد بود.

تصویر (۲): جایگاه رابطه عقد قرض‌الحسنه با بانک و یک نهاد خیریه



روند اجرای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه را می‌توان به دو فرایند مدیریت منابع و ارائه خدمات تقسیم‌بندی نمود. در تسهیلات انتفاعی، این دو فرایند برای بانکداری سودآور می‌باشد. اما در حساب‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه، فرآیند مدیریت منابع شامل درآمد و سود نمی‌باشد. تنها فرآیند ارائه خدمات است که شامل درآمدی آن هم به صورت «کارمزد» می‌باشد.

در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، این دو فرایند از یکدیگر تفکیک شده‌اند. فرآیند مدیریت منابع، که بازدهی اقتصادی ندارد، بر عهده بانی حساب یا نهاد خیریه قرار گرفته و فرآیند ارائه خدمات، که نیازمند شعب و امکانات بسیار می‌باشد، و دارای بازده اقتصادی می‌باشد، بر عهده بانک می‌باشد. بدین صورت، بانک به جای مسئولیت در گردآوری و مصرف دقیق وجوه قرض‌الحسنه، تنها به عنوان یک خدمات‌دهنده به نهادهای خیریه عمل می‌کند و مسئولیت اجتماعی این امر از بانک‌ها به نهادهای خیریه‌ای منتقل می‌شود که بر اساس رسالت خود، پاسخ‌گویی در این زمینه خواهند بود. این مسئله، امکان سوء استفاده از این منابع در نظام بانکی را کاهش داده، و موجب افزایش سطح اعتماد عمومی به بانک‌ها و حساب‌های قرض‌الحسنه می‌شود.

تصویر (۳): ساختار وظایف ارکان در حساب‌های قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا



ویژه، منابع از سوی بانی تأمین می‌شود و صرف اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به اشخاص هدف می‌گردد. در مقابل، در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، منابع از سوی عامه مردم تأمین می‌شود و بانی می‌تواند آنها را صرف اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به اشخاص هدف نماید و یا صرف سایر مصارف خیریه در جهت موضوع فعالیت خود کند. امکان گردآوری وجوه، مزیت حساب قرض‌الحسنه اختصاصی بر حساب قرض‌الحسنه ویژه می‌باشد.

ایجاد و راه اندازی حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی در بانک‌ها نیز همچون حساب‌های قرض‌الحسنه ویژه، به راحتی با مصوبه شورای پول و اعتبار و یا حتی بانک مرکزی امکان‌پذیر می‌باشد. این حساب‌ها تعارضی با ساختار قانون بانکداری بدون ربا و سایر مقررات ندارند.

تفاوت حساب قرض‌الحسنه اختصاصی با اوراق قرض‌الحسنه

اوراق یا صکوک قرض‌الحسنه، اوراقی است بر پایه عقد قرض‌الحسنه، که توسط بانی برای مصرف وجوه در اهداف خیر منتشر شده، در سررسید ملزم به بازپرداخت اصل اوراق، می‌باشد. این اوراق، می‌تواند دارای جایزه باشند و قابلیت معامله ثانویه دارند (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰؛ موسویان، ۱۳۹۱، ص ۶۱). مشابهت حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، با اوراق قرض‌الحسنه در اختصاص وجوه به یک بانی و یا یک موضوع خاص و همچنین تفکیک منابع به دست آمده از منابع بانک می‌باشد. تفاوت این دو نیز در تبدیل حساب به اوراق بهادار و قابلیت معاملات ثانویه در اوراق قرض‌الحسنه می‌باشد.

بر اوراق قرض‌الحسنه، اشکالاتی وارد است که مانع از رغبت نهادهای خیریه در زمینه انتشار این اوراق شده است که عبارتند از: میل و رغبت کم سرمایه‌گذاران به این اوراق، به دلیل نبود بازده؛ هزینه بالای انتشار اوراق به دلیل وجود ارکان متعدد در انتشار اوراق؛ هزینه معاملات در این اوراق؛ الزام به بازپرداخت کل مبلغ اوراق در سررسید؛ و الزام به بازخرید در هنگام تمایل مشتریان و دوره ثابت و غیرقابل انعطاف. این موارد، امکان ریسک اعتباری و نقدینگی را برای بانی به وجود می‌آورد. حساب قرض‌الحسنه اختصاصی در ایجاد منابع قرض‌الحسنه اختصاصی برای بانی، با اوراق قرض‌الحسنه مشابهت دارد و ابزار مشابه بانکی آن به شمار می‌رود؛ ولی محدودیت‌های اوراق منتشره در بازار سرمایه را ندارد.

مصارف منابع حاصل از حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

منابع حاصل از حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، به تناسب اهداف و برنامه‌های بانی، که باید در امید نامه این حساب بیان شود، در موارد زیر قابلیت مصرف دارد:

- ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه از سوی بانی به اشخاص هدف؛
- تأمین سرمایه در گردش بانی با محوریت بانک خدمات‌دهنده؛
- خروج از بانک با هدف مصارف توسعه‌ای بلندمدت بانی؛
- سپرده بلندمدت در بانک؛

بانی می‌تواند وجوه حاصل در این حساب را از طریق بانک به اشخاص هدف، در موضوعاتی همچون ازدواج، تحصیل، مسکن و غیره صرف نماید. علاوه بر این، بانی می‌تواند وجوه را برای اهداف خیریه مورد نظر خود از بانک خارج نماید. خروج این منابع از بانک، می‌تواند برای اهداف توسعه‌ای بانی در بازه بلندمدت و یا برای اهداف عملیاتی و اجرایی بانی به صورت سرمایه در گردش در بازه میان‌مدت و کوتاه‌مدت صورت پذیرد. در هر یک از این سه روش، بانک باید برای پوشش ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری خود، سازوکارهای مناسب را به‌کار بندد.

در آخرین روش، بانی می‌تواند وجوه حاصل را از طریق سپرده‌گذاری در بانک عامل در جریان فعالیت سودآور اقتصادی قرار دهد. در مقابل، از سود این حساب‌ها بهره‌مند گردد. در این روش، ریسک اعتباری و نقدینگی برای بانک‌ها و بانی از بین می‌رود. از سوی دیگر، منابع قرض‌الحسنه از ترازنامه بانک‌ها حذف شده و تبدیل به منابع سپرده‌ای می‌گردد. بانک می‌تواند با اعطای تسهیلات انتفاعی از محل این منابع، به درآمدزایی مناسب برای خود بپردازد. همچنین با تبدیل سپرده‌ها به سپرده‌های میان‌مدت و بلندمدت، میزان ذخایر قانونی لازم برای بانک کاهش می‌یابد. این امر به نفع بانک می‌باشد. از سوی دیگر، منافع حاصل از انحراف منابع قرض‌الحسنه به تسهیلات دارای سود، به جای بانک به بانی (نهاد خیریه) منتقل می‌شود. این مسئله، علاوه بر حل مشکل سوءاستفاده بانک‌ها از این منابع، موجب کاهش انتقادات به بانک‌ها و کاهش ریسک شهرت آنها می‌شود.

مزایای حساب سپرده قرض‌الحسنه اختصاصی برای بانک‌ها

هر چند به ظاهر خروج منابع قرض‌الحسنه از ترازنامه بانک‌ها، دسترسی آنها را به منابعی ارزان قیمت قطع خواهد کرد، اما حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، منافع متعددی برای بانک‌ها دارد:

۱. ایفای مسئولیت اجتماعی: با خروج سپرده‌های قرض‌الحسنه از ترازنامه بانک و عدم الزام آنها به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه، مسئولیت اجتماعی منابع قرض‌الحسنه، مدیریت و چگونگی مصرف وجوه در وام‌های قرض‌الحسنه از بانک‌ها مرتفع گشته و این نهادهای مالی با آسوده خاطر به انجام وظایف اصلی واسطه‌گری مالی خود می‌پردازند.

۳. کارمزد ارائه خدمات به بانی: به ازای عاملیت بانک در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی و ارائه خدمات مالی به آن نهاد و مشتریان آن، بانک می‌تواند کارمزدهای متنوعی از بانی حساب، با توجه به تنوع خدمات دریافت نماید.

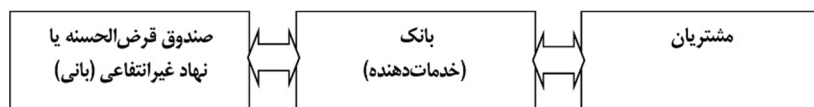
۴. دریافت حق ضمانت اعتباری و نقدینگی: در صورت خروج سپرده‌های قرض‌الحسنه از بانک توسط بانی برای اهداف توسعه‌ای بلندمدت و یا عملیاتی و اجرایی کوتاه‌مدت و میان مدت، بانک می‌تواند به ازای تحمیل ریسک اعتباری و نقدینگی به خود، از بانی حق ضمانت اعتباری و نقدینگی دریافت کند. به جز مورد اول، سایر موارد همگی منافع و درآمدهای جدید برای بانک‌ها از محل حساب قرض‌الحسنه اختصاصی هستند.

منافع حساب اختصاصی جهت نهادهای خیریه

بانی حساب قرض‌الحسنه اختصاصی را می‌توان به دو دسته کلی عموم نهادهای خیریه و صندوق‌های قرض‌الحسنه تقسیم کرد. نهادهای خیریه، می‌توانند اعم از نهادهای عمومی همچون کمیته امداد و یا بهزیستی و یا نهادهای خیریه تخصصی، همچون بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، خیریه‌های محلی و یا خاص و غیره باشند. مورد مصرف منابع حاصل، توسط بانی باید در امیدنامه حساب منتشر گردد. این گونه نهادهای خیریه، می‌توانند با ایجاد این حساب‌ها از منابع حاصل برای ایجاد سرمایه در گردش امور اجرایی و عملیاتی خود، توسعه پروژه‌ها و تکمیل طرح‌هایی همچون ساخت بیمارستان یا مدرسه، اعطای تسهیلات به مددجویان و یا بهره‌مندی از سود تسهیلات ناشی از این منابع، به عنوان درآمد جاری و سپس، مصرف در راستای اهداف بهره‌مند گردند.

صندوق‌های قرض‌الحسنه با توجه به کارکرد و تخصص خود از حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، می‌توانند برای گسترش فعالیت خود و افزایش دسترسی مشتریان به خدمات خود بهره‌مند گردند. بانک می‌تواند به عنوان واسطه این مؤسسات با مشتریان عمل کند.

تصویر (۵): رابطه مؤسسات قرض‌الحسنه به واسطه بانک با مشتریان خود از طریق حساب قرض‌الحسنه اختصاصی



استفاده از گستره شعب بانک‌ها، انجام عملیات اجرایی بانکی همچون دریافت‌ها و پرداخت‌ها و ارائه تسهیلات، دسترسی به سیستم‌های بین بانکی و مجازی و الکترونیکی مؤسسات قرض‌الحسنه، از مزایای

۲. بازاریابی و جذب مشتریان جدید: با ایجاد قرض‌الحسنه اختصاصی، مشتریان جدید نهادی (نهاد مالی خیریه) و عمومی (سپرده‌گذاران)، به خدمت جدید بانک (حساب قرض‌الحسنه اختصاصی) جذب می‌گردند. همچنین تعامل بانک با نهادهای خیریه معتبر موجب ایجاد شهرت و اعتبار اجتماعی برای بانک می‌شود که ریسک شهرت، آن را کاهش می‌دهد و موجب اعتماد اقبال مردم به آن می‌گردد.

۳. حفظ درآمد کارمزد: علی‌رغم حذف سپرده‌های قرض‌الحسنه و حذف کارمزدهای دریافتی از تسهیلات قرض‌الحسنه، بانک به اشکال گوناگون از جمله به صورت کارمزد اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از سوی بانی، کارمزد و سود اعطای تسهیلات دارای سود از محل سپرده‌های بانی نزد بانک و سایر درآمدها و کارمزدهای خدمات مالی به بانی منتفع می‌گردد.

۴. عدم الزام به نگهداری ذخیره قانونی: با حذف وجوه قرض‌الحسنه از ترازنامه، بانک الزامی به نگهداری ذخیره قانونی لازمه برای این وجوه، که عموماً بیش از سایر سپرده‌های مدت‌دار است، نخواهد داشت. ۵. تبدیل بخشی از وجوه قرض‌الحسنه به سپرده‌های سرمایه‌گذاری: از طریق حساب سپرده قرض‌الحسنه اختصاصی، بخشی از منابع حاصل از طریق تبدیل به سپرده‌های بانی، به بانک بازمی‌گردد. در نتیجه، بانک می‌تواند با تمرکز کامل بر کسب و کار اصلی خود، یعنی واسطه‌گری وجوه به اعطای تسهیلات انتفاعی و کسب درآمد برای خود و سپرده‌گذاران (بانی) پردازد.

۶. کاهش ریسک شهرت بانک: با انتقال وظیفه مدیریت منابع قرض‌الحسنه از بانک به یک مؤسسه خیریه معتبر و بر پایه همکاری مشترک یک بانک با این گونه مؤسسات، ریسک شهرت و اعتبار بانک کاهش یافته، و موجب افزایش سطح اعتماد عمومی به بانک می‌گردد.

درآمدهای بانک از ایجاد حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، امکان ایجاد درآمدهای متنوعی برای بانک دارد که در اینجا به آن اشاره می‌گردد:

۱. کارمزد ارائه تسهیلات: به ازای عاملیت بانک در ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به اشخاص هدف نهاد خیریه (بانی حساب)، بانک همچون گذشته می‌تواند به دریافت کارمزد پردازد. این کارمزد، می‌تواند علاوه بر تسهیلات گیرنده، از بانی نیز اخذ گردد.

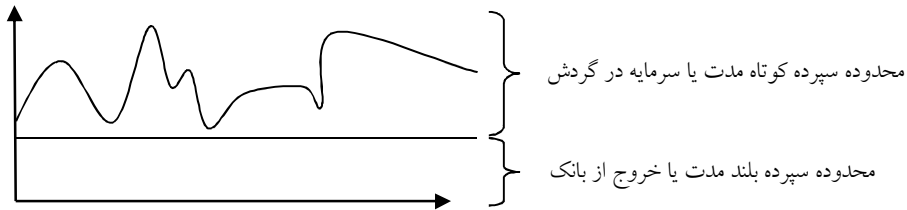
۲. سود ناشی از تسهیلات: در صورت سپرده‌گذاری منابع حاصل توسط بانی در بانک، سطح سپرده‌های سوددار بانک افزایش یافته، امکان ارائه تسهیلات انتفاعی توسط بانک افزایش می‌یابد که متضمن دریافت سود از این تسهیلات است.

شده است. از جمله پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند «ثواب صدقه ده برابر است و ثواب قرض دادن، هجده برابر است». اما امروزه بسیاری از افراد به اشخاص نیازمند و یا حتی به نهادهای خیریه به جای قرض، صدقه می‌دهند و دریافت قرض توسط این نهادها، کمتر متداول شده است. یکی از دلایل این مسئله، فقدان سازوکار مطمئن اعطای قرض‌الحسنه و بازپرداخت دارای تضمین آن، توسط این نهادها می‌باشد. در نتیجه، بسیاری از منابعی که خیرین آمادگی پرداخت آن را دارند، تبدیل به منابع بسیار کمتری به صورت صدقه می‌شود. حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، با تضمین بازپرداخت اصل پول برای خیرین، می‌تواند منبع مطمئنی برای تأمین مالی نهادهای خیریه باشد.

مدیریت ریسک نقدینگی در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

مهم‌ترین ریسک در حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، ریسک نقدینگی ناشی از نوسان مبالغ گردآوری شده در این حساب‌ها می‌باشد. بانک برای مدیریت ریسک نقدینگی خود در این حساب‌ها، می‌تواند راهکارهای مختلفی به کار گیرد. از جمله می‌تواند با توجه به ریسک نقدینگی و نوسانات مبالغ گردآوری شده در حساب، چگونگی مصرف منابع را توسط بانی محدود کند.

تصویر (۶): مدیریت نقدینگی در حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی



با توجه به دوره نوسانات منابع گردآوری شده، بانک می‌تواند سیاست‌های زیر، که در جدول ۲ بیان شده، را اعمال کند:

جدول (۲): مدیریت ریسک نقدینگی در حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی

نوسانات دوره‌ای	نحوه مصرف منابع	سود اعطایی به مانده منابع در حساب بانی
حداقل منابع در دوره بلندمدت (مثلاً بیش از یک سال)	خروج از بانک و یا سپرده بلندمدت در بانک	سود بلندمدت و یک ساله یا بیشتر
حداقل منابع در دوره میانمدت (مثلاً بیش از یک ماه)	سرمایه در گردش بانی یا سپرده میانمدت در بانک	سود میانمدت
حداقل منابع در دوره کوتاهمدت (مثلاً کمتر از یک ماه)	غیر قابل خروج از بانک (فقط سپرده دیداری)	سود روزشمار

این روش می‌باشد. ایده ایجاد صندوق قرض‌الحسنه توسط بانک‌ها و تفکیک فعالیت قرض‌الحسنه از سایر تسهیلات در بانک‌ها، نیز می‌تواند در این راستا تفسیر شود، چیزی که در ایده فعلی یعنی ایجاد صندوق قرض‌الحسنه توسط بانک‌ها مغفول مانده است، جدایی مدیریت صندوق قرض‌الحسنه از بانک است. صندوق‌های قرض‌الحسنه باید توسط مردم و بخش خصوصی، با رویکرد غیرانتفاعی و خیریه و نه توسط بانک‌ها مدیریت شوند. انتخاب بانی حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، از بین مؤسسات معتبر و دارای حسن شهرت اجتماعی موجب جذب بیشتر منابع قرض‌الحسنه و ایجاد اعتماد در مردم در مورد چگونگی استفاده از این وجوه و تقویت بنیه مالی و خدمات رسانی این مؤسسات می‌شود.

منافع حساب اختصاصی جهت عموم سپرده‌گذاران (خیرین)

حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، منافع متعددی برای خیرین و سپرده‌گذاران این حساب‌ها دارد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. افزایش انگیزه‌های معنوی در سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در بانک‌ها: با توجه به عدم اطلاع عمومی از چگونگی مصرف وجوه قرض‌الحسنه در بانک‌ها، مردم کمتر به سپرده‌های فعلی با هدف واقعی قرض‌الحسنه اقبال نشان می‌دهند و بیشتر، کسب جوایز از این حساب‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. با ایجاد حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی، سپرده‌گذاران با توجه به اعتبار و اهداف نهاد خیریه بانی این حساب، اقدام به سپرده‌گذاری نموده، عملکرد بانی را نیز مورد توجه قرار خواهند داد.

۲. افزایش اعتماد اجتماعی و نیل به قصد واقعی قرض‌الحسنه: با توجه به تخصص نهاد خیریه و حسن شهرت وی در اهداف نیکوکارانه مورد نظر سپرده‌گذاران و همچنین وجود دغدغه‌های لازم در مدیریت آنها، احتمال رسیدن به اهداف اصلی قرض‌الحسنه از سوی بانی معتبر بیش از بانک به نظر می‌رسد و احتمال سو استفاده از این منابع کاهش می‌یابد.

۳. افزایش شفافیت در مصرف وجوه: با روش‌های گوناگون همچون ایجاد نهاد ناظر بر این‌گونه حساب‌ها و یا ایجاد رکن متولی و حسابرس برای این حساب‌ها و یا الزام بانیان به ارائه گزارش‌های مختلف، می‌توان شفافیت در چگونگی مصرف وجوه قرض‌الحسنه در کشور و عملکرد بانیان مختلف این‌گونه حساب‌ها را افزایش داد.

۴. امکان اعطای جایزه و طرح‌های تشویقی به سپرده‌گذاران: همانند حساب‌های قرض‌الحسنه معمول، بانی می‌تواند برای سپرده‌گذاران جایزه و یا سایر طرح‌های تشویقی در نظر بگیرد.

۵. گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه: در منابع اسلامی تأکید بیشتری بر قرض‌الحسنه، نسبت به صدقه

تفکیک منابع قرض‌الحسنه از دیگر منابع بانکی، الزامات بر چگونگی مصرف منابع قرض‌الحسنه در بانک‌ها، ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه در بانک‌ها و همچنین تأسیس بانک‌های قرض‌الحسنه، که به‌طور اختصاصی به موضوع سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه می‌پردازند، از جمله این مواردند.

بانک‌ها، نهادهایی انتفاعی هستند که صلاحیت لازم برای انجام امور غیرانتفاعی نظیر قرض‌الحسنه را ندارند؛ زیرا قرض‌الحسنه عقدی است غیرانتفاعی که نیازمند اراده و دغدغه طرفین آن در امور خیر و الهی دارد. در تمامی راهکارهای مورد بررسی، همچون بانک قرض‌الحسنه و یا صندوق قرض‌الحسنه، بانک‌ها در نهایت مدیریت منابع در اختیار بانک‌ها را به عنوان نهادهای انتفاعی در اختیار دارند. به نظر می‌رسد، تفویض مدیریت وجوه قرض‌الحسنه به بانک‌ها در نظام بانکداری بدون ربا، سیاستی نادرست بوده و باید مدیریت این وجوه از بانک‌ها سلب و در اختیار نهادهای ذی‌صلاح دیگری، همچون نهادهای خیریه و مؤسسات قرض‌الحسنه قرار گیرد. این مسئله امکان سو استفاده از این منابع در نظام بانکی را کاهش داده، و موجب افزایش سطح اعتماد عمومی به بانک‌ها و حساب‌های قرض‌الحسنه می‌گردد. علاوه بر نهادها، ابزارهای متفاوتی همچون حساب قرض‌الحسنه ویژه و اوراق قرض‌الحسنه برای این مهم تعریف گردیده است.

راهکار ارائه شده در این مقاله، «حساب قرض‌الحسنه اختصاصی» یا «حساب قرض‌الحسنه خاص»؛ یعنی حسابی که طی آن بانک به‌طور اختصاصی برای بانی و به نام وی، وجوه عمومی را به صورت قرض‌الحسنه از عموم دریافت می‌کند، و طبق شرایط اعلامی این حساب، برای سپرده‌گذاران در اختیار بانی قرار می‌دهد تا در جهت اهداف اعلام شده مورد استفاده قرار گیرد. این حساب، با جداسازی فرآیند مدیریت منابع از فرآیند ارائه خدمات و تفویض مدیریت منابع به نهادهای خیریه و قرار دادن بانک تنها در مقام ارائه‌دهنده خدمات، تعارض ذاتی موجود در عقد قرض‌الحسنه با اهداف ذاتی انتفاعی بانک را از بین می‌برد.

امکان گردآوری وجوه برای بانی یا نهادهای خیریه، مزیت حساب قرض‌الحسنه اختصاصی بر حساب قرض‌الحسنه ویژه می‌باشد. حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، در ایجاد منابع قرض‌الحسنه اختصاصی برای بانی، با اوراق قرض‌الحسنه مشابهت دارد، و محدودیت‌های اوراق منتشره در بازار سرمایه را نیز ندارد. ایفای مسئولیت اجتماعی، بازاریابی و جذب مشتریان جدید، حفظ درآمد کارمزد، عدم الزام به نگهداری ذخیره قانونی و تبدیل بخشی از وجوه قرض‌الحسنه، به سپرده‌های سرمایه‌گذاری، از جمله مزایای حساب سپرده قرض‌الحسنه اختصاصی برای بانک‌ها است.

بانک به ازای مدیریت ریسک نقدینگی منابع حساب، می‌تواند از بانی کارمزد ضمانت نقدینگی حساب دریافت کند.

مدیریت ریسک اعتباری در حساب قرض‌الحسنه اختصاصی

از آنجاکه منابع حاصل از حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی توسط بانی، از مردم قرض گرفته شده است، بازپرداخت این وجوه نیز بر عهده بانی می‌باشد. از این‌رو، بانک در ابتدا در معرض ریسک اعتباری از سوی این حساب‌ها نمی‌باشد. اما ممکن است به دلیل الزام بانک مرکزی، نگرانی از لطمه به اعتبار و ریسک شهرت خود و یا درخواست بانی، بازپرداخت این وجوه را به سپرده‌گذاران تضمین کند. در این صورت، باید مدیریت ریسک اعتباری در این حساب‌ها را نیز مورد توجه قرار دهد. منابعی از حساب که توسط بانی از بانک خارج شده‌اند، در معرض ایجاد ریسک اعتباری هستند. بانک برای مدیریت ریسک اعتباری خود، به تناسب چگونگی مصرف وجوه توسط بانی، می‌تواند راهکارهای مختلفی را در پیش گیرد که در جدول ۳ به آن اشاره شده است.

جدول (۳): مدیریت ریسک اعتباری در حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی

مصارف منابع حساب توسط بانی	راهکار مدیریت ریسک اعتباری بانک
ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به اشخاص هدف	انتقال ریسک اعتباری تسهیلات پرداختی به بانی اخذ تضامین از تسهیلات‌گیرنده و پیگیری بازپرداخت وام به عاملیت از بانی اخذ تضامین لازم از بانی وثیقه‌گیری بخشی از منابع به صورت سپرده نزد بانک
تأمین سرمایه در گردش	اخذ تضامین لازم از بانی وثیقه‌گیری بخشی از منابع به صورت سپرده نزد بانک
خروج از بانک جهت مصارف توسعه‌ای بلندمدت	اخذ تضامین لازم از بانی وثیقه‌گیری بخشی از منابع به صورت سپرده نزد بانک
سپرده بلندمدت در بانک	عدم وجود ریسک اعتباری برای بانک

بانک به ازای مدیریت ریسک اعتباری و تضمین وجوه موجود در حساب، می‌تواند از بانی کارمزد ضمانت اعتباری حساب دریافت کند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیار و اغلب ناکامی برای اصلاح نظام بانکداری بدون ربا، به‌ویژه در بخش مدیریت وجوه قرض‌الحسنه صورت گرفته است. تلاش بر نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه،

کارمزد ارائه تسهیلات، سود ناشی از تسهیلات، کارمزد ارائه خدمات به بانی و دریافت حق ضمانت اعتباری و نقدینگی، از جمله درآمدهای بانک ناشی از ایجاد حساب قرض‌الحسنه اختصاصی می‌باشد. گسترش فعالیت و افزایش دسترسی مشتریان به خدمات، استفاده از گستره شعب بانک‌ها، انجام عملیات اجرایی بانکی همچون دریافت‌ها، پرداخت‌ها و ارائه تسهیلات، دسترسی به سیستم‌های بین بانکی و مجازی و الکترونیکی از جمله مزایای این روش برای مؤسسات قرض‌الحسنه می‌باشد.

جذب منابع جدید به صورت قرض‌الحسنه، تقویت بنیه مالی و خدمات رسانی، کاهش احتمال سوءاستفاده از منابع، از مزایای انتخاب مؤسسات خیریه معتبر، به عنوان بانی در حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی می‌باشد.

گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه، افزایش اهداف معنوی در سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در بانک‌ها، افزایش نیل به قصد واقعی قرض‌الحسنه، افزایش شفافیت در مصرف وجوه و امکان اعطای جایزه و طرح‌های تشویقی به سپرده‌گذاران، از جمله منافع حساب اختصاصی برای عموم سپرده‌گذاران و خیرین می‌باشد.

کنترل و محدودیت چگونگی استفاده بانی از وجوه و دریافت ضمانت نقدینگی، از راهکارهای مدیریت ریسک نقدینگی در حساب‌های قرض‌الحسنه برای بانک‌ها اختصاصی می‌باشد.

انتقال ریسک اعتباری تسهیلات پرداختی به بانی، اخذ تضامین از تسهیلات‌گیرنده و پیگیری بازپرداخت وام به عاملیت از بانی، اخذ تضامین لازم از بانی و گرفتن وثیقه بخشی از منابع به صورت سپرده نزد بانک، از جمله راهکارهای مدیریت ریسک اعتباری در حساب‌های قرض‌الحسنه برای بانک‌ها اختصاصی می‌باشد.

حساب قرض‌الحسنه اختصاصی، به عنوان یک ابزار نوین مالی، علاوه بر اصلاح نظام مالی قرض‌الحسنه، روابط نهادهای ذی‌نفع در این نظام را نیز اصلاح می‌نماید.

حساب قرض‌الحسنه اختصاصی و سایر راهکارهای ارائه شده در مقاله برای منابع قرض‌الحسنه در کنار راهکار مشارکت در سود و زیان (PLS) برای منابع انتفاعی بانک‌ها، می‌تواند تحول بخش نظام بانکداری اسلامی در ایران باشد.

منابع

احمدی، علی محمد و دیگران، ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد»، در: *همایش اقتصاد اسلامی و توسعه بانک و اقتصاد*، ۱۳۸۶، «عملکرد بانک‌ها در زمینه گرفتن و دادن قرض‌الحسنه»، ش ۸۶ ص ۴۹.

حبیبیان نقیعی، مجید، ۱۳۸۱، «قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، *نامه مفید*، ش ۳۱، ص ۱۲۳ - ۱۵۰.
حسن‌زاده، علی و مهین‌دخت کاظمی، ۱۳۸۳، «صندوق‌های قرض‌الحسنه ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۶، ص ۵۷ - ۷۶.

حشمتی مولایی، حسین، ۱۳۸۸، «تأثیر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه بر توسعه مالی»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ش ۶، ص ۱۰۹ - ۱۳۸.

طیبنیا، علی، ۱۷ تیر ۱۳۹۳، «رفع مشکل وام ازدواج طی ۲ ماه آینده/ اصلاح اعطای جوایز قرض‌الحسنه توسط بانک مرکزی»، بازپایی شده در: <http://isna.ir/fa/news/93041710106/>، ۹۳۰۴۱۷۱۰۱۰۶.

عرب مازار، عباس و سعید کیقبادی، ۱۳۸۵، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۲، ص ۶۱۳-۴.
عزتی، مرتضی، ۱۳۵۸ و ۱۳۸۶، «عوامل مؤثر بر به‌کارگیری پول برای کسب سود یا اعطای قرض‌الحسنه»، *دین و اقتصاد*، ش ۳ و ۴، ص ۲۴ - ۴۳.

عسگری، جعفر، ۱۳۷۱، «بررسی عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران»، در: *دومین سمینار سیاست‌های پولی و ارزی*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.

قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۵۳، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کمیجانی، اکبر و علی اصغر هادوی‌نیا، ۱۳۷۷، «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، *نامه مفید*، ش ۱۴، ص ۲۳۳ - ۲۵۴.

محقق‌نیا، محمدجواد، ۱۳۸۹، «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱، ص ۱۴۱ - ۱۶۲.

— ۱۳۹۲، *طرحی نو در قرض‌الحسنه*، تهران، گرایش تازه.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۵، «الگوی جدید بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۳، ص ۱۱ - ۵۰.

— ۱۳۹۱، *بازار سرمایه اسلامی (۱)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، *تحریر الوسیله*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

میرجلیلی، سیدحسین، ۱۳۸۳، «الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران»، *نامه مفید*، ش ۴۲، ص ۶۵ - ۹۲.

هادوی‌نیا، علی اصغر، ۱۳۸۰، «اوراق قرض‌الحسنه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ص ۸۳ - ۱۰۴.

Quarterly, Vol. 25, No. 2, P. 115 - 146.

Mirakhor, A. and Iqbal, Z., 2007, "Qard hasan microfinance (QHMF)", *New Horizon, Global Perspective on Islamic Banking and Finance*, No. 164, P. 1 - 20.

Mojtahed, Ahmad, Hassanzadeh Ali, 2011, "The Evaluation of Qard-al-Hasan as a Microfinance Approach in Poverty Alleviation Programs (Case study of Iran.I.R.)", *Money and Economy*, Vol. 5, No. 3, P. 1 - 32.

Saqib, Lutfullah, Mueen Aizaz Zafar, Khurram Khan, Kellie W. Roberts, Aliya Mueen Zafar, 2015, "Local agricultural financing and Islamic banks: is Qard-al-Hassan a possible solution?", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 6 Iss: 1, P. 122 – 147.

راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آونمان پذیرفته می‌شود: ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید: ۳. در صورت تغییر نشانی، اداره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید: ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید: ۵. بهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشد: ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید. فروشگاه الکترونیک <http://eshop.iki.ac.ir>

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	تک‌شماره (ریال)	یک‌ساله (ریال)	از شماره تا شماره
۱.	دو فصل نامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۲.	دو فصل نامه «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۳.	دو فصل نامه «قرآن شناخت»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۴.	دو فصل نامه «معرفت سیاسی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۵.	دو فصل نامه «معرفت کلامی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۶.	فصل نامه «روان‌شناسی و دین»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۱۴۰.۰۰۰	
۷.	فصل نامه «معرفت ادیان»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۱۴۰.۰۰۰	
۸.	فصل نامه «معرفت فرهنگی اجتماعی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۱۴۰.۰۰۰	
۹.	فصل نامه «معرفت فلسفی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۱۴۰.۰۰۰	
۱۰.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی – پژوهشی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۱.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی – ترویجی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۲.	دو فصل نامه «معارف عقلی»	علمی – ترویجی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۳.	دو فصل نامه «معرفت اخلاقی»	علمی – ترویجی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۴.	ماهنامه «معرفت»	علمی – ترویجی	۳۵.۰۰۰	۴۲۰.۰۰۰	
۱۵.	دو فصل نامه «عیار پژوهش در علوم انسانی»	علمی – تخصصی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۶.	دو فصل نامه «حکمت عرفانی»	علمی – تخصصی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۷.	دو فصل نامه «معارف منطقی»	علمی – تخصصی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۸.	دو فصل نامه «اندیشه‌های حقوق عمومی»	علمی – تخصصی	۳۵.۰۰۰	۷۰.۰۰۰	
۱۹.	فصل نامه «پویایی در علوم انسانی»	علمی – تخصصی	۳۵.۰۰۰	۱۴۰.۰۰۰	
۲۰.	Semiannual «Horizons of Thought»	علمی – تخصصی	۱۵ دلار	۳۰ دلار	

نام نشریه:

مدت اشتراک:

مبلغ واریزی:

فرم درخواست اشتراک

اینجانب:	استان:	شهرستان:
خیابان / کوچه / پلاک:		
کد پستی:		
صندوق پستی:		
تلفن: (تایم)..... (همراه)..... ۰۹.....		
مقاضی دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.		
لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت..... به آدرس فوق ارسال فرمایید.		
در ضمن فیش بانکی به شماره: مبلغ:		
ریال به پیوست ارسال می‌گردد.		
امضا		

الملخص

تداول قيمة الفائدة المالية والنمو الاقتصادي

رحيم دلالي اصفهاني / أستاذ مساعد في فرع الاقتصاد - جامعة اصفهان

dallali@ase.ui.ac.ir
es.mohammady@yahoo.com

رحيم دلالي اصفهاني / استاذ مشارك في جامعة اصفهان
إسماعيل محمدي / طالب دكتوراه في جامعة المهدي اصفهان
الوصول: ١٨ شعبان ١٤٣٥ - القبول: ٣ صفر ١٤٣٦

الملخص

إنّ المسائل المتعلقة بقيمة الفائدة المالية في تأريخ الفكر الاقتصادي كانت واحدة من أكثر المسائل الاقتصادية إثارة للبحث والنقاش، وقد طرح خبراء علم الاقتصاد آراء متباينة على هذا الصعيد، لذا فمن الضروري بمكان دراسة وتحليل تبادل قيمة الفائدة والنمو الاقتصادي. الفرضية المطروحة في هذه المقالة هي كالتالي: هناك علاقة سلبية بين قيمة الترحيح الزمني وقيمة النمو الاقتصادي، وتبعاً لذلك فإنّ هذه العلاقة تصدق أيضاً بين قيمة الفائدة المالية وقيمة النمو. ولأجل اختبار مدى صحة هذه الفرضية قام الباحثان في بادئ الأمر بطرح نموذج رياضي بغية تقييم واقع العلاقة بين هذين المتغيرين، ومن ثمّ تطرّقاً إلى دراسة العلاقة بين قيمة الفائدة المالية وقيمة النمو الاقتصادي في إيران طوال الفترة الواقعة بين ١٣٥١هـ. ش. إلى ١٣٨٦هـ. ش. وذلك اعتماداً على برنامج (ليزرل)، كما قاما بدراسة وتحليل قيمة فوائد التسهيلات المالية بصفتها بدائل لقيمة الفائدة المالية بين الأعوام ١٣٦٢هـ. ش. - ١٣٦٨هـ. ش. أما النتائج فقد أثبتت صحة الفرضية المطروحة وأشارت إلى أنّ قيمة الترحيح الزمني، وتبعاً لذلك قيمة الفائدة المالية طوال الفترة الزمنية التي خصّص البحث فيها، قد كان لها تأثير سلبي على النمو الاقتصادي.

كلمات مفتاحية: قيمة الفائدة المالية، النمو الاقتصادي، الثروة الإنسانية، قيمة الترحيح الزمني، ليزرل

تصنيف JEL: O42, E43, P4.

مكانة الضرائب التضخّمية في الاقتصاد الإسلامي

wvffireedcc@gmail.com

نصرالله خليلي تيرتاشي / أستاذ في جامعة آزاد الإسلامي، نراق

الوصول: ٢٧ ذي الحجة ١٤٣٥ - القبول: ٢٠ جمادى الاول ١٤٣٦

الملخص

قيام الحكومات بطباعة النقود دون خلفية مالية يعتبر واحداً من الطرق المتبعة للكسب المالي اللازم لتوفير النفقات العامة في الاقتصاد المتعارف، وبالطبع فإنّ ترويج العملة بشكل يفوق النمو الاقتصادي يؤدي إلى قدرة الحكومة على شراء أموال الشعب ويسفر عن ارتفاع مستوى الطلب العام وازدياد معدل التضخم؛ وهذا الأمر يعرف في علم الاقتصاد بأنّه (ضرائب تضخّمية). على الرغم من أنّه اليوم يتمّ الاعتماد على الضرائب التضخّمية بصفتها إحدى الأساليب المتداولة لتوفير الأموال اللازمة لسدّ النقص في الميزانية، لكنّ لحال الآن لم يتمّ طرح تحليل دقيق لمشروعية الموضوع في رحاب الاقتصاد الإسلامي، ومن هذا المنطلق فإنّ محور البحث في هذه المقالة هو دراسة وتحليل مدى مشروعية الضرائب التضخّمية في الاقتصاد الإسلامي. أمّا نتائج البحث فقد أثبتت أنّ الضرائب التضخّمية ليست لها مكانة في الاقتصاد الإسلامي ولا يمكن اعتبارها من المصادر المشروعة للدخل المالي في الحكومة الإسلامية، وذلك لأنها تتعارض مع المقاصد الاقتصادية للشريعة، أي أنّها تتنافى مع إقامة القسط والعدل ومكافحة الفقر وعدم تكديس الثروة بأيدي الطبقة المرفهة، وكذلك تتناقض مع أصل القدرة على الدفع ولا تنسجم مع آية التجارة وآية البخس ومصالح الإسلام والمسلمين وقاعدة الأهمّ والمهم وضرورة الوفاء بالالتزامات.

كلمات مفتاحية: الضرائب التضخّمية، الاقتصاد الإسلامي، عجز الميزانية، طباعة النقود، السياسة المالية

تصنيف JEL: E58, P24, E59, P49.

دور بورصة السندات المالية في تحقّق السياسات العامة للاقتصاد المقاوم

محمّدنقى نظربور / أستاذ مساعد في فرع الاقتصاد – جامعة مفيد

nazarpur@mofidu.ac.ir

يحيى لطفى نيا / حائز على شهادة ماجستير في الاقتصاد الإسلامي – جامعة مفيد

Yaya.lotfinia@yahoo.com

الوصول: ٢٠ شوال ١٤٣٥ - القبول: ٩ ربيع الثاني ١٤٣٦

مؤشّرات الصيرفة الإسلامية

محمّد جواد توكلّي / أستاذ مساعد في مؤسّسة الإمام الخميني (ره) للتعليم والبحوث

tavakoli@iki.ac.ir

عبد الخالق كريمي / طالب دكتوراه في القرآن والاقتصاد بجامعة المصطفى العالمية

abkarimi58@gmail.com

الوصول: ١٧ رمضان ١٤٣٥ - القبول: ٢ ربيع الاول ١٤٣٦

الملخص

إنّ توسيع نطاق الصيرفة الإسلامية في العقود الأخيرة قد ضاعف من أهميّة تدوين مؤشّرات خاصّة بتقييم مدى تحقّق أهدافها، والسؤال الأساسى المطروح في هذه المقالة يتلخّص فيما يلي: كيف يمكن تقييم أوضاع الصيرفة الإسلامية؟ النتائج التي توصل إليها الباحثان في هذه المقالة التي دوتت وفق منهج بحث تحليلي، تشير إلى أنّ مراعاة المعايير الإسلامية الفقهية وتحقّق أهداف الشريعة يؤلّفان بُعدين لمحورين في الصيرفة الإسلامية. مكوتات البعد الأوّل هي عبارة عن ترك الرياء والجهل والفساد ومراعاة فقه العقود، وأمّا مكوتات البعد الثاني فهي تتلخّص في الفائدة العملية والتناسق الفكري لقطاع الصيرفة والشخصيات الحقيقية والعدل وأداء المسؤولية الاجتماعية وإكرام الزبائن وترويج القروض الحسنة. ولأجل تقييم مستوى مراعاة المعايير الفقهية لمؤشّرات العقد الحقيقي، قام الباحثان في هذه المقالة بتسليط الضوء على المعلومات الخاصّة بالصيرفة الإسلامية والمعلومات الخاصّة بمضمون العقد والسلامة المصرفية والتخصيص في مجال العقد والمستحقّات غير المعوّقة، ولأجل تقييم إمكانية تحقّق أهداف الشريعة قاما بطرح وتحليل مؤشّرات الفائدة العملية وهامش الفائدة المصرفية والمساواة في الفرص والتسهيلات غير المبتنية على المحسوبة وإمهال المعسرّ وتوازن التسهيلات إقليمياً ومنح أجور عادلة وتخصيص تسهيلات تكليفية وتأمين مالي أمثل ودفع التسهيلات بالوقت المناسب وتخصيص القروض الحسنة. أمّا الدالّ المقترح للصيرفة الإسلامية فهو يكمن في المتوسط البسيط لمؤشّرات مراعاة المعايير الفقهية وتحقّق أهداف الشريعة.

كلمات مفتاحية: الصيرفة الإسلامية، المصرف الإسلامي، المؤشّر، الدالّ، مقاصد الشريعة

تصنيف JEL: E59, C43, P4.

الملخص

في السنوات الأخيرة أصبح مصطلح (الاقتصاد المقاوم) واحداً من المصطلحات الاقتصادية المتداولة في إيران، حيث تمّ طرحه بواسطة قائد الثورة الإسلامية للدلالة على التصدي للضغوط والتهديدات الاقتصادية التي يواجهها بلدنا من قبل الاستكبار العالمي. الهدف من تدوين هذه المقالة هو السعي لمعرفة الأهداف الاقتصادية لأمد يبلغ عشرين عاماً في ظروف يعاني منها بلدنا اقتصادياً إثر مختلف أنواع الضغط والحظر لدرجة أنّ اقتصادنا أصبح يمرّ بمرحلة متواصلة من النمو الداخلي كى يبقى ثابتاً ومستقراً دون أن يواجه ركوداً يززع أركانه. وبالطبع فإنّ تحقيق هذا النموّ يتطلّب رفع معدل التوفير والاستثمار وكذلك توجيه السيولة النقدية بنحو أمثل نحو نشاطات اقتصادية إنتاجية، وفي هذا المضمار فإنّ الأسواق المالية لها دور مالي هامّ ومن شأنها المساعدة في المجال الواقعي للاقتصاد للتوصل إلى أهدافها. قام الباحثان في هذه المقالة بدراسة وتحليل دور السندات المالية في تحقّق برامج وسياسات الاقتصاد المقاوم، وذلك لأجل طرح أساليب ناجعة ومؤثّرة لتطبيق السياسات العامة للاقتصاد المقاوم. أمّا نتائج البحث فقد أثبتت أنّ بورصة السندات المالية لها تأثير مشهود على صعيد تحقّق السياسات العامة لهذا النمط من الاقتصاد حيث يتحقّق ذلك عن طريق التأمين المالي للشركات التأسيسية وإيكال المؤسسات الحكومية في إطار طرح أسهم دعم الإنتاج وعرض البضائع الاستراتيجية في بورصة مخصّصة للبضائع وتحويل هذه السندات إلى وثائق دولية.

كلمات مفتاحية: الاقتصاد المقاوم، بورصة السندات المالية، البورصات المتخصصة بالبضائع، التأمين المالي، أسهم دعم الإنتاج.

تصنيف JEL: G00, O16, P49.

نظرة على منهجية الشهيد الصدر في الاقتصاد الإسلامي من زاوية أخرى

عبد الحميد معرفي محمدي / أستاذ مساعد في جامعة اصفهان

ahmhamid@yahoo.com

الوصول: ٢ ذى القعدة ١٤٣٥ - القبول: ٤ ربيع الثاني ١٤٣٦

الملخص

على الرغم من أهمية منهجية الشهيد الصدر في تطوير الاقتصاد الإسلامي، لكن لحد الآن لم تجر دراسات تفي بالغرض على صعيد بيان طبيعتها وجوهرها، ومن هذا المنطلق قام الباحث في هذه المقالة ببيان منطق الاستدلال في هذه المنهجية، وذلك وفق أسلوب بحث تحليلي. الفرضية الأساسية التي تركز عليها هذه المقالة هي أن الشهيد الصدر قد اعتمد على منطق استدلالى مختلف عن سواه مما هو متعارف بين الفقهاء السالفين، فهذا الأسلوب الاستدلالي يعتبر مبنى أساسى لتعريف أسلوب استكشاف المدرسة الاقتصادية وعلم الاقتصاد والفصل بينهما. أما نتائج البحث فقد اثبتت أن وجهته تشابه إلى حد كبير منهجية الفيلسوف الغربى كانظ في استثمار المعايير الاستدلالية لتحقق الظروف اللازمة لإمكانية التجربة والوحدة التنظيمية للعلم. وفى هذا المضمار قام الشهيد الصدر بإعادة إنشاء مجموعة من المفاهيم بصفتها شرطاً لإمكانية تحقق علم اقتصاد إسلامى فى رحاب مدرسة الاقتصاد الإسلامى التى هى وحدة منتظمة، حيث استخدم مجموعة من الأحكام الفقهيّة كمعطيات علمية كى يتوصل إلى مبادئ وقواعد فكرية فى ظلّ الفرضية القائلة بصدق هذه المعطيات فى ظلّ أسلوب الرجوع الذى يحمل عنوان (القياس الاستدلالي)، ومن الجدير بالذكر أن الاقتصاد الإسلامى يتحقق فى ظلّ هذه الأصول والقواعد.

كلمات مفتاحية: الشهيد الصدر، المنهجية، الوجهة الاستدلالية، الاقتصاد الإسلامى

تصنيف JEL: P4, B41, H73

دراسة تحليلية حول الأحكام الحكومية لرسول الله ﷺ فى مجال الاقتصاد الزراعى

السيد على الحسينى / أستاذ مساعد فى جامعة الإمام الصادق

sa_h114@yahoo.com

الوصول: ٦ محرم ١٤٣٦ - القبول: ١٥ جمادى الاول ١٤٣٦

الملخص

الأحكام الحكومية هى قرارات يتمّ اتّخاذها من قبل قائد الحكومة الإسلامية فى إطار الأحكام الشرعية وعلى أساس المصلحة والعدالة، وذلك بغية تطوير المجتمع الإسلامى على الصعيدين المادى والمعنوى. لقد تصدىّ النبىّ الأكرم ﷺ إلى قيادة المجتمع سياسياً وحكومياً فضلاً عن قيادته الدينية، وقام بإصدار أحكام حكومية بهدف إدارة المجتمع فى إطار صحيح وبنّاء، وهذه الأحكام قد اتّخذها من واقع كونه قائداً يتصلّى لمنصب الرئاسة والزعامة الحكومية. فى تلك الأونة كانت الزراعة واحدة من أهمّ أبعاد المجتمع الإسلامى وشؤون الحكومة الدينية التى تصدى لها الرسول ﷺ، فهو فى هذا المضمار أصدر أحكاماً عديدة ومنوعة من هذا القبيل، حيث قام من خلال الأحكام الحكومية الخاصة بإيكال الكثير من الأراضى والمياه والمحاصيل الزراعية وفق أساليب مختلفة، كما أنه حدّد على هذا الصعيد شروطاً خاصة هنا، كالإيمان والإعمار والبناء. إن هذه السياسة قد نجم عنها تحقّق الكثير من الإنجازات، من قبيل انتعاش المشاغل ورقىّ مستواها وإزالة الفقر ورفع مستوى الأعمال النافعة وتخصيص المصادر بشكل أمثل، وبالتالي نتج عن ذلك تحقيق تنمية وتطور على صعيد القطاع الزراعى ممّا أدّى إلى انتعاش الاقتصاد.

كلمات مفتاحية: الأحكام الحكومية، الزراعة، النبىّ الأكرم ﷺ، الإقطاع.

تصنيف JEL: P4, Q18, P32, J43

Special Interest-Free Accounts An Optimal Solution

for Direction and Management of Interest-Free Resources in Islamic Banking System

Sayed Abbas Musavian/ associate professor of research center for culture and Islamic thought

samosavian@yahoo.com

Ali Rah Neshin/ PhD. Student of financial management, Imam Sadegh University arraad@gmail.com

Received: 2014/10/20 - Accepted: 2015/02/27

Abstract

Managing and using interest-free resources has always been a challenge to the interest-free banking. Through introducing new accounts as especial interest-free accounts, this paper presents an appropriate solution for the management of these resources. Especial interest-free account is a kind of account in which the bank specifically receives interest-free funds from people and transfers it to the account holder's name. Under the terms of this account, money is given to the account holder so that he/she can use it for the stated purposes. This paper investigates the structure and the interests of these accounts for various stakeholders including depositors, banks and charitable foundations (sponsors) and finally, liquidity and credit risks in these accounts.

Key words: interest-free, Accounts, interest-free banking, Islamic banking.

JEL: P4, H81, E43, G21

الحسابات المصرفية الموسومة بـ (قرض الحسنة الاختصاصية)

السبل المثلى لتوجيه مصادر (قرض الحسنة) في النظام المصرفي الإسلامي وإدارتها

samosavian@yahoo.com

السيد عباس موسويان / أستاذ مشارك في مركز دراسات الثقافة والفكر الإسلامي

arraad@gmail.com

علي راه نشين / طالب دكتوراه في فرع الإدارة المالية - جامعة الإمام الصادق

الوصول: ٢٤ ذي الحجة ١٤٣٥ - القبول: ٧ جمادى الأولى ١٤٣٦

المخلص

إنّ كيفية إدارة مصادر الحساب المصرفي الموسوم بـ (قرض الحسنة) وطريقة إنفاقها، كانت دائماً من التحديات الكامنة في طريق النظام المصرفي الإسلامي اللاربوي. قام الباحثان في هذه المقالة بطرح أنماط جديدة من الحساب تحت عنوان حساب قرض الحسنة الاختصاصي بصفتها حلاً مناسباً لإدارة شؤون هذه المصادر، وفي هذه الأنماط يقوم المصرف بأخذ مبالغ مالية بصفتها قرض الحسنة من جميع أعضائه وذلك بشكل اختصاصي حيث يتم استلامها للمؤسس وباسمه. حسب شروط الخاصة بهذا الحساب، فإنّ الأموال المودعة في المصرف تكون تحت تصرف المؤسس كي يستثمرها في الأهداف المعلنة. قام الباحثان في هذه المقالة بدراسة وتحليل هيكلية ومنافع هذا النمط من الحساب لمختلف المستفيدين منه، وبمن فيهم أصحاب الودائع المالية وسائر المصارف والمؤسسات الخيرية (المؤسسون الخيرون)، وبالتالي تطرّقاً إلى الحديث عن المجازفات الكامنة في السيولة التقديرية والاعتبارية في هذا الحساب.

كلمات مفتاحية: قرض الحسنة، الصيرفة اللاربوية، الصيرفة الإسلامية.

تصنيف JEL: P4, H81, E43, G21

Martyr Sadr's Methodology for Islamic Economics; A Different View Point

Abdul Hamid Marefi Mohammadi/ Assistant professor of Isfahan University. ahmhamid@yahoo.com

Received: 2014/08/29 - **Accepted:** 2015/01/26

Abstract

Despite the importance of martyr Sadr's methodology for developing Islamic economics, there has been a paucity of research on the nature and essence of it. Using an analytical method, this paper explains the logic of reasoning in his methodology. According to the hypothesis of the paper, martyr Sadr sought to use a different logic for reasoning. This logic is different from the logic of traditional jurists' predecessors. This logic has been the basis for introducing the method of discovery and separation between Islamic Doctrine and Islamic economics. The research results show that Sadr's approach is very similar to Kant's methodology in using transcendental syllogisms for meeting the conditions for the possibility of experience and the systemic unification of science. In this regard, martyr Sadr reconstructs the school of Islamic economics as a unified system, a set of propositions and as a condition for the possibility of Islamic economics. In this reconstruction, he applies a combination of jurisprudential decrees as data so that through hypothesizing the veracity of these data in a recursive method called "transcendental syllogism", he can reach ideological principles and tenets in whose framework Islamic economics is possible.

Key words: martyr Sadr, methodology, transcendental approach, Islamic economics.

JEL: P4, B41, H73.

An Analysis of Prophet's Governmental Laws in the Agricultural Economics

Sayyed Ali Hussein/ assistant professor of Imam Sadeq University. sa_h114@yahoo.com

Received: 2014/10/31 - **Accepted:** 2015/03/07

Abstract

Governmental laws are decisions taken by the leader of an Islamic state, within the framework of religious rulings and in accordance with the expedience and justice, for the material and spiritual development of an Islamic society. Since the messenger of God took the political and governmental leadership of the Islamic society as well, he issued governmental decrees for Managing the community constructively. These decrees emanated from his governmental leadership and management. In that period, agriculture was one of the most important aspects of Islamic society and had a significant position in prophet's divine government. In this area, the prophet issued numerous and diverse governmental laws. Along with governmental laws related to land, water, animals and plants, he transferred them to people in different ways. He determined conditions such as faith, development and prosperity for transferring them to people. This policy making led to generating successful businesses, raising employment level, reducing poverty, improving efficiency and efficient allocation of resources and, therefore, development of agriculture and economic prosperity.

Key words: governmental laws, agriculture, Messenger of Allah, in feudation (Iqta').

JEL: P4, Q18, P32, J43

The Role of Securities' Bourse in Achieving the General Policies of Resistive Economy

Mohammad Naghi Nazarpor/ Associate professor of economics department, Mufid University
nazarpur@mofidu.ac.ir.

✉ **Yahya Lotfiniya**/ MA student of Islamic Economics, Mufid University Yaya.lotfinia@yahoo.com
Received: 2014/08/17 - Accepted: 2015/01/31

Abstract

In recent years, the debate of resistive economy entered the literature of our country by the Supreme Leader to confront with the economic pressures and threats of World Arrogance against our country. The aim of propounding this issue is to achieve economic targets of our country's 20 year perspective in conditions which it is encountered with the kinds of pressures and sanctions, in the manner the economy would continuously experience its endogenous, stable growth and wouldn't get involved in stagnation. Achieving such growth needs to increase the rate of saving, rate of investment and optimum control of liquidity towards the productive economic activities. In this field, the Stock markets have an important role in helping the real sector of economy to achieve its targets. To offer the effective methods for implementation of the general policies of resistive economy, this paper investigates the role of securities' bourse in achieving the policies of resistive economy. Based on the research's findings, the securities' bourse by financing in knowledge-based companies, transfers of state firms in the form of stock supply to support production, to supply the strategic goods in specialized bourse of goods and being internationalized performs an effective role in achieving the general policies of resistive economy.

Key words: resistive economy, securities' bourse, specialized bourse of goods, financing, stock supply to production.

JEL: G00, O16, P49

The Islamic Banking Index

Mohammad Javad Tavakoli/ Assistance professor, IKI

tavakoli@iki.ac.ir

✉ **Abdulkhalegh Karimi**/ Phd student of the Qur'an and Economics, Jama'a Almostafa Ala'lamiyeh
Received: 2014/07/16 - Accepted: 2014/12/25

abkarimi58@gmail.com

Abstract

In recent decades, an Islamic banking development has doubled the necessity for the codification of the indexes on evaluating the level of realization of their causes. The main question of this paper is that, how can we evaluate the Islamic banking position. Using analytic method the findings of this paper show that observing fiqhi principles of Islam and realization of the Sharia causes form two pivotal aspects of Islamic banking. The components of first aspect are; the elimination of usury, ignorance, corruption and observance of contracts' fiqh, and the components of second aspect are; efficiency, the convergence of bank and real sectors, justice, performance of social responsibility, dignifying the customer and promotion of Qard al-hasanah loan. In this paper, to evaluate the level of observance of fiqhi's standards we have introduced the indicators of real contracts, Islamic banking data, knowing the overall meaning of contract, security of banking, allocation in the field of contract and non-delayed claims. To evaluate the realization of the sharia causes we have propounded the indicators such as; efficiency, the banking interests margin, the equality of opportunities, non-rental facilities, giving a chance to the insolvent, regional balance of facilities, justly commission, allocation of duty facilities, providing pure finances, timely payment of facilities and allocation of Qard al-hasanah loan. The offered index of Islamic banking is the simple average of the indicators of fiqhi's standards and realization of the sharia causes.

Key words: Islamic banking, Islamic bank, index, indicator, sharia causes.

JEL: E59 .C43 .P4

Abstract

The Interaction Between the Rate of Interest and Economic Growth

Rahim Delali Esfahani / Associate Professor of Economics, Esfahan University dallali@ase.ui.ac.ir

Esmā'e'il Mohammadi / Instructor of Almahdi University, Isfahan es.mohammady@yahoo.com

Received: 2014/06/17- Accepted: 2014/11/27

Abstract

In the history of economic thought, the issues related to the rate of interest, have been among the most disputable economic issues. The economists have offered different views in this field, meanwhile, the investigation of the interaction between the rate of interest and economic growth is of a special position. The paper's hypothesis is that, there is a negative relationship between the rate of time preference and the rate of economic growth and consequently between interest rate and growth rate. To test this theory, first we offer a mathematical model for evaluating the relationship between these two variables. To continue, we investigate the relationship between the interest and growth rates in Iran's economy during 1351-1386 using Lisrel (linear structural relations) software. In this survey, facilities rate of profit has been considered as a substitute of interest rate between 1362-1368 years. Meanwhile confirming the research's theory, the findings of the research show that, the rate of time preference and consequently, the rate of interest, during the investigated period has a negative effect on the economic growth.

Key words: Interest Rate, Economic Growth, Human Capital, The Rate of Time preference, Lisrel.

JEL: P4, E43, O42.

The Position of Inflation Tax in Islamic Economics

Nasrullah Khalili Tirtashi/ Assistant Professor of Islamic Azad University, Naragh

Received: 2014/10/23 - Accepted: 2015/03/12

vvffreeddccc@gmail.com

Abstract

One way to acquire income for securing public expenditures in conventional economics is to increase non-financed currency and circulate banknotes by the governments. The increase of the volume of surplus money on economic growth causes to shift the shopping power of people to the government, the increase of total demand and boosting the rate of inflation; a phenomenon which is known as "tax inflation". Although now tax inflation is used as a current way for budget deficit's financing, an exact analysis of its legitimacy in Islamic economics has not been presented yet. This paper deals with a study on the legitimacy of tax inflation in Islamic economics. Based on research's findings, tax inflation considering its opposition with economic aims of Sharia; that is upbringing of justice and equity, eliminating poverty and decentralizing wealth in the hands of the rich and its disagreeing with the principle of payment capability, the verse on "commerce" and the verse on "trifling price" Islam and Muslims interests, the rule on "Important and most Important" and the necessity of fulfilling contracts, has no position in Islamic economics and cannot be considered as a sources for acquiring revenues in Islamic government.

Key words: Tax Inflation, Islamic Economics, Budget Deficit, Issue Money, Monetary Policy.

JEL: E58 .P24 .E59 .P49

In the Name of Allah

Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami

(Islamic Economic Knowledge)

An Academi Semianual Journal on Islamic Economics

Vol.6, No.1

Fall & Winter 2014-15

Proprietor: *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

Editor in Chief: *Mohammad Javad Tavakoli*

Editor: *Hasan-Agha Nazari*

Executive Manager: *Amir Hosein Nikpour*

Translation of Abstracts: *Language Department of IKI.*

Editorial Board:

▣ **Hasan-Agha Nazari:** *Professor, A Member of Advisory Board of Economics Group, IKI.*

▣ **Hamid Abrishami:** *Professor, Tehran University.*

▣ **Parviz Davodi:** *Professor, Shahid Beheshti University & Manager of Economics Group, IKI.*

▣ **Masoud Derakhshan:** *Associate Professor, Alameh Tabataba'ii University.*

▣ **Farhad Rahbar:** *Associate Professor, Tehran University.*

▣ **Seyyed Mohammad Kazem Rajaii:** *Associate Professor, IKI.*

▣ **Gholam Reza Mesbahi Moghadam:** *Associate Professor, Imam Sadeq University.*

▣ **Hasan Sobhani:** *Professor, Tehran University.*

▣ **Elyas Naderan:** *Associate Professor, Tehran University.*

▣ **Mohammad Jamal Khalilian:** *Associate Professor, IKI.*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +9825-32113476

Fax: +9825-32934483

Sms: 10002532113473

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.lki.ac.ir & www.jek.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

Table of Contents

The Interaction Between the Rate of Interest and Economic Growth / Rahim Delali Esfahani/ Esmae'il Mohammadi..... 5

The Position of Inflation Tax in Islamic Economics / Nasrullah Khalili Tirtashi29

The Role of Securities' Bourse in Achieving the General Policies of Resistive Economy / Mohammad Naghi Nazarpour/ Yahya Lotfiniya..... 49

The Islamic Banking Index / Mohammad Javad Tavakoli / Abdulkhalegh Karimi 71

Martyr Sadr's Methodology for Islamic Economics; A Different View Point / Abdul Hamid Marefi Mohammadi 95

An Analysis of Prophet's Governmental Laws in the Agricultural Economics / Sayyed Ali Husseini..... 119

Special Interest-Free Accounts An Optimal Solution for Direction and Management of Interest-Free Resources in Islamic Banking System / Sayyed Abbas Musavian / Ali Rah Neshin..... 143